جوان

روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران
شنبه ۲۷ اردیبهشت ۱۴۰۴ - ۱۹ ذی‌القعده ۱۴۴۶
سال بیست‌وهفتم - شماره ۷۳۰۶ - ۱۶ صفحه
قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

پاسخ ساده و سرراست به یک سیاهکار

● رحیم زیادعلی | دبیر گروه سیاسی

سیاهکاری ترامپ در شنزارهای حاشیه جنوبی خلیج‌فارس، پاسخی ساده، سرراست، منطقی و مبتنی بر فرهنگ شهادت از رئیس جمهور و فرمانده کل سپاه دریافت کرد

صفحه ۲

جهان قلمرو مشق سیاهکاری نیست!

● غلامرضا صادقیان | سردبیر

پاسخ‌های ساده و منطقی رئیس جمهور و فرمانده کل سپاه به ترامپ برای من یک مزیت عینی داشت و آن اشاره شاید ناخودآگاه به منطق شهادت و فرهنگ ایثار ایرانیان بود. چیزی که برای غرب و ترامپ ناشناخته مانده یا دست کم می‌توان گفت کمتر در محاسبات‌شان لحاظ می‌شود. ترامپ در سخنان خود یک سیاهکار مطلق بود. درست در روزی که گردوخاک بیابان‌های عربستان و شیخ‌نشین‌ها تا تهران آمد، از سرسبزی آن مناطق گفت و از خشکسالی در ایران! و دقیقاً در زمانی که صدها میلیارد دلار اسلحه به اعراب خلیج‌فارس فروخت، آرزو کرد که امریکا پهپاد ایرانی تولید کند! سخنان ساده از زبان دکتر پزشکیان و سردار سلامی که پایه و اساسی عقلانی و منطقی و علاوه بر آن مبتنی بر عشق الهی داشت دعوتی است مانند آنچه حافظ از گناهکاران و سیاهکاران می‌خواهد: «بیا به میکده و چهره ارغوانی کن/ مرو به صومعه کانجا سیاه کارانند»! و از زبان بیدل دهلوی به ترامپ گفته شد که «جهان قلمرو مشق سیاهکاری نیست/ چو امتحان قلم نقطه جابه‌جا مگذار»!

پهپاد ایرانی ام آرزوست!

ترامپ در همان روز که صدها میلیارد دلار اسلحه به حاشیه‌نشین‌های خلیج فارس فروخت گفت به یک شرکت امریکایی گفتم باید پهپادهای زیادی تولید کند، مثل ایران که آنها پهپادهای خوبی با ۳۵ هزار دلار می‌سازند. آن شرکت دو هفته بعد سراغم آمد و پهپادی آورد که هزینه‌اش ۴۱ میلیون دلار [۱۲۰۰ برابر پهپاد ایرانی!] است. به آنها گفتم منظورم این نبود، منظورم پهپادی بود که فوقش ۳۵ هزار دلار باشد، مثل پهپادهای ایران خیلی خوب، سریع، مرگبار و وحشتناک! | صفحه ۱۵

سرمقاله

خالی‌فروشی ترامپ و رشوه‌های عربی

محمد جواد اخوان
مدیرمسئول

یک دهه پایانی عمر رژیم پهلوی، زمانی درآمد نفتی به‌یک‌باره سر به فلک گذاشت، محمدرضا شاه سرمست از دلارهایی که نمی‌دانست چگونه خرج‌شان کند، به ولخرجی‌های عجیبی روی آورد. از جمله هزینه‌کردهای شگفت‌آور پهلوی دوم، رشوه انتخاباتی به سود نامزدهای ریاست‌جمهوری امریکا بود. محمدرضاشاه که سلطنت خود را مدیون امریکایی‌ها می‌دید، بقای کار خود در تهران را منوط به کسب رضایت واشینگتن می‌دانست و تصور می‌کرد با حمایت از برخی نامزدهای انتخاباتی می‌تواند تداوم پادشاهی خود و فرزندش را تضمین کند.

پس از آنکه کمک قابل‌توجه شاه به کمپین انتخاباتی نیکسون، به تحکیم روابط شخصی او با رئیس‌جمهور وقت امریکا انجامید، پهلوی دوم در انتخابات ۱۹۷۶ نیز بار دیگر خواست شانس خود را امتحان کند. اما این بار روی اسب بازنده شرط بسته بود و به جای جرالد فورد، جیمی کارتر به کاخ سفید راه یافت. آن روزها در مطبوعات امریکا از رقم ۱۲۰ میلیون دلاری کمک شاه از دلارهای نفتی ملت به کارزار انتخاباتی فورد خبر می‌دادند. دو سال بعد البته معلوم شد این قمار برای شاه بازی دوسرباخت بوده است، چراکه کارتر هم به ضرب و زور برژینسکی نتوانست مانع از سقوط محمدرضا پهلوی شود.

سنت تاریخ همیشه بر همین منوال بوده است. حکامی که از پایه‌های حکومت خود اطمینانی ندارند، تلاش می‌کنند، در بیرون از مرزها، تکیه‌گاه‌هایی بیابند و طبیعتاً برای کشورهای نفتی این به ظاهر تکیه‌گاه‌ها معمولاً فاکتورهای گران‌تری صادر می‌کنند! سرنوشت نفت در رژیم‌های سلطنتی همین بوده است؛ تضمینی برای بقای خاندان حاکم. سلاطین برای صادرات نفت خام رقابتی افسارگسیخته دارند تا در دوره صدارت خودشان حداکثر بهره را ببرند. هیچ تضمینی وجود ندارد که چند صباح دیگر سلطنت در این خاندان یا فرزندان حاکم فعلی بمانند. مصداق بارز «در لحظه زندگی کردن و از آن لذت بردن» را در حکومت‌های پادشاهی می‌توان دید. شاه نیز در سال‌های پایانی تا توانست نفت فروخت و بخش زیادی از آن را با واردات اسلحه امریکایی، مصروف آبادکردن صنایع امریکا کرد به این خیال که دو صباح بیشتر حکم براند.

ترامپ به عنوان یک تاجر روانشناسی سلاطین را خوب می‌داند، مسئله اول و آخر آنها بقای سلطنت است و بس و هیچ آرمانی به جز این برای‌شان متصور نیست. همین نکته ظاهراً ساده اما مهم، ترامپ را به این نتیجه رسانده که باید چیزهایی را به جنوب خلیج‌فارس بفروشد و برای آن بهای گزافی هم بستاند. کالایی که فروخته می‌شود چیست؟ تضمین بقا! چگونه باید قیمت این کالای فرضی را بالا برد؟ با هیولاساختن از دشمن فرضی. اینجاست که «ایران‌هراسی» به ابزار معرکه‌گیری ترامپ تبدیل می‌شود. او به عادی‌سازی روابط با بزرگ‌ترین دشمن کشورهای اسلامی که اسرائیل است دعوت می‌کند و آنها را از هیولایی فرضی به نام ایرانی که می‌خواهد شبه‌جزیره را تصاحب کند (!) می‌ترساند. ترامپ حتی بقای قطر، عربستان و امارات را به امریکایی‌ها منتسب می‌کند تا قیمت معامله تا حداکثر ممکن بالا برود و البته می‌دانیم که منظور او بقای سه خاندان حاکم بر سلطنت بوده است.

ترامپ هنر فروختن را ظاهراً خوب می‌داند و البته برای «هیچ را گران فروختن» مهارت بیشتری دارد. البته سلاطینی هم که معمولاً از پسرعموهای خونی خود واهمه دارند، خریداران خوبی برای این «خالی‌فروشی‌های گزاف» هستند. حتی تازه به دوران رسیده‌های دمشق هم امیدوارند به بهای بذل و بخشش اراضی و قدرت دفاعی مردم سوریه به اسرائیل، دل ترامپ را به دست آورند.

برای ترامپ چیزهای مهم‌تری هم هست. او برای بازماندن از مسابقه بزرگ تجاری در دنیا، به سرمایه‌های هنگفتی نیاز دارد که آن را در غرب آسیا یافته است. می‌داند که صاحبان این سرمایه، حاضرند برای بقای‌شان مبلغ خوبی بپردازند و این فرصتی است که ترامپ آن را ربوده است. سؤالی که تحلیلگران امریکایی احتمالاً در ذهن دارند این است که آیا این رشوه‌های شخصی به ترامپ یا وعده انتقال سرمایه‌های عربی به امریکا، می‌تواند به وعده ترامپ برای «اول ماندن امریکا» کمک کند؟ پاسخ پیچیدگی دارد و نمی‌توان به راحتی به آن جواب داد. اما سؤالی که ساکنان غرب آسیا دارند، چیز دیگری است. آیا رشوه به ترامپ به بقای سیاسی می‌انجامد؟ اگر محمدرضا پهلوی زنده بود احتمالاً جواب این سؤال را به خوبی می‌توانست بدهد.

ستون شنبه‌ها

مهدی مولایی

«خودشرقی‌سازی» در برابر مانور تجمل!

خودشرقی‌سازی به معنی درونی‌سازی کلیشه‌های شرق‌شناسانه غرب است که شرق را به عنوان فضایی عقب‌مانده و غرب یا وابستگانش را به عنوان نماد پیشرفت و توسعه‌یافتگی معرفی می‌کند و افرادی از دل خود جوامع شرقی با پذیرش این کلیشه‌های برساخته، به تثبیت و ترویج این گفتمان استعماری می‌پردازند | صفحه ۳

یادداشت سیاسی

ابوالفضل صفری

دیپلماسی اقتدارگرا تجربه دولت سیزدهم

شهید رئیسی با عبور از رویکردهای منفعلانه پیشین، سیاست خارجی کشور را در چارچوب اصول انقلاب اسلامی و عقلانیت انقلابی به مسیری نو سوق داد که در آن، تعامل از موضع قدرت و عزت دنبال شد، نه از موضع ضعف، وادادگی و انفعال. در گفتمان سیاست خارجی شهید رئیسی، عزت ملی و تعامل به‌مثابه دال مرکزی قرار داشت | صفحه ۲

یادداشت اقتصادی

وحید عظیم‌نیا | دبیر گروه اقتصادی

سازمان بی‌برنامه!

عجیب نیست در سرزمینی که نام نهادها گاهی بلندتر از کارکردشان طنین می‌افکند، سازمانی با عنوان پرطنینی چون «سازمان برنامه‌وبودجه»، بی‌برنامه‌ترین نهاد کشور لقب گیرد؛ نهادی که باید قطب‌نمای توسعه، دیده‌بان عدالت و معمار آینده کشورمان باشد، سال‌هاست زیر آوار روزمرگی، بخشی‌نگری و فشارهای سیاسی، خم شده و وظایف سترگ خود را به حاشیه رانده است | صفحه ۴

یادداشت اجتماعی

مهسا گربندی | خبرنگار گروه اجتماعی

«تحول در آموزش» وعده‌ای بزرگ، راهی دشوار!

پزشکیان در نشست با فعالان سیاسی و اجتماعی استان کرمانشاه تأکید کرده است: «همه مدارس در سراسر کشور را طی مدت دو سال درست می‌کنیم»، البته نکته‌ای که او بر آن اذعان دارد، کمبود بودجه است و دولت برای اجرای این طرح، بیشتر بر مشارکت مردم حساب باز کرده است، اما آیا چنین پروژه‌ای بدون تأمین مالی پایدار، به نتیجه می‌رسد؟! | صفحه ۳

روزانه ۱۲۰۰ نوزاد اجازه تولد نمی‌گیرند!

● زهرا جیذری | خبرنگار گروه اجتماعی

آمار سقط جنین هم مانند آمار و ارقام هر موضوع غیرقانونی دیگری خیلی دقیق نیست اما آمارهای تخمینی، از مرگ پیش از تولد حدود هزار و ۲۰۰ جنین حکایت دارد؛ آمار قابل تأملی که وقتی در بازل وضعیت کنونی جمعیت جامعه قرار می‌گیرد، می‌تواند بخش مهمی از توان جامعه برای افزایش جمعیت به شمار رود. با وجود این روزانه حدود هزار و ۲۰۰ پدر و مادر به فرزندان‌شان فرصت متولد شدن هم نمی‌دهند تا مسئله سقط جنین به یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌ها در کاهش نرخ باروری و نرخ رشد جمعیت کشورمان تبدیل شود. این در حالی است که سقط جنین به جز مواردی که با دستور پزشک و مجوز پزشکی قانونی باشد، در کشورمان امری غیرقانونی است و صرف‌نظر از تبعات اجتماعی و جمعیتی آن‌قدر برای مادر عارضه دارد که می‌تواند حتی منجر به مرگ او شود!

آمارهای سقط جنین را که با آمارهای رسمی ولادت‌ها در طول یک سال مقایسه می‌کنیم دست‌مان می‌آید این پدیده چه تأثیر شگرفی روی رشد جمعیت می‌تواند داشته باشد. در حالی که سال گذشته آمار ولادت‌ها ۹۷۹ هزار و ۹۳۰ نفر بوده است. طبق برخی گزارش‌ها روزانه هزار و ۲۰۰ سقط جنین داریم، بدین معنا که تقریباً چیزی بین نصف تا یک‌سوم نوزادانی که به دنیا می‌آیند، سقط می‌شوند و قبل از تولد محکوم به مرگ‌اند. جالب اینجاست که ۹۶ درصد از این جنین‌ها پدر و مادر شرعی دارند. این آمار و ارقام می‌تواند گویای اهمیت مسئله سقط جنین در رشد جمعیت باشد. به همین خاطر هم مدتی است که گروه‌های مقابله با سقط جنین در کشور فعال شده و سعی می‌کنند با آگاهی‌بخشی به خانواده‌ها، آنها را از کشتن فرزندشان منصرف کنند. پویشی که البته دستاوردهای خوبی هم داشته است و تاکنون نزدیک به ۶ هزار جنین زنده مانده‌اند. مراسم اهدای جایزه ملی جوانی جمعیت آخرین مراسم و گردهمایی بود که رئیس‌جمهور شهید در آن حضور یافت و در آن به موضوع مهم سقط جنین اشاره کرد. مرحوم آیت‌الله رئیسی ضمن تأکید بر اجرای قانون جوانی جمعیت، یکی از موانع مهم پیش‌روی افزایش جمعیت را مسئله سقط جنین غیرقانونی عنوان کرد و گفت: «آمارهای منتشر شده در این زمینه نگران‌کننده است که برخورد جدی با موارد غیرقانونی و بدون مجوز از سوی پزشک را لازم و ضروری کرده است.» وی اقناع و آگاه‌سازی زوج‌های جوان نسبت به آثار حقوقی و آثار وضعی سقط جنین را از جمله راهکارهای مؤثر در کاهش این پدیده نادرست دانست و همچنین قدرت و جدیت در اجرای قانون را از دیگر عوامل مهم در کاهش آمار سقط جنین به شمار آورد و از دستگاه قضا و نهادهای دولتی مرتبط با این امر خواست با رصد و پیگیری جریان سوداگر و تحت پیگرد قرار دادن آنها در زمینه کاهش این پدیده نادرست نقش‌آفرینی کنند. حالا یک سال از این سخنرانی و از شهادت سید ابراهیم رئیسی می‌گذرد اما وضعیت سقط جنین در کشورمان همچنان نامطلوب است. هر چند پوشش‌هایی مانند «نفس» توانسته‌اند در این زمینه گام‌هایی بردارند.

■ نقش آگاهی در کاهش سقط جنین

صابر جباری، رئیس مرکز جوانی جمعیت، سلامت خانواده و مدارس وزارت بهداشت درباره نقش آگاهی در کاهش رفتارهایی مانند سقط جنین گفت: «یکی از مهم‌ترین عوامل اصلاح رفتار، آگاهی‌بخشی است. بسیاری از رفتارهای نادرست مانند سقط جنین، ناشی از عدم اطلاع از حرمت این عمل و حقوقی است که جنین برای ادامه حیات دارد. آگاهی‌بخشی، چه از طریق مطالعه کتاب‌های فقهی، حقوقی، اخلاقی و پزشکی و چه از طریق روایت‌های انسانی، می‌تواند تأثیر بسزایی در تغییر نگرش افراد داشته باشد.»

رئیس مرکز جوانی جمعیت، سلامت خانواده و مدارس وزارت بهداشت، در مورد فعالیت‌های مفید پویش نفس در آگاه‌سازی جامعه، گفت: «هدف اصلی پویش نفس، شناسایی افرادی است که قصد سقط جنین دارند و تلاش برای منصرف کردن آنان از این تصمیم. دلایل تصمیم به سقط متفاوت است؛ برخی به‌دلیل ناآگاهی اقدام به سقط می‌کنند که نیاز به آموزش دارند، برخی به مشکلات اقتصادی دچارند که می‌توان با حمایت مالی کمک‌شان کرد و برخی نیز به توصیه‌های غلط پزشکی دچار سردرگمی می‌شوند که نیازمند اصلاح نگرش در این حوزه هستند.»

طبق تأکید وی این پویش با نام زیبای «نجات فرزندان» گسترش یافته و به‌تدریج افراد زیادی برای مشارکت در این کار خیر همراه شده‌اند.

■ ضرورت اصلاح باورها و انگاره‌ها

از نگاه رئیس مرکز جوانی جمعیت، سلامت خانواده و مدارس وزارت بهداشت باید باورهای غلط را اصلاح کنیم؛ جنین تنها یک لخته خون نیست، بلکه موجودی زنده با حق حیات است. اگر این انگاره ذهنی اصلاح شود، بسیاری از افراد از تصمیم خود برای سقط منصرف خواهند شد.

وی تصریح کرد: «دلایل اصلی سقط شامل نداشتن آمادگی برای داشتن فرزند بیشتر، مشکلات اقتصادی و بدموقع بودن بارداری است. بسیاری از این موارد تحت تأثیر سیاست‌های تنظیم خانواده و باورهای اشتباه شکل گرفته است. اصلاح انگاره‌های ذهنی جامعه درباره اینکه جنین موجودی بی‌جان نیست، بلکه دارای مراحل وجود و حیات است، نقش مهمی در کاهش آمار سقط دارد.»

جباری درباره همراهی اقشار مختلف با پویش نفس گفت: «افراد با تخصص‌های مختلف می‌توانند در این پویش مشارکت داشته باشند؛ پزشکان و مشاوران می‌توانند آگاهی‌بخشی کنند، روان‌شناسان می‌توانند حمایت روانی ارائه دهند، افراد دارای توان اقتصادی می‌توانند کمک مالی کنند، هنرمندان با خلق آثار هنری و فیلم‌های کوتاه می‌توانند پیام‌های مؤثری منتقل کرده و مدیران و سیاستگذاران نیز با تسهیل ازدواج و حمایت از مادران در محل کار می‌توانند به کاهش نرخ سقط جنین کمک کنند.»

■ قانون بر زمین مانده

امیرحسین بانکی‌پور، عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی و رئیس کمیسیون مشترک طرح جوانی جمعیت و حمایت از خانواده، هم با اشاره به روند افزایشی سقط جنین در سال‌های گذشته، خاطرنشان کرد: «اجرای قوانین مصوب می‌تواند از گسترش این پدیده جلوگیری کند.»

طبق توضیحات وی در قانون جوانی جمعیت، ۹ ماده اختصاصی به موضوع سقط جنین پرداخته، اما هنوز اجرای کامل آن صورت نگرفته است.

بانکی‌پور پیشنهاد کرد: گروه‌هایی مانند پویش نفس با مطالبه‌گری از نهادهای مسئول، زمینه اجرای این قوانین را فراهم سازند.

گفت‌وگوی تفصیلی «جوان» با داوود منظور رئیس سازمان برنامه و بودجه دولت سیزدهم

سازمان برنامه باید کوچک‌سازی دولت را طراحی کند

● وحید عظیم‌نیا | دبیر گروه اقتصادی

بعضاً مشاهده می‌شود بودجه‌ریزی تبدیل به یک چانه‌زنی سیاسی شده است نه یک فرایند علمی

صفحه ۱۲

ما خیلی زود به سمت خصوصی‌سازی مدارس رفتیم

● مهسا گربندی | خبرنگار گروه اجتماعی

سخنگوی آموزش‌وپرورش در گفت‌وگو با «جوان»: در حالی که هنوز کارخانه‌ها، خودروسازی، پالایشگاه‌ها و صنایع بزرگ دولتی هستند آموزش‌وپرورش نباید اولین حوزه‌ای باشد که به بخش خصوصی واگذار می‌شود | صفحه ۳

یادداشت سیاسی

ادراک‌سازی معلول‌گرا

عبدالله گنجی
کارشناس سیاسی

یکی از هنرهای رسانه‌ای غرب و پیاده‌نظام آن در ایران پرداختن به معلول‌ها و مخفی کردن علت‌هاست. دیدن پدیده، اتفاق، تغییر و توصیف بدون فهم علت آن معمولاً سکه رایج در مواجهه با مشکلات جمهوری اسلامی است که خود نوعی شگرد برای سامان دادن به ذهن است. به این مثال توجه بفرمایید. کره‌شمالی در ذهن روشنفکران ما نماد فقر، انزوا و بسته بودن است و مثال‌آوری از آن برای توصیف آینده ایران یا مقایسه آن با ایران را زیاد شنیده‌اید. آیا دیده‌اید کسی بپرسد علت اینکه کره‌شمالی چنین شده است، چیست؟ جرم کره‌شمالی چیست که چنین شده است؟ کره برای جهان یا امریکا تهدید بوده است؟ خیر! علت این است که کره گفته است ما سیادت و سیاست و الگوی سیاسی غرب را نمی‌خواهیم، مدل دیگری داریم. و علت وضع موجود آن عدم تمکین در مقابل سیادت امریکا است. کوبا نمونه دیگر است. کوبا چه کاری به امریکا دارد؟ فقط مدل سیاسی غرب را نپذیرفته است. بنابراین چرا در توصیف وضع آنان علت به ذهن نمی‌آید؟ این همان هنر ادراک‌سازی غرب برای شرق است. به قول ادوارد سعید، غرب نه‌تنها شرق را تفسیر می‌کند که تولید هم می‌کند. یعنی ما ایرانی‌ها و ما شرقی‌ها برای اینکه بفهمیم کجا هستیم و چه کار می‌کنیم به منابع غربی مراجعه می‌کنیم. اندیشمندان علوم سیاسی ایران - حتی کسانی که سال ۱۳۵۷ در ایران بوده و هستند- برای فهم انقلاب اسلامی کتب ترجمه را می‌خوانند و از دریچه غرب جمهوری اسلامی را ادراک می‌کنند، حال آنکه خود از نزدیک دیده‌اند. کتاب «ما چگونه ما شدیم» زیباکلام و منابع آن را ببینید تا متوجه موضوع شوید.

حتی هنر وارونه کردن «علت» نیز وجود دارد. می‌گویند جمهوری اسلامی غرب‌ستیز است. وقتی پاسخ می‌خواهید که ایران چه اقدامی علیه آلمان، فرانسه و انگلیس انجام داده است که این همه جنایت در جنگ و تحریم علیه ایران کرده‌اند، پاسخی وجود ندارد.

ترامپ ۵۰ درصد سخنرانی خود را در اجلاس اعراب به ایران اختصاص داد که هم نشان اهمیت ایران در معادلات است و هم -همانطور که خود اعراب را تحقیر کرد و گفت اگر ما نبودیم شما وجود نداشتید- دنبال فروش سلاح است. طبیعی است بی‌ریشه‌ها و بی‌تمدن‌های عرب که دنبال ساختن آثار باستانی هستند، ترامپ را ترغیب به مقایسه کنند و ترامپ نیز بگوید وضع موجود شما (اعراب) مدیون ماست و وضع موجود ایران نیز به خودشان ربط دارد. هدف دولت‌های پیشین امریکا از اعمال تحریم‌ها ایجاد اخلال در نظام اقتصادی و مانع‌تراشی بر سر پیشرفت ایران بوده است. دلیل وضع تحریم‌ها چه بوده است؟ جز عدم پذیرش سیادت غرب دلیل دیگری می‌توان برای آن یافت؟ مثلاً علت خشکسالی حکومت است؟ رئیس‌جمهور اسبق ایران گفت ابرها را دشمنان دستکاری می‌کنند، رئیس‌جمهور دیگرمان گفت آب خوردنمان هم به تحریم بستگی دارد. آنان که آن روز برای این عبارات کف می‌زدند، امروز چه می‌گویند؟ پس اگر خشکسالی (که دو دهه پیش نبود) توطئه است علت به غرب برمی‌گردد. اگر به صنعتی شدن جهان و گرم شدن آن است باز به جهان صنعتی غرب برمی‌گردد. اما وقتی علت را مخفی کنی و دنبال دستگیره‌ای برای تحقیر خود هستی فکر می‌کنی علت به مدیریت رئیسی و پزشکیان و دیگران برمی‌گردد. مدیریت جمهوری اسلامی در مسئله آب تحسین‌برانگیز است اما یاد گرفته‌ایم نیمه پر را نبینیم تا پر شدن نیمه خالی را منوط به سیادت امریکا کنیم.

بقیه در صفحه ۲

۲۲

نهج‌الامامة
نهج البلاغه در کلام امام خامنه‌ای

دوقطبی‌سازی ممنوع!

[امیرالمؤمنین (علیه السلام)] درباره اهل جمل، در قضیه جنگ جمل - که یکی از آزمایش‌های بسیار دشوار امیرالمؤمنین بود - فرمود: «إِنَّ هَؤُلَاءِ قَدْ تَمَالَئُوا عَلَى سَخْطَةِ إِمَارَتِي»؛ اینها جمع شدند، دست به یکی کردند برای اینکه نسبت به این حکومتی که به امیرالمؤمنین رسیده است، خشم خود را آشکار کنند. «وَ سَأَصْبِرُ»؛ فرمود: من صبر خواهم کرد. اما تا کی؟ «مَا لَمْ أَخَفْ عَلَى جَمَاعَتِكُمْ»؛ [فَإِنَّهُمْ إِنْ تَمَّمُوا عَلَى فَيَالَةِ هَذَا الرَّأْيِ انْقَطَعَ نِظَامُ الْمُسْلِمِينَ] (خطبه ۱۶۹) آن وقتی که ببینم حرکت اینها دارد بین شما مسلمان‌ها شکاف ایجاد می‌کند، اختلاف ایجاد می‌کند، برادران را در مقابل هم قرار می‌دهد، آن وقت وارد عمل خواهم شد و فتنه را اعلاج خواهم کرد. ۱۳۸۸/۰۶/۲۰

یادداشت

ابوالفضل صفری

دیپلماسی اقتدارگرا تجربه دولت سیزدهم

شهید آیت‌الله سید ابراهیم رئیسی با پشتوانه اعتماد مردمی و تنفیذ رهبر معظم انقلاب اسلامی، مسئولیت ریاست‌جمهوری را در یکی از پیچیده‌ترین و بحرانی‌ترین دوره‌های تاریخ معاصر ایران پذیرفت و سیاست خارجی کشور را بر پایه گفتمانی نوین، مقتدر و متوازن باز تعریف کرد. این دوره، از یک‌سو به سبب قرار گرفتن در آستانه تحولات ژرف در نظم منطقه‌ای و بین‌المللی، پیچیده بوده و از سوی دیگر به دلیل میراث سنگین گفتمان غرب‌گرایانه دولت‌های یازدهم و دوازدهم که انزوای ایران و خسارت‌های جبران‌ناپذیر به منافع ملی را رقم زده بود، بحرانی تلقی می‌گردید. شهید رئیسی با عبور از رویکردهای منفعلانه پیشین، سیاست خارجی کشور را در چارچوب اصول انقلاب اسلامی و عقلانیت انقلابی به مسیری نو سوق داد که در آن، تعامل از موضع قدرت و عزت دنبال شد، نه از موضع ضعف، وادادگی و انفعال. در گفتمان سیاست خارجی شهید رئیسی، عزت ملی و تعامل به‌مثابه دال مرکزی قرار داشت و سایر مؤلفه‌ها نظیر سیاست همسایگی، حمایت از مقاومت، چندجانبه‌گرایی، دیپلماسی اقتصادی، تلاش برای خنثی‌سازی تحریم‌ها و اصلاح ساختار مذاکرات هسته‌ای در مدار آن سامان می‌یافت. دولت سیزدهم، تعامل با جهان را نه به معنای امتیازدهی یک‌طرفه یا تضعیف استقلال سیاسی، بلکه بهره‌گیری هوشمندانه از ظرفیت‌های دیپلماتیک برای تأمین منافع کشور تلقی می‌کرد. رویکرد شهید رئیسی در سیاست خارجی، مبتنی بر انقلابی‌گرایی عقلانی، واقع‌بینی، اقناع‌گری متکی بر آموزه‌های اسلامی، حمایت از وحدت جهان اسلام و پیوند میدان و دیپلماسی بود که در مجموع، سیمای جمهوری اسلامی را به‌عنوان بازیگری هوشمند، فعال و فرصت‌ساز در نظام بین‌الملل ترسیم کرد.

از رهگذر این گفتمان، دولت سیزدهم توانست حضوری فعال و جهت‌بخش در تحولات منطقه‌ای و جهانی ایفا کند. احیای روابط با کشورهای مهم منطقه مانند عربستان سعودی، توسعه مناسبات با آسیای مرکزی، جنوب آسیا و قفقاز و گسترش تعامل با کشورهای آفریقایی و امریکای لاتین، نمود عملی این رویکرد جامع‌نگر بود. در این دوره، جمهوری اسلامی ایران نه‌تنها از انزوای راهبردی تحمیلی دوران پیشین رهایی یافت، بلکه با عضویت در سازمان‌هایی نظیر سازمان همکاری شانگهای و گروه بریکس، به یکی از کنشگران مؤثر در نظم چندقطبی نوظهور بدل شد. همچنین بهره‌گیری از کریدورهای منطقه‌ای و ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی کشور، در راستای تقویت موقعیت جمهوری اسلامی ایران در تجارت جهانی و تثبیت جایگاه اقتصادی منطقه‌ای آن تعریف شد. در عرصه اقتصاد بین‌الملل، دولت شهید رئیسی با تأکید ویژه بر دیپلماسی اقتصادی، توانست جهشی چشم‌گیر در تجارت خارجی رقم زند. صادرات غیرنفتی افزایش یافته و با وجود تداوم تحریم‌ها، صادرات نفت و فرآورده‌های نفتی به سطحی کم‌نظیر رسید. قراردادهای راهبردی در حوزه انرژی با کشورهایی در آسیا، آفریقا و امریکای لاتین، بخش مهمی از راهبرد افزایش درآمدهای ارزی کشور را شکل می‌دادند. این دستاوردها نه‌تنها به بهبود معیشت مردم کمک کرد بلکه موجب تقویت استقلال اقتصادی و کاهش وابستگی به نظام مالی غرب شد. افزایش حجم تجارت با همسایگان، انعقاد توافق‌های زیرساختی و منطقه‌ای و حضور فعال در ائتلاف‌های منطقه‌گرایانه، جمهوری اسلامی ایران را به الگویی موفق از مقاومت هوشمند و توسعه‌گرا در عرصه بین‌الملل بدل ساخت.

از دیگر محورهای مهم سیاست خارجی دولت سیزدهم، تلاش هدفمند برای کاهش تصمیمات تهدیدآمیز علیه ایران و تضعیف کانون‌های خطرآفرین در منطقه بود. این هدف، در کنار حمایت قاطع از محور مقاومت و مقابله با رژیم صهیونیستی، در قالب راهبردی فعال و عقلانی پیگیری شد. دولت سیزدهم با نگاهی واقع‌گرایانه و در عین حال وفادار به اصول انقلابی، توانست بحران‌هایی چون جنگ اوکراین، ناآرامی‌های داخلی ۱۴۰۱ و فشارهای مکرر حقوق بشری غرب را با حداقل هزینه مدیریت کند و در عین حال، جایگاه بین‌المللی جمهوری اسلامی را ارتقا دهد. دولت سیزدهم در این مسیر، راهبرد فرصت‌سازی از دل تهدیدات را محقق ساخت، چنان‌که در ماجرای آشوب‌های ۱۴۰۱ که دشمنان با سازماندهی گسترده مزدوران و تروریست‌های چندملیتی در پی ایجاد آشوبی شبیه به الگوی سوریه بودند، دولت سیزدهم با نقش‌آفرینی هوشمندانه نیروهای مسلح، دولت عراق را به خلع سلاح این عناصر واداشت و امنیت مرزها را بازیابی کرد. برخلاف دولت پیشین که دوگانه‌انگاری میان میدان و دیپلماسی را اولویت خود قرار داده بود، دولت سیزدهم توانست با پیوند مؤثر این دو حوزه، به‌ویژه در محور فلسطین و یمن و در چارچوب سیاست همسایگی، نقشی بازدارنده و تعیین‌کننده در امنیت منطقه‌ای ایفا کند. در این زمینه، شهید دکتر حسین امیرعبداللهیان نقشی برجسته و تعیین‌کننده داشت و با بهره‌گیری از تلفیق اصول انقلابی با منطق دیپلماتیک، در پرونده‌هایی نظیر عملیات وعده صادق یک، شکست‌هایی معنادار را به دشمن در میدان دیپلماسی تحمیل کرد. همچنین اهتمام ویژه شهید رئیسی به مسئله فلسطین، یکی از نقاط درخشان کارنامه سیاست خارجی این دولت بود. ایشان در عین پایبندی به آرمان آزادی قدس، از ورود به حواشی پرهزینه (نظیر آنچه در دولت‌های نهم و دهم مشاهده شد) اجتناب کرده و رویکردی شفاف، قاطع، سنجیده و عزتمندانه در پیش گرفت که هم مبتنی بر اصول انقلاب اسلامی بود و هم منطبق با مصالح ملی.

تعامل عزت‌مدارانه دولت شهید رئیسی، بر راهبردی استوار بود که در آن منافع ملی، استقلال سیاسی، اصول انقلابی و واقع‌گرایی سیاسی در توازن با یکدیگر قرار می‌گرفتند. سیاست خارجی دولت سیزدهم نشان داد که می‌توان ضمن حفظ آرمان‌ها، با جهان تعامل داشت و بدون امتیازدهی، در نظم نوین بین‌المللی ایفای نقش داشت. سیاست خارجی دولت سیزدهم، به‌ویژه در حوزه‌هایی همچون دیپلماسی علمی، انرژی، واکسن، محیط زیست، آب و تعاملات نهادی، از مرزهای سنتی دیپلماسی عبور کرده و افقی گسترده و چندبعدی یافت که دستاوردهای ملموسی برای کشور به همراه داشت. گفتمان دولت سیزدهم با دستاوردهایی چون افزایش صادرات، رشد تجارت خارجی و حضور فعال در سازمان‌های بین‌المللی، تصویری قدرتمند، مستقل و شایسته از ایران در عرصه جهانی تثبیت کرد.

در مجموع، سیاست خارجی دولت شهید رئیسی، الگویی عملی از عقلانیت انقلابی در عرصه بین‌الملل ارائه داده و عمق راهبردی جمهوری اسلامی را به‌گونه‌ای محسوس گسترش بخشید؛ الگویی که در برابر جریان‌های سازش‌طلب لیبرال، تقابل‌گرایی افراطی و محافظه‌کاری منفعل، بدیلی روشن، مؤثر و آینده‌ساز پدید آورد. این مسیر، راهی گشوده برای ساختن ایران قوی در آینده است.

گزارش خبری
رحیم زیادعلی

پاسخ ساده و سر راست به یک سیاهکار

سیاه‌کاری ترامپ در شنزارهای حاشیه جنوبی خلیج‌فارس، پاسخی ساده اما منطقی و مبتنی بر فرهنگ شهادت از رئیس‌جمهور و فرمانده‌کل سپاه دریافت کرد

رئیس‌جمهور خودشیفته ایالات متحده امریکا که همواره کوشیده است، فردی غیرقابل پیش‌بینی تعریف شود، برخلاف سنت گذشته رئیسان جمهور که سفرهای خارجی خود را از اروپا آغاز می‌کنند، در نخستین سفر به منطقه غرب آسیا پس از پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری، با قراردادی ۳/۲ تریلیون دلاری به واشینگتن بر می‌گردد. قراردادی که بر اساس آن سه کشور عربی اسلامی یعنی عربستان سعودی (۶۰۰ میلیارد دلار)، قطر (۱/۲ تریلیون دلار) و امارات (۱/۴ تریلیون دلار) متعهد به سرمایه گذاری در امریکا شده‌اند! و چه سفری چرب‌تر از اینکه هرگز در کشورهای متحد اروپایی خوابش را هم نمی‌بیند.

درباره تعهد امریکا به سرمایه گذاری کلان این سه کشور عربی البته خبری منتشر نشده، اما می‌توان حدس زد که ترامپ این باج‌خواهی را در قبال امنیتی که او مدعی است برای کشورهای منطقه به ارمغان آورده دریافت کرده است! همچنان که وقتی در مقابل این پرسش خبرنگاران قرار گرفت که چرا حاضر شده هدیه لوکس هواپیمای ۴۰۰ میلیون دلاری قطر را بپذیرد، با بیان اینکه «من هرگز کسی نیستم که چنین پیشنهادی را رد کنم»، به نکته‌ای عجیب اشاره کرد که باج خواهی او را عیان می‌کرد: «عربستان سعودی، امارات، قطر و دیگران، ما امنیت آنها را تأمین می‌کنیم. اگر ما نبودیم احتمالاً الان اصلاً وجود نداشتند»!

و این سیاست قطعی حاکمان امریکا در منطقه غرب آسیا طی چند دهه گذشته بوده که همواره به بهانه مقابله با ناامنی و تروریسمی که خود به اشکال و عناوین مختلف در منطقه تولید کرده‌اند (رژیم صهیونیستی و داعش) هم حضور خود را در منطقه توجیه کنند و هم منابع، منافع و امکانات کشورهای اسلامی را به تاراج ببرند. به یاد بیاورید اذعان دونالد ترامپ در جریان رقابت‌های انتخاباتی امریکا که رقیب خود بایدن را متهم کرد ۸ تریلیون دلار برای مقابله با تروریسم در خاورمیانه هزینه کرد و شکست خورد. حالا او آمده با سرکرده همان تروریست‌ها در عربستان دیدار می‌کند و نرد عشق می‌بازد! همان تروریستی که برای او جایزه ۱۰ میلیون دلاری تعیین کرده بودند. یا پیش‌تر از آن (خانم کلینتون وزیر خارجه وقت امریکا) که رسماً اعلام کرده بود که داعش را ما ایجاد کردیم.

اکنون اما رئیس‌جمهور امریکا در سفر سه روزه به منطقه، در اتهاماتی واهی و برای توجیه باج‌خواهی‌های خود از منطقه، جمهوری اسلامی ایران را به عنوان عامل برهم زننده امنیت منطقه و حمایت از تروریسم! معرفی می‌کند تا علاوه بر اینکه از خود یک چهره صلح طلب به نمایش بگذارد، قراردادهای تریلیون دلاری با کشورهای منطقه را در قالب تأمین امنیت آنها، فاکتور کند؛ موضوعی که مضحک بودن آن بسیار واضح است و جمهوری اسلامی ایران همواره صلح و امنیت منطقه را اولویت اساسی خود تعریف کرده و در مقابله با تروریسم منطقه‌ای هم هزینه‌های فراوان جانی، مالی و معنوی فراوان پرداخته که مبارزه با داعش و ریشه کن کردن این باند دست‌پرورده امریکا و رژیم صهیونی نمونه عینی این مبارزه است.

■ ترامپ ایرانیان را نشناخته است

واکنش‌ها به اباطیل ترامپ از سوی مقامات جمهوری اسلامی ایران اما شنیدنی است. دکتر مسعود پزشکیان که در ششمین دور از سفرهای استانی دولت وفاق به کرمانشاه سفر کرده بود، شامگاه چهارشنبه در جمع فرهیختگان، نخبگان و فعالان فرهنگی این استان گفت: دونالد ترامپ ایرانیان را نشناخته است.

رئیس‌جمهور با اشاره به شهادت بیش از ۶۰ هزار انسان بی‌گناه، زن و کودک در غزه، افزود: آیا ما راه نان و آب و دارو را بر این مردم بی‌گناه بسته‌ایم؟ آنها می‌گویند بمب‌هایی داریم که تصور آن را هم نمی‌توان کرد، بعد ما عامل جنگ و خونریزی هستیم یا شما که می‌خواهید بمب و اسلحه و موشک به کشورهای منطقه بدهید؟ چه کسی دنبال جنگ است و می‌خواهد کشورهای منطقه را به جان هم بیندازد؟ پزشکیان با اشاره به ادعای واهی غرب برای برقراری صلح در منطقه، تأکید کرد: ۴۷ سال است که با تمام قدرت خود برای به زانو درآوردن این مردم و نظام تلاش می‌کنند، اما نتوانستند و نخواهند توانست. ادعا می‌کنند که ما داعش را نابود کردیم، شما شهید سلیمانی را به شهادت رساندید، کسی که در مقابل داعش ایستاد. شما به داعش آموزش دادید و آنها را پشتیبانی کردید اما شهید سلیمانی با کمک نیروهای جان بر کف داعش را از منطقه بیرون کرد. شما هنوز هم از داعش حمایت می‌کنید و بعد به ما می‌گویید که ما دنبال جنگ هستیم، ما دنبال جنگ هستیم یا اسرائیل که به هیچ قانون حقوق بشری توجه ندارد و رعایت نمی‌کند.

■ ایران را خواهیم ساخت

رئیس‌جمهور با تأکید بر اینکه چه آنها بخواهند صلح کنند و چه نخواهند، ما این مملکت را با قدرت آباد خواهیم کرد و خواهیم ساخت، تأکید کرد: ما به دنبال صلح هستیم و به دنبال جنگ نیستیم، اما عزت و سربلندی خود را به هیچ چیزی نخواهیم فروخت و در مقابل هیچ قدرتی سر خم نخواهیم کرد و تسلیم نخواهیم شد. با حضور دانشمندان، کارآفرینان و نخبگان مملکت را آباد خواهیم کرد. رئیس‌جمهور البته پیام صریح و روشنی هم به کشورهای منطقه داد: با تمام کشورهای منطقه پیمان برادری و برابری بسته‌ایم، طمع به خاک هیچ کشوری نداریم و به دنبال عزت و سربلندی مردم و کشور خود هستیم. شما نامردان دانشمندان ما را ترور کردید، شما تروریست هستید که علما و دانشمندان ما را ترور می‌کنید، کسانی که برای عزت و سربلندی کشورمان تلاش می‌کردند.

■ ترامپ بذر ناامیدی ایرانیان را به خواب ببیند

رئیس‌جمهور تأکید کرد: این خیال خامی است که کسی تصور کند به منطقه ما می‌آید و ما با شعارهایش از او می‌ترسیم یا در مقابل وعده‌هایش کوتاه خواهیم آمد، ما عزت و سربلندی مملکت خود را با هیچ کس معامله نخواهیم کرد و این در ذات و درون هر ایرانی است. وی تمام تلاش دشمنان را در جهت ایجاد تفرقه بین ایرانیان دانست و تصریح کرد: سخنرانی ترامپ برای ایجاد اختلاف، دعوا و کاشت بذر ناامیدی است اما خواب آن را ببیند، همه ایرانیان برای کشور خود و سربلندی این آب و خاک در صحنه هستند.

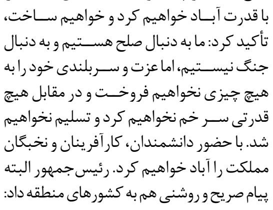

■ پاسخ فرمانده کل سپاه به ترامپ

سردار سرلشکر پاسدار حسین سلامی، فرمانده کل سپاه نیز روز پنج‌شنبه در مراسم نخستین سالگرد شهدای خدمت در میدان امام حسین(ع) تهران با بیان اینکه قصد دارم از این فرصت برای مقایسه رهبران و مقامات نظام جمهوری اسلامی با رهبران دنیای استکبار، به ویژه امریکا، استفاده کنم، گفت: رئیس‌جمهور امریکا اخیراً عملیات روانی سنگینی را علیه ملت بزرگ ایران آغاز کرده است تا با ایجاد تأثیرات مخرب و ناامیدکننده، ذهن‌های ملت ما را تحت تأثیر قرار دهد. او سعی دارد با سخنانش، ملت عزیز ایران را مایوس و ناامید کند. وی خطاب به رئیس‌جمهور امریکا گفت: ملت ایران شما را قاتل محبوب‌ترین و بزرگ‌ترین قهرمان ملی خود، سپهبد شهید قاسم سلیمانی، می‌داند. بنابراین، خوب فکر کنید که چه تصویری از شما در ذهن ملت ایران وجود دارد. شما چند سال پیش ملت ایران را تروریست خطاب کردید و گفتید که ایران یک ملت تروریست است، حال چگونه است که خود را دوستدار این ملت نشان می‌دهید؟ ملت ایران به خوبی دوستان و دشمنان خود را می‌شناسد و شما در کانون دشمنی ملت ایران قرار دارید، شما ملت ایران را تحریم کرده‌اید و می‌خواهید مانع رسیدن دارو به بیماران این سرزمین شوید. البته که نخواهید توانست و نتوانسته‌اید!

■ آنچه گفتید یا ناشی از جهل بود یا فریبکاری

سلامی اضافه کرد: آقای رئیس‌جمهور امریکا! آنچه شما در عربستان گفتید، یا ناشی از ناآگاهی و جهل شما از واقعیت ملت ایران و حقیقت عظیم این ملت بزرگ بود، یا ناشی از یک عملیات روانی فریبکارانه برای ناامیدسازی ملت ایران. اما این را بدانید، آنچه در تصورات ذهنی شما است و آنچه در واقعیت میدانی ایران عزیز وجود دارد، از زمین تا آسمان فاصله دارد. شما ملت ایران، نظام اسلامی، بنیان اسلام و ایران را نمی‌شناسید. شما آسمانخراش‌ها را به عنوان مظهر شکوه و افتخار یک کشور به رخ ما کشیدید. ما هرگز به ساختمان‌های بلند افتخار نمی‌کنیم، هرچند در این سرزمین، بناهای بلند و ساختمان‌های عظیمی وجود دارد که از شکوه، تمدن، هنر و فرهنگ این ملت حکایت دارد. سلامی گفت: آقای رئیس‌جمهور امریکا! شما در ذهن و کلامتان ایران را فرسوده نشان داده‌اید، در حالی که ما تاکنون چندین ماهواره به فضا پرتاب کرده‌ایم. و خوب می‌دانید، کشوری که به دانش هوافضا دست یافته، پیشرفته است. سال‌هاست که ما می‌گوییم ایران به دانش و فناوری هسته‌ای دست یافته است؛ دانشی که یکی از پیشرفته‌ترین دستاوردهای نوین بشری محسوب می‌شود. آیا این دانش و فناوری که امروز در ایران در جریان است، نشانه‌ای از پیشرفت ایران بزرگ نیست؟

فرمانده کل سپاه اضافه کرد: آقای رئیس‌جمهور، ما نیروگاه‌ها و پالایشگاه‌های خود را می‌سازیم. توربین‌ها، هواپیماها، بالگردها، پهپادها، سامانه‌های پدافندی، موشک‌ها و خودروهایمان را خودمان می‌سازیم. نظام درمانی ایران از پیشرفته‌ترین نظام‌های درمانی جهان است. اگر سری به بیمارستان‌های ایران بزنید، با پزشکان شرافتمند، متخصص و ماهر ما و پرستاران مهربان و وظیفه‌شناس‌مان آشنا خواهید شد. تجهیزات این بیمارستان‌ها، ساخت ایران است. آن زمان خواهید فهمید که ایران چه کشوری است.

■ مدیریت کرونا، معیار قضاوت جهانی درباره ما و شما

سلامی تأکید کرد: ما و شما در یک میدان رقابت جهانی، آزمونی قابل قضاوت از خود به جای گذاشته‌ایم. مدیریت خود در بحران کرونا را ببینید. در آن لحظات سخت، شما نتوانستید به خوبی بیماری کرونا را مدیریت کنید و صدها هزار نفر قربانی شدند. ما دیدیم که شما حتی از دفن مردگانتان عاجز بودید. اما ایران بزرگ در زیباترین شکل و با سرعتی مثال‌زدنی، کرونا را ریشه‌کن کرد. وی تأکید کرد: آقای رئیس‌جمهور امریکا، چند سؤال از شما دارم. اگر دروغ می‌گویم، تکذیب کنید؛ در غیر این صورت، سکوت کنید و در این مورد تأمل نمایید. آیا تعدادی از جوانان شما به دلیل بحران هویت، بن‌بست اخلاقی و ناامیدی از آینده، خودکشی نمی‌کنند؟ اگر واقعیت ندارند، به ما بگویید. آیا ۷۳۰ هزار بی‌خانمان، شب‌ها در خیابان‌های شما نمی‌خوابند؟ آیا شما توانستید آتش‌سوزی‌های کالیفرنیا را به خوبی مدیریت کنید؟ شما مقامات ایران را متهم می‌کنید که تمام ثروت ایران را خودشان می‌خورند و به ملت ایران چیزی نمی‌دهند. آیا می‌توانید به این سؤال پاسخ دهید که چه تدبیری اتخاذ کردید که ارتش و نیروی اقتصادی و سیاسی امریکا را در جنگ‌های بی‌پایان در غرب آسیا، که شما آن را خاورمیانه می‌نامید، گسترش دادید؟ سپس ۸ تریلیون دلار هزینه کردید، بدون آنکه حتی یک دلار از این ۸ تریلیون را بتوانید به منفعت سیاسی تبدیل کنید.

■ عراقچی: تحریم اگر کارساز بود امریکا وارد مذاکره نمی‌شد

عباس عراقچی وزیر امور خارجه هم روز پنج‌شنبه با حضور در برنامه «کتاب و دیپلماسی» در غرفه وزارت امور خارجه در نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران درباره مؤلفه‌های قدرت در مذاکرات هسته‌ای جاری ایران گفت: اولاً مذاکره زمانی صورت می‌گیرد که دیگر راه‌ها یا ناشدنی باشد یا هزینه بسیار زیادی داشته باشد، مذاکره مبتنی بر بده‌وبستان است و اگر کسی فکر می‌کند همه چیز را بگیرد و هیچ چیزی ندهد، امکان‌پذیر نیست و اگر کشور این قدرت را داشته باشد وارد مذاکره نمی‌شود. رئیس دستگاه دیپلماسی افزود: طرف مقابل اگر قادر به از بین بردن تأسیسات هسته‌ای ما بود لزومی به ورود به مذاکرات نداشت. ایران به اتکای نیروهای مسلح که دشمن را از حمله نظامی ناامید کردند، آنها را به پای میز مذاکره آورده است. توان دفاعی و موشک‌های ایران به مذاکره کننده قدرت می‌دهد چون طرف مقابل را از حمله نظامی منصرف و ناامید می‌کند. عراقچی افزود: اگر امریکایی‌ها می‌توانستند از طریق تحریم‌ها ایران را به زانو درآورند، آن را ادامه می‌دادند و مذاکره نمی‌کردند. تحریم‌ها مردم را آزار داده اما به زانو در نیاورده است. اگر امریکا می‌دانست که تا شش ماه دیگر می‌تواند با این فشار حداکثری ایران را به زانو درآورد مذاکره نمی‌کرد. ایجاد توانمندی در حوزه هسته‌ای و علمی به مذاکره کننده امکان نشستن در پشت میز مذاکره را می‌دهد.

■ دیدگاه ترامپ فریبکارانه بود

وزیر خارجه همچنین چهارشنبه هفته گذشته در حاشیه جلسه هیئت دولت در جمع خبرنگاران در پاسخ به پرسشی درباره سخنان دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده در عربستان پیرامون ایران گفت: اظهارات رئیس‌جمهور امریکا را شنیدم، متأسفانه یک دیدگاه فریبکارانه بیان شد. آنچه او درباره تمایل کشورهای منطقه برای برخورداری از مسیر پیشرفت و مسیر شکوفایی اظهار کرد در حقیقت همان مسیری است که مردم ایران با انقلاب خود انتخاب کرده و برای داشتن کشوری مستقل، مردم سالار و آزاد و مرفه و پیشرفته طی کردند. عراقچی افزود: این امریکا بوده که از طریق تحریم‌ها در طول چهل و چند سال گذشته و با فشارهای خود و با تهدیدات نظامی و غیرنظامی جلوی پیشرفت ملت ایران را گرفته است؛ آن کسی که عامل مشکلات اقتصادی است امریکا و سیاست‌های استکباری است که بر مردم ایران تحمیل کرده و خواهان یک نظام غیرمستقل و حرف‌شنو بوده که این در تناقض با عزت مردم ایران است. رئیس دستگاه دیپلماسی با اشاره به اینکه هم اکنون نیز دونالد ترامپ سیاست فشار حداکثری را در همین جلسه مجدد مورد تأکید و تأیید قرار می‌دهد، خاطرنشان کرد: رئیس‌جمهور امریکا همه جنایت‌های اسرائیل در منطقه را نادیده گرفته و به دنبال این است که ایران را به عنوان تهدید معرفی بکند؛ این یک فریبکاری محض و عوض کردن جای تهدیدات است.

■ تحریف جسورانه واقعیت

حجت‌الاسلام سید محمد حسن ابوترابی‌فرد، امام جمعه موقت تهران هم در نماز عبادی – سیاسی جمعه در دانشگاه تهران درباره سفر ترامپ به منطقه و سخنان او درباره ایران گفت: رئیس‌جمهور ایالات متحده که در روزهای گذشته با هدف بازاریابی، تأمین مالی و پوشاندن جنایات هولناک رژیم صهیونیستی به منطقه سفر کرده است سخنانی را بیان داشت که اگر از بخش عوامانه، سطحی و سخیف آن عبور کنیم دارای سطح دیگری است که به تحریف جسورانه واقعیت و حقایق روشن پرداخته است. وی با تأکید بر اینکه ایران تهدیدی برای امریکا و رژیم صهیونیستی و عامل اقتدار و پشتیبانی و حمایت و وحدت امت اسلام است، گفت: این تحریف آشکار و وقیح نمی‌تواند پوششی برای ۱۰ هزار و ۱۰۰ جنایت در مدت ۴۷۰ روز تجاوز به نوار غزه باشد.

گزیده خبر

رئیس قوه قضائیه:

حل مشکلات بدون مشارکت بخش خصوصی ممکن نیست

رئیس قوه قضائیه در چهل و یکمین سفر استانی خود صبح پنج‌شنبه در سفری یک روزه و در رأس هیئت عالی قضایی وارد ساری، مرکز مازندران شد.

حجت الاسلام غلامحسین محسنی اژه‌ای در جریان این سفر در دیدار با فعالان اقتصادی، تولید کنندگان و کارآفرین مازندران در ساری گفت: شفاف‌سازی در بیان مسائل بین مسئولان مهم است، اظهارات دولتمردان باید هماهنگ باشد. وی با بیان اینکه اتاق بازرگانی ایران باید بیشتر و با جدیت وارد مسائل و مشکلات کشور شود، چراکه این اتاق ظرفیت بالایی دارد، ادامه داد: بخش خصوصی باید مشکلات را علاوه بر دستگاه قضا به دولت و مجلس به درستی منتقل کند.

رئیس قوه قضائیه با بیان اینکه حمایت از بخش خصوصی رویکرد جدی دستگاه قضا است، گفت: معتقدم و باور جدی دارم که بدون نقش آفرینی فعالان اقتصادی مشکلات کشور حل نخواهد شد. رئیس دستگاه قضا با توضیح این نکات که کسی که زمین می‌خورد باید به او کمک کرد، کسی که خطا و اشتباه کرد و می‌تواند اصلاح شود نیز باید کمک کرد تا اصلاح شود، اظهار داشت: بعضی‌ها هم فساد را از روی عمد انجام می‌دهند که حساب این افراد را از دیگران جدا کنید. برخورد بین کسی که زمین خورده اشتباه کرده یا فساد عمدی کرده است، باید متفاوت باشد. همه می‌توانیم با همکاری و تعامل این افراد را شناسایی و کمک کرد.

وی همچنین در ادامه تصریح کرد: بررسی‌ها و سوابق نشان می‌دهد، تمامی رؤسای دولت به عنوان رئیس‌جمهور، بخش خصوصی و مشارکت مردم را عامل موفقیت کشور می‌دانند اما چرا مشکلات حل نمی‌شود. اکنون که همه سران قوا طبق منویات رهبر معظم انقلاب بر حضور و مشارکت بخش خصوصی و مردم در حل مشکلات کشور اعتقاد داشته و تأکید دارند، باید به درستی عمل کرد. وی انسجام و وحدت بین بخش خصوصی را بسیار مهم توصیف کرد و گفت: بسیاری از مشکلات را دستگاه قضا مطلع یا اشراف کامل ندارد، بنابراین مسائل و چالش‌ها باید به درستی احصا شود. وی در بخش دیگری با ذکر این نکته که اعتماد و استحکام قرارداد دولت با بخش‌های مختلف باید اساسی باشد و هر دولتی بیاید باید محکم باشد، گفت: یعنی اگر دولت جدید بیاید طوری باشد که در ازای بی‌توجهی به قرارداد متحمل خسارت به طرف مقابل شود. محسنی اژه‌ای در ادامه با اشاره به اینکه چند نکته به همکاران دستگاه قضا نیز داریم، گفت: باید احترام همه ارباب رجوع را باید داشته باشیم. تا جایی که ممکن است محدودیت‌ها را ایجاد نکنید از جمله ممنوع الخروج و ممنوع از معامله، اگر ایجاد کردید در اولین فرصت رفع کنید. محسنی اژه‌ای همچنین با حضور در نخستین همایش ملی قانون الزام به ثبت رسمی معاملات اموال غیرمنقول در ساری اظهار کرد: گره‌گشایی از امورات مردم، آرامش‌بخشی به مردم، تثبیت حقوق مالکانه آنها و مقابله با متعرضان به حقوق حقه و عامه مردم از اقداماتی است که سبب رضایت و خوشنودی خداوند می‌شود.

رئیس قوه قضائیه در ادامه با اشاره به ضرورت تحکیم همدلی و هم‌افزایی میان بخش‌های مختلف نظام اظهار کرد: امروز بیش از گذشته نیاز به همدلی و هم‌افزایی در سطح کارگزاران نظام برای غلبه بر مشکلات داریم، چراکه هم مسائل کشور بیشتر شده و هم بر حجم شرارت‌ها و شیطنت‌های دشمنان افزوده شده است؛ دشمنان و خناسانی که تمام همت خود را مصروف بر ایجاد اختلاف و نفاق در کشور کرده‌اند. رئیس دستگاه قضا گفت: بدون تردید اختلاف عقیده و سلیقه در کشور وجود دارد، اما مهم آن است که در راستای منافع کشور دست در دست هم دهیم و با روحیه جهادی بر مشکلات غلبه پیدا کنیم. امروز باید بیش از گذشته از خود و مجموعه خود صیانت کنیم و بدانیم که چنانچه دستور کارهای صیانتی را اجرایی نسازیم در آن صورت کژی‌ها بر دستگاه و مجموعه ما مسلط می‌شوند و نتیجه این امر بی‌اعتمادی مردم است؛ اگر مردم به ما بی‌اعتماد شوند آنگاه هرچه خدمت کنیم نیز به چشم نخواهد آمد. باید اعتماد مردم را تثبیت و تحکیم کنیم و یکی از راهکارهای این مقوله، در دستور کار قرار دادن راهکارهای صیانتی است.

در مراسم افتتاح مرکز ساماندهی اتباع در کرمان

معاون وزیر کشور: فقط غیرمجازها بازگردانده می‌شوند

مرکز ساماندهی و مدیریت اتباع خارجی در کرمان که سرانه حضور اتباع غیرمجاز آن بیشتر از میانگین کشوری خوانده شده روز گذشته با حضور معاون امنیتی وزیر کشور در حالی افتتاح شد که وی ضمن استقبال از این مرکز که می‌تواند پایلوت کشوری باشد، تأکید کرد: تنها اتباع غیرمجاز بازگردانده می‌شوند.

به گزارش ایرنا علی اکبر پورجمشیدیان گفت: همه اطلاعاتی که مورد نیاز است از توانمندی شخصی، هنری، صنعتی اتباع و اطلاعات از لحاظ بهداشت و سایر اطلاعاتی که هم برای آنها و ما به عنوان کشور میزبان نیاز است در این مرکز پایش خواهد شد. مشاور وزیر و رئیس مرکز امور اتباع و مهاجرین خارجی وزارت کشور هم در این نشست گفت: بنای ما اخراج نیست بلکه همه اتباع باید قانونی در کشور حضور داشته باشند و برای این امر هم مبنا گذرنامه است. نادر یاراحمدی افزود: کسی که ۴۰ سال در کشور ماست پناهنده محسوب نمی‌شود، برخی از آنها در چندجا خانه دارند. یاراحمدی تصریح کرد: ۱۲ درصد افغان‌ها و ۱۶ درصد جمعیت ایرانی‌ها دانش‌آموز هستند و این فاصله کم نشان دهنده توجه دولت و حاکمیت به آموزش اتباع است. مشاور وزیر و رئیس مرکز امور اتباع و مهاجران خارجی وزارت کشور اضافه کرد: تولید داده‌های خام پایه تولید اطلاعات ویژه‌ای است که بتوانیم بر اساس آن تصمیم‌گیری کنیم. وی با بیان اینکه غیر از آلمان و امریکا عرف در تمام دنیا بر این است که سه درصد جمعیت کشور را اتباع خارجی تشکیل می‌دهد افزود: ما هم با این دو کشور مقایسه می‌شویم، اما بر مبنای سه درصد باید ۲ میلیون و ۷۰۰ هزار تبعه بیشتر نداشته باشیم.

یادداشت

ادراک‌سازی معلول‌گرا

ادامه از صفحه اول

در این سال‌های خشکسالی به زاینده‌رود نگاه کنید. چطور مدیریت شده است که هم صنعت، هم توریسم و هم کشاورزی در اصفهان از رونق نیفتد. آیا آب در حال انتقال از دریای عمان به سیستان و از خلیج فارس به اصفهان و از خزر به سمنان نیست؟ آیا جمهوری اسلامی با معجزه می‌تواند سدها را پر کند؟ یا مردم به حرف دولت برای تغییر نوع کشت به همین راحتی توجه می‌کنند؟ علت ناترازی برق چیست؟ قانون داماتو چیست؟ ممنوعیت سرمایه‌گذاری در صنعت نفت و گاز ایران و بسته بودن سامانه تبادل پول بین‌المللی به روی ایران ربطی به ناترازی ندارد؟ همه‌اش بی‌عرضگی و مدیریت است؟ سخنان ترامپ را متناسب با درک اجتماعی امروز ما ترتیب داده بودند. آیا کسی را دیدید علت آنچه را او توصیف می‌کند، به زبان بیاورد؟ ترامپ می‌خواهد بگوید عربستان در حال توسعه، سیادت ما را پذیرفته با یک تلفن صدها هزار دلار به ما می‌دهد و کارخانه ما رونق می‌یابد و به او تکنولوژی می‌دهیم. شما اگر چنین نباشید ما شما را چنین روایت می‌کنیم. حال در داخل این موضوع چگونه فهمیده می‌شود؟ ترامپ و اسلاف او روضه‌ای می‌خوانند که اشک ما درآید اما نفهمیم قاتل این مقتول همان روضه‌خوان است. این هنر آنان است که «علت» را گم می‌کنند یا به خودمان برمی‌گردانند.

گفت‌وگو
مهسا گربندی

راه رسیدن به عدالت آموزشی در گفت‌وگوی «جوان» با سخنگوی وزارت آموزش‌وپرورش

ما خیلی زود به سمت خصوصی‌سازی مدارس رفتیم

سخنگوی آموزش‌وپرورش در گفت‌وگو با «جوان»: در حالی که هنوز کارخانه‌ها، خودروسازی، پالایشگاه‌ها و صنایع بزرگ دولتی هستند آموزش‌وپرورش نباید اولین حوزه‌ای باشد که به بخش خصوصی واگذار می‌شود

«مدرسه» نخستین جایی است که کودکان رؤیاهای‌شان را می‌سازند. کلاس‌های درس، زنگ‌های تفریح، تخته‌های سیاه و کتاب‌های درسی، همه و همه مقدمه‌ای برای آینده‌ای هستند که شکل می‌گیرد. یکی از آنها می‌خواهد پزشک شود، دیگری مهندس، نویسنده، هنرمند یا شاید معلمی دلسوز که روزی چراغ راه نسل‌های بعدی باشد، اما آیا همه کودکان فرصت برابر برای رسیدن به رؤیاهای‌شان را دارند؟ پاسخ، متأسفانه خیر است! بدون شک عدالت آموزشی، فقط یک واژه نیست، بلکه حقی است که باید در هر کلاس درس، در هر مدرسه، در هر روستا و شهری جاری باشد، اما هنوز فاصله زیادی تا تحقق آن داریم، اما چرا این فاصله وجود دارد؟ آیا نظام آموزشی ما دانش‌آموزان را برای زندگی آماده می‌کند یا فقط برای آزمون‌ها؟ چگونه می‌توان آموزش را از یک رقابت نفسگیر به یک مسیر رشد و شکوفایی تبدیل کرد؟ در این رابطه «جوان» با علی فرهادی، سخنگوی وزارت آموزش‌وپرورش، گفت‌وگو کرده و چالش‌ها، فرصت‌ها و مسیر پیش‌روی نظام آموزشی کشور را مورد بررسی قرار داده است.

علی پوردهقان | جوان

رؤسای دولت‌های مختلف و وزرای آموزش‌وپرورش همواره بر ارتقای کیفیت آموزش و برقراری عدالت آموزشی تأکید کرده‌اند. نمی‌توان منکر اقدامات انجام‌شده از سوی آنها شد، اما این اقدامات نتوانسته‌اند عدالت آموزشی را رقم بزنند. امروز همچنان با فاصله‌ای زیاد از عدالت آموزشی مواجه هستیم. چرا با وجود این تأکیدات و اقدامات، همچنان مشکل داریم؟

سؤال خوبی است. اگر منصفانه نگاه کنیم، آموزش‌وپرورش به چنین پرسش‌ها و روشنگری‌هایی نیاز دارد. اگر بخواهیم گفتمان تعلیم و تربیت بر آموزش‌وپرورش حاکم باشد، باید این مسائل را مطرح کنیم. عدالت آموزشی چند وجه دارد و اگر هر یک از این موارد محقق نشود، عدالت آموزشی نیز محقق نخواهد شد. یکی از این موارد، فضای آموزشی و دسترسی دانش‌آموزان به مدرسه است. بعد از فضای آموزشی، نیروی انسانی اهمیت دارد، یعنی اگر مدرسه‌ای معلم نداشته باشد، صرفاً یک ساختمان است و کارایی ندارد، بنابراین عدالت آموزشی بدون معلمی کارآمد، ماهر، متعهد، دلسوز، خلاق و باانگیزه معنا ندارد. معلمی شرایط خاص خود را دارد و نمی‌توان به هر کسی گفت که تدریس کند. فرض کنید مدرسه ساخته شده است، اما معلم باید هر روز مهارت‌های خود را ارتقا دهد. باید شرایطی فراهم شود که آموزش ضمن خدمت و رضایت شغلی معلمان تأمین شود تا آنها با آرامش و ثبات کار کنند و دغدغه‌ای نداشته باشند. مسئله بعدی محتوا و مهارت‌های آموزشی و پرورشی است. این سه عامل- فضای آموزشی، نیروی انسانی و محتوا- باید وجود داشته باشند تا بتوان درباره عدالت آموزشی صحبت کرد. اما چرا همچنان مشکل داریم؟ چند نکته وجود دارد که باید حل شود. اول فضای آموزشی است. در برخی نقاط کشور کاهش جمعیت دانش‌آموزی داریم و مدارسی وجود دارند که حتی تعطیل شده‌اند. در مقابل، در برخی مناطق هر چقدر مدرسه ساخته شود، باز هم کم است. دلیل این مسئله تنش‌های جمعیتی است. در مناطقی مانند اطراف تهران، مهاجرت زیاد است و هر سال تعداد دانش‌آموزان افزایش می‌یابد. برای مثال، در برخی شهرستان‌های استان تهران، سالانه حدود ۲هزارو۵۰۰ دانش‌آموز به جمعیت مدارس اضافه می‌شود. اگر هر مدرسه ظرفیت ۴۰۰ دانش‌آموز داشته باشد، باید شش مدرسه جدید در سال ساخته شود تا پاسخگوی این افزایش جمعیت باشد. این مسئله خارج از کنترل آموزش‌وپرورش است و باید در سطح ملی مدیریت شود، به همین دلیل، در سند تحول بنیادین و برنامه هفتم توسعه تأکید شده است آموزش‌وپرورش یک امر ملی است و همه باید کمک کنند جمعیت به‌صورت متوازن توزیع شود و فضای آموزشی بموقع ساخته شود. اگر این وظیفه فقط بر عهده آموزش‌وپرورش باشد، کافی نیست و سایر نهادها نیز باید مشارکت کنند، اما دومین مسئله، محتوا و روش‌های آموزشی است. محتوا، تکنیک‌ها، روش‌های تدریس و استفاده از فناوری‌های نوین نقش مهمی در عدالت آموزشی دارند، البته خلاقیت و نوآوری در آموزش همیشه به معنای استفاده از تکنولوژی نیست. گاهی یک معلم با تغییر چیدمان نیمکت‌های کلاس، بهره‌وری را افزایش می‌دهد و فضای بانشاطی ایجاد می‌کند. برای مثال، دانش‌آموزان را به‌صورت گروه‌های سه‌نفره روبه‌روی هم می‌نشاند تا تعامل بیشتری داشته باشند، نه اینکه صرفاً نظم سنتی کلاس را حفظ کند. بخش زیادی از مهارت‌های آموزشی به نیروی انسانی برمی‌گردد. معلم می‌تواند ضعف کتاب‌های درسی و نقاط ضعف آموزشی را جبران کند، بنابراین معلم نقش کلیدی در عدالت آموزشی دارد.

محتوای درسی سنگین و حفظ‌محور، معلم را ملزم می‌کند خط به خط کتاب را آموزش دهد و فرصتی برای خلاقیت او باقی نمی‌گذارد چراکه قرار است دانش‌آموزان با آزمون‌های متعدد روبه‌رو شوند و نظام آموزشی از معلم، خواستار موفقیت دانش‌آموزان در این آزمون‌هاست. پس کتب درسی نقش کلیدی ایفا می‌کند. این رویکرد به عدالت آموزشی آسیب نمی‌زند؟

بله، معلم زمانی نمی‌تواند آموزش مؤثری ارائه دهد که محتوای کتاب بیش از حد سنگین و حفظ‌محور باشد. در چنین شرایطی، فرصت خلاقیت و نوآوری از معلم گرفته می‌شود و او مجبور است صرفاً مطالب را منتقل کند، بدون اینکه بتواند مهارت‌های تفکر، تحلیل و خلاقیت را در دانش‌آموزان تقویت کند. علاوه بر این، کتب درسی باید بر اساس برنامه درسی ملی تدوین شوند. این پرسش مطرح است که هدف ما از این ۱۲سال آموزش چیست؟ آیا صرفاً می‌خواهیم دانش‌آموزان در پایان مدرسه فیزیک، ریاضی، علوم تجربی، علوم انسانی یا هنرستان را خوانده باشند؟ آنچه مهم‌تر از رشته تحصیلی است، این است که دانش‌آموزان پس از ۱۲سال باید ویژگی‌های مشخصی داشته باشند، از جمله، رفتار فردی مناسب، نظم اجتماعی، مهارت‌های هنری، آرامش روانی، نشاط و امید، این موارد باید در برنامه درسی ملی دیده شوند تا آموزش‌وپرورش صرفاً به آموزش دروس محدود نشود، بلکه جنبه‌های تربیتی و مهارتی نیز در آن لحاظ شود. معلم باید بتواند در کلاس درس، علاوه بر آموزش محتوا، مهارت‌های زندگی، تفکر انتقادی و خلاقیت را نیز به دانش‌آموزان منتقل کند. اگر این اتفاق نیفتد، عدالت آموزشی ناقص خواهد بود. یکی از خطرات جدی که می‌تواند آموزش‌وپرورش را تهدید کند، این است که صرفاً به آموزش توجه شود و جنبه پرورشی نادیده گرفته شود. اگر آموزش‌وپرورش به وزارت آموزش تبدیل شود، نه‌تنها آموزش ناقص خواهد بود، بلکه پرورش نیز از دست خواهد رفت.

آقای پزشکیان بارها بر ضرورت برقراری عدالت آموزشی تأکید کرده و صراحتاً می‌گوید که کشور با کمبود امکانات آموزشی مواجه است و باید تمام تلاش‌ها صرف تحقق عدالت آموزشی شود. چطور می‌توان اطمینان حاصل کرد که اولویت دادن به آموزش‌وپرورش عملیاتی شود؟

آموزش‌وپرورش از مدت‌ها پیش باید اولویت اول کشور قرار می‌گرفت، اما عمدتاً در حد شعار باقی ماند و در یک مقطع طولانی، اولویت اصلی نبود. در واقع، اولویت دادن واقعی به آموزش‌وپرورش، یعنی حمایت از نیروی انسانی پایدار، توجه به دانشگاه فرهنگیان، تقویت حوزه تربیت معلم و ایجاد زیرساخت‌های لازم برای رشد و توسعه این بخش. در حال حاضر، آقای دکتر پزشکیان این موضوع را هدف‌گذاری کرده است. من بدون هیچ‌گونه جانبداری یا نگاه آماری عرض می‌کنم که تقریباً هیچ رئیس‌جمهوری در هفت یا هشت ماه اول خدمت خود، شخصاً ۲۸جلسه برای آموزش‌وپرورش برگزار نکرده است. این نشان‌دهنده توجه ویژه به این حوزه است و اهمیت آموزش‌وپرورش در سطح ملی را نشان می‌دهد. چنین رویکردی، مسیر کشور را رو به بهبود می‌کشاند، زیرا همه چیز در آموزش‌وپرورش اتفاق می‌افتد. پایه‌های اقتصاد، امنیت، بهداشت، سلامت جسم و روان دانش‌آموزان و آینده کشور همگی در آموزش‌وپرورش شکل می‌گیرند. اگر بخواهیم آینده کشور را ببینیم، باید وضعیت آموزش‌وپرورش امروز را بررسی کنیم. حال رئیس‌جمهور آموزش‌وپرورش را اولویت اول کشور می‌داند و تأکید دارد که آموزش نباید فقط برای کسانی باشد که دسترسی دارند، بلکه باید بررسی کنیم چه کسانی نمی‌توانند از آن بهره‌مند شوند. نباید شرایط به گونه‌ای باشد که اگر کسی پول نداشت، از آموزش محروم شود و از مسیر رشد و موفقیت بیرون برود.

اما در این میان، مدارس غیردولتی، به‌ویژه آنهایی که شهریه‌های گران‌قیمت دریافت می‌کنند، مانعی برای مسیر تحقق عدالت آموزشی هستند. شما اینطور فکر نمی‌کنید؟

در هر کشوری قانون حکمفرماست، حتی اگر قانونی ضعف‌هایی داشته باشد یا باید اجرا شود یا باید اصلاح کرد. کشور بدون قانون اداره نمی‌شود. مدارس غیردولتی نیز بر اساس قانون مصوب مجلس فعالیت می‌کنند و تا زمانی که این قانون ابطال نشده، آموزش‌وپرورش موظف است مطابق آن مجوز صادر کند، نظارت داشته باشد و در صورت تخلف، مجوز را لغو کند، بنابراین مدارس غیردولتی در یک بستر قانونی فعالیت می‌کنند و این نگاه حقوقی به موضوع است، اما اگر بخواهید نگاه شخصی من را به عنوان یک «معلم» بدانید، معتقدم ما خیلی زود به سمت خصوصی‌سازی آموزش‌وپرورش رفتیم. در حالی که هنوز کارخانه‌ها، خودروسازی، پالایشگاه‌ها و صنایع بزرگ دولتی هستند، آموزش‌وپرورش نباید اولین حوزه‌ای باشد که به بخش خصوصی واگذار می‌شود. باید این سؤال را مطرح کنیم، اگر قرار باشد بخش‌هایی از کشور را به بخش خصوصی واگذار کنیم، کدام حوزه‌ها باید در اولویت باشند؟ آیا خودروسازی، پالایشگاه، فولاد، راه‌سازی و ساختمان‌سازی باید در اولویت باشند یا آموزش‌وپرورش؟ به نظر من، خصوصی‌سازی آموزش‌وپرورش باید در آخرین اولویت قرار گیرد، زیرا آموزش‌وپرورش مستقیماً با آینده کشور و عدالت اجتماعی در ارتباط است.

با توجه به اینکه می‌گویید نگاه دولت و رئیس آن، نگاه حمایت از آموزش‌وپرورش و تلاش برای تحقق عدالت آموزشی است، چگونه از این فرصت استفاده می‌کنید تا نتایج رضایت‌بخشی حاصل شود؟

اگر بخواهم ساده و صریح پاسخ دهم، این اتفاق زمانی محقق می‌شود که نگاه عدالت‌محور و حمایت‌های دولتی پیوسته باشد و هیچ‌وقت قطع نشود، زیرا به محض قطع شدن، اثر منفی خواهد داشت. اجازه دهید یک مثال بزنم. ما زمانی در کشور بیش از ۵۰۰مرکز تربیت معلم داشتیم. این مراکز شامل دانشسراها بودند که دانش‌آموزان از دیپلم وارد دوره فوق‌دیپلم می‌شدند و حتی برخی از سوم راهنمایی وارد این مراکز و پس از دریافت دیپلم، معلم ابتدایی می‌شدند، اما آن ۵۶۰مرکز تربیت معلم ناگهان تعطیل شد و نظام تربیت معلم از بین رفت. در آن زمان، برخی تصور می‌کردند با تعطیلی این مراکز، جریان ورودی نیروی انسانی از مسیر دیگری تأمین خواهد شد، اما هیچ برنامه‌ای برای تأمین معلمان کشور در نظر گرفته نشده بود و این تصمیم آسیب جدی به نظام آموزشی وارد کرد، حتی زمانی که دانشگاه فرهنگیان احیا شد (در سال ۱۳۹۰)، ابتدا دانشجومعلم جذب شد، اما از سال ۱۳۹۲ به بعد، ورودی‌های این دانشگاه به شدت کاهش یافت. این روند ادامه داشت تا سال ۱۳۹۷ که مقام معظم رهبری در دانشگاه فرهنگیان حضور یافتند و سخنرانی کردند. ایشان اهمیت این دانشگاه را مورد تأکید قرار دادند و این موضوع باعث شد نگاه‌ها به سمت دانشگاه فرهنگیان و دانشگاه شهید رجایی معطوف شود. دانشگاه فرهنگیان و دانشگاه شهید رجایی، دو چشمه جوشان تأمین نیروی انسانی آموزش‌وپرورش هستند و اکنون تقریباً صددرصد ظرفیت این دو دانشگاه به دانشجومعلمان اختصاص یافته است. این دانشگاه‌ها با بالاترین توان و ظرفیت دانشجو جذب می‌کنند، اما فضای موجود، خوابگاه‌ها و امکانات کافی نیست، بنابراین اگر بپرسید چه باید کرد؟ پاسخ من این است که عدالت آموزشی باید پیوسته باشد. نمی‌توان سه یا چهار سال توجه کرد، سپس هفت، هشت یا ۱۰سال آن را نادیده گرفت و دوباره به آن توجه کرد.

اولویت اصلی کار شما چیست؟

باید ببینیم کدام بخش‌ها نیاز به توجه بیشتری دارند و در چه زمینه‌هایی عقب‌ماندگی داریم. یکی از مهم‌ترین این حوزه‌ها فضای آموزشی است. ما باید متناسب با جمعیت کشور، فضای مناسب برای مدارس بسازیم. هر چقدر مدارس بزرگ‌تر و باکیفیت‌تر باشند، سود کرده‌ایم. از طرفی، مدرسه نباید فقط یک محل آموزشی باشد، بلکه باید نقش یک مرکز تربیتی و اجتماعی را نیز ایفا کند. دانش‌آموزان باید در ساعات آموزشی در مدرسه حضور داشته باشند و خارج از ساعات آموزشی نیز بتوانند همراه با والدین خود از امکانات مدرسه استفاده کنند. مدرسه باید به کانون تربیتی محله تبدیل شود، یعنی جایی که نه‌تنها آموزش، بلکه پرورش، ورزش، هنر و تعاملات اجتماعی در آن جریان داشته باشد. این نگاه، مدرسه را از یک فضای صرفاً آموزشی به یک محیط پویا و تأثیرگذار در جامعه تبدیل می‌کند.

پس یعنی بزرگ‌ترین مشکل موجود را کمبود فضا می‌دانید؟ بعد از آن، اقدام بعدی شما چیست؟

بله، بعد از فضای آموزشی، نیروی انسانی مهم‌ترین چالش است. ما باید چرخه ورود و خروج نیروی انسانی را در آموزش‌وپرورش به‌گونه‌ای تنظیم کنیم که عملکرد بهتری داشته باشد. یکی از عوامل تأثیرگذار بر نیروی انسانی، افزایش و کاهش جمعیت دانش‌آموزی است. از طرفی، باید از روش‌هایی استفاده کنیم که آموزش نیروی انسانی از سوی خود معلمان شاغل انجام شود. اگر با کمبود معلم مواجه شویم، باید از ظرفیت معلمان شاغل برای عبور از این بحران استفاده کنیم. یکی از راهکارهای مؤثر در این زمینه، پرداخت بموقع اضافه‌تدریس معلمان است. در گذشته، این پرداخت‌ها با هفت تا هشت ماه تأخیر انجام می‌شد، اما اکنون سر موعد پرداخت می‌شود، همچنین افزایش میزان اضافه‌تدریس می‌تواند به مدیریت بهتر نیروی انسانی کمک کند. اگر در مقطعی با کمبود معلم مواجه شویم، بهتر است از ظرفیت معلمان موجود استفاده کنیم تا اینکه استخدام‌های گسترده و ناگهانی داشته باشیم. در حال حاضر، آموزش‌وپرورش با چالش تعادل در ورودی و خروجی نیروی انسانی مواجه است. در یک سال ممکن است ۱۰۴هزار نیروی جدید وارد آموزش‌وپرورش و همزمان ۱۰۴هزار نفر بازنشسته شوند. این تنش نیروی انسانی در آینده دوباره به بدنه آموزش‌وپرورش ضربه خواهد زد، بنابراین باید ورودی و خروجی نیروی انسانی را متعادل کنیم و از ظرفیت معلمان موجود با اضافه‌تدریس بهره ببریم. یکی از مسائل مهم در آموزش‌وپرورش، سن بازنشستگی معلمان است. بسیاری از معلمان در سنین پایین بازنشسته می‌شوند. برای مثال، فردی که در ۱۸سالگی وارد دانشگاه فرهنگیان شده باشد، در ۴۸سالگی بازنشسته می‌شود. این موضوع باعث می‌شود آموزش‌وپرورش بخش قابل توجهی از نیروهای باتجربه خود را از دست بدهد. برای حل این مشکل، باید از تجربه معلمان بازنشسته استفاده کنیم. این افراد ۳۰سال سابقه تدریس دارند و به‌خوبی با روحیات دانش‌آموزان آشنا هستند، بنابراین باید عوامل انگیزشی ایجاد کنیم تا بتوانیم از تجربه آنها بهره ببریم. برخی معلمان تمایل دارند دیرتر بازنشسته شوند یا استمرار خدمت داشته باشند. ما باید فضای مناسب برای ادامه فعالیت آنها فراهم کنیم و امتیازات ویژه‌ای برای‌شان در نظر بگیریم. در همین راستا، امسال اقدام جدیدی انجام شد؛ معلمانی که در اسفند ۱۴۰۳ بازنشسته نشدند، یک حکم اضافه دریافت کردند و یک ماه به خدمت آنها افزوده شد. این اقدام نه صرفاً به خاطر مسائل مالی، بلکه به دلیل ارزش بالای حضور معلمان باتجربه در مدارس بود. اگر بتوانیم رضایت معلمان بازنشسته را جلب کنیم و آنها را در سیستم آموزشی نگه داریم، دانش‌آموزان به‌طور مستقیم از تجربه ۳۰ساله آنها بهره‌مند خواهند شد. این یکی از مؤثرترین راهکارها برای مدیریت نیروی انسانی در آموزش‌وپرورش است.

در تمام این سال‌ها، چه چیزی بیشترین لطمه را به آموزش‌وپرورش زده است؟

آموزش‌وپرورش یک کار مینیاتوری و بسیار ظریف است. این حوزه حساسیت بالایی دارد و هیچ بخشی از آن ساده نیست. اگر بخواهم صریح و روشن پاسخ دهم، بزرگ‌ترین آسیب، عدم‌ثبات مدیریتی در آموزش‌وپرورش بوده است. اگر تعداد وزرا و سرپرستان آموزش‌وپرورش را بررسی کنیم، میانگین حضور آنها کمتر از دو سال است، این در حالی است که آموزش‌وپرورش بزرگ‌ترین دستگاه اجرایی کشور است و ۴۴/۲درصد از دولت را شامل می‌شود. چنین نهادی نیاز به ثبات مدیریتی دارد تا بتواند برنامه‌ریزی بلندمدت داشته باشد و از تصمیمات لحظه‌ای و مقطعی آسیب نبیند. آموزش‌وپرورش از تلاطم‌های مدیریتی ضربه خورده است. اگر مدیریت این حوزه ثبات پیدا کند، فرصت خواهد داشت مشکلات را شناسایی و حل کند، اما اگر مدام تغییر کند، هر تیم مدیریتی جدید باید از ابتدا مسائل را بشناسد و این چرخه بی‌پایان، مانع پیشرفت خواهد شد. نکته دوم این است که آموزش‌وپرورش باید از سوی افراد متخصص اداره شود. این حوزه کاملاً تخصصی است و کسانی که سکان آن را در دست می‌گیرند، باید از دل مدرسه آمده باشند. به اعتقاد من، بهترین مدیران آموزش‌وپرورش کسانی هستند که مسیر تربیت معلم را طی کرده‌اند، یعنی ابتدا دانشجومعلم بوده، سپس معلم شده و تجربه تدریس در کلاس درس را داشته‌اند. مدیریت کلاس درس، تجربه‌ای منحصربه‌فرد است. یک معلم باید بتواند همزمان ۴۰دانش‌آموز را مدیریت کند، فضایی با نشاط و پویا ایجاد و در عین حال، روح و روان دانش‌آموزان را درک کند. دانش‌آموزان مانند دانشجویان دانشگاه نیستند که آرام و منظم در یک جا بنشینند، آنها نیاز به تعامل، انرژی و فضای مناسب برای یادگیری دارند، بنابراین مدیران آموزش‌وپرورش باید کسانی باشند که این فضا را تجربه کرده‌اند، نه افرادی که بدون شناخت از محیط مدرسه، صرفاً از بیرون وارد این سیستم شده‌اند.

آیا سنجش و آزمون‌های فعلی دانش‌آموزان را عدالت‌محور می‌دانید؟ این نوع آموزش و سنجش باعث می‌شود دانش‌آموزان پس از ۱۲سال تحصیل، در ورود به جامعه موفق عمل کنند؟

سنجش و ارزیابی دانش‌آموزان باید مبتنی بر اسناد بالادستی باشد. ما چند سند معتبر داریم که باید تمام برنامه‌های آموزشی و ارزیابی را بر اساس آنها تنظیم کنیم. سند تحول بنیادین، زیرنظام‌های این سند و قانون برنامه هفتم توسعه از جمله این اسناد هستند. اگر برنامه‌ریزی آموزشی و سنجش دانش‌آموزان بر اساس این اسناد انجام نشود، خروجی مطلوبی نخواهیم داشت، در عین حال، نمی‌توان گفت که آزمون، کنکور و امتحانات نهایی نباید وجود داشته باشند. این هم نگاه درستی نیست. دانش‌آموز باید تعادل را حفظ کند، یعنی هم روحیه و نشاط خود را داشته باشد، هم استرس خود را مدیریت و ورزش کند و هم مهارت‌های مطالعه و آزمون دادن را بیاموزد. یکی از اقدامات مثبت در این زمینه، تأثیر معدل در کنکور است. در گذشته، سرنوشت دانش‌آموز در یک جلسه چهار ساعته کنکور تعیین می‌شد که این روش بسیار پرخطر و استرس‌زا بود، اما اکنون معدل دانش‌آموزان نیز در نتیجه کنکور تأثیر دارد که این تغییر، فرایند سنجش را عادلانه‌تر کرده است.

چطور می‌توان آینده‌ای روشن برای کشور ترسیم کرد؟

اگر واقعاً آینده‌ای روشن برای کشور می‌خواهیم، باید به آموزش‌وپرورش بازگردیم. تمام مؤلفه‌های پیشرفت، از امنیت و اقتدار بین‌المللی گرفته تا اقتصاد قوی و موفقیت ورزشی، همگی از مدارس ابتدایی آغاز می‌شوند، نه از دلال‌های ورزشی یا مربیان خارجی. هویت ملی و دینی، مبانی عقیدتی و ارزش‌های اجتماعی نیز در مدارس شکل می‌گیرند. اگر می‌خواهیم مبانی دینی و فرهنگی مانند حجاب تقویت شود، باید به آموزش‌وپرورش توجه کنیم. اگر اقتصاد کشور را قوی‌تر می‌خواهیم، باید دانش‌آموزان را به کارآفرینی هدایت کنیم. یک دانش‌آموز کارآفرین می‌تواند کشور را نجات دهد، اما اگر فضای مدرسه برای او درست طراحی نشود، ممکن است به یک مجرم تبدیل شود. این همان نقطه‌ای است که آموزش‌وپرورش می‌تواند مسیر آینده یک فرد و در نهایت، مسیر آینده کشور را تعیین کند.

هیچ کشور مقتدری بدون سرمایه‌گذاری در آموزش‌وپرورش به موفقیت نرسیده است. پژوهش‌ها نشان می‌دهند تمام کشورهایی که رشد جهشی داشته‌اند، مانند ژاپن، سنگاپور و کره جنوبی، روی آموزش‌وپرورش سرمایه‌گذاری کرده‌اند. آموزش‌وپرورش امری ظریف و مینیاتوری است. نمی‌توان چکشی و سریع عمل و همچنین نمی‌توان با آن سطحی و ساده برخورد کرد. آموزش‌وپرورش یک حوزه مصرفی و هیجانی نیست، بلکه نیاز به تصمیم‌گیری‌های عمیق و دقیق دارد.

طریق علی (ع)
مهدی مولایی

«خودشرقی‌سازی» در برابر مانور تجمل!

سرانجام پس از هفته‌ها مقدمه‌چینی و مانور رسانه‌ای امریکا در رابطه با سفر رئیس‌جمهور این کشور به عربستان سعودی، در روزهای اخیر این سفر پرحاشیه به وقوع پیوست. دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات‌متحده امریکا در سفر مهمی که نقطه عطف روابط خارجی دولت او در خاورمیانه محسوب می‌شود، با استقبالی پرزرق و برق از سوی حکام سعودی مواجه شد.

این سفر که با قراردادهای میلیارد دلاری تسلیحاتی و تجاری میان سعودی‌ها و امریکا همراه بود، نه تنها یک مراوده صرف سیاسی بلکه مانوری از تجمل و تظاهر به توسعه‌یافتگی برای بازنمایی چهره ریاض به عنوان الگوی «مدرنیته اسلامی» در منطقه و خصوصاً در مقابل ایران بود. ترامپ در سخنان خود توسعه عمرانی و اقتصادی عربستان را ستود و آن را الگویی برای خاورمیانه «بدون تروریسم» و «مملو از تجارت» معرفی کرد. او با لجن‌پراکنی و سیاه‌نمایی از وضعیت داخلی ایران، به مقایسه شرایط اقتصادی و عمرانی ایران و عربستان پرداخت و سعودی‌ها را حاکمانی نامید که بیابان‌ها را تبدیل به شهرهای باشکوه می‌کنند؛ مانوری که برق تیز آن چشم برخی فعالان و تحلیلگران خودباخته داخلی ایران را گرفت که با استقبال از این نمایش زرق و برق، به ستایش توسعه ظاهری سعودی و تحقیر وضعیت داخلی ایران بپردازند؛ واکنش‌های ذلیلانه و محقرانه‌ای که یادآور نظریه مهم «خودشرقی‌سازی» ادوارد سعید هستند.

خودشرقی‌سازی به معنی درونی‌سازی کلیشه‌های شرق‌شناسانه غرب است که شرق را به عنوان فضایی عقب‌مانده و غرب یا وابستگانش را به عنوان نماد پیشرفت و توسعه‌یافتگی معرفی می‌کند و افرادی از دل خود جوامع شرقی با پذیرش این کلیشه‌های برساخته، به تثبیت و ترویج این گفتمان استعماری می‌پردازند. در خودشرقی‌سازی فرد از هویت جمعی و تاریخی ملت خود جدا می‌افتد و به ستایش مدل‌های بیگانه می‌پردازد. این واکنش‌ها با پذیرش روایت غربی درباره توسعه به تضعیف اعتمادبه‌نفس ملی و مشروعیت‌زدایی از گفتمان مقاومت کمک می‌کند.

ظاهراً تماشای آسمانخراش‌های بلند سعودی و مرمرهای سفید به کار رفته در کاخ‌های بزرگ عربی، طوری چشم‌های این فعالان خودباخته را گرفته که دیکتاتوری و سرکوب‌ها و خفقان سیاسی سعودی، از جنایت علیه خاشقجی تا کشتارهای شهر قطیف را فراموش کرده‌اند. بسیاری از شاهزادگان سعودی، در نتیجه توهم توطئه حاکمان سعودی سال‌هاست در حبس‌های طولانی‌مدت به سر می‌برند. غالب گروهک‌های تروریستی منطقه در دهه اخیر با تکیه بر پشتیبانی مالی و تسلیحاتی سعودی به قتل‌عام و جنایت علیه ملت‌ها پرداخته‌اند. باید یادآور شد که چند طراحی گرافیکی و رؤیاپردازی‌های خام روی کاغذ درباره تأسیس شهرهای سبز مدرن در صحراهای حجاز، هیچ‌گاه باعث مغفول ماندن توسعه‌نیافتگی سیاسی و دیکتاتوری‌های سرکوب‌گرایانه سعودی علیه ملت‌ها نخواهد بود. برای مقابله با این خودشرقی‌سازی، رسانه‌ها و نخبگان ایرانی باید به بازسازی گفتمان ملی مبتنی بر عزت و خودباوری بپردازند. این مهم، با تکیه بر کلام علوی و تأکید بر شناخت حقیقت ممکن است. رسانه‌ها می‌توانند با تبیین دستاوردهای انقلاب اسلامی نظیر پیشرفت‌های علمی در شرایط تحریم، به اصلاح این نگاه کمک کنند. در نهایت، به قول امیرالمؤمنین(ع): «مَنْ عَظُمَ صَغِيرُ الْمَصِيبَةِ ابْتَلَاهُ اللهُ بِكَبِيرِهَا» (هر کس مصیبت کوچک را بزرگ شمارد، خدا او را به مصیبت بزرگ‌تر گرفتار کند). تحقیر وطن و بزرگنمایی قدرت دشمن، مصیبتی فکری است که می‌تواند به ضعف‌های بزرگ‌تر منجر شود.

یادداشت
مهسا گربندی

«تحول در آموزش» وعده‌ای بزرگ، راهی دشوار!

آموزش‌وپرورش زیربنای پیشرفت یک جامعه است. از کلاس‌های ابتدایی تا تحصیل در آموزش عالی، همه و همه از مدارس آغاز می‌شود، با وجود این اما سال‌های سال است سیستم آموزشی کشور با چالش‌های بزرگی روبه‌رو شده؛ از کمبود و فرسودگی فضاهای آموزشی گرفته تا مشکلات محتوای درسی که با نیازهای دنیای امروز همخوانی ندارد. در چنین شرایطی، مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور وعده داده است تمامی مدارس کشور را نوسازی می‌کند و روش‌های آموزشی را تغییر می‌دهد. او می‌گوید: «همه مدارس را درست می‌کنیم، دولتی‌ها را تجهیز خواهیم کرد و روش‌های آموزشی را هم تغییر می‌دهیم.» این سخنان، در نگاه اول، نوید تحولی بزرگ در سیستم آموزشی کشور را می‌دهد، اما سؤال کلیدی این است، این تغییر چگونه و با چه برنامه‌ای قرار است اجرا شود؟

پزشکیان در نشست با فعالان سیاسی و اجتماعی استان کرمانشاه تأکید کرده است: «همه مدارس در سراسر کشور را طی مدت دو سال درست می‌کنیم»، البته نکته‌ای که او بر آن اذعان دارد، کمبود بودجه است و دولت برای اجرای این طرح، بیشتر بر مشارکت مردم حساب باز کرده است، اما آیا چنین پروژه‌ای بدون تأمین مالی پایدار، به نتیجه می‌رسد؟! تجربه نشان داده است طرح‌های بزرگ نوسازی مدارس، به حمایت‌های جدی دولتی نیاز دارند. تا زمانی که منابع مالی مشخص و برنامه‌ریزی دقیق برای اجرا وجود نداشته باشد، بیش از آنکه شاهد تحول باشیم، با چالش‌های اجرایی روبه‌رو می‌شویم.

بخش دیگری از وعده پزشکیان مربوط به تغییر در شیوه آموزش است؛ تغییری که چگونه محقق شدن آن نیز جای سؤال دارد. آیا قرار است نظام آموزشی کشور بر اساس استانداردهای نوین جهانی بازطراحی شود یا اینکه تغییرات صرفاً در سطح شیوه تدریس معلمان خلاصه می‌شود؟

پرواضح است که محتوای آموزشی کشور به تحول نیاز دارد. امروز در بسیاری از کشورها، مدارس بر مبنای مهارت‌آموزی و آموزش خلاقانه اداره می‌شوند، اما هنوز در ایران، تمرکز بیشتر بر حفظیات است، نه مهارت‌های کاربردی. حال اگر قرار باشد وعده رئیس‌جمهور به اصلاحات جدی و عملیاتی در محتوای درسی منجر شود، باید انتظار داشته باشیم مدل یادگیری دانش‌آموزان تغییر کند و آموزش بر پایه مهارت‌های آینده‌محور تنظیم شود.

عمده کارشناسان بر این باورند که آموزش، باید مهم‌ترین بخش بودجه دولت باشد، همانطور که در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته، آموزش اولویت اول است، با وجود این اما آموزش‌وپرورش کشورمان، همواره با کمبود منابع، تغییرات مکرر مدیریتی و تصمیمات کوتاه‌مدت روبه‌رو شده است. حال اگر دولت چهاردهم واقعاً بر این تحول مصمم است، باید برنامه‌ای عملیاتی، شفاف و دقیق برای آن ارائه کند. اصلاح نظام آموزشی تنها با وعده‌های کلی محقق نمی‌شود، باید بودجه تأمین شود، محتوای آموزشی موردبازبینی کارشناسانه قرار گیرد و زیرساخت‌های لازم برای این اقدامات فراهم شود.

بی‌تردید این وعده، یک امید است؛ امیدی به بازسازی مدارس، امیدی به تغییر شیوه‌های آموزشی، امیدی به آینده‌ای که در آن، آموزش دیگر یک چالش نیست، بلکه یک فرصت برای پیشرفت است، اما این امید، بدون تصمیمات جدی و برنامه‌های عملی، به واقعیت تبدیل نمی‌شود. اجرای این تحول، نه تنها به اراده دولت، بلکه به عزم همه نهادهای مسئول و همراهی مردم بستگی دارد و اگر این تغییرات با عزم جدی همراه باشد، اگر آموزش‌وپرورش به جایگاه واقعی خود برسد، شاید در آینده، دیگر نیازی نباشد درباره مشکلات مدارس بنویسیم، بلکه از پیشرفت‌های آن خواهیم گفت.

این صفحه پیام‌ها، متن‌ها، عکس‌نوشت‌ها و خبرهای کوتاه منتشر شده در فضای مجازی را بازنشر می‌دهد. تلاش بر این است که دیدگاه‌ها و نظرات کاربران اندیشمند شبکه‌های اجتماعی در عرصه مکتوب هم دیده شود.

آیینه نفس

سلامتی‌ات را جدی بگیر

آیت‌الله حائری شیرازی(ره):
قرآن می‌فرماید:«خُذُوا مَا آتَیْنَاکُمْ بِقُوَّةٍ»: «چیزی که به شما داده‌ایم را محکم بگیرید». خدا به انسان عقل داده، این عقلش را باید محکم بگیرد. خدا به انسان سلامتی داده، این سلامتی را باید محکم بگیرد. کسی که دندان‌هایش را مسواک می‌کند تا مبادا پوسیده شوند، دارد به این آیه عمل می‌کند:«خُذُوا مَا آتَیْنَاکُمْ بِقُوَّةٍ»؛ یعنی من دندان سالم به تو دادم، محکم بگیرش. کسی که ورزش می‌کند تا تغییر وزن ندهد، سالم بماند و بتواند مدت بیشتری در این دنیا انجام وظیفه و خدمت کند، این دارد به این آیه عمل می‌کند. سلامتی، داده خداست. کسی که غذای غیر بهداشتی نمی‌خورد، غذای مانده، فاسد و ضایع‌شده نمی‌خورد دارد به این آیه عمل می‌کند. می‌گوید آقا اگر این غذا را نخورم ضایع می‌شود، خب خودت ضایع می‌شوی! کسی که می‌داند سیگار به سلامتی ضرر می‌زند و به همین دلیل نمی‌کشد یا مثلاً ترک می‌کند، دارد به این آیه عمل می‌کند: «خُذُوا مَا آتَیْنَاکُمْ بِقُوَّةٍ.»
منبع: کانال «نکات ناب و حکمت‌های آیت‌الله حائری شیرازی» در ایتا

بهشتی که از جهنم برای انسان بدتر است

صفحه توئیتری «عالم» بیانی از «آیت‌الله جوادی آملی (حفظه‌الله)» را به اشتراک گذاشت. ایشان بیان داشته‌اند: اگر انسان در قیامت «با شفاعت یا توبه» وارد بهشت شود و از نعمات متنعم باشد، ولی زمانی بگوید می‌خواهم امام حسین(ع) را ببینم و در جواب بگویند شما «به خاطر کمی اعمال شایسته» در مرتبه‌ای نیستید که سیدالشهدا(ع) را ببینید. چنین بهشتی برای انسان از جهنم بدتر است.

جان مردمان غزه در خطر

مرتضی قرقی در توئیتی نوشت: قحطی مواد غذایی و آب به طور وحشتناکی جان آوارگان غزه را تهدید می‌کند. ۹۰ درصد از مردم به غذا و آب بهداشتی دسترسی ندارند، سازمان‌های بین‌المللی حقوق بشری اعلام کرده‌اند، نسل کودکان غزه رو به نابودی است و ادامه کشتار فلسطینیان به امری عادی تبدیل شده و مردم جهان و کشورهای اسلامی در سکوت.

عقب‌ماندگی واقعی اینجاست

نفیسه عبداللهی در توئیتی نوشت: رقص موی زنان در امارات برای استقبال از ترامپ، نماد یک تقابل تلخ است، نمایش‌هایی بی‌ارزش در مقابل بحران‌های واقعی. در حالی که زنان غزه با خون خود از آزادی دفاع می‌کنند، کشورهای عربی سکوت کردند. این سکوت در برابر رنج فلسطینی‌ها، نشان‌دهنده دوری از اولویت‌های انسانی و دیپلماسی واقعی است.

دلالی وطن به عشق وطن!

احسان محمدی در توئیتی نوشت: اگر وطن، زبان داشت احتمالاً فریاد می‌زد و می‌گفت: خیلی از اینا که اسم من رو میارن، به بهانه دلسوزی برای من به این و اون حمله می‌کنند، پشت نام من قایم میشن، اینا کاسب و دلال وطن‌پرستی هستند، سر سوزنی هم ایران براشون مهم نیست. ولی تا اطلاع ثانوی، دور دور رندان است!

واکنش کاربران شبکه‌های اجتماعی به تصویر مشترک ترامپ، بن‌سلمان و جولانی

تصویری واقعی از امریکا، سیاست‌ها و هم‌دستانش

سفر ترامپ به عربستان سعودی حواشی بسیاری به همراه داشت که نقل محافل کاربران شبکه‌های اجتماعی در روزهای اخیر بود. یکی از پر بحث‌ترین این موارد دیدار ترامپ با جولانی بود که باعث شد عکس مشترک بن‌سلمان، جولانی و ترامپ از گرایه‌های (ترندهای) شبکه‌های اجتماعی باشد. کاربران از جوانب مختلف به این دیدار پرداختند و آن را دارای نشانه‌ها و پیام‌های مختلف دانستند. کاربران همچنین به تصویری از سالیان گذشته اشاره کردند که امریکایی‌ها برای سر جولانی ۱۰میلیون دلار جایزه گذاشته بودند و اکنون او با تمکین از سیاست‌های امریکایی محبوب آنها شده است. در ادامه بخش‌هایی از واکنش‌های کاربران را مرور کرده‌ایم.

■ **محمد اکبرزاده:**
ترامپ برای سر جولانی ۱۰میلیون دلار جایزه گذاشته بود! کلاغ‌ها اینگونه رنگ شده و به عنوان قناری قالب می‌شوند!

■ **میثم مهدیار:**
تصویر [ترامپ، جولانی و بن‌سلمان] نشان می‌دهد ایران در ۴۷سال گذشته در سمت درست تاریخ ایستاده است. روح حاج قاسم و یارانش شاد.

■ **امیرعلی ابوالفتح:**
طرف بنیانگذار شاخه القاعده در سوریه بوده آن وقت ترامپ او را «مردی جوان، جذاب، سرسخت و جنگجو» توصیف می‌کند و در مورد سابقه‌اش می‌گوید «گذشته قوی، گذشته خیلی قوی» داشته است. به نظر می‌رسد اسامه بن لادن زود مرد.

■ **کاربری با نام «آسید مهدی»:**
عجب سیرکی درست کردند تروریست‌ها! پاداش برای یافتن جولانی هنوز از صفحه سفارت امریکا در سوریه پاک نشده حالا ترامپ و جولانی با همدیگه دیدار کردند.

■ **اسما کرمی:**
جولانی از داعش تا تحریر الشام کنار صاحب پروژه اصلی امریکا! جولانی یه مصاحبه قدیم داره اونجا میگه: حاکمان کشورهای عربی برای بقای بیشتر روی کرسی پادشاهی خود به امریکا جزیه می‌دهند!

■ **خانم پاک‌نیت:**
برای اینکه ذات تروریست بودنت پنهان بشه کافیه کت‌وشلوار و کراوات بپوشی و برای منافع اروپا و امریکا سر از پا نشناسی، اونوقت ببین چطور تحویلت میگیرن و تحریم‌ها رو برات دور میزنن!

■ **دانیال ایمانی:**
سفر ۷۲ساعته ترامپ به خلیج فارس و داستان اون هدایا و مبالغ هنگفت و دیدار با جولانی، کلاس درس فشرده‌ای بود تا بفهمیم مبنای توسعه سرمایه‌داری نئولیبرال چیزی غیر از باج و غارت عریان و اساس و پایه حقوق بشرش چیزی غیر از با ما باش و در امان باش نیست. لکن دریغ از فانتزیسم ایرانی.

■ **کوروش علیانی:**
آن یکی را روز روشن اره کردند و انداختند توی تنور. مثل داستان‌های حجاج بن‌یوسف و بنی‌امیه است. این یکی را هم حمایت کردند، به او امکان همه جور آدم‌کشی دادند و حالا به دیدار ترامپ بردند. آب از آب تکان نخورد و نخواهد خورد.

■ **علیرضا تقوی‌نیا:**
ایمن الظواهری چندسال پیش رسماً ابومحمد جولانی را به عنوان امیر گروه القاعده در سوریه معرفی کرد. حالا همان امیر گروه تروریستی القاعده (جبهه النصره) با وساطت سعودی اینگونه دوستانه دست ترامپ (رهبر جهان آزاد) رامی فشارد. و عده‌ای نیز در دنیا باور می‌کنند امریکا مدافع ارزش‌های لیبرالی است.

■ **مهدی تسلا:**
تصویری واقعی از دنیایی که در آن زندگی می‌کنیم. #امریکا #جولانی #پول

■ **کاربری با نام «سیزیف»:**
بحث پول که باشه اسرائیل اخلاقی‌ترین ارتش دنیا رو داره، بن اره میشه نماد شکوفایی، جولانی که زمانی با سر مردم فوتبال بازی می‌کرد و تحت تعقیب بود میشه نماد آزادی، خودتونم می‌دونید همه اینا رو منتهی بنده پولید.

■ **میلاد بافری:**
جولانی در مصاحبه قدیمی: «حاکمان کشورهای عربی برای بقای بیشتر روی کرسی پادشاهی خود به امریکا باج می‌دهند، حالا نوبت به خودش رسیده.» اما خب بی‌فایده است! مقام معظم رهبری آینده این جولانی رو چند وقت پیش گفتن، چند روزی جلوه‌ای می‌کند لکن رفتنی است، قطعاً خواهد رفت، در این تردیدی نیست!

راهکارهایی برای یک مشکل رایج وحشتناک

امیر جوادزاده در رشته توئیتی گزارش کرد: یه مشکل وحشتناک، رایج و متأسفانه ساده‌نگار شده تو دنیا هست: «اضطراب مزمن». همون یه چیزی که باعث میشه افسرده بشی، عمرت کوتاه شه و سیستم عصبی‌ات همش به‌هم بریزه. حالا پروتکل هفت‌مرحله‌ای Andrew Huberman برای غلبه کردن روی اضطراب (برای همیشه) اینه:

۱)نفس کشیدن کنترل‌شده مثل ریموت اضطرابه. تحقیقات نشون می‌ده وقتی بازدم‌ات طولانی‌تر باشه، سیستم پاراسمپاتیکت (همون سیستم «استراحت و هضم») فعال میشه. نفس کشی: «دم، نگه‌داشتن، بازدم، نگه داشتن (همشون چهار ثانیه)»، بازدم طولانی: «بازدم‌ات رو از دمت طولانی‌تر کن (چهار ثانیه دم، شش ثانیه بازدم)»؛ نفس عمیق دوبل: «دو بار دم پشت‌سرهم از بینی، بازدم طولانی از دهان» این کار سریع CO_2 اضافی رو تخلیه می‌کنه، کیسه‌های هوا (آلوئول‌ها) رو دوباره باز می‌کنه و سیستم «استراحت و هضم»ت رو روشن می‌کنه. فقط یک تا سه چرخه کافیه که تو چند ثانیه آرومت کنه.

۲)حرکت همراه با اسکن محیط: هابرمن اسم این روش رو «Self- Generated Optic Flow» گذاشته؛ یعنی موقع پیاده‌روی، دویدن یا دوچرخه‌سواری، به‌طور طبیعی محیط اطرافت رو با چشم‌هات زیر و رو کنی. این کار عملاً آمیگدالای مغز (مرکز اضطراب) رو سرکوب می‌کنه و ترشح دوپامین رو بالا می‌بره.

۳)چشم‌هات کنترل‌کننده سیستم عصبی‌ات هستند و وقتی مضطرب می‌شی، اکثر مردم دیدشون تنگ میشه، یعنی فقط روی یه نقطه زوم می‌کنند. اینکار استرس رو بیشتر می‌کنه. راه‌حل: «دید پانورامیک»، عمداً نگات رو باز کن و سعی کن کل صحنه رو ببینی، نه فقط یه نقطه. این حرکت فوراً سیستم عصبی رو می‌بره سمت آرامش.

۴)مواجهه تدریجی با استرس: عمداً خودت رو بنداز تو موقعیت‌های کمی استرس‌زا، بعد با ابزارهای بالا خودت رو به حالت عادی برگردون. مثل اینکه واسه سیستم‌عصبیت وزنه بزنی. اینطوری آستانه تحمل اضطرابت رو برای همیشه بالا می‌بری و... مثلاً مواجهه عمدی با سرما: دوش یا غوطه‌وری تو آب سرد بهت یاد می‌ده زیر فشار استرس چطور ذهنت رو کنترل کنی. بدنت رو تمرین می‌ده پاسخ‌های استرس رو پایین بیاره. با ۱۵–۳۰ ثانیه شروع کن و کم‌کم زمان رو افزایش بده. آستانه تحمل اضطرابت تو طول زمان حسابی بالا میره.

۵)پایه اضطرابت عمدتاً به کیفیت خوابت ربط داره. نور خورشید صبح‌گاهی تا ۳۰–۶۰ دقیقه بعد از بیدار شدن، زمان‌های ثابت برای خواب و بیداری، یک ساعت قبل از خواب، کلاً بی‌خیال صفحه‌نمایش باش. ریتم شبانه‌روزیت رو تنظیم کنی =اضطرابت هم تنظیم میشه.

۶)ارتباط اجتماعی فقط خوشایند نیست، یه داروئه: گذروندن وقت واقعی و حضوری با آدم‌های دور و بر (نه پیام دادن) باعث میشه اکسی‌توسین ترشح بشه و جلوی استرس رو بگیره. حتی برای درون‌گراها، وقت‌گذرونی باکیفیت با بقیه اضطراب رو حسابی کم می‌کنه.

۷)نوشتن احساسات مثل سوپاپ فشار عاطفی عمل می‌کنه. ۱۰دقیقه نوشتن درباره تجربه‌های استرس‌زا کمک می‌کنه احساساتت رو دسته‌بندی کنی و ذهنت کمتر تو فکرهای بی‌پایان بپیچه. با اتفاق‌های کم‌تنش‌تر شروع کن، بعد کم‌کم برو سراغ ماجراهای بزرگ‌تر.

چرا با ماینرها برخورد نمی‌شود؟!

آزاده مختاری در توئیتی نوشت: پزشکیان بارها از فعالیت غیرقانونی ماینرها به‌عنوان یکی از عوامل بحران برق نام برده است. راه‌حل آن نیز پیچیده نیست. وزارت نیرو با همکاری وزارت ارتباطات می‌تواند مکان‌هایی با مصرف برق مشکوک را شناسایی کند. چرا انجام نمی‌شود آقای وزیر ارتباطات؟

لازم نیست همه‌جا روانشناس کودک باشیم!

مهشید جهانگرد در توئیتی نوشت: برای یه «زن بچه‌دار» هیچی هیچی بدتر از «مهمون تحلیلگر رفتار و ظاهر بچه» نیست. اومدی مهمونی؟ غذاتو بخور، خوش‌وبش کن و برو، تحلیل می‌کنه خودشم به نتیجه می‌رسه.

۲مرجع، ۲مکتب فکری

علی دارابی در کانال تلگرامی خود نوشت: دیدار حضرات آیات و مراجع عالیقدر سیدعلی سیستانی و عبدالله جوادی آملی در نجف اشرف از جهات مختلف قابل توجه است. آیت‌الله سیستانی در پیروی از استادشان حضرت آیت‌الله سیدابوالقاسم خویی اعتقاد به قرائت حداقلی دین در سیاست دارد. شأن مرجعیت و روحانیت را در تبلیغ و اشاعه دین و شریعت و عدم ورود به عرصه سیاست و حکومت‌داری می‌داند. از نظر ایشان ولایت فقیه در حوزه بس محدود (ولایت فقیه حداقلی) می‌تواند ورود کند. از دیدگاه وی مصلحت واقعی در تأمین منافع مردم است و فقها باید بر این مبنا آرای فقهی خود را استنباط و صادر کنند. آیت‌الله جوادی آملی به تأسی از استاد بزرگوارشان حضرت امام خمینی(ره) اعتقاد به نظام امت و امامت دارند. ولایت مطلقه فقیه را باهمه شئون و اختیارات قبول دارند. ایشان بر این باور هستند که بعد از نظام پادشاهی مردم نظام امامت را جایگزین آن کردند. از دیدگاه ایشان به نقل از امام علی(ع) مردم ستون دین هستند و باید همواره منافع و مصالح مردم را مد نظر داشت.

هر دو فقیه، مجتهد و اسلام‌شناس هستند و پیروان و مقلدان فراوانی دارند. یکی مکتب نجف را نمایندگی می‌کند (سیستانی) و دیگری مکتب قم را (جوادی آملی). هر دو قرائت در عراق و ایران در حال اجراست. مراجع و فقها دژ و استوانه‌های دین و مذهب تشیع هستند. از خدای بزرگ سلامتی آنان را خواهانیم. درباره اندیشه و مکتب فکری نجف و قم و حضرات آیات سیستانی و جوادی آملی در کتاب «فقه، سیاست و حکومت» (نشر جهاد دانشگاهی) به تفصیل نوشته‌ام. علاقه‌مندان به کتاب مراجعه فرمایند.

کارهایی که مدارس ژاپن می‌کنند و مدارس ما نمی‌کنند

کاربری با نام «هیرکان» طی رشته توئیتی از رویه‌هایی سازنده در سیستم آموزشی ژاپن گزارش داد. او نوشته است: تو ژاپن بچه‌ها تا ۱۰سالگی امتحان تحصیلی ندارن. اونجا اعتقاد بر اینه سه سال اول تحصیلی سال بررسی دانش بچه‌ها نیست. بلکه سال آموزش آداب و رشد شخصیت کودکه. تو این دوره به بچه‌ها یاد داده میشه به مردم احترام بذارن. نه تنها به مردم، به حیوانات و طبیعت هم احترام بذارن. اونا در بطن فعالیت‌های اجتماعیشون یاد میگیرن سخاوتمند و دلسوز باشن.

کنترل نفس و برتری‌دادن به عدالت از موارد مهمی هست که روش تمرکز میشه. هرچند برای کودکان سخت و بزرگ به‌نظر بیاد ولی ژاپنی‌ها معتقدن باید زود شروع بشه. همچنین اونا خودشون مدرسه‌شون رو تمیز میکنن. خدمتکار وجود نداره راهرو و کف کلاس‌ها رو بچه‌ها تمیز میکنن. نظافت دست‌جمعی بهشون «کار تیمی» و «کمک به همکار» رو آموزش میده. تمیزکاری بچه‌ها تو مدرسه کار مهمیه و بهش اسم هم دادن: «سوجی» به معنی تمیزکاری شرافتمندانه.

دانش‌آموزان همینطور نهار رو پیش هم میخورن. سیستم آموزشی ژاپن تمام تلاشش رو میکنه تا بچه‌ها وعده‌های سالم غذایی بخورن و با وسواس پیگیر این امر هست. غذایی که آماده میکنن هم از سوی آشپزهای خبره و متخصصین بهداشت تهیه و تأیید میشه. معلم‌ها و بچه‌ها با هم غذا میخورن. نهار هم از سوی دانش‌آموزانی که مسئولیت پخش غذا رو به عهده‌دارن به بقیه ارائه میشه.

تأکید ویژه روی «رباله صفر» وجود داره. برای این هم اسم دارن: «اعضای باشگاه بشقاب نظافت». دانش‌آموزانی که بعد از مدرسه جایی کار میکنن بسیار محبوب هستن. هر چیزی که اونا رو به کار نزدیک کنه مهمه. همچنین سیاست‌های سختگیرانه‌ای در مورد یونیفرم وجود داره. آرایش، لاک ناخن، مدل موی خاص و... ممنوعه.

در بیشتر مناطق جهان سفر یه کودک شش ساله غیرقابل باوره ولی در ژاپن اینجوری نیست! در ژاپن کاملاً طبیعیه و نتیجه فرهنگ امنیت و مسئولیت‌پذیری مردمه. هر روز صبح بچه‌های ژاپنی به مدرسه میرن، بدون پدر،مادری که دستشون رو بگیرن. هیچ ترسی تو چشماشون نیست و ریتم آرام زندگی روزمره ادامه داره. چجوری ممکنه؟ فقط نرخ پایین جرم و جنایت نیست. ارزش‌های عمیق اجتماعی که ژاپن از سنین پایین آموزش میده: استقلال، انظباط و مراقبت جمعی.

دهه اول محرم، کربلا و نه تهران!

حمید کثیری در کانال شخصی خود نوشت: هفته گذشته خبری آمد مبنی به اینکه چهارنفر از مداحان معروف تهران در دهه اول محرم، کربلای معلی هستند. در این‌باره حرف‌های متعددی نیز زده شد، از جمله مصاحبه یکی از این مداحان معروف که گفتند بالاخره بعد از این همه سال، یک کربلای دهه اول محرم، به ما می‌رسد. ضمن احترام به این بزرگواران گفتن چند نکته ضروری است:

۱)هر فردی باید بگردد و متناسب با شأن و جایگاه و کارکردی که در جامعه دینی دارد، وظیفه‌اش را تشخیص دهد. این نگاهی متفاوت از میل و خواسته شخصی است.

۲)هیئت کارکردی متفاوت و مشخص در فرم‌دهی به تشیع سیاسی دارد. خصوصاً هیئت‌هایی که سالیان سال برای آنها هزینه شده، حمایت ویژه دریافت کرده‌اند، مخاطب خاص دارند و هویت ویژه‌ای برایشان تعریف شده. اینجا مداح و سخنران، صرفاً نقش مداح و سخنران ندارند! بلکه بسیار فراتر از آن نقش هدایت فکری -سیاسی را ایفا می‌کنند.

۳)هیئت این ظرفیت را دارد که جریان اجتماعی ایجاد کند و جزء معدود سنگرهایی است که هنوز کارکرد ویژه‌ای در این شرایط کشور دارد. خالی کردن این سنگر، آن هم برای هیئت‌هایی که عموم مخاطبین‌شان انتخاب دیگری ندارند، قدری عجیب است.

۴)کشور شرایط خاصی دارد و بر هیچ‌کس پوشیده نیست که محرم‌الحرام همیشه نقش ویژه در عبور از چالش‌ها و بحران‌ها داشته است. فرصتی بوده برای عمق‌بخشی به معارف دینی و گفت‌وگو با مردم. خالی کردن این عرصه یعنی فرصت‌سوزی، یعنی رها کردن مخاطب و احیاناً از دست دادن او.

۵)و سؤال آخر اینجاست که با چه ایده‌ای به کربلا می‌رویم؟! آیا برنامه خاص برای مخاطب شیعی عراقی داریم یا صرفاً برای حال دل‌مان می‌رویم؟! چند نفر از ایران می‌توانند یک دهه در کربلا بمانند؟! اساساً این کار درست است؟!

پی‌نوشت: در مورد عزاداری دهه اول محرم پیش از این نوشته‌ام که شخصاً طرفدار رشد هیئت‌های محلی هستم و این زمان را بهترین فرصت برای تقویت مساجد محلی می‌دانم اما موضوع این نوشته چیز دیگری است! احتمالاً بخش بزرگی از مخاطب این هیئت به واسطه فرم متفاوت‌شان، به هیئت‌های سنتی محلی نخواهند رفت.

تصویر منتخب

بدون شرح
برگرفته از شبکه‌های اجتماعی

برترین روزنامه‌ها

عقب‌نشینی ترامپ از بلوف سیاسی

همشهری

روزنامه همشهری در یادداشتی نوشت: در طول این مدتی که ترامپ سکان کاخ‌سفید را در دست دارد، شاهد تغییر مواضعش و عقب‌نشینی رویکرد او نسبت به ایران هستیم. بخش قابل‌توجهی از این موضوعات به شخص ترامپ برمی‌گردد؛ او در طول این مدت سخنان زیادی در مورد مسائل مختلف منطقه گفته و تهدیداتی را مطرح کرده که هیچ‌کدام عملی نشده است.

مشخصاً در مورد ایران این موضوع گفتنی است که ترامپ وقتی از موضوع تهدید استفاده می‌کند و به مرحله اجرا می‌رسد، به دلایلی این موضوع را عملی نمی‌کند. در قبال ایران او در حال حاضر که مذاکرات درحال انجام است، دیگر مثل ابتدای ریاستش تهدید نظامی به عمل نمی‌آورد و احتمالاً امید این را در دل دارد که با ایران در نهایت به یک توافق دست یابد. در سفر اخیر ترامپ به خاورمیانه شاهد آن بودیم که گفت اگر ایران شاخه زیتون ما را نپذیرد، تحریم‌های سختی علیه او اعمال خواهیم کرد. او در این موضع در اصل از مواضع رادیکال خود عقب‌نشینی کرده است و می‌خواهد با تحریم کار خود را پی بگیرد و از کشورهای عربی منطقه هم می‌خواهد که او را در این موضوع همراهی کنند، البته باید درنظر گرفت که این موضوعات دلیل نمی‌شود که بگوییم ترامپ دیگر مسئله تهدید نظامی را درنظر نمی‌گیرد. او ممکن است ۱۰ روز دیگر تصمیم بگیرد که باز ایران را تهدید کند، اما فعلاً از این موضع عقب نشسته و این موضوعی است که به شخصیت ترامپ از طرفی برمی‌گردد و از سویی دیگر در عمل می‌بینند اجرایی‌سازی این تهدیدها هزینه سنگینی برای امریکا در پی خواهد داشت. چندان نباید حرف‌های ترامپ را درنظر گرفت و آنها را مبنا قرار داد، بلکه باید رفتار او را سنجید. نه ادعای او مبنی بر آوردن رفاه و سعادت برای ایرانیان ارزشی دارد و نه تهدیدات او را باید بیش از اندازه جدی گرفت.

غایبان همیشگی کلاس تاریخ

کیهان

روزنامه کیهان در یادداشتی به سفر رئیس‌جمهور امریکا به چند کشور عربی منطقه پرداخت و نوشت: دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور دولت امریکا در اجلاس کشورهای حاشیه خلیج‌فارس در ریاض در اظهارنظری گستاخانه گفت: «ایران باید حمایت از تروریسم و جنگ‌های نیابتی را متوقف کند.» وی در مجمع سرمایه‌گذاری عربستان - امریکا گفت: «من می‌خواهم با تهران توافقی انجام دهم تا جهان امن‌تر شود.»

آیا این ایران است که حامی تروریسم و ناامنی در منطقه غرب آسیاست؟ آیا دولت امریکا به دنبال تبدیل جهان به مکانی امن‌تر است؟ آیا کارنامه دولت امریکا، نشان‌دهنده مبارزه مستمر و بی‌وقفه با تروریسم است؟ آیا ترامپ مرد صلح و آبادانی و توافق است؟ اما قسمت اندوهناک ماجرا که حقیقتاً باید برای آن گریست، آنجاست که طیفی در داخل کشور چشمان خود را بر اراجیف و اظهارات بی‌شرمانه ترامپ بسته و اظهارات اخیر وی را با عناوینی چون «بده‌بستان در حجاز»، «اول تجارت، بعد سیاست»، «صید میلیاردها دلار نفتی»، «رقص دیپلماسی بر محور دلارهای نفتی» و... پوشش داده‌اند.

به عقیده این طیف، مقامات دولت امریکا حق دارند که هر اراجیفی را درباره ایران بر زبان بیاورند اما ایران در مقابل، نباید به طرف امریکایی، نازک‌تر از گل بگوید، چرا؟! چون این طیف مدعی است که تنها راه رفع مشکلات، بستن با امریکاست. برای همین با تیتر درشت می‌نویسد «اول تجارت، بعد سیاست»، این یعنی بی‌خیال کشتار بی‌رحمانه زنان و کودکان معصوم در غزه بشوید و تجارت و معامله با امریکا را بچسبید! یعنی کارنامه سیاه امریکا در جنایت علیه مردم ایران را فراموش کنید و تجارت با ترامپ را بچسبید. واقعیت این است که جریان غرب‌گرا در داخل ایران، «غایب همیشگی کلاس تاریخ» است. همین طیف که امروز برای روابط امریکا و عربستان، سوت و کف و هورا می‌کشد، پیش از این از رئیس‌جمهور اوکراین، یک قهرمان و الگوی بی‌نظیر ساخته بود.

«مقاومت» رکن اصلی استراتژی ملی لبنان

جام جم

روزنامه جام‌جم در شماره پنج‌شنبه خود در یادداشتی به تحولات لبنان پرداخت و نوشت: آنچه که در جنوب لبنان می‌گذرد، فقط تجاوز به خاک لبنان نیست بلکه نقض حاکمیت تلقی می‌شود که هنوز هم باحمایت امریکایی‌ها ادامه دارد. امریکایی‌ها حتی یک اسلحه در دست مقاومت را رصد می‌کنند اماجنگنده‌های اسرائیلی بر فرازلبنان را نمی‌بینند. کمیته پنج‌جانبه در خواب گران به‌سر می‌برد و کاری به تجاوزات روزمره صهیونیست‌ها ندارد. این وضعیت خطیر است و من مقاومت را به‌لحاظ درپیش گرفتن اصل صبر استراتژیک و واگذاری موضوع به دولت لبنان تحسین می‌کنم، البته باید دانست صبر مقاومت حد و مرزی دارد. از سوی دیگر معتقدم مقاومت هرگز سلاح خود را تحویل نخواهد داد. کسی که سلاح خود را در چنین وضعیتی تحویل دهد، مانند آن است که جان خود را تحویل دهد. امکان ندارد که مقاومت، سلاح خود را به چنین دشمنی تحویل دهد. سلاح مقاومت یک نیاز و یک ضرورت میهنی و ملی بزرگ است. در زمینه سلاح، اکنون هماهنگی میان مقاومت با دولت و ارتش لبنان وجود دارد و مقاومت به عنوان رکنی از استراتژی ملی کشور لبنان به‌شمار می‌رود. برهمین اساس نمی‌توانیم از منبع قدرت خود در قبال این تجاوزات و این دشمن خونخوار صرف‌نظر کنیم.

تصویب با اکثریت خوب آرا

ایران

محمدرضا باهنر، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام در یادداشتی در روزنامه ایران در خصوص تصویب لایحه پالرمو نوشت: تصویب این لایحه هرچند با اکثریت خوبی از آرای اعضا صورت گرفت، اما چند نکته وجود داشت. این نکات پاسخی بود که به دغدغه‌های موجود داده شد. دغدغه اول این بود که آیا با تصویب لایحه پالرمو تحریم‌های ظالمانه‌ای که اکنون بر ملت ما تحمیل می‌شود، برداشته خواهد شد؟ پاسخ مسئولان دولت این بود که با تصویب این لایحه و پیوستن ایران به این کنوانسیون تحریم‌ها لغو یا برداشته نخواهد شد، اما در هنگامی که تحریم‌ها برداشته شود، تصویب نشدن این لوایح و نپیوستن به این کنوانسیون‌ها، به عنوان یک معضل در روابط تجاری ایران با جهان مطرح خواهد شد و مشکل دیگری برای تجارت خارجی ما ایجاد خواهد کرد. دغدغه دیگر این بود که آیا تصویب این لوایح به این معنی نیست که ما دیگر نخواهیم توانست از جریان‌ها، گروه‌ها و اساساً محور مقاومت حمایت کنیم؟ مسئولان در پاسخ به این دغدغه تأکید کردند که دفاع و حمایت از مقاومت یک اصل در کشور ما و موضوعی همیشگی است که با هیچ تحولی در سیاست یا تجارت خارجی تغییر نخواهد کرد. اساساً راه‌های دفاع و حمایت ما از مقاومت، چیزی نیست که با تصویب این لوایح بسته یا حتی محدود شود. دغدغه سوم مطرح شده در تصویب این لایحه، این بود که پیوستن به این کنوانسیون، باعث دسترسی کشورهای دیگر به اطلاعات مالی و اقتصادی داخل کشور ما خواهد شد. مسئولان به این دغدغه این‌طور پاسخ دادند که رفتار و رویکرد جمهوری اسلامی ایران در قبال این کنوانسیون، همچون رفتار دیگر کشورهاست و ایران نیز همان‌طور آنها را اجرا خواهد کرد که دیگر کشورها اجرا کرده‌اند، البته تحفظ‌های اعلام شده در لوایح دولت برای پیوستن به این کنوانسیون‌ها که برخی از آنها با عنوان «شروط» یاد می‌کنند، ناظر بر رعایت همین دغدغه‌ها بوده است که در کنار پاسخ‌های داده شده، در بررسی‌ها و بحث‌ها لحاظ شد.

آیین گرامیداشت اولین سالگرد شهدای خدمت برگزار شد

بزرگداشت خدمتی که مقبول و ماندگار شد

گزارش یک
فاطمه بصیری

یک سال پیش در چنین روزهایی، هنگامی که رئیس‌جمهور شهید به همراه یارانش برای خدمت به مردم ایران عازم مأموریت بود، سانحه‌ای سخت و جانکاه رخ داد که ایران را در بهت و اندوهی عمیق فرو برد. آخرین پرواز سیدابراهیم رئیسی و همراهانش، فرودی نداشت. در سالگرد این رویداد جان‌گداز و تأثربرانگیز، مردم و مسئولان گرد هم آمدند با گرامیداشت یاد رئیس‌جمهور شهید، آیت‌الله رئیسی، نقش برجسته ایشان را در اعتلای ایران یادآوری کنند و ارج نهند. آنان همچنین خاطرنشان کردند که «دولت کار، امید و حرکت» شهید رئیسی باید «الگویی» برای همه مسئولان و دولت‌ها باشد تا حمایت و پشتیبانی مردم را به خود جلب کند.

مراسم اولین سالگرد شهادت شهید جمهور آیت‌الله سیدابراهیم رئیسی و شهدای خدمت، شهید حسین امیرعبداللهیان، شهید آیت‌الله آل‌هاشم، شهید مالک رحمتی، شهید سردار مهدی موسوی، شهید سرتیپ محسن دریانوش، شهید سرتیپ مصطفوی سیدطاهر مصطفوی و شهید سرهنگ بهروز قدیمی، روز پنج‌شنبه با حضور و اجتماع اقشار مختلف مردم و چهره‌های لشکری و کشوری در تهران و همزمان در سراسر کشور برگزار شد.

■ گرامیداشت شهید رئیسی در تهران

در این مراسم که در میدان آیینی امام حسین(ع) به همت سپاه محمد رسول الله(ص) تهران بزرگ برگزار شد، شخصیت‌های دولتی و لشکری چون سردار اسماعیل قاآنی، حسن منصوری معاون اجرایی دولت سیزدهم، محمد مخبرمشاور و دستیار مقام معظم رهبری و محمدمهدی اسماعیلی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی دولت سیزدهم حضور داشتند. سرلشکر حسین سلامی، فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی سخنران اصلی این مراسم با بیان ویژگی‌های برجسته اظهار کرد: امروز سالروز عروج ملکوتی و پرواز آسمانی مردان بلندقامت عرصه خدمت به میهن اسلامی است.

■ برای خادم اسلامی، مردم نزدیک‌تر از خانواده است

فرمانده کل سپاه ادامه داد: آیت‌الله شهید سیدابراهیم رئیسی، آن رئیس‌جمهوری است که نشان داد در نظام اسلامی حاکمان خادمان ملتند. او که نشان داد برای مسئولان نظام اسلامی مرگ نزدیک‌تر از زندگی است، برای خادمان و حاکمان نظام اسلامی مردم نزدیک‌تر از خانواده‌ها هستند، برای مسئولان نظام اسلامی سختی‌ها نزدیک‌تر از رفاه و آسایش هستند.

وی تصریح کرد: آیت‌الله شهید آل‌هاشم، امام جمعه محترم تبریز و نماینده معزز ولی فقیه که استان آذربایجان‌شرقی مشهد او شد، یک امام جمعه مردمی محبوب که ایمان و عمل صالح او را میان مردمی که با آنها زندگی می‌کرد و در غم‌های آنها سهیم بود و از نشستن در کنارشان لذت می‌برد، محبوب کرده بود.

فرمانده کل سپاه ادامه داد: جناب شهید دکتر حسین امیرعبداللهیان، وزیر بلندقامت خارجه ما که قامتش نماد و تجسمی از بلندای قامت یک ملت بود. هنگامی که با شجاعت تمام، باصلابت و شکوه یک مؤمن عزیز تحقیرناپذیر، شکست‌ناپذیر، نفوذناپذیر در مقابل دشمنان خداوند بی‌هیچ کرنشی می‌ایستاد.

سرلشکر سلامی تصریح کرد: شهید عزیز سردار سیدمهدی موسوی که دهها سال او را می‌شناختم و به او نزدیک بودم، یک فرمانده رشید، شاداب و باوفا که تمام وجود او سرشار از غیرت ابوالفضل بود.

وی افزود: استاندار شهید ما جناب آقای مالک رحمتی، آن جوان مؤمن، با نشاط، سرشار از شور، شوق‌آفرین، عاشق خدمت، خادم امام رضا(ع) و خلبان شهید امیرطفوی، فرزند یک روحانی جلیل‌القدر، برادر یک شهید که سال‌های سال برای اعتلای این سرزمین پرواز کرد.

■ رئیسی تجلی و تجسم فضائل الهی بود

فرمانده کل سپاه گفت: اینها سرمایه‌های عظیم و تمام‌ناشدنی و بی‌انتهای جامعه ما هستند. شهید سیدابراهیم رئیسی واقعاً تجلی و تجسم فضائل الهی در وجود یک انسان مؤمن واقعی بود. صفات شریف نبوی را از جد بزرگوارش به ارث برده بود. با مؤمنان نرم‌خو، خوش‌رفتار، حلیم و صاحب سعه‌صدر بود. از نشستن کنار فقرا لذت می‌برد، تعطیلاتش را با آنان تقسیم می‌کرد، او در سخت‌ترین شرایط سکان هدایت اجرایی کشور را به دست گرفت؛ جایی که تحریم در اوج تأثیر خود قرار داشت، جایی که کرونا جهان را رنج می‌داد. جایی که همه تصور می‌کردند سیاست خارجی کشور خواهد شد، انبارها خالی خواهد شد، تحریم ضربات نهایی خود را خواهد نواخت. من او را قبل از اینکه رسماً مسئولیت را به عهده بگیرد، دیدم. در تنهایی با او صحبت کردم. سرشار از امید و توکل بود. موقعیت را می‌شناخت، می‌دانست چه مسئولیت سنگینی در چه موقعیت خطیری بر گردن اوست، اما به فضل الهی یکی پس از دیگری بر بسیاری از مشکلات، سختی‌ها و صعوبت‌ها فائق آمد. او هر آنچه را که رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران تدبیر می‌کرد، اجرا می‌کرد. انسانی بود که عمیقاً به ولایت، به امر ولی اعتقاد قلبی داشت. با تمایلات، آرمان‌ها و آرزوهای او حرکت می‌کرد و این یکی از زیباترین تصاویری بود که انسجام امت اسلام را در آن زمان برای ما به تصویر می‌کشاند.

در این مراسم همچنین محمدمهدی اسماعیلی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی دولت سیزدهم ابراز داشت: فقدان شهید رئیسی ضایعه‌ای جبران‌ناپذیر است. بعضی از اتفاقات ممکن است در کوتاه‌مدت جبران شود، ولی از دست دادن شهید عزیز ما خسارتی بود که بعید است به این زودی‌ها بتوان آن را جبران کرد. یکی دیگر از سخنرانان محمد مخبر، مشاور و دستیار مقام معظم رهبری و عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام بود که به عنوان معاون اول ایشان خاطرات گرانبهایی را نزد خود دارد.

وی در این مراسم با یادآوری ابعاد شخصیتی شهید جمهور بیان داشت: شهید رئیسی تمام ویژگی‌های شخصیتی امام خمینی(ره) و مقام معظم رهبری را با تمام وجودش حس کرده و در خود جای داده بود و اینها ویژگی‌ها و خط روشنی بودند که مسیر شهید رئیسی را بدون کوچک‌ترین انحرافی نشان می‌داد.

■ سالگرد خادم شهیدِ امام رضا(ع) در مشهد

همچنین مراسم نخستین سالگرد شهید سیدابراهیم رئیسی و شهدای خدمت روز پنج‌شنبه با حضور مردم و جمعی از علما و بزرگان حوزه علمیه خراسان در مدرسه علمیه نواب مشهد برگزار شد.

در این مراسم آیت‌الله سیداحمد علم‌الهدی نماینده ولی فقیه در استان خراسان رضوی، حجت‌الاسلام محمدباقر فرزانه امام جمعه موقت مشهد، حجت‌الاسلام نصرالله پژمانفر نماینده مجلس شورای اسلامی و محمدرضا قلندر شریف شهردار مشهد حضور داشتند.

در این مراسم استادانی از حوزه علمیه خراسان سخنانی در بیان ویژگی‌های منحصربه‌فرد شهید رئیسی ایراد کردند.

در همین راستا، حجت‌الاسلام محمدجواد نظافت‌یزدی با اشاره به اینکه سیدابراهیم رئیسی شخصیت چندوجهی داشت، بیان کرد: باید این شهید بزرگوار تکثیر شود و حوزه‌های علمیه در خصوص تربیت نیروی انقلابی همچون او اقدام کنند و از سوی دیگر جامعه به اینگونه شخصیت‌ها نیاز بسیار دارد.

■ برنامه‌های بسیج شهدای خدمت

سردار حسین معروفی، معاون هماهنگ‌کننده سازمان بسیج مستضعفین نیز با حضور در خبرگزاری بسیج، ضمن آنکه شهید رئیسی را تندیس اخلاق، ادب، عرفان، صداقت، اخلاص، ولایت‌باوری و مردمداری عنوان کرد، به تشریح برنامه‌های این سازمان در ایام سالگرد شهادت شهید رئیسی پرداخت.

وی گفت: این سازمان در نظر دارد خدمات دوره سه ساله ریاست جمهوری آیت‌الله رئیسی، دوران مسئولیت ایشان در قوه قضائیه و همچنین زمان تصدی مسئولیت آستان قدس رضوی را برای مردم تبیین کند.

وی با اشاره به برنامه‌های پیش‌بینی‌شده از سوی ۲۰قشر بسیج در سطوح ملی، استانی و شهرستانی گفت: برگزاری مراسم بزرگداشت شهید رئیسی و شهدای خدمت در ۴۰هزار پایگاه مقاومت بسیج در سراسر کشور از برنامه‌های اصلی بسیج در هفته پیش‌رو محسوب می‌شود.

معروفی گفت: رونمایی از کتاب «رئیس‌جمهور تراز انقلاب اسلامی» از سوی معاونت سیاسی سازمان بسیج مستضعفین و برگزاری رزمایش بزرگ سایبری و انتشار گسترده محتوا در شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی با محوریت شهید رئیسی، از دیگر برنامه‌های پیش‌بینی‌شده محسوب می‌شود.

گزارش ۲

قالیباف در جمع نمازگزاران جاکارتای اندونزی:

همه ما مسلمانان باید صدای مظلومیت غزه باشیم

وظیفه امروز ما مسلمانان اتحاد و وحدت است و با همدلی با فلسطین و غزه نباید به نظام استکبار جهانی اجازه دهیم به بزرگ‌ترین نسل‌کشی تاریخ ادامه دهد.

محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی که به منظور شرکت در بیست‌وپنجمین کنفرانس اتحادیه بین‌المجالس اسلامی به اندونزی سفر کرده بود، دیروز با حضور در مسجد استقلال جاکارتا در نمازجمعه ۲۰۰هزار نفری این شهر شرکت کرد و بعد از اقامه نماز به ایراد سخنرانی پرداخت.

وی در سخنان خود در جمع نمازگزاران اندونزیایی گفت: در این لحظه که من و شما در امنیت کامل باهم گفت‌وگو می‌کنیم، برادران ما در غزه در خانه، در مدرسه، در بیمارستان و در اردوگاه هر لحظه چشم به آسمان دوخته‌اند که چه وقت دوباره جنگنده‌های اسرائیلی آسمان غزه را پر می‌کنند و بمباران خانه‌ها، مدرسه‌ها، اردوگاه‌ها و حتی بیمارستان‌ها شروع می‌شود. وی ادامه داد: امروز کودکان مسلمان غزه نه فقط لحظه‌ای نمی‌توانند از جنایات و حملات نظامیان صهیونی آرامش داشته باشند بلکه گرسنگی، بی‌آبی و قحطی اجازه نمی‌دهد گریه آنها خاموش شود. امروز جلادان صهیونیست حتی اجازه رسیدن دارو را به بیماران نمی‌دهند.

رئیس مجلس شورای اسلامی اظهار داشت: امروز چشم مردم غزه، کودکان غزه، زنان غزه، بیماران غزه به من و شما دوخته شده است، آنها از ما انتظار دارند در کنارشان باشیم. آنها از ما می‌خواهند صدای مظلومیت‌شان باشیم و آنها را در این روزهای سخت تنها نگذاریم.

وی یادآور شد: روزی که امام خمینی(ره) در ایران علیه ظلم و ستم قیام کردند و رژیم دست‌نشانده نظام استکباری را از کشورم بیرون کردند، از قرآن دو آموزه را به همه ما یاد دادند، اول اینکه وَاعتَصِموا بِحَبلِ اللهِ جَمیعًا وَلا تَفَرَّقوا یعنی با همه برادران مسلمان خود با هر مذهبی، چه شیعه و چه سنی به ریسمان خدا چنگ بزنید، وحدت داشته باشید و متفرق نشوید.

قالیباف در ادامه گفت: دومین باوری که امام خمینی(ره) به ما دادند این بود که لا تَظلِمونَ وَلا تُظلَمونَ، یعنی نه ظلم کنید و نه ظلم بپذیرید. امام خمینی(ره) با توکل به خدا زیر بار هیچ ظلمی نرفت،

او از همان ابتدا گفت که این رژیم غده سرطانی علیه جهان اسلام است و باید مقابل او ایستاد. امروز حرف او را نه فقط مسلمانان دنیا بلکه همه آزادی‌خواهان جهان فریاد می‌زنند و مردم ما با باور به حرف امام‌شان همیشه هر حمایتی توانسته‌اند از این مردم کرده‌اند و هیچ فشار و تهدیدی ما را از این وظیفه انسانی و اسلامی باز نداشته است و ما در ادامه راه نیز با تکیه بر خدا، هیچ گاه از حمایت خود دست بر نخواهیم داشت.

■ جامعه‌ای که در مقابل ظلم سکوت کند، زنده نیست

رئیس مجلس شورای اسلامی همچنین پنج‌شنبه شب با حضور در جمع شیعیان اندونزی در مرکز فرهنگی - اسلامی جاکارتا افزود: توفیق دارم به عنوان یک ایرانی که زاده و متولد شهر مشهد مقدس و خادم بارگاه مقدس حضرت امام رضا(ع) است، امروز در جمع شما حاضر باشم. من سلام مقام معظم رهبری و ملت ایران را به یکایک شما عزیزان می‌رسانم.

رئیس مجلس شورای اسلامی ضمن تشکر از دولت و پارلمان کشور اندونزی برای برگزاری اتحادیه بین‌المجالس کشورهای اسلامی و دعوت از جمهوری اسلامی ایران برای حضور در این دوره از اجلاس گفت: قرآن کریم و اهل بیت(ع) به ما آموختند که ما هرگز در زندگی نمی‌توانیم نسبت به سایر انسان‌ها به ویژه مسلمانان، بی‌تفاوت باشیم. امروز که من و شما در آرامش و امنیت کامل نشسته‌ایم و گفت‌وگو می‌کنیم، برادران و خواهران مسلمان ما در فلسطین به ویژه در غزه در شرایطی به سر می‌برند که یا در انتظار شهادت بر اثر حملات نظامی یا در انتظار مرگ بر اثر بیماری و قحطی هستند. طبق فرهنگ قرآنی نباید ظلم کنیم و نه ظلم را بپذیریم.

رئیس دستگاه تقنینی کشور یادآور شد: مکتب اسلام ناب محمدی(ص) به ما می‌آموزد که جامعه‌ای که در مقابل ظلم و ستم سکوت کند، جامعه‌ای زنده نیست بلکه جامعه‌ای مُرده و یک مُرده متحرک است. اگر یک مسلمان صرفاً به عبادت شخصی بپردازد و به مسئولیت‌های اجتماعی و عدالت در جامعه توجه نداشته باشد، دین او دین واقعی نیست. طبق آموزه‌های اسلام مبارزه با استکبار تکلیف شرعی است.

وی افزود: امروز رژیم غاصب صهیونیستی با حمایت‌های امریکا که نماد ظلم و استکبار در دنیاست، به صورت عینی در فلسطین و غزه جنایت می‌کند و ما نمی‌توانیم نسبت به این موضوع بی‌تفاوت باشیم. اینجاست که مبارزه ما با استکبار و ظالم یک تکلیف شرعی و یک وظیفه انسانی است. اگر اسلام حقیقی و واقعی را می‌خواهیم باید با این اندیشه گام برداریم و آن را وظیفه خود بدانیم.

قالیباف با بیان اینکه شهید سلیمانی بعد از پایان جنگ تحمیلی به نقاط محروم ایران رفت تا به مسیر مجاهدت خود برای مردم کشورش ادامه دهد، گفت: بعد از آن، زمانی که مردم منطقه را زیر ظلم و ستم رژیم‌صهیونیستی و داعش دید که بر منطقه می‌تازد و شیعه، سنی و مسیحی فرقی برای او ندارد، به میدان رفت. وقتی حرف از فرهنگ اهل بیت(ع) می‌زنیم، یعنی به باور شهید سلیمانی اعتقاد داشته باشیم که ما با برادران سنی خود صرفاً برادر نیستیم بلکه برای آنها جان می‌دهیم. شهید سلیمانی با ظلم رژیم‌صهیونیستی و خوی استکباری امریکا مبارزه کرد.

وی افزود: شهید سلیمانی در مقابل کسانی که حاضر نبودند با ظلم رژیم‌صهیونیستی و با خوی استکباری امریکا مبارزه کنند، می‌ایستاد و آنها را قبول نداشت. شهید سلیمانی روحیه مقاومت خود را از فرهنگ قرآن آموخته بود، در مکتب امام(ره) تربیت شده بود، به سنت‌های الهی ایمان داشت و در سختی‌ها خم به ابرو نمی‌آورد و به وعده الهی شک نمی‌کرد که گفته است پیروزی از آن مؤمنان است.

گزیده خبر

سردار سلیمانی در دومین همایش ملی رویش امید:

دشمن برای ناامید کردن ملت ایران یاوه می‌گوید

اگر نقصانی به وجود بیاید، به خاطر برنامه‌ریزی‌هاست، وگرنه ظرفیت ملت ایران برای حل مشکلات و پشتیبانی از نیازهای خود بسیار بیشتر است.

به گزارش ایسنا، سردار غلامرضا سلیمانی، رئیس سازمان بسیج مستضعفین روز پنج‌شنبه در دومین همایش ملی رویش امید در مشهد گفت: رسانه‌های دشمن به دنبال سیاه‌نمایی هستند. یک فردی از آن سر دنیا آمده به کشورهای عربی حرف‌هایی زده است. چه کسی می‌تواند امکانات و ظرفیت‌های ملت ایران را نادیده بگیرد؟ اگر ما فقط پیشرفت‌های حوزه بهداشت و درمان را به رخ جهانیان بکشیم، بدون تردید در ۴۵سال گذشته به پیشرفت‌های چشمگیری رسیده‌ایم. بدون تردید پیشرفت‌های ایران چشمگیر است.

رئیس سازمان بسیج مستضعفین افزود: این یاوه‌گویی‌ها برای ناامید کردن است. با این قبیل برنامه‌ها باید امید را تزریق کنیم. طرح رویش امید عنوان زیبایی دارد. همان طور که یک خانواده با فرزنددارشدن امیدوار می‌شود، همین مسئله را باید برای کشور در نظر بگیریم. ازدواج آسان و توجه به سن فرزندآوری خود قدرت‌آفرین است. مهم‌ترین مؤلفه قدرت جمعیت است. همیشه در سایه مجاهدت‌ها نسل‌های کشور از گذشته تا به امروز، توانسته‌ایم به سلامت از گذرگاه‌های سنگین تاریخ عبور کنیم. ما در کنار دانشگاه علوم پزشکی و وزارت بهداشت و شهرداری‌ها در این مسیر گام برمی‌داریم. وی تأکید کرد: اگر نقصانی به وجود بیاید، به خاطر برنامه‌ریزی‌هاست، وگرنه ظرفیت ملت ایران برای حل مشکلات و پشتیبانی از نیازهای خود بسیار بیشتر است. چندین واحد بالاتر از مشکلات، ما ظرفیت‌های خدادادی را داریم.

رئیس کمیسیون امنیت ملی:

پالرمو فقط در چارچوب قوانین و مقررات داخلی اجرا می‌شود

رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی با اشاره به تصویب مشروط لایحه پالرمو در مجمع تشخیص مصلحت نظام گفت: حق شرط مجمع به این امر اشاره دارد که «دولت جمهوری اسلامی ایران مفاد کنوانسیون پالرمو را براساس قوانین و مقررات داخلی خود به ویژه اصول قانون اساسی تفسیر و اجرا کند.»

ابراهیم عزیزی در گفت‌وگو با خبرگزاری خانه ملت، با اشاره به اظهارات سخنگوی مجمع تشخیص مصلحت نظام در رابطه با تصویب مشروط لایحه پالرمو در مجمع تشخیص مصلحت نظام گفت: در جلسه روز گذشته مجمع درباره لایحه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با جرائم سازمان‌یافته فراملی (پالرمو) بحث‌های مختلفی در سطوح گوناگون مطرح شد. موافقان و مخالفان به بیان دیدگاه‌های خود پرداختند و پس از جمع‌بندی نظرات، در نهایت رأی‌گیری صورت گرفت و لایحه به تصویب رسید.

رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس دوازدهم یادآور شد: تصویب مشروط لایحه پالرمو به مفاد مصوبه مجلس برمی‌گردد، در واقع رأی مجمع تشخیص مصلحت نظام به پذیرش مصلحت مصوبه مجلس دهم است. مجلس دهم در مصوبه خود، لایحه پالرمو را باحق شرط پذیرفت.

وی تصریح کرد: حق شرط مذکور به این امر اشاره دارد که «دولت جمهوری اسلامی ایران مفاد کنوانسیون پالرمو را براساس قوانین و مقررات داخلی خود به ویژه اصول قانون اساسی تفسیر و اجرا کند»، بنابراین مجمع تشخیص مصلحت نظام با تحفظ مصوبه مجلس دهم یعنی حفظ حق شرط، آن را پذیرفت.

روز چهارشنبه محسن دهنوی، سخنگوی مجمع تشخیص مصلحت نظام گفت که این مجمع پس از برگزاری سه جلسه در صحن مجمع و پنج جلسه در کمیسیون مشترک با الحاق ایران به کنوانسیون پالرمو به صورت مشروط موافقت کرد.

امیر دریادار ایرانی عنوان کرد

ارتقای نیروی دریایی ارتش از سطح راهبردی به «تعیین‌کننده»

فرمانده نیروی دریایی راهبردی ارتش جمهوری اسلامی ایران گفت: نیروی دریایی ارتش از سطح راهبردی از سوی رهبر معظم انقلاب به نیروی حیاتی و تعیین‌کننده ارتقا پیدا کرده است.

به گزارش ایرنا، امیر دریادار شهرام ایرانی روز جمعه در جمع دانش‌آموزان نخبه و معلمان نمونه سراسر کشور حاضر در نخستین رویداد دانش‌آموزی فرزندان اقتدار در منطقه یکم امامت نداجا به صورت آنلاین اظهار کرد: با گذشت پنج دهه از عمر انقلاب اسلامی، زیر پرچم ولایت و در این مقطع تاریخی، حرکت ناوگروه ۸۶ به‌گونه‌ای انجام شد که همه توانمندی‌های ایران اسلامی در حوزه‌های گوناگون، به معنای واقعی کلمه به جهانیان نشان داده شد.

وی تأکید کرد: هر آنچه در طول پنج دهه امامین انقلاب در حوزه‌های اقتدار، فرمان دادند، همه انجام شد و نیروی دریایی ارتش از سطح راهبردی از هفتم آذرماه پارسال از سوی مقام معظم رهبری به نیروی حیاتی و تعیین‌کننده ارتقا پیدا کرده است.

فرمانده نیروی دریایی راهبردی ارتش جمهوری اسلامی تصریح کرد: اگر امروز دشمنان مقابل رهبر معظم انقلاب، زانو زده و درخواست مذاکره کردند، حاصل تلاش جوانان کشورمان است که توانستند در خودکفایی فناوری‌ها، تجهیزاتی به میدان بیاورند و دشمن را متحیر کنند.

امیر دریادار ایرانی ادامه داد: امروز در مجامع بین‌المللی از نیروی دریایی کشورمان به‌عنوان ابر قدرت صحبت به میان می‌آورند و کشورهای قدرتمند در دریا، خواهان تبادلات تجربه در آموزش با نیروی دریایی راهبردی ارتش هستند.

برترین روزنامه‌ها

عقب‌نشینی ترامپ از بلوف سیاسی

همشهری

روزنامه همشهری در یادداشتی نوشت: در طول این مدتی که ترامپ سکان کاخ‌سفید را در دست دارد، شاهد تغییر مواضعش و عقب‌نشینی رویکرد او نسبت به ایران هستیم. بخش قابل‌توجهی از این موضوعات به شخص ترامپ برمی‌گردد؛ او در طول این مدت سخنان زیادی در مورد مسائل مختلف منطقه گفته و تهدیداتی را مطرح کرده که هیچ‌کدام عملی نشده است.

مشخصاً در مورد ایران این موضوع گفتنی است که ترامپ وقتی از موضوع تهدید استفاده می‌کند و به مرحله اجرا می‌رسد، به دلایلی این موضوع را عملی نمی‌کند. در قبال ایران او در حال حاضر که مذاکرات درحال انجام است، دیگر مثل ابتدای ریاستش تهدید نظامی به عمل نمی‌آورد و احتمالاً امید این را در دل دارد که با ایران در نهایت به یک توافق دست یابد. در سفر اخیر ترامپ به خاورمیانه شاهد آن بودیم که گفت اگر ایران شاخه زیتون ما را نپذیرد، تحریم‌های سختی علیه او اعمال خواهیم کرد. او در این موضع در اصل از مواضع رادیکال خود عقب‌نشینی کرده است و می‌خواهد با تحریم کار خود را پی بگیرد و از کشورهای عربی منطقه هم می‌خواهد که او را در این موضوع همراهی کنند، البته باید درنظر گرفت که این موضوعات دلیل نمی‌شود که بگوییم ترامپ دیگر مسئله تهدید نظامی را درنظر نمی‌گیرد. او ممکن است ۱۰روز دیگر تصمیم بگیرد که باز ایران را تهدید کند، اما فعلاً از این موضع عقب نشسته و این موضوعی است که به شخصیت ترامپ از طرفی برمی‌گردد و از سویی دیگر در عمل می‌بینند اجرایی‌سازی این تهدیدها هزینه سنگینی برای امریکا در پی خواهد داشت. چندان نباید حرف‌های ترامپ را درنظر گرفت و آنها را مبنا قرار داد، بلکه باید رفتار او را سنجید. نه ادعای او مبنی بر آوردن رفاه و سعادت برای ایرانیان ارزشی دارد و نه تهدیدات او را باید بیش از اندازه جدی گرفت.

غایبان همیشگی کلاس تاریخ

کیهان

روزنامه کیهان در یادداشتی به سفر رئیس‌جمهور امریکا به چند کشور عربی منطقه پرداخت و نوشت: دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور دولت امریکا در اجلاس کشورهای حاشیه خلیج‌فارس در ریاض در اظهارنظری گستاخانه گفت: «ایران باید حمایت از تروریسم و جنگ‌های نیابتی را متوقف کند.» وی در مجمع سرمایه‌گذاری عربستان - امریکا گفت: «من می‌خواهم با تهران توافقی انجام دهم تا جهان امن‌تر شود.»

آیا این ایران است که حامی تروریسم و ناامنی در منطقه غرب آسیاست؟ آیا دولت امریکا به دنبال تبدیل جهان به مکانی امن‌تر است؟ آیا کارنامه دولت امریکا، نشان‌دهنده مبارزه مستمر و بی‌وقفه با تروریسم است؟ آیا ترامپ مرد صلح و آبادانی و توافق است؟ اما قسمت اندوهناک ماجرا که حقیقتاً باید برای آن گریست، آنجاست که طیفی در داخل کشور چشمان خود را بر اراجیف و اظهارات بی‌شرمانه ترامپ بسته و اظهارات اخیر وی را با عناوینی چون «بده‌بستان در حجاز»، «اول تجارت، بعد سیاست»، «صید میلیاردها دلار نفتی»، «رقص دیپلماسی بر محور دلارهای نفتی» و... پوشش داده‌اند.

به عقیده این طیف، مقامات دولت امریکا حق دارند که هر اراجیفی را درباره ایران بر زبان بیاورند اما ایران در مقابل، نباید به طرف امریکایی، نازک‌تر از گل بگوید، چرا؟! چون این طیف مدعی است که تنها راه رفع مشکلات، بستن با امریکاست. برای همین با تیتر درشت می‌نویسد «اول تجارت، بعد سیاست»، این یعنی بی‌خیال کشتار بی‌رحمانه زنان و کودکان معصوم در غزه بشوید و تجارت و معامله با امریکا را بچسبید! یعنی کارنامه سیاه امریکا در جنایت علیه مردم ایران را فراموش کنید و تجارت با ترامپ را بچسبید. واقعیت این است که جریان غرب‌گرا در داخل ایران، «غایب همیشگی کلاس تاریخ» است. همین طیف که امروز برای روابط امریکا و عربستان، سوت و کف و هورا می‌کشد، پیش از این از رئیس‌جمهور اوکراین، یک قهرمان و الگوی بی‌نظیر ساخته بود.

«مقاومت» رکن اصلی استراتژی ملی لبنان

جام جم

روزنامه جام‌جم در شماره پنج‌شنبه خود در یادداشتی به تحولات لبنان پرداخت و نوشت: آنچه که در جنوب لبنان می‌گذرد، فقط تجاوز به خاک لبنان نیست بلکه نقض حاکمیت تلقی می‌شود که هنوز هم باحمایت امریکایی‌ها ادامه دارد. امریکایی‌ها حتی یک اسلحه در دست مقاومت را رصد می‌کنند اماجنگنده‌های اسرائیلی بر فرازلبنان را نمی‌بینند. کمیته پنج‌جانبه در خواب گران به‌سر می‌برد و کاری به تجاوزات روزمره صهیونیست‌ها ندارد. این وضعیت خطیر است و من مقاومت را به‌لحاظ درپیش گرفتن اصل صبر استراتژیک و واگذاری موضوع به دولت لبنان تحسین می‌کنم، البته باید دانست صبر مقاومت حد و مرزی دارد. از سوی دیگر معتقدم مقاومت هرگز سلاح خود را تحویل نخواهد داد. کسی که سلاح خود را در چنین وضعیتی تحویل دهد، مانند آن است که جان خود را تحویل دهد. امکان ندارد که مقاومت، سلاح خود را به چنین دشمنی تحویل دهد. سلاح مقاومت یک نیاز و یک ضرورت میهنی و ملی بزرگ است. در زمینه سلاح، اکنون هماهنگی میان مقاومت با دولت و ارتش لبنان وجود دارد و مقاومت به عنوان رکنی از استراتژی ملی کشور لبنان به‌شمار می‌رود. برهمین اساس نمی‌توانیم از منبع قدرت خود در قبال این تجاوزات و این دشمن خونخوار صرف‌نظر کنیم.

تصویب با اکثریت خوب آرا

ایران

محمدرضا باهنر، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام در یادداشتی در روزنامه ایران در خصوص تصویب لایحه پالرمو نوشت: تصویب این لایحه هرچند با اکثریت خوبی از آرای اعضا صورت گرفت، اما چند نکته وجود داشت. این نکات پاسخی بود که به دغدغه‌های موجود داده شد. دغدغه اول این بود که آیا با تصویب لایحه پالرمو تحریم‌های ظالمانه‌ای که اکنون بر ملت ما تحمیل می‌شود، برداشته خواهد شد؟ پاسخ مسئولان دولت این بود که با تصویب این لایحه و پیوستن ایران به این کنوانسیون تحریم‌ها لغو یا برداشته نخواهد شد، اما در هنگامی که تحریم‌ها برداشته شود، تصویب نشدن این لوایح و نپیوستن به این کنوانسیون‌ها، به عنوان یک معضل در روابط تجاری ایران با جهان مطرح خواهد شد و مشکل دیگری برای تجارت خارجی ما ایجاد خواهد کرد. دغدغه دیگر این بود که آیا تصویب این لوایح به این معنی نیست که ما دیگر نخواهیم توانست از جریان‌ها، گروه‌ها و اساساً محور مقاومت حمایت کنیم؟ مسئولان در پاسخ به این دغدغه تأکید کردند که دفاع و حمایت از مقاومت یک اصل در کشور ما و موضوعی همیشگی است که با هیچ تحولی در سیاست یا تجارت خارجی تغییر نخواهد کرد. اساساً راه‌های دفاع و حمایت ما از مقاومت، چیزی نیست که با تصویب این لوایح بسته یا حتی محدود شود. دغدغه سوم مطرح شده در تصویب این لایحه، این بود که پیوستن به این کنوانسیون، باعث دسترسی کشورهای دیگر به اطلاعات مالی و اقتصادی داخل کشور ما خواهد شد. مسئولان به این دغدغه این‌طور پاسخ دادند که رفتار و رویکرد جمهوری اسلامی ایران در قبال این کنوانسیون، همچون رفتار دیگر کشورهاست و ایران نیز همان‌طور آنها را اجرا خواهد کرد که دیگر کشورها اجرا کرده‌اند، البته تحفظ‌های اعلام شده در لوایح دولت برای پیوستن به این کنوانسیون‌ها که برخی از آنها با عنوان «شروط» یاد می‌کنند، ناظر بر رعایت همین دغدغه‌ها بوده است که در کنار پاسخ‌های داده شده، در بررسی‌ها و بحث‌ها لحاظ شد.

آیین گرامیداشت اولین سالگرد شهدای خدمت برگزار شد

بزرگداشت خدمتی که مقبول و ماندگار شد

گزارش یک

فاطمه بصیری

یک سال پیش در چنین روزهایی، هنگامی که رئیس‌جمهور شهید به همراه یارانش برای خدمت به مردم ایران عازم مأموریت بود، سانحه‌ای سخت و جانکاه رخ داد که ایران را در بهت و اندوهی عمیق فرو برد. آخرین پرواز سیدابراهیم رئیسی و همراهانش، فرودی نداشت. در سالگرد این رویداد جان‌گداز و تأثربرانگیز، مردم و مسئولان گرد هم آمدند با گرامیداشت یاد رئیس‌جمهور شهید، آیت‌الله رئیسی، نقش برجسته ایشان را در اعتلای ایران یادآوری کنند و ارج نهند. آنان همچنین خاطرنشان کردند که «دولت کار، امید و حرکت» شهید رئیسی باید «الگویی» برای همه مسئولان و دولت‌ها باشد تا حمایت و پشتیبانی مردم را به خود جلب کند.

مراسم اولین سالگرد شهادت شهید جمهور آیت‌الله سیدابراهیم رئیسی و شهدای خدمت، شهید حسین امیرعبداللهیان، شهید آیت‌الله آل‌هاشم، شهید مالک رحمتی، شهید سردار مهدی موسوی، شهید سرتیپ محسن دریانوش، شهید سرتیپ مصطفوی سیدطاهر مصطفوی و شهید سرهنگ بهروز قدیمی، روز پنج‌شنبه با حضور و اجتماع اقشار مختلف مردم و چهره‌های لشکری و کشوری در تهران و همزمان در سراسر کشور برگزار شد.

■ گرامیداشت شهید رئیسی در تهران

در این مراسم که در میدان آیینی امام حسین(ع) به همت سپاه محمد رسول‌الله(ص) تهران بزرگ برگزار شد، شخصیت‌های دولتی و لشکری چون سردار اسماعیل قاآنی، حسن منصوری معاون اجرایی دولت سیزدهم، محمد مخبرمشاور و دستیار مقام معظم رهبری و محمدمهدی اسماعیلی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی دولت سیزدهم حضور داشتند. سرلشکر حسین سلامی، فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی سخنران اصلی این مراسم با بیان ویژگی‌های برجسته اظهار کرد: امروز سالروز عروج ملکوتی و پرواز آسمانی مردان بلندقامت عرصه خدمت به میهن اسلامی است.

■ برای خادم اسلامی، مردم نزدیک‌تر از خانواده است

فرمانده کل سپاه ادامه داد: آیت‌الله شهید سیدابراهیم رئیسی، آن رئیس‌جمهوری است که نشان داد در نظام اسلامی حاکمان خادمان ملتند. او که نشان داد برای مسئولان نظام اسلامی مرگ نزدیک‌تر از زندگی است، برای خادمان و حاکمان نظام اسلامی مردم نزدیک‌تر از خانواده‌ها هستند، برای مسئولان نظام اسلامی سختی‌ها نزدیک‌تر از رفاه و آسایش هستند.

وی تصریح کرد: آیت‌الله شهید آل‌هاشم، امام جمعه محترم تبریز و نماینده معزز ولی فقیه که استان آذربایجان‌شرقی مشهد او شد، یک امام جمعه مردمی محبوب که ایمان و عمل صالح او را میان مردمی که با آنها زندگی می‌کرد و در غم‌های آنها سهیم بود و از نشستن در کنارشان لذت می‌برد، محبوب کرده بود.

فرمانده کل سپاه ادامه داد: جناب شهید دکتر حسین امیرعبداللهیان، وزیر بلندقامت خارجه ما که قامتش نماد و تجسمی از بلندای قامت یک ملت بود. هنگامی که با شجاعت تمام، باصلابت و شکوه یک مؤمن عزیز تحقیرناپذیر، شکست‌ناپذیر، نفوذناپذیر در مقابل دشمنان خداوند بی‌هیچ کرنشی می‌ایستاد.

سرلشکر سلامی تصریح کرد: شهید عزیز سردار سیدمهدی موسوی که دهها سال او را می‌شناختم و به او نزدیک بودم، یک فرمانده رشید، شاداب و باوفا که تمام وجود او سرشار از غیرت ابوالفضل بود.

وی افزود: استاندار شهید ما جناب آقای مالک رحمتی، آن جوان مؤمن، با نشاط، سرشار از شور، شوق‌آفرین، عاشق خدمت، خادم امام رضا(ع) و خلبان شهید امیرطفوی، فرزند یک روحانی جلیل‌القدر، برادر یک شهید که سال‌های سال برای اعتلای این سرزمین پرواز کرد.

■ رئیسی تجلی و تجسم فضائل الهی بود

فرمانده کل سپاه گفت: اینها سرمایه‌های عظیم و تمام‌ناشدنی و بی‌انتهای جامعه ما هستند. شهید سیدابراهیم رئیسی واقعاً تجلی و تجسم فضائل الهی در وجود یک انسان مؤمن واقعی بود. صفات شریف نبوی را از جد بزرگوارش به ارث برده بود. با مؤمنان نرم‌خو، خوش‌رفتار، حلیم و صاحب سعه‌صدر بود. از نشستن کنار فقرا لذت می‌برد، تعطیلاتش را با آنان تقسیم می‌کرد، او در سخت‌ترین شرایط سکان هدایت اجرایی کشور را به دست گرفت؛ جایی که تحریم در اوج تأثیر خود قرار داشت، جایی که کرونا جهان را رنج می‌داد. جایی که همه تصور می‌کردند سیاست خارجی کشور خواهد شد، انبارها خالی خواهد شد، تحریم ضربات نهایی خود را خواهد نواخت. من او را قبل از اینکه رسماً مسئولیت را به عهده بگیرد، دیدم. در تنهایی با او صحبت کردم. سرشار از امید و توکل بود. موقعیت را می‌شناخت، می‌دانست چه مسئولیت سنگینی در چه موقعیت خطیری بر گردن اوست، اما به فضل الهی یکی پس از دیگری بر بسیاری از مشکلات، سختی‌ها و صعوبت‌ها فائق آمد. او هر آنچه را که رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران تدبیر می‌کرد، اجرا می‌کرد. انسانی بود که عمیقاً به ولایت، به امر ولی اعتقاد قلبی داشت. با تمایلات، آرمان‌ها و آرزوهای او حرکت می‌کرد و این یکی از زیباترین تصاویری بود که انسجام امت اسلام را در آن زمان برای ما به تصویر می‌کشاند.

در این مراسم همچنین محمدمهدی اسماعیلی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی دولت سیزدهم ابراز داشت: فقدان شهید رئیسی ضایعه‌ای جبران‌ناپذیر است. بعضی از اتفاقات ممکن است در کوتاه‌مدت جبران شود، ولی از دست دادن شهید عزیز ما خسارتی بود که بعید است به این زودی‌ها بتوان آن را جبران کرد. یکی دیگر از سخنرانان محمد مخبر، مشاور و دستیار مقام معظم رهبری و عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام بود که به عنوان معاون اول ایشان خاطرات گرانبهایی را نزد خود دارد.

وی در این مراسم با یادآوری ابعاد شخصیتی شهید جمهور بیان داشت: شهید رئیسی تمام ویژگی‌های شخصیتی امام خمینی(ره) و مقام معظم رهبری را با تمام وجودش حس کرده و در خود جای داده بود و اینها ویژگی‌ها و خط روشنی بودند که مسیر شهید رئیسی را بدون کوچک‌ترین انحرافی نشان می‌داد.

■ سالگرد خادم شهیدِ امام رضا(ع) در مشهد

همچنین مراسم نخستین سالگرد شهید سیدابراهیم رئیسی و شهدای خدمت روز پنج‌شنبه با حضور مردم و جمعی از علما و بزرگان حوزه علمیه خراسان در مدرسه علمیه نواب مشهد برگزار شد.

در این مراسم آیت‌الله سیداحمد علم‌الهدی نماینده ولی فقیه در استان خراسان رضوی، حجت‌الاسلام محمدباقر فرزانه امام جمعه موقت مشهد، حجت‌الاسلام نصرالله پژمانفر نماینده مجلس شورای اسلامی و محمدرضا قلندرشریف شهردار مشهد حضور داشتند.

در این مراسم استادانی از حوزه علمیه خراسان سخنانی در بیان ویژگی‌های منحصربه‌فرد شهید رئیسی ایراد کردند.

در همین راستا، حجت‌الاسلام محمدجواد نظافت‌یزدی با اشاره به اینکه سیدابراهیم رئیسی شخصیت چندوجهی داشت، بیان کرد: باید این شهید بزرگوار تکثیر شود و حوزه‌های علمیه در خصوص تربیت نیروی انقلابی همچون او اقدام کنند و از سوی دیگر جامعه به اینگونه شخصیت‌ها نیاز بسیار دارد.

■ برنامه‌های بسیج شهدای خدمت

سردار حسین معروفی، معاون هماهنگ‌کننده سازمان بسیج مستضعفین نیز با حضور در خبرگزاری بسیج، ضمن آنکه شهید رئیسی را تندیس اخلاق، ادب، عرفان، صداقت، اخلاص، ولایت‌باوری و مردمداری عنوان کرد، به تشریح برنامه‌های این سازمان در ایام سالگرد شهادت شهید رئیسی پرداخت.

وی گفت: این سازمان در نظر دارد خدمات دوره سه ساله ریاست جمهوری آیت‌الله رئیسی، دوران مسئولیت ایشان در قوه قضائیه و همچنین زمان تصدی مسئولیت آستان قدس رضوی را برای مردم تبیین کند.

وی با اشاره به برنامه‌های پیش‌بینی‌شده از سوی ۲۰قشر بسیج در سطوح ملی، استانی و شهرستانی گفت: برگزاری مراسم بزرگداشت شهید رئیسی و شهدای خدمت در ۴۰هزار پایگاه مقاومت بسیج در سراسر کشور از برنامه‌های اصلی بسیج در هفته پیش‌رو محسوب می‌شود.

معروفی گفت: رونمایی از کتاب «رئیس‌جمهور تراز انقلاب اسلامی» از سوی معاونت سیاسی سازمان بسیج مستضعفین و برگزاری رزمایش بزرگ سایبری و انتشار گسترده محتوا در شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی با محوریت شهید رئیسی، از دیگر برنامه‌های پیش‌بینی‌شده محسوب می‌شود.

گزارش ۲

قالیباف در جمع نمازگزاران جاکارتای اندونزی:

همه ما مسلمانان باید صدای مظلومیت غزه باشیم

وظیفه امروز ما مسلمانان اتحاد و وحدت است و با همدلی با فلسطین و غزه نباید به نظام استکبار جهانی اجازه دهیم به بزرگ‌ترین نسل‌کشی تاریخ ادامه دهد.

محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی که به منظور شرکت در بیست‌وپنجمین کنفرانس اتحادیه بین‌المجالس اسلامی به اندونزی سفر کرده بود، دیروز با حضور در مسجد استقلال جاکارتا در نمازجمعه ۲۰۰هزار نفری این شهر شرکت کرد و بعد از اقامه نماز به ایراد سخنرانی پرداخت.

وی در سخنان خود در جمع نمازگزاران اندونزیایی گفت: در این لحظه که من و شما در امنیت کامل باهم گفت‌وگو می‌کنیم، برادران ما در غزه در خانه، در مدرسه، در بیمارستان و در اردوگاه هر لحظه چشم به آسمان دوخته‌اند که چه وقت دوباره جنگنده‌های اسرائیلی آسمان غزه را پر می‌کنند و بمباران خانه‌ها، مدرسه‌ها، اردوگاه‌ها و حتی بیمارستان‌ها شروع می‌شود. وی ادامه داد: امروز کودکان مسلمان غزه نه فقط لحظه‌ای نمی‌توانند از جنایات و حملات نظامیان صهیونی آرامش داشته باشند بلکه گرسنگی، بی‌آبی و قحطی اجازه نمی‌دهد گریه آنها خاموش شود. امروز جلادان صهیونیست حتی اجازه رسیدن دارو را به بیماران نمی‌دهند.

رئیس مجلس شورای اسلامی اظهار داشت: امروز چشم مردم غزه، کودکان غزه، زنان غزه، بیماران غزه به من و شما دوخته شده است، آنها از ما انتظار دارند در کنارشان باشیم. آنها از ما می‌خواهند صدای مظلومیت‌شان باشیم و آنها را در این روزهای سخت تنها نگذاریم.

وی یادآور شد: روزی که امام خمینی(ره) در ایران علیه ظلم و ستم قیام کردند و رژیم دست‌نشانده نظام استکباری را از کشورم بیرون کردند، از قرآن دو آموزه را به همه ما یاد دادند، اول اینکه وَاعتَصِموا بِحَبلِ اللهِ جَمیعًا وَلا تَفَرَّقوا یعنی با همه برادران مسلمان خود با هر مذهبی، چه شیعه و چه سنی به ریسمان خدا چنگ بزنید، وحدت داشته باشید و متفرق نشوید.

قالیباف در ادامه گفت: دومین باوری که امام خمینی(ره) به ما دادند این بود که لا تَظلِمونَ وَلا تُظلَمونَ، یعنی نه ظلم کنید و نه ظلم بپذیرید. امام خمینی(ره) با توکل به خدا زیر بار هیچ ظلمی نرفت،

او از همان ابتدا گفت که این رژیم غده سرطانی علیه جهان اسلام است و باید مقابل او ایستاد. امروز حرف او را نه فقط مسلمانان دنیا بلکه همه آزادی‌خواهان جهان فریاد می‌زنند و مردم ما با باور به حرف امام‌شان همیشه هر حمایتی توانسته‌اند از این مردم کرده‌اند و هیچ فشار و تهدیدی ما را از این وظیفه انسانی و اسلامی باز نداشته است و ما در ادامه راه نیز با تکیه بر خدا، هیچ گاه از حمایت خود دست بر نخواهیم داشت.

■ جامعه‌ای که در مقابل ظلم سکوت کند، زنده نیست

رئیس مجلس شورای اسلامی همچنین پنج‌شنبه شب با حضور در جمع شیعیان اندونزی در مرکز فرهنگی - اسلامی جاکارتا افزود: توفیق دارم به عنوان یک ایرانی که زاده و متولد شهر مشهد مقدس و خادم بارگاه مقدس حضرت امام رضا(ع) است، امروز در جمع شما حاضر باشم. من سلام مقام معظم رهبری و ملت ایران را به یکایک شما عزیزان می‌رسانم.

رئیس مجلس شورای اسلامی ضمن تشکر از دولت و پارلمان کشور اندونزی برای برگزاری اتحادیه بین‌المجالس کشورهای اسلامی و دعوت از جمهوری اسلامی ایران برای حضور در این دوره از اجلاس گفت: قرآن کریم و اهل بیت(ع) به ما آموختند که ما هرگز در زندگی نمی‌توانیم نسبت به سایر انسان‌ها به ویژه مسلمانان، بی‌تفاوت باشیم. امروز که من و شما در آرامش و امنیت کامل نشسته‌ایم و گفت‌وگو می‌کنیم، برادران و خواهران مسلمان ما در فلسطین به ویژه در غزه در شرایطی به سر می‌برند که یا در انتظار شهادت بر اثر حملات نظامی یا در انتظار مرگ بر اثر بیماری و قحطی هستند. طبق فرهنگ قرآنی نباید ظلم کنیم و نه ظلم را بپذیریم.

رئیس دستگاه تقنینی کشور یادآور شد: مکتب اسلام ناب محمدی(ص) به ما می‌آموزد که جامعه‌ای که در مقابل ظلم و ستم سکوت کند، جامعه‌ای زنده نیست بلکه جامعه‌ای مُرده و یک مُرده متحرک است. اگر یک مسلمان صرفاً به عبادت شخصی بپردازد و به مسئولیت‌های اجتماعی و عدالت در جامعه توجه نداشته باشد، دین او دین واقعی نیست. طبق آموزه‌های اسلام مبارزه با استکبار تکلیف شرعی است.

وی افزود: امروز رژیم غاصب صهیونیستی با حمایت‌های امریکا که نماد ظلم و استکبار در دنیاست، به صورت عینی در فلسطین و غزه جنایت می‌کند و ما نمی‌توانیم نسبت به این موضوع بی‌تفاوت باشیم. اینجاست که مبارزه ما با استکبار و ظالم یک تکلیف شرعی و یک وظیفه انسانی است. اگر اسلام حقیقی و واقعی را می‌خواهیم باید با این اندیشه گام برداریم و آن را وظیفه خود بدانیم.

قالیباف با بیان اینکه شهید سلیمانی بعد از پایان جنگ تحمیلی به نقاط محروم ایران رفت تا به مسیر مجاهدت خود برای مردم کشورش ادامه دهد، گفت: بعد از آن، زمانی که مردم منطقه را زیر ظلم و ستم رژیم‌صهیونیستی و داعش دید که بر منطقه می‌تازد و شیعه، سنی و مسیحی فرقی برای او ندارد، به میدان رفت. وقتی حرف از فرهنگ اهل بیت(ع) می‌زنیم، یعنی به باور شهید سلیمانی اعتقاد داشته باشیم که ما با برادران سنی خود صرفاً برادر نیستیم بلکه برای آنها جان می‌دهیم. شهید سلیمانی با ظلم رژیم‌صهیونیستی و خوی استکباری امریکا مبارزه کرد.

وی افزود: شهید سلیمانی در مقابل کسانی که حاضر نبودند با ظلم رژیم‌صهیونیستی و با خوی استکباری امریکا مبارزه کنند، می‌ایستاد و آنها را قبول نداشت. شهید سلیمانی روحیه مقاومت خود را از فرهنگ قرآن آموخته بود، در مکتب امام(ره) تربیت شده بود، به سنت‌های الهی ایمان داشت و در سختی‌ها خم به ابرو نمی‌آورد و به وعده الهی شک نمی‌کرد که گفته است پیروزی از آن مؤمنان است.

گزیده خبر

سردار سلیمانی در دومین همایش ملی رویش امید:

دشمن برای ناامید کردن ملت ایران یاوه می‌گوید

اگر نقصانی به وجود بیاید، به خاطر برنامه‌ریزی‌هاست، وگرنه ظرفیت ملت ایران برای حل مشکلات و پشتیبانی از نیازهای خود بسیار بیشتر است.

به گزارش ایسنا، سردار غلامرضا سلیمانی، رئیس سازمان بسیج مستضعفین روز پنج‌شنبه در دومین همایش ملی رویش امید در مشهد گفت: رسانه‌های دشمن به دنبال سیاه‌نمایی هستند. یک فردی از آن سر دنیا آمده به کشورهای عربی حرف‌هایی زده است. چه کسی می‌تواند امکانات و ظرفیت‌های ملت ایران را نادیده بگیرد؟ اگر ما فقط پیشرفت‌های حوزه بهداشت و درمان را به رخ جهانیان بکشیم، بدون تردید در ۴۵سال گذشته به پیشرفت‌های چشمگیری رسیده‌ایم. بدون تردید پیشرفت‌های ایران چشمگیر است.

رئیس سازمان بسیج مستضعفین افزود: این یاوه‌گویی‌ها برای ناامید کردن است. با این قبیل برنامه‌ها باید امید را تزریق کنیم. طرح رویش امید عنوان زیبایی دارد. همان طور که یک خانواده با فرزنددارشدن امیدوار می‌شود، همین مسئله را باید برای کشور در نظر بگیریم. ازدواج آسان و توجه به سن فرزندآوری خود قدرت‌آفرین است. مهم‌ترین مؤلفه قدرت جمعیت است. همیشه در سایه مجاهدت‌ها نسل‌های کشور از گذشته تا به امروز، توانسته‌ایم به سلامت از گذرگاه‌های سنگین تاریخ عبور کنیم. ما در کنار دانشگاه علوم پزشکی و وزارت بهداشت و شهرداری‌ها در این مسیر گام برمی‌داریم. وی تأکید کرد: اگر نقصانی به وجود بیاید، به خاطر برنامه‌ریزی‌هاست، وگرنه ظرفیت ملت ایران برای حل مشکلات و پشتیبانی از نیازهای خود بسیار بیشتر است. چندین واحد بالاتر از مشکلات، ما ظرفیت‌های خدادادی را داریم.

رئیس کمیسیون امنیت ملی:

پالرمو فقط در چارچوب قوانین و مقررات داخلی اجرا می‌شود

رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی با اشاره به تصویب مشروط لایحه پالرمو در مجمع تشخیص مصلحت نظام گفت: حق شرط مجمع به این امر اشاره دارد که «دولت جمهوری اسلامی ایران مفاد کنوانسیون پالرمو را براساس قوانین و مقررات داخلی خود به ویژه اصول قانون اساسی تفسیر و اجرا کند.»

ابراهیم عزیزی در گفت‌وگو با خبرگزاری خانه ملت، با اشاره به اظهارات سخنگوی مجمع تشخیص مصلحت نظام در رابطه با تصویب مشروط لایحه پالرمو در مجمع تشخیص مصلحت نظام گفت: در جلسه روز گذشته مجمع درباره لایحه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با جرائم سازمان‌یافته فراملی (پالرمو) بحث‌های مختلفی در سطوح گوناگون مطرح شد. موافقان و مخالفان به بیان دیدگاه‌های خود پرداختند و پس از جمع‌بندی نظرات، در نهایت رأی‌گیری صورت گرفت و لایحه به تصویب رسید.

رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس دوازدهم یادآور شد: تصویب مشروط لایحه پالرمو به مفاد مصوبه مجلس برمی‌گردد، در واقع رأی مجمع تشخیص مصلحت نظام به پذیرش مصلحت مصوبه مجلس دهم است. مجلس دهم در مصوبه خود، لایحه پالرمو را باحق شرط پذیرفت.

وی تصریح کرد: حق شرط مذکور به این امر اشاره دارد که «دولت جمهوری اسلامی ایران مفاد کنوانسیون پالرمو را براساس قوانین و مقررات داخلی خود به ویژه اصول قانون اساسی تفسیر و اجرا کند»، بنابراین مجمع تشخیص مصلحت نظام با تحفظ مصوبه مجلس دهم یعنی حفظ حق شرط، آن را پذیرفت.

روز چهارشنبه محسن دهنوی، سخنگوی مجمع تشخیص مصلحت نظام گفت که این مجمع پس از برگزاری سه جلسه در صحن مجمع و پنج جلسه در کمیسیون مشترک با الحاق ایران به کنوانسیون پالرمو به صورت مشروط موافقت کرد.

امیر دریادار ایرانی عنوان کرد

ارتقای نیروی دریایی ارتش از سطح راهبردی به «تعیین‌کننده»

فرمانده نیروی دریایی راهبردی ارتش جمهوری اسلامی ایران گفت: نیروی دریایی ارتش از سطح راهبردی از سوی رهبر معظم انقلاب به نیروی حیاتی و تعیین‌کننده ارتقا پیدا کرده است.

به گزارش ایرنا، امیر دریادار شهرام ایرانی روز جمعه در جمع دانش‌آموزان نخبه و معلمان نمونه سراسر کشور حاضر در نخستین رویداد دانش‌آموزی فرزندان اقتدار در منطقه یکم امامت نداجا به صورت آنلاین اظهار کرد: با گذشت پنج دهه از عمر انقلاب اسلامی، زیر پرچم ولایت و در این مقطع تاریخی، حرکت ناوگروه ۸۶ به‌گونه‌ای انجام شد که همه توانمندی‌های ایران اسلامی در حوزه‌های گوناگون، به معنای واقعی کلمه به جهانیان نشان داده شد.

وی تأکید کرد: هر آنچه در طول پنج دهه امامین انقلاب در حوزه‌های اقتدار، فرمان دادند، همه انجام شد و نیروی دریایی ارتش از سطح راهبردی از هفتم آذرماه پارسال از سوی مقام معظم رهبری به نیروی حیاتی و تعیین‌کننده ارتقا پیدا کرده است.

فرمانده نیروی دریایی راهبردی ارتش جمهوری اسلامی تصریح کرد: اگر امروز دشمنان مقابل رهبر معظم انقلاب، زانو زده و درخواست مذاکره کردند، حاصل تلاش جوانان کشورمان است که توانستند در خودکفایی فناوری‌ها، تجهیزاتی به میدان بیاورند و دشمن را متحیر کنند.

امیر دریادار ایرانی ادامه داد: امروز در مجامع بین‌المللی از نیروی دریایی کشورمان به‌عنوان ابر قدرت صحبت به میان می‌آورند و کشورهای قدرتمند در دریا، خواهان تبادلات تجربه در آموزش با نیروی دریایی راهبردی ارتش هستند.

خاطره

گفت‌وگوی «جوان» با فرزند شهید حسن‌علی حسین از نیروهای حزب‌الله لبنان

از شام تا قدس به شجاعت ابوساجد گواهی می‌دهند

■ اسراء حمادی

فرمانده شهید حسن‌علی حسین (ابوساجد) از شهدای حزب‌الله لبنان است که در جنگ اخیر با رژیم صهیونیستی در شهریور ۱۴۰۳ به شهادت رسید. این فرمانده حزب‌الله سال‌ها در میادین مختلف جنگیده بود. گفت‌وگوی جوان با هدی حسین فرزند شهید را پیش‌رو دارید.

■■■

ضمن معرفی پدر شهیدتان بفرمایید وی با چه ویژگی‌هایی شناخته می‌شد؟

پدرم حسن علی حسین، از فرماندهان ویژه جبهه مقاومت با نام مستعار ابوساجد، متولد ۲۱ فوریه سال ۱۹۷۵ بود که در دوران حضور در جبهه مقاومت لبنان دوبار مجروح شد تا اینکه سپتامبر سال گذشته (۲۰۲۴) به شهادت رسید و در کفرملکی در جنوب لبنان به خاک سپرده شد. او در زندگی و مبارزه حضوری استثنایی داشت. هرکس به چهره‌اش نگاه می‌کرد، نشان شجاعت را در سیمای او می‌دید. حضورش کنار ما سراسر محبت، عطوفت و گرمای پدرانه بود. ویژگی برجسته‌اش هم نرمی در گفت‌وگو، قلب مهربان، گذشت دائمی و رفاقت با کوچک و بزرگ بود. روحیه‌ای شاد داشت و همیشه لبخندی زیبا بر لبانش بود. همه او را دوست داشتند و از همنشینی با پدر لذت می‌بردند و از حرف‌هایش بهره‌مند می‌شدند. بسیار مهربان بود، از همه خبر می‌گرفت و در اندوه‌شان شریک بود. آرام و بی‌اذیت و از همه مهم‌تر، احسان بزرگش به پدر و مادرش ویژگی بارزش بود. از همین رو نیکی به والدین، آراستگی به صفات اهل‌بیت علیهم‌السلام و دل نبستن به ظواهر دنیا درس‌هایی بود که او به ما آموخت. از عادات روزانه‌اش نماز اول وقت، نمازهای مستحب، خواندن زیارت عاشورا، تسبیح، ذکر خدا، قرائت قرآن و سجده‌های طولانی نماز شب و نماز صبح بود.

شهید حسن علی حسین

او را به عنوان یک پدر و یک فرمانده چگونه وصف می‌کنید؟

پدرم، دوستم، تکیه‌گاهم و همدم روزهایم بود. در همه سختی‌ها به او پناه می‌بردم و هرگز ناامیدم نمی‌کرد. با وجود مشغله زیاد، هر زمان که از جبهه بازمی‌گشت، جای خالی‌اش را کاملاً جبران می‌کرد. در کسوت یک فرمانده در کارش پرتلاش، بااخلاق، صبور، شجاع و متواضع بود. نسبت به همرزمان و فرزندانش مهربان بود که میان رهبری و پدری جمع کرده بود. او قلبی مهربان، متواضع و سیمایی همیشه خندان و خوش‌روحیه داشت. هرکس با او می‌نشست، احساس آرامش و اطمینان می‌کرد.

در کدام لحظه بیش از همیشه به اینکه فرزند یکی از فرماندهان شهید لبنان هستید افتخار می‌کنید؟

از لحظه شهادت پدرم تا امروز، افتخارم به او بیشتر شده است. در زمان حیاتش از بسیاری از دستاوردهایش بی‌خبر بودیم، اما پس از شهادت، رازها آشکار شد. آنچه بر افتخارم افزود، سخنان رزمندگان و دوستانش درباره شجاعت و خدماتش بود؛ اینکه او فقط پدر ما نبود، بلکه پدر تمام رزمندگان بود.

اگر اکنون می‌توانستی از پدرت سؤالی بپرسی، چه می‌پرسیدی؟

سؤال می‌کردم که دیدار چگونه بود؟ آیا دریای دلتنگی‌ات آرام گرفت؟ از دیدار حضرت فاطمه(س) برایم بگو، از یارانت، آیا گرد و خاک را از چهره‌ات پاک کردند؟ چگونه فرشتگان به استقبالت آمدند؟ لحظه‌ای بازگرد تا صدایت را بشنوم، چهره‌ات را ببینم، در آغوشت بگیرم. خوشا به حالت که به وصال رسیدی و کاش دیدارمان نزدیک باشد.

از شجاعت‌های وی چگونه یاد می‌شود؟

به او لقب فرمانده شجاع و دشمن‌شکن داده بودند، صاحب تصمیم‌های حکیمانه بود. میدان‌های نبرد از شام تا قدس گواه شجاعت او هستند. با وجود جراحت‌ها، عقب‌نشینی نمی‌کرد. با اینکه می‌دانست تحت تعقیب است، می‌گفت احتیاط‌ها را کرده‌ام، این وظیفه‌ام است و اگر خدا از من راضی باشد، ان‌شاءالله به شهادت می‌رسم که پس از عمری سرشار از فداکاری و پیروزی به آن رسید.

آیا خود را برای شنیدن خبر شهادتش آماده کرده بودید؟

پدر همیشه آرزوی شهادت داشت و برای این آرزو دعا می‌کرد. می‌دانستم در معرض خطر است و حس می‌کردم لحظه فراق نزدیک است. سه ماه پیش از شهادتش، طوری با او خداحافظی می‌کردم که انگار وداع آخر است. از بودن با او بهره می‌بردم و وقتی نبود، به عکس‌هایش خیره می‌شدم و با خود می‌گفتم آیا روزی فقط در عکس و خواب او را خواهم دید؟ روزهایم پر از ترس، دلتنگی، دعا و شوق دیدارش بود و صبری تا هنگام وصال. آخرین بار هم که وداع کرد، وداعش مثل همیشه بود که باز خواهد گشت و کنارمان خواهد ماند تا اینکه خبر شهادتش را به ما دادند. وداع بعد از شهادتش اما متفاوت بود. صورتش را ندیدم اما عطر حضورش همه جا را پر کرده بود. بعد از آن پدر را همیشه به خواب می‌بینم و هر بار خوشحال می‌شود و اطمینان می‌دهد که همیشه همراه‌مان است.

> **سه ماه پیش از شهادتش طوری با او خداحافظی می‌کردم که انگار وداع آخر است. از بودن با او بهره می‌بردم و وقتی نبود، به عکس‌هایش خیره می‌شدم و با خود می‌گفتم آیا روزی فقط در عکس و خواب او را خواهم دید؟**

گفت‌وگوی «جوان» با جعفر جهروتی‌زاده، فرمانده تخریب لشکر ۲۷ و از رزمندگان حاضر در عملیات الی‌بیت‌المقدس

لشکر ۲۷ در فتح خرمشهر گلوگاه خروج دشمن را بسته بود

جهروتی‌زاده نفر سمت راست در جبهه کردستان

■ فاطمه احمدی

سردار جعفر جهروتی‌زاده، فرمانده گردان تخریب لشکر ۲۷ محمد رسول الله(ص) بود. او از ابتدای تشکیل این لشکر تا پایان دفاع مقدس در همین یگان بود و خاطرات بسیاری از عملیات‌های مختلف جنگ دارد. خاطرات جهروتی‌زاده به دلیل استمرار حضورش در میادین مختلف بسیار گسترده است. از وضو گرفتن با برف‌های آب شده در ارتفاعات کردستان تا دیدن آزادی خرمشهر و... همگی دفتر خاطرات او را تشکیل می‌دهند، اما قرار داشتن در سالروز عملیات الی بیت‌المقدس (۱۰ اردیبهشت تا سوم خرداد ۶۱) را فرصتی دانستیم تا علاوه بر مرور بخش‌هایی از خاطرات او از نحوه حضور در جبهه‌های جنگ، گذری هم به روند عملیات آزادسازی خرمشهر داشته باشیم.

از چند سالگی وارد جریان انقلاب و جنگ شدید؟

من متولد تیر ۱۳۴۰ در یک خانواده مذهبی هستم. ۱۶ ساله بودم که زمزمه‌های انقلاب شدت گرفت و ۱۷ ساله بودم که انقلاب پیروز شد. خداوند لطف کرد و توفیق داد از همان پیروزی انقلاب پای کار باشم. بعد از انقلاب هم همه توانم را گذاشتم که از دستاوردهای انقلاب دفاع کنم و تا همین الان و هر جا که نیاز بود، سعی کردم مفید واقع شوم.

گفتید خانواده مذهبی داشتید، اعتقادات مذهبی چقدر در جذب جوان‌های آن دوره به انقلاب و دفاع مقدس نقش داشت؟

مذهب یا در واقع داشتن اعتقادات مذهبی و عمل کردن به آن مهم‌ترین دارایی هر آدمی است. مخصوصاً وقتی جوهره تلاش هم همراهش شود، انسان را محکم بار می‌آورد، ساختار ذهنی درست می‌سازد و آرمان‌های حق را شکل می‌دهد. من پدرم کارگر کشاورز بود. زندگی خیلی سختی داشتیم طوری که همه دلمان برای پدرمان می‌سوخت. چون کارکردنش به تنهایی، کفاف یک زندگی ۱۰ نفره را نمی‌داد. ما چهار برادر و چهارخواهر بودیم. سعی می‌کردیم هرطور می‌توانیم به او کمک کنیم. کلاس سوم ابتدایی بودم که تا ظهر درس می‌خواندم. بعد تا ۱۰ شب کار می‌کردم. یادم است جایی که کار می‌کردم پس از یک هفته ۶ ریال حقوق گرفتم. گاهی پدرم یک هفته خانه نمی‌آمد. یکسره سر زمین بود. وقت‌هایی هم که می‌آمد، تا ۱۲ شب مشغول کار خانه بود. ما خانه‌مان اتاق نداشت. آب انبار داشتیم. پدرم می‌آمد خانه و تا نیمه شب مشغول درست کردن اتاق بود. ۱۲ شب می‌خوابید. دو ساعت مانده به اذان صبح برای عبادت و نماز شب بیدار می‌شد، بعد صبحانه‌اش را می‌خورد، اذان صبح را که می‌گفتند نمازش را می‌خواند و می‌رفت. یا مثلاً مادرم خیلی روی اخلاقیات ما حساس بود. لُب کلام اینکه جوهره تلاش با گوهر مذهب، انقلاب را برای ما عزیز کرد.

چطور در جبهه حضور پیدا کردید؟

یک هفته بعد از پیروزی انقلاب بود. داخل حیاط دراز کشیده بودم. خبر رسید که کردستان در تهدید و خطر ضد انقلاب است. من آن زمان پیش شهید سیدعبدالله برقعی کار می‌کردم. با شهید برقعی همراه چندنفر از بچه‌هایی که همراهشان بودند عازم مهاباد شدیم. دشمن حمله و پادگان مهاباد را خلع سلاح کرده بود. اوضاع شهر خیلی وخیم بود. آتشی که می‌ریختند روی شهر، عمدتاً زن و بچه مردم را به شهادت می‌رساند. ما در این موقعیت به مهاباد رسیدیم.

اینجا بود که کار ما با سیدعبدالله برقعی کلید خورد. بعد با مینی‌بوس شخصی شهید برقعی همراه ۱۵ نفر از بچه‌ها سنندج آمدیم. دشمن می‌خواست صدا و سیمای سنندج را تصرف کند. وقتی به صداوسیما رسیدیم گروهی که داشتند مقاومت می‌کردند جوانمردان نام داشتند، چون تعداد و امکاناتشان کم بود توان مقاومت نداشتند. اگر دشمن قبل از ما می‌رسید، حتماً صدا و سیما را می‌گرفت. با عنایت حق ایستادگی و صدا و سیما را حفظ کردیم.

با حاج احمد متوسلیان، مؤسس لشکر ۲۷ چه زمانی آشنا شدید؟

مأموریتی به ما دادند که به بانه برویم. فرمانداری بانه نقطه آشنایی من با حاج احمد متوسلیان بود، یعنی دقیقاً شهریور سال ۵۸ با حاج احمد شروع به کار کردیم. بانه که بودیم، یکسری خیانت‌هایی شکل گرفت به طوری که ما را از فرمانداری به پادگان بانه تبعید کردند تا ضدانقلاب راحت‌تر بتواند کار خودش را انجام دهد! در پادگان بانه، اوضاع خیلی سخت گذشت. آب را روی‌مان بسته بودند، غذا هم نداشتیم بخوریم. بچه‌ها روز می‌رفتند بالای ارتفاعات برف می‌آوردند آب می‌کردند و با همان یک ذره برف که آب می‌شد هم باید وضو می‌گرفتیم هم رفع تشنگی می‌کردیم و هم کارهای دیگر. یکی دیگر از مشکلاتمان سرمای زیاد هوا بود. هیچ سیستم گرمایشی در پادگان نبود. حتی هیزم هم نداشتیم. بالاخره بچه‌ها طوری خودشان را سرگرم می‌کردند. حاج احمد متوسلیان کنج اتاق می‌نشست، زانوی غم بغل می‌کرد. خودش را شرمنده بچه‌ها می‌دانست که نمی‌تواند کاری برای‌شان کند.

عملکرد هیئت حسن نیت هم کاملاً به ضررمان بود. دوست دارم اسم چندتا از بچه‌هایی را که در پادگان با هم بودیم نام ببرم؛ شهید مطلق، شهید زودی، شهید وکیلی، شهید طالقانی، شهید حاجی‌پور، شهید رستگار مقدم و سایر دوستان.

چگونه به جبهه‌های جنوب اعزام شدید؟

بعد از پنج ماه توانستیم از بانه به سختی به سنندج برویم. همان شب که رسیدیم، بچه‌ها استحمام کردند و کمی سرحال شدند، خبر آمد که عراق قصد حمله به ایران را دارد. حاج احمد و همراهانش به پاوه رفتند. شهید بروجردی به من اجازه رفتن به پاوه را نداد. گفت در کامیاران به تو بیشتر نیاز دارند. آموزش عملیات را آنجا شروع کردم. حاج احمد با همراهانش مریوان آمدند و بعد از اتمام کارم به ایشان پیوستم. با هم از مریوان به درفول برای تشکیل تیپ ۲۷ محمد رسول‌الله آمدیم و در پادگان دوکوهه تیپ را تشکیل دادیم.

> **در فتح خرمشهر وظیفه حاج احمد و نیروهایش این بود که همه راه‌های مواصلاتی به خرمشهر را ببندند. الی بیت‌المقدس در چهار مرحله عملیات اتفاق افتاد. در مرحله اول به جاده آسفالت اهواز - خرمشهر رسیدیم، در مرحله دوم رسیدیم به دژ محلی و مرز را بستیم، در مرحله سوم به سمت شلمچه حرکت کردیم و در مرحله چهارم تمام راه‌های مواصلاتی را روی دشمن بستیم**

تیپ ۲۷ محمد رسول‌الله چطور تشکیل شد؟

برای پاسخ به این سؤال می‌خواهم یکی از شاهکارهای حاج احمد متوسلیان را برایتان بازگو کنم که به گزارش تاریخ در ارتش‌های دنیا بی‌سابقه بود. حاج احمد در مدت ۴۳ روز یک تیپ تشکیل داد. یک تیپ متشکل از چهار گردان است. اما حاج احمد تیپی تشکیل داد به استعداد یک لشکر. با ۱۱ گردان تیپ را تشکیل داد. آن هم با هیچ‌گونه امکاناتی اعم از سلاح، ماشین و حتی لباس. حاج احمد خودش به تنهایی می‌توانست اندازه یک لشکر باشد. افرادی که با او بودند هم همینطور. مثل شهید شهبازی و شهید چراغی. سه بخش برای تشکیل تیپ آمدیم. یک بخش از مریوان که ما و حاج احمد بودیم، یک بخش از پاوه با شهید همت و بخش دیگر هم از همدان با شهید شهبازی آمدند.

۴۰ نفر کادر تیپ را تشکیل دادیم اما برای یک تیپ با این عظمت این کادر کم بود. برای همین هم یک نفر چند مسئولیت قبول می‌کرد. برای مثال شهید عباس کریمی که فرمانده اطلاعات عملیات شد، عنصر عملیاتی نداشت. خود فرماندهان عنصر عملیاتی و شناسایی می‌شدند.

چرا این اسم برای تیپ انتخاب شد؟

قبل از اینکه به حاج احمد ابلاغ شود برای تشکیل تیپ جنوب بیاید، خودش درصدد تشکیل تیپی به نام محمد رسول الله(ص) در غرب بود. چون ما در مریوان عملیاتی به همین نام انجام داده بودیم. داشت مقدمات تشکیل تیپ را انجام می‌داد که هم به او هم به شهید همت و هم به شهید شهبازی ابلاغ شد که بیایند جنوب و آنجا تیپ تشکیل بدهند. یک نکته هم از نحوه انتخاب فرماندهی این تیپ بگویم. من شنیدم که سردار رضایی انتخاب فرمانده را به اختیار خود این سه نفر (متوسلیان، همت و شهبازی) گذاشته بود. آن دو نفر هم مشخص بود رأی به فرماندهی احمد متوسلیان می‌دادند. چون قدرت مدیریت او یک چیز دیگر بود. خلاصه حاج احمد متوسلیان فرمانده تیپ شد. شهید شهبازی معاون تیپ و شهید همت هم رئیس ستاد تیپ شد.

جهروتی‌زاده از پیشکسوتان لشکر ۲۷ محمد رسول الله(ص)

در سالروز انجام عملیات الی بیت‌المقدس قرار داریم، از حضور تیپ ۲۷ در این عملیات بگویید.

هم در فتح المبین و هم در الی بیت المقدس مهم‌ترین نقطه عملیاتی به حاج احمد و بچه‌هایش داده شده بود. در فتح خرمشهر وظیفه او و نیروهایش این بود که همه راه‌های مواصلاتی به خرمشهر را ببندند تا نیروهای عراقی نتوانند فرار کنند. الی بیت المقدس در چهار مرحله عملیات اتفاق افتاد. در مرحله اول به جاده آسفالت اهواز - خرمشهر رسیدیم، در مرحله دوم رسیدیم به دژ محلی و مرز را بستیم، در مرحله سوم در دژ مارد به سمت شلمچه حرکت کردیم و در مرحله چهارم تمام راه‌های مواصلاتی را برای نیروهای بعثی بستیم. راه‌ها که کمی آزاد شد، شهید احمد کاظمی و شهید خرازی وارد خرمشهر شدند و در حوالی مسجد جامع به هم برخورد کردیم. سرانجام سوم خرداد خرمشهر آزاد شد.

عملیات بیت‌المقدس چقدر طول کشید؟

عملیات فتح‌المبین و الی بیت‌المقدس پشت سر هم بودند و روی هم رفته هر دو این عملیات سه ماه به طول انجامیدند. عملیات فتح‌المبین ۲ فروردین ۶۱ آغاز شد و دهم به اتمام رسید، بعد سریع مقدمات الی بیت المقدس انجام گرفت و این عملیات هم ۱۰ اردیبهشت آغاز شد و سوم خرداد ۶۱ به اتمام رسید. در این دو عملیات روی هم ۳۵ هزار نفر از نیروهای دشمن اسیر و ۴۰ هزار نفر کشته شدند، یعنی ۷۵ هزار نفر از بدنه ارتش عراق خارج شد و حدود هشت لشکر منهدم و ۶ هزار و ۵۰۰ کیلومتر از خاک ما آزاد شد.

شما در این دو عملیات چه وظیفه‌ای داشتید؟

جدای از این مطلب که هرکس هر کاری در توانش بود انجام می‌داد، من بنیانگذار گردان تخریب در عملیات فتح‌المبین بوده و تا پایان جنگ هم در تخریب بودم.

تأثیرگذارترین عملیات تیپ ۲۷ محمد رسول الله بعد از الی بیت‌المقدس کدام بود؟

ما بعد از عملیات بیت‌المقدس، دیگر حاج احمد را نداشتیم. بعد از عملیات همراه ایشان به لبنان رفتیم. ایشان در لبنان ربوده شد و ما با اشک و حال بد بدون حاج احمد بازگشتیم. خیلی واقعه تأثیرگذاری بود. ضمن اینکه ما فرماندهان بزرگی مثل شهبازی را هم از دست داده بودیم. شهید همت فرمانده لشکر شده بود و ما تا از لبنان برگردیم مرحله اول و دوم رمضان انجام شده بود. به مراحل بعد این عملیات رسیدیم که چندان فتوحات نداشت.

گویا شما در جبهه دفاع از حرم هم ورود کرده بودید، چه چیزی دلیل اصلی این خستگی ناپذیری است؟

اصلی‌ترین دلیل، پایبندی به خون شهداست. من برادرم کنارم شهید شد. سید عبدالله برقعی و خیلی از دوستانم کنارم شهید شدند. عمیق‌ترین دلیل ایستادگی، قطره‌های خونی هستند که نهال انقلاب را به درختی تنومند تبدیل کردند.

جدول

طراح: علیرضا سجادی فر ■ شماره ۷۳۰۶

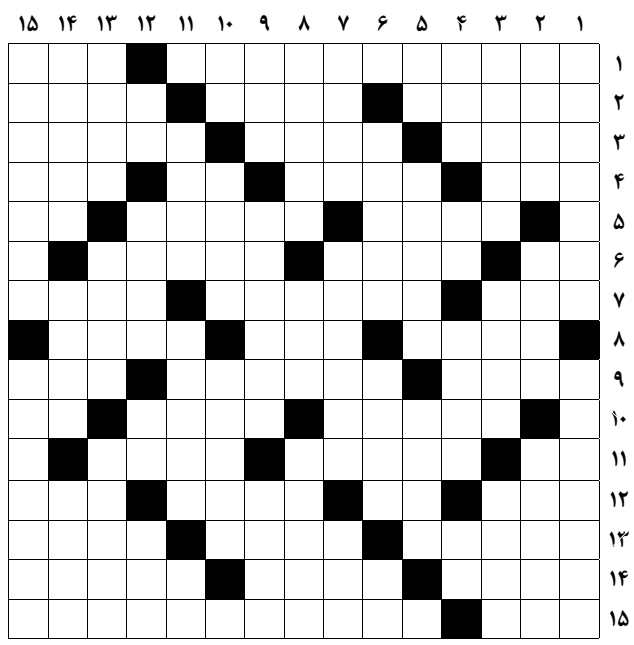

از راست به چپ

■ ۱- عالم ربانی و صاحب کتاب معرفت نفس- اثر زخم ■ ۲- حسگر الکتریکی- ستون دروازه- شهری در آلمان ■ ۳- مُهر پادشاهان- لامپ الکترونیکی دوقطبی- هواپیمای بدون سرنشین ■ ۴- چین و شکن- کهولت- ناشنوا- نیشتر رگ‌زنی ■ ۵- شهری نزدیک اردبیل- صلیب- روحانی زرتشتی ■ ۶- چاشنی غذا- فوتوگراف- نیمتنه گرم ■ ۷- فانوس دریایی- موشک‌انداز ضدتانک- غلام سلطان محمود غزنوی ■ ۸- کالابرگ- پژواک صدا- مسلک حزبی ■ ۹- از ایالت‌های جنوبی امریکا- بگذار تا بگریم چون ابر در ... - مردم قرآنی ■ ۱۰- پاکان- زبر و خشن- هواپیمای سریع ■ ۱۱- یزدان- ابزاری در نجاری- سنگ قیمتی ■ ۱۲- پرستار- تاکسی پرجمعیت- میمون خاص ماداگاسکار- مستی ■ ۱۳- اجیر- پسر کاوه- پدر حضرت ابراهیم ■ ۱۴- قدرت- فراموشکار- سگ فضانورد ■ ۱۵- دام- نابغه عالم سینما که دیکتاتور بزرگ و عصر جدید از جمله فیلم‌های اوست

از بالا به پایین

■ ۱- گل پیامبر زیباروی- مسابقه چندجانبه ■ ۲- جان‌پناه رزمنده- نوعی الکتریسیته- کشور هزار رودخانه ■ ۳- فراموشی- رئیسان- لباس زرتشتیان ■ ۴- منطقه قرمز تشک کشتی- حرف همراهی عرب- برج تاریخی ایتالیا- رودی در چین ■ ۵- صدمتر مربع- آهن نوک‌تیز- چند تا کسر ■ ۶- پول عراق- با نام فرانسیس، فیلسوف انگلیسی- پسوند شباهت ■ ۷- بانگ کبوتر- نام قدیم اصفهان- برف آذری ■ ۸- سرمربی اسبق و درگذشته فوتبال ملی ایران- واحد اندازه‌گیری- جانوری موهوم با زهر کشنده ■ ۹- همراه زن- سنگ معدنی به رنگ آبی- پدیدار ■ ۱۰- طایفه کریم‌خان- میوه سرشار از ویتامین ث- از گازهای تشکیلدهنده سطح خورشید ■ ۱۱- کنایه از جان دادن است- اعلامیه- نت میانی ■ ۱۲- میوه خوب- کشاورز- انتها- عالی و کامل ■ ۱۳- اسکلت شیروانی- دیگ دهان گشاد- کتاب شیخ مرتضی انصاری ■ ۱۴- پیوسته و پی‌درپی- هدف تیر- درنا ■ ۱۵- پول اندک و ناچیز- سردار ملی

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

				۹	۸			
			۱			۹	۴	۲
	۱		۵					
			۶	۴				
۳						۴	۵	۷
	۹	۵				۱		
			۸		۳			
۲	۴						۷	
						۵		۱

جدول کلمات متقاطع

پاسخ جدول شماره ۷۳۰۵

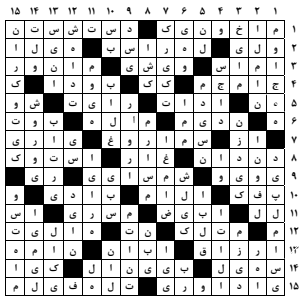

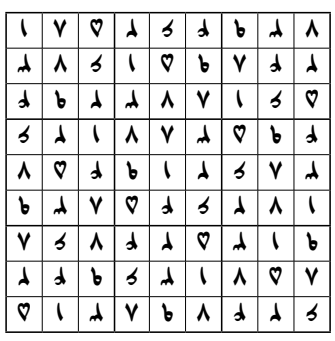

رویکرد

بلوغ هسته‌ای آتش‌بس را به هند و پاکستان دیکته کرد

حامد خبیری (با دستیار AI)

در سال‌های اخیر، هند و پاکستان رابطه‌ای پیچیده و فزاینده را تجربه کرده‌اند که تحت‌تأثیر تنش‌های عمیق تاریخی، سیاسی و نظامی شکل گرفته است. به‌رغم این تنش‌ها، به نظر می‌رسد در دو دهه گذشته تغییر قابل توجهی رخ داده است. آتش‌بس اخیر بین دو طرف، هرچند شکننده است و چندین بار نقض شده است، ولی نشان‌دهنده فاصله قابل توجه از الگوهای تشدید تنش مشاهده شده‌ای است که در دهه‌های قبل رخ می‌داد. این تغییر را می‌توان تا حد زیادی به بلوغ هسته‌ای هر دو کشور نسبت داد. از زمان دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای در اواخر دهه ۱۹۹۰، هند و پاکستان به نقطه‌ای از تعادل هسته‌ای رسیده‌اند، وضعیتی که محاسبات استراتژیک آنها را اساساً تغییر داده است. این بازدارندگی هسته‌ای هرچند در سال ۱۹۹۹ مانع گسترش جنگ نشد و دو طرف تلفات زیادی از یکدیگر گرفتند، ولی حالا به نظر می‌رسد بازدارندگی هند و پاکستان بعد از دو دهه، به‌رغم تنش‌ها و رویارویی به سطح قابل توجهی از بلوغ رسیده‌اند که در کنار سایر عوامل دیپلماتیک و سیاسی، نقش مهمی در مهار تشدید تنش و محدود کردن دامنه رویارویی‌ها در منطقه ایفا کرده است.

زمینه تاریخی و تعادل هسته‌ای

پیشینه تاریخی درگیری‌های هند و پاکستان، مجموعه‌ای از جنگ‌ها را نشان می‌دهد که منجر به تلفات جانی و سرزمینی قابل توجهی شده است. سه جنگ بزرگ بین دو کشور - در سال‌های ۱۹۴۸-۱۹۴۷، ۱۹۶۵ و ۱۹۷۱ - با تلفات بالا و عملیات نظامی گسترده مشخص می‌شود. علاوه بر این، درگیری کارگیل در سال ۱۹۹۹ به وجود آمد که در آن درگیری نظامی محدود اما شدیدی به وجود آمد. این جنگ‌ها، به ویژه جنگ‌های قبل از سال ۱۹۹۸ با ویژگی جنگ متعارف هر دو طرف سعی در دستیابی به برتری نظامی داشتند. با این حال، پس از آزمایش‌های هسته‌ای در سال ۱۹۹۸ که پاکستان به موازنه استراتژیک دست یافت، دو طرف وارد مرحله جدیدی از رقابت خود شدند.

رونمایی از سلاح‌های هسته‌ای، محاسبات درگیری بین دو کشور را تغییر داد. بازدارندگی هسته‌ای، به این معنی که هر دو طرف می‌توانند در صورت جنگ، آسیب غیرقابل قبولی به طرف مقابل وارد کنند، به ابزاری قدرتمند در جلوگیری از تشدید رویارویی‌های نظامی تبدیل شد. مفهوم انهدام تضمین‌شده متقابل (MAD)، که در پویایی جنگ سرد بین ایالات متحده و اتحاد جماهیر شوروی نقش اساسی داشت، در جنوب آسیا نیز مصداق پیدا کرد، نظریه‌ای که معتقد است وجود سلاح‌های هسته‌ای، جنگ متعارف در مقیاس بزرگ بین کشورهای مسلح به سلاح هسته‌ای را خطرناک‌تر و بعیدتر می‌کند.

آخرین رویارویی بین هند و پاکستان، با وجود شدت گرفتن، به یک جنگ تمام‌عیار تبدیل نشد که این عمدتاً به دلیل تأثیر بازدارندگی هسته‌ای بود. در این دوره، هر دو طرف، درگیر یکسری حملات هوایی و درگیری‌های نظامی شدند اما شدت آن بسیار کمتر از درگیری‌های قبلی بود. به عنوان مثال، پس از حمله پولواما در فوریه ۲۰۱۹، هند با حمله هوایی به بالاکوت در پاکستان پاسخ داد. این تبادل آتش نشان‌دهنده تشدید قابل توجه درگیری نظامی بود اما منجر به یک جنگ تمام‌عیار نشد، عمدتاً به این دلیل که هر دو طرف پیامدهای فاجعه‌بار چنین تشدید تنشی را درک می‌کردند.

یکی از عوامل کلیدی در جلوگیری از خارج شدن اوضاع از کنترل، به رسمیت شناختن متقابل قابلیت‌های هسته‌ای یکدیگر بود. در گذشته، هر دو کشور سلاح‌های هسته‌ای خود را آزمایش کرده و قابلیت‌های کافی برای حمله دوم را توسعه داده بودند که تضمین می‌کرد هر جنگ بزرگی احتمالاً منجر به ویرانی گسترده برای هر دو طرف خواهد شد. البته، جامعه بین‌المللی، به ویژه قدرت‌های بزرگ مانند ایالات متحده و چین نیز با مشارکت در تلاش‌های دیپلماتیک، در مهار تشدید تنش نقش داشتند. این فشار دیپلماتیک، همراه با عامل بازدارندگی هسته‌ای، دامنه درگیری را به طور قابل توجهی محدود کرد.

علاوه بر این، ساختارهای نظامی و سیاسی داخلی در هر دو کشور به طور فزاینده‌ای برای جلوگیری از تشدید تصادفی تنش طراحی شده‌اند. به عنوان مثال، هند و پاکستان سیستم‌های فرماندهی و کنترل هسته‌ای را ایجاد کرده‌اند تا اطمینان حاصل شود سلاح‌های هسته‌ای فقط به عنوان آخرین راه‌حل استفاده می‌شوند. این پیچیدگی در مدیریت هسته‌ای، احتمال تبادل هسته‌ای تصادفی یا غیرمجاز را کاهش می‌دهد.

درس‌های گذشته: اجتناب از جنگ تمام‌عیار

ظاهراً تجربه جنگ‌های قبلی، به ویژه جنگ ۱۹۷۱ و درگیری کارگیل، تفکر استراتژیک رهبران نظامی و سیاسی در هر دو کشور را نیز شکل داده است. جنگ ۱۹۷۱ منجر به ایجاد بنگلادش شد و یک شکست قطعی برای پاکستان بود، در حالی که درگیری کارگیل، اگرچه در مقیاس محدود بود، نشان داد چگونه یک رویارویی نظامی محلی می‌تواند به سرعت تشدید شود و هر دو کشور را به آستانه جنگ تمام عیار برساند. این تجربیات، این درک را تقویت کرد که هرگونه درگیری نظامی در مقیاس بزرگ می‌تواند نه تنها برای کشورهای درگیر، بلکه برای منطقه و جهان فاجعه‌بار باشد.

با توجه به این موضوع، رهبران هر دو طرف محتاط‌تر شده‌اند و درک می‌کنند آستانه تشدید درگیری هسته‌ای بسیار پایین‌تر از سال‌های اولیه جنگ سرد است. این امر به ویژه در زمینه فناوری نظامی مدرن اهمیت دارد، جایی که موشک‌های هدایت‌شونده دقیق و حملات هوایی می‌توانند حتی بدون استفاده از سلاح هسته‌ای خسارات قابل توجهی ایجاد کنند.

در جمع‌بندی کلی، به نظر می‌رسد بلوغ هسته‌ای هند و پاکستان عامل مهمی در مهار تشدید درگیری‌های اخیر بین دو کشور بوده است. هرچند جنگ کارگیل در سال ۱۹۹۹ که در منطقه مورد مناقشه کشمیر رخ داد، نمونه‌ای کلیدی از این بود که موازنه هسته‌ای منجر به مهار تشدید درگیری بین هند و پاکستان نشده، ولی وضعیت در اولین سال دستیابی دو طرف به موازنه هسته‌ای، با تعادل هسته‌ای پیچیده‌تری که هر دو کشور امروزه به آن دست یافته‌اند، متفاوت بود. در زمان درگیری کارگیل، هند و پاکستان هر دو آزمایش‌های هسته‌ای خود را در سال ۱۹۹۸ انجام داده بودند اما هنوز در مراحل اولیه توسعه استراتژی‌های بازدارندگی هسته‌ای خود بودند. قابلیت‌های هسته‌ای هند و پاکستان در سال ۱۹۹۹ هنوز در مراحل اولیه پیچیدگی بود. زرادخانه هسته‌ای پاکستان کمتر توسعه یافته بود و ساختار فرماندهی آن به اندازه‌ای که بعداً بالغ شد، بالغ نبود. بازدارندگی حاصل از سلاح‌های هسته‌ای، همراه با درس‌های آموخته‌شده از جنگ‌های گذشته، بعد از ۲۶ سال، هر دو کشور را به اتخاذ رویکردهای محتاطانه‌تر و حساب‌شده‌تر در قبال درگیری نظامی سوق داده است. در حالی که آتش‌بس حاصل‌شده شکننده است و تهدید تشدید بیشتر درگیری همچنان پابرجاست، واضح است که تعادل هسته‌ای در جنوب آسیا نقش مهمی در جلوگیری از یک جنگ گسترده ایفا کرده است. برای هر دو کشور ضروری است به تقویت کانال‌های دیپلماتیک و اقدامات اعتمادسازی ادامه دهند تا اطمینان حاصل شود که درس‌های گذشته همچنان بر استراتژی‌های نظامی آنها تأثیر می‌گذارد.

آتش‌بس اخیر بین دو طرف، هرچند شکننده است و چندین بار نقض شده است، ولی نشان‌دهنده فاصله قابل توجه از الگوهای تشدید تنش مشاهده شده‌ای است که در دهه‌های قبل رخ می‌داد و می‌توان آن را به بلوغ هسته‌ای دو کشور نسبت داد

چالش

ترجمه: زهراسادات آفرینی

جنگ ترامپ علیه دانشگاه‌ها به اتهام لیبرالیسم!

رافائل ریف* - فارن افرز

در ژوئن ۲۰۲۴، شی جین پینگ، رئیس‌جمهور چین از بخش فناوری پیشرفته به عنوان «خط مقدم و میدان نبرد اصلی رقابت بین‌المللی» یاد کرد که نظم جهانی و الگوی توسعه را عمیقاً تغییر شکل می‌دهد. البته او کاملاً درست می‌گفت چراکه ایالات متحده و چین از طریق توسعه فناوری‌های جدید از جمله فناوری‌هایی با کاربردهای نظامی و غیرنظامی، برای تسلط اقتصادی، نظامی و دیپلماتیک با هم رقابت می‌کنند.

چین در این جبهه رقیب قدرتمندی است و از زمان اعلام طرح «ساخت چین ۲۰۲۵» در سال ۲۰۱۵، در تمرکز کامل دولت بر پیشرفت فناوری‌های نوظهور و حیاتی سرمایه‌گذاری کرده و در حال رقابت با ایالات متحده است. در سه ماهه چهارم سال ۲۰۲۴، خودروساز چینی BYD در فروش خودروهای الکتریکی باتری‌دار از تسلا پیشی گرفت. علاوه بر اینکه BYD از تسلا بزرگ‌تر است، مسلماً مبتکرتر هم هست. شرکت دولتی هواپیماهای تجاری چین نیز قصد دارد در زمینه هوافضا با رهبران ایالات‌متحده رقابت کند. این شرکت در ماه مارس سال‌جاری، طرح‌هایی را برای یک جت مافوق صوت دوربرد منتشر کرد که صدای انفجار آن، بلندتر از صدای یک سشوار نیست. همچنین در همین ماه، پکن با استفاده از یک ماهواره کوچک و ارزان، تصاویر رمزگذاری شده کوانتومی را به آفریقای جنوبی ارسال کرد که پیشرفتی بزرگ در ارتباطات کوانتومی محسوب می‌شود. به این فهرست باید، شرکت‌های بیوتکنولوژی چینی در حال رقابت با همتایان امریکایی خود در ساخت داروهای جدید را هم اضافه کرد.

عبور چین از سد امریکا

بخش عمده‌ای از واکنش دولت ایالات متحده به این رقابت فزاینده در سال‌های اخیر، حمایت داخلی بوده است از جمله تعرفه‌های وضع شده بر خودروهای برقی، محدودیت‌هایی بر سرمایه‌گذاری‌های چین در بخش‌های راهبردی و کنترل صادرات و تجهیزات تراشه‌سازی مورد استفاده در هوش مصنوعی پیشرفته. اما موفقیت شرکت هوش مصنوعی چینی دیپ سیک (DeepSeek) نشان داد، این رویکرد در نهایت بیهوده است. در چنین شرایطی، اهمیت توجه ایالات متحده به نوآوری دوچندان می‌شود. از زمان جنگ جهانی دوم، ایالات متحده مرتباً فناوری‌های پیشگامانه‌ای را ایجاد و تجاری‌سازی کرده است. اما دولت ترامپ با ابتکارات اخیر خود برای کاهش بودجه فدرال برای تحقیقات دانشگاهی، در حالی که تهدیدات ژئوپلیتیکی همچنان رو به افزایش است، منبع حیاتی ایده‌های جدید برای صنعت و ارتش را به خطر می‌اندازد اما به‌رغم محوریت تحقیقات دانشگاهی در اقتصاد پیشرفته ایالات متحده و نقش دولت فدرال در چنین تحقیقاتی، در دهه‌های اخیر حمایت دولت به طور فزاینده‌ای کم‌رنگ شده است. با وجودی که دلارهای صرف شده، به عنوان درصدی از بودجه فدرال، افزایش یافته است اما تحقیق و توسعه از بیش از ۱۰ درصد در اواسط دهه ۱۹۶۰- زمانی که ایالات متحده با اتحاد جماهیر شوروی رقابت می‌کرد- به ۳ درصد کاهش یافته است و تحت دولت فعلی، بودجه اختصاص داده شده به تحقیقات احتمالاً به طور چشمگیری کاهش خواهد یافت.

انگیزه سیاسی در پس تغییرات در دانشگاه‌ها

همزمان با کاهش سهم دولت فدرال از بودجه تحقیقات دانشگاهی از ۶۱ درصد در سال ۲۰۱۲ به ۵۵ درصد در سال ۲۰۲۱، دانشگاه‌های ایالات متحده سهم بودجه خود اعم از درآمدهای اهدایی که صرف تحقیقات می‌شود را از ۲۱ درصد در سال ۲۰۱۲ به ۲۵ درصد در سال ۲۰۲۱ افزایش داده‌اند. اما درآمد حاصل از حتی بزرگ‌ترین کمک‌های مالی نمی‌تواند جایگزین از دست رفتن بودجه فدرال برای تحقیق و توسعه دانشگاهی شود. در سال ۲۰۲۱، ایالات متحده از نظر درصد اختصاص یافته به هزینه‌های دانشگاهی در تحقیق و توسعه در تولید ناخالص داخلی، در بین ۳۲ کشور گزارش دهنده به سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، رتبه ۲۳ را کسب کرد.

امروزه، دولت ترامپ در بحبوحه جنگ فرهنگی علیه دانشگاه‌ها، این امکان را فراهم می‌کند که اکتشافات علمی و نوآوری‌های تکنولوژیکی به آسیب‌های جانبی تبدیل شوند. جی دی ونس، معاون رئیس‌جمهور در مصاحبه‌ای با نشریه «یوروپین کانسروتیو» در فوریه ۲۰۲۴، انگیزه سیاسی برای تغییر دانشگاه‌های ایالات متحده را به روشنی توضیح داده است: «ما باید واقعاً به طور جدی آنها را اصلاح کنیم، به گونه‌ای که پذیرای ایده‌های محافظه‌کارانه‌تر باشند.» این سؤال پیش می‌آید که آیا گرایش لیبرال دانشگاه‌ها دلیلی برای ایجاد هرج‌ومرج در سیستم تحقیقاتی است؟ به عبارتی اگر یک محقق بتواند راهی برای پیشگیری از سرطان یا آلزایمر پیدا کند، فرقی ندارد محافظه‌کار است یا لیبرال.

زیان‌های ماندگار دولت ترامپ

دولت ترامپ، تنها در عرض چند ماه از روی کار آمدنش، خسارات قابل توجهی به بخش تحقیقاتی کشور وارد کرده است و چنین خساراتی، اثرات ماندگاری خواهد داشت. این آسیب، شامل اخراج کارکنان آژانس‌های تحقیقاتی و مسدود کردن فرایند اعطای کمک‌های مالی است. دولت، کمک‌های مالی قبلی را که ناقض دستورات اجرایی تلقی می‌کند، همچنین، کمک‌های مالی مربوط به دانشگاه کلمبیا را هم لغو کرده است. گسترده‌ترین تغییرات، تغییرات ساختاری در سیستم تأمین مالی تحقیقات دانشگاهی است. دولت ترامپ تلاش کرده است تا بازپرداخت هزینه‌های غیرمستقیم تحقیقات از جمله هزینه‌های نگهداری و بهره‌برداری از ساختمان‌ها و تأمین زیرساخت‌های اطلاعاتی برای آزمایشگاه‌ها در مؤسسات ملی بهداشت، وزارت انرژی و بنیاد ملی علوم را به ۱۵ درصد محدود کند که البته هزینه‌های واقعی دانشگاه‌های پیشرو را شامل نمی‌شود. اگرچه دادگاه‌ها تاکنون جلوی این تغییر سیاست را گرفته‌اند اما اگر دولت همچنان روند مد نظر خود را ادامه دهد، بزرگ‌ترین دانشگاه‌های تحقیقاتی کشور به شدت آسیب خواهند دید و به این ترتیب، بودجه پیشنهادی ترامپ برای سال ۲۰۲۶، بخش‌های علمی ایالات متحده را به شدت تحت‌تأثیر قرار خواهد داد که کاهش حدود ۴۰ درصدی بودجه مؤسسات ملی بهداشت و تقریباً ۵۷ درصدی بودجه بنیاد ملی علوم در این مورد مؤثر هستند. پیشنهادهایی برای مالیات ۱۴ یا ۲۱ درصدی بر درآمد کمک‌های مالی به دانشگاه‌ها یا لغو وضعیت معافیت مالیاتی دانشگاه‌ها، مانع از فعالیت آن دسته از دانشگاه‌هایی خواهد شد که امیدوارند بخشی از مشکلات ایجاد شده را با بودجه خود جبران کنند.

تشویق فرار مغزها

دولت ترامپ نه تنها بر بودجه دانشگاه‌ها، بلکه بر استخدام آنها نیز هزینه‌هایی تحمیل می‌کند. ایالات متحده مدت‌هاست، به صورت گسترده از جذب مغزها استفاده می‌کند و بااستعدادترین دانشمندان و مهندسان از سراسر جهان برای آموزش و تدریس، به دانشگاه‌های تحقیقاتی ایالات‌متحده می‌آیند. اما دولت ترامپ با کاهش بودجه، سانسور در دانشگاه و سیاست‌های مهاجرتی خصمانه، در حال تحریک فرار مغزهاست. سه چهارم از پاسخ‌دهندگان به نظرسنجی اخیر از محققان امریکایی در مجله نیچر گفتند، به دلیل مشکل آفرینی‌های دولت ترامپ در مسیر کارهای علمی، به ترک ایالات متحده فکر می‌کنند. دانشگاه‌های اروپایی نیز با کمال میل استعدادهای علمی امریکایی را جذب می‌کنند. مراکز تحقیقاتی در شهرهایی از جمله بارسلونا و مادرید دهها درخواست از دانشمندان امریکایی را گزارش داده‌اند. محققان برجسته و آینده‌دار چینی‌تبار در حوزه‌های ضروری برای رقابت‌پذیری ایالات متحده، هوش مصنوعی، رباتیک، ریاضیات و همجوشی هسته‌ای، از دانشگاه‌های تحقیقاتی پیشرو در ایالات متحده می‌روند تا به چین بازگردند. این خروج، روند مهاجرت دانشمندان متولد چین که در دوران اول دولت ترامپ آغاز شد را شتاب می‌دهد. ایالات متحده، زمانی با قاطعیت در خط مقدم فناوری قرار داشت و اکنون در مسیر تبدیل شدن به بازیگری بسیار ضعیف‌تر حرکت می‌کند و تاکنون، با برداشتن گام‌هایی که تنها به تضعیف این کشور کمک می‌کند، به این افول واکنش نشان داده است. اگر واشینگتن برای حفظ رهبری خود در این میدان نبرد تلاش نکند، دیگران جای این کشور را خواهند گرفت.

به‌رغم محوریت تحقیقات دانشگاهی در اقتصاد پیشرفته ایالات‌متحده در دهه‌های اخیر حمایت دولت از آن به طور فزاینده‌ای کم‌رنگ شده و دولت ترامپ نیز با ابتکارات اخیر خود برای کاهش بودجه فدرال برای تحقیقات دانشگاهی منبع حیاتی ایده‌های جدید برای صنعت و ارتش را به خطر می‌اندازد

***رئیس بازنشسته و استاد ممتاز مهندسی برق و علوم کامپیوتر در مؤسسه فناوری ماساچوست (MIT)**

چشم‌انداز

احسان شیخون

تنگه تایوان در آستانه یک بحران جدید

تنگه تایوان این روزها به خط تماس داغ میان ایالات‌متحده و چین تبدیل شده است. افزایش مانورهای نظامی، رقابت سر فناوری، صف‌بندی متحدان منطقه‌ای و بازی پیچیده ابهام استراتژیک واشینگتن، همگی نشان از شکل‌گیری یک نظم نوین یا شاید درگیری خطرناک در قلب آسیا دارند. در جهان امروز که رویارویی قدرت‌ها دیگر نه در میدان‌های نبرد سنتی، بلکه در مرزهای فناوری، ژئوپلتیک و اتحادهای چندلایه تعریف می‌شود، آسیای جنوب‌شرقی، به‌ویژه تنگه باریک تایوان به یکی از حساس‌ترین نقاط جهان بدل شده است. این تنگه نه فقط مرز میان سرزمین چین و جزیره تایوان که مرز میان نظم جهانی مورد نظر پکن و واشینگتن است.

یک ملت، ۲ تعبیر

تایوان از سال ۱۹۴۹ که ملی‌گرایان چینی پس از شکست از کمونیست‌ها به آن پناه بردند، خود را حکومتی مستقل می‌داند. اما برای پکن، این جزیره بخشی از «چین واحد» است و وحدت دوباره آن با سرزمین اصلی نه تنها یک مأموریت تاریخی بلکه ضرورتی سیاسی برای حفظ اقتدار حزب کمونیست تلقی می‌شود. در سوی دیگر، بسیاری از مردم تایوان، به ویژه نسل جدید، نه تنها علاقه‌ای به پیوستن به سرزمین اصلی ندارند، بلکه هویت خود را مستقل از چین تعریف می‌کنند. این شکاف هویتی، ریشه اختلافی است که حالا به میدان رقابت بین‌المللی کشیده شده است. برای پکن اما تایوان فقط یک مسئله نمادین یا تاریخی نیست؛ بلکه مرکز تولید تراشه‌های پیشرفته جهان است که آینده صنعتی چین به آن وابسته خواهد بود. سلطه بر این جزیره، علاوه بر تقویت ظرفیت‌های تکنولوژیک چین، راهی برای شکستن زنجیره محاصره دریایی امریکا در منطقه نیز خواهد بود. پیش‌فرض سیاستگذاران چینی این است که تسلط بر تایوان، نه تنها به تقویت امنیت ملی و استقلال فناورانه کمک می‌کند، بلکه موقعیت جهانی چین را نیز تثبیت خواهد کرد.

در ماه‌های گذشته، چین به‌طور بی‌سابقه‌ای جنگنده‌ها و ناوهای خود را به نزدیکی تایوان فرستاده است. اقدامی که بسیاری آن را تمرینی برای محاصره احتمالی این جزیره ارزیابی کرده‌اند. ارتش چین در برخی از رزمایش‌های خود صریحاً «تسخیر تایوان» را شبیه‌سازی و پیام‌های آشکاری به امریکا و متحدانش مخابره کرده است. هم‌زمان، ایالات متحده نیز با اعزام ناوهای هواپیمابر به دریای چین جنوبی، رزمایش‌های مشترک با ژاپن و فیلیپین و دیدارهای رسمی با مقام‌های تایوانی، نشان داده قصد عقب‌نشینی از حمایت سنتی خود را ندارد. این وضعیت، منطقه را وارد نوعی «رقابت اعصاب» کرده است.

سیاست رسمی امریکا نسبت به تایوان همواره ترکیبی از حمایت نظامی و ابهام سیاسی بوده است. واشینگتن اصل «چین واحد» را پذیرفته اما در عین حال بر اساس قانون مصوب ۱۹۷۹، به تایوان تجهیزات نظامی می‌فروشد و وعده حمایت از دفاع آن را می‌دهد. اما در دوران بایدن، این سیاست به سمت شفافیت چرخید. رئیس‌جمهور قبلی امریکا، تاکنون چندین بار صریحاً اعلام کرده در صورت حمله چین به تایوان، امریکا مداخله نظامی خواهد کرد. هرچند این اظهارات بارها با تعدیل مقامات دیگر روبه‌رو شده‌است.

با بازگشت دونالد ترامپ به کاخ سفید در سال ۲۰۲۵، سیاست خارجی ایالات‌متحده در قبال چین بار دیگر رنگ و بوی تندتری به خود گرفته است. برخلاف بایدن که با تأکید بر اتحادهای منطقه‌ای و دفاع چندجانبه از تایوان به دنبال مهار نرم چین بود، ترامپ تمرکز خود را بر فشار اقتصادی و تقابل آشکار قرار داده است. ترامپ در دوره اول ریاست جمهوری‌اش، با آغاز جنگ تجاری با چین و حمایت بی‌پرده از فروش تسلیحات پیشرفته به تایوان، مسیر تازه‌ای در روابط دوجانبه گشود. اکنون در دور دوم نیز بار دیگر وعده داده چین را به‌خاطر «رفتارهایش در شرق آسیا» پاسخگو خواهد کرد.

تیم امنیت ملی ترامپ از ایده «توازن سخت‌افزاری» به معنای افزایش استقرار تسلیحات، پهپادها و رادارهای پیشرفته در تایوان و پیرامون آن حمایت می‌کند. در عین حال، دولت او با مواضعی صریح‌تر نسبت به اصل «ابهام استراتژیک» برخورد و صراحتاً اعلام کرده در صورت اقدام نظامی چین علیه تایوان، امریکا بلافاصله واکنش نشان خواهد داد. هرچند برخی در درون سیستم امنیتی امریکا نگرانند لحن تند ترامپ و بی‌اعتمادی متقابل با پکن، خطر اشتباه محاسباتی را افزایش دهد.

شکل‌گیری کمربند ضدچینی

با گسترش تنش‌ها، کشورهای منطقه نیز دست به انتخاب زده‌اند. ژاپن و استرالیا به‌شکل علنی به امریکا نزدیک‌تر شده‌اند. فیلیپین که در سال‌های گذشته سعی در موازنه میان واشینگتن و پکن داشت، اکنون بار دیگر پایگاه‌های نظامی خود را روی نیروهای امریکایی گشوده است. در این میان، چین نیز روابط خود با روسیه، کره‌شمالی و برخی کشورهای جنوب‌شرقی آسیا را تقویت کرده است. در واقع آنچه امروز در آسیا شاهد آن هستیم، یادآور دوران جنگ سرد اما با قواعدی جدید است. رقابتی چندوجهی با محوریت فناوری، امنیت، اقتصاد و نفوذ منطقه‌ای.

هرچند فضای منطقه به‌شدت ملتهب است اما تحلیلگران معتقدند، احتمال درگیری مستقیم در کوتاه‌مدت بالا نیست. چین به خوبی می‌داند حمله به تایوان، نه تنها با مقاومت امریکا و متحدانش، بلکه با پیامدهای شدید اقتصادی و دیپلماتیک روبه‌رو خواهد شد. در سوی دیگر، امریکا نیز از یک درگیری تمام‌عیار در منطقه‌ای که قلب زنجیره تأمین جهانی است، گریزان است. با این حال، مشکل آنجاست که هر دو طرف، خطوط قرمزی دارند که به‌شدت به یکدیگر نزدیک شده‌اند. در چنین وضعیتی، یک اشتباه محاسباتی، یک برخورد تصادفی یا سوءتفاهم سیاسی، می‌تواند آتش بحران را شعله‌ور سازد.

تنگه تایوان امروز صرفاً یک گذرگاه دریایی نیست بلکه آیینه‌ای تمام‌نما از رقابت دو مدل حکمرانی، دو نظم بین‌المللی و دو روایت از آینده جهان است. اینکه این تنگه باریک، به میدان جنگ قدرت‌های بزرگ بدل شود یا به مدلی برای مدیریت مسالمت‌آمیز اختلاف‌ها تبدیل شود، نه فقط سرنوشت تایوان بلکه آینده نظم جهانی را تعیین خواهد کرد. در دنیایی که فناوری، دیپلماسی و اتحادهای هوشمند، جای توپ و تانک را گرفته‌اند، تنگه تایوان شاید نه آغاز جنگ، بلکه آغاز بازتعریف قدرت در قرن بیست‌ویکم باشد.

پیشخوان

«روایتی از مبارزه و فرجام گروه فجر انقلاب» در آیینه یک پژوهش نوانتشار

داستان مصاف یک گروه به شیوه منفی و مخفی

■ **شاهد توحیدی**

اثری که هم‌اینک در معرفی آن سخن می‌رود، روایتی از آغاز و انجام گروه انقلابی- مبارزاتی «فجر انقلاب» است. این پژوهش از سوی مریم صادقی‌پری انجام شده و بنیاد تاریخ پژوهی و دانشنامه انقلاب اسلامی به انتشار آن همت گماشته است. مؤلف در دیباچه خویش بر این کتاب در باب موضوع آن نکات ذیل را از نظر دور نداشته است:

«برای تحلیل عملکرد گروه فجر انقلاب، باید شرایط زمانی و محدودیت‌های ارتباطی آنان را مدنظر قرار داد. اگرچه اعضای این گروه به‌طور فکری از امام‌خمینی و نهضت اسلامی ایشان پیروی می‌کردند، اما به دلیل فقدان ارتباط مستقیم با رهبر انقلاب، از مواضع دقیق ایشان پیرامون مبارزات مسلحانه آگاهی نداشتند. از این‌رو، با الهام از فضای مبارزاتی آن دوران و تجربه سایر گروه‌های فعال، در کنار فعالیت‌های تبلیغاتی، مشی مسلحانه را نیز در پیش گرفتند. با این حال باید تأکید کرد که این گروه، اقدام مسلحانه را نه به‌عنوان یک راهبرد اصلی، بلکه به‌عنوان یک تاکتیک در نظر می‌گرفت. اولویت اصلی آنها بر مبارزات فرهنگی و آگاهی‌بخشی قرار داشت و مبارزه مسلحانه، تنها ابزاری حاشیه‌ای برای ضربه زدن به رژیم تلقی می‌شد. بیشتر فعالیت‌های آنان، در زمینه فرهنگ و دین و تلاش برای بیداری سیاسی مردم بود. شهید سیدحمیدرضا فاطمی رهبر گروه، در بازجویی‌های ساواک به صراحت ایدئولوژی خود را بیان کرده است. او در یکی از این بازجویی‌ها می‌گوید: در عصر حاضر نیروهای مبارز نه به قصد تصاحب حکومت، بلکه به قصد آگاهی مردم از طریق تبلیغات و تهاجم به منظور نابود

شهید حمیدرضا فاطمی (نفر دوم از چپ)

ساختن این فکر که طبقه حاکم فناناپذیر است و ارتش و پلیس آن ضربه‌ناپذیر است، فعالیت می‌کنند و به هیچ وجه نباید انتظار داشت که عامه مردم به سرعت از لحاظ فکری تجهیز شوند. چه هر چه شناخت مردم عمیق‌تر باشد، به ثمر رسیدن انقلاب سریع‌تر خواهد بود... شهید فاطمی همچنین هدف اصلی گروه خود را تشکیل حکومت اسلامی معرفی کرده و در این‌باره می‌گوید: هدف کلی ما ایجاد حکومت اسلامی بود که این حکومت را با نیروهای خارجی یا تصادمی با یک گروه نمی‌توان به‌دست آورد، بلکه در یک جریان طولانی در نتیجه تبلیغات و عملیات تهاجمی از طرفی افکار مردم را بر علیه حکومت فعلی آگاه و از جانب دیگر، آماده پذیرش اصول واقعی اسلام خواهد شد....

سخنان شهید فاطمی به‌وضوح نشان می‌دهد که وی و گروه فجر انقلاب، بیش از هر چیز به آگاهی و بیداری سیاسی مردم اعتقاد داشتند. مبارزات مسلحانه برای آنان صرفاً یک تاکتیک برای شکستن اقتدار ظاهری رژیم و از میان برداشتن تصور شکست‌ناپذیری آن بود. هدف نهایی آنان، تربیت جامعه‌ای بود که آمادگی پذیرش حکومت اسلامی را داشته باشد و نه تنها براندازی رژیم حاکم. به علاوه این سخنان نشان‌دهنده تفکری است که برای موفقیت در مبارزه با رژیم شاهنشاهی، نیاز به یک جریان آگاهسازی و تربیت نیروهای آگاه و آماده است. به نظر شهید باقری، مبارزه مسلحانه هدفی دور است و باید ابتدا در مرحله تبلیغ و آگاهی‌بخشی، نیروهای فکری آماده شوند. او در جایی دیگر درباره اهداف گروه می‌گوید: آنچه به نظر من، [به عنوان] هدف گروه مطرح بود، همان تبلیغات در بین دانشجویان و سپس مبارزه مسلحانه [بود] که هدف دور بود و سپس چنانچه امکان‌پذیر شود، جامعه‌ای که قوانین اسلام رعایت و دستورات قرآن اجرا شود و فساد از جامعه رخت بربندد و همگی خوشبخت باشند. با هدف نهایی براندازی رژیم مشروطه و برقراری حکومت اسلامی در کشور ایران بود... در کارنامه یک‌ساله فعالیت‌های این گروه، اقداماتی چون آتش‌زدن مراکزی مانند کارخانه آبجوسازی شمس و بمبگذاری در دفتر مجله ستاره سینما به چشم می‌خورد. این اقدامات به دلیل ماهیت فسادآمیز این مراکز صورت گرفته بود که نشان‌دهنده عمق باور این گروه به لزوم مبارزه با فساد در جامعه و تغییرات اساسی در ساختار حکومتی بود....»

اوایل دهه ۸۰، دیدار رهبر معظم انقلاب اسلامی با آیت‌الله العظمی محمدتقی بهجت

«جلوه‌هایی از تعامل آیت‌الله العظمی محمدتقی بهجت با امامین انقلاب» در آیینه خاطرات حجت‌الاسلام والمسلمین علی بهجت

در اواخر عمر با پیامی به رهبری خطری مهم و جدی را اطلاع دادند

■ **احمدرضا صدری**

در آستانه سالروز ارتحال عارف واصل و مرجع والاقدر جهان تشیع، زنده‌یاد آیت‌الله العظمی حاج شیخ محمدتقی بهجت فومنی، شمه‌ای از خاطرات فرزندش حجت الاسلام والمسلمین حاج شیخ علی بهجت را به بازخوانی تحلیلی نشسته‌ایم. این بخش از خاطرات راوی، به تعاملات آن فقید سعید با حضرت امام‌خمینی و حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای اختصاص دارد؛ امید آنکه علاقه‌مندان را مفید و مقبول آید.

■ **از آقای خمینی کرامت‌هایی می‌دانم که هیچ کس از آنها اطلاعی ندارد**

به شهادت خاطرات زنده‌یاد آیت‌الله العظمی بهجت، اولین دوست ایشان در شهر و حوزه علمیه قم حضرت امام‌خمینی رهبر کبیر انقلاب اسلامی بوده است. این امر بیش از هر چیز به اشتراکات فکری و عملی آن دو بازمی‌گشت. حجت‌الاسلام والمسلین علی بهجت در بسط این مهم آورده است:

«مرحوم پدر می‌فرمودند: اولین کسی که در قم با او دوست شدم، آقای خمینی بود و بیشترین رفت و آمد را هم با ایشان داشتم. اولین کسی هم که مرا به آقای بروجردی معرفی کرد، آقای خمینی بود. می‌گفتند: از همان اوایل ورود به قم آقای خمینی خیلی از آقای قاضی می‌پرسید و من خیلی تعجب می‌کردم! ولی بعد دیدم، خود ایشان هم اهل این مسائل است. من پرسیدم: یعنی ایشان هم اربعینی را طی کرده بود؟ فرمودند: بله، بله. تعریف می‌کردند: ایشان از بعضی از چیزهایی که خیلی به آن علاقه داشت، پرهیز می‌کرد. در یک میهمانی در منزل‌شان، غذا قورمه سبزی بود، ولی ایشان حاضر نشد بخورد! پرسیدم: چرا نمی‌خورید؟ دوست ندارید؟ گفت: خیلی دوست دارم، ولی می‌خواهم نخورم! یعنی مشغول ریاضت بودند. یادم است پدر روزی فرمودند: کرامت‌هایی از ایشان می‌دانم که هیچ کس از آن اطلاعی ندارد.

تأکید می‌کنم که در میان مراجع تنها کسی که از ابتدا در قم با مرحوم پدرم رفاقت و رفت و آمد داشت، امام‌خمینی بودند. شاید علتش این بوده که آقا شیخ نصر الله خلخالی‌ها - که دوست صمیمی و مشترک هر دو بود- پدرم را به عنوان شاگرد آقای قاضی و آقای غروی اصفهانی به ایشان معرفی کرده بود. در همان سال‌های ۳۹ و ۴۰ شمسی، وقتی مرحوم امام به بیماری تب مالت مبتلا شدند، همراه با پدرم به عیادت ایشان رفتیم. خود ایشان هم شبیه همین بیماری را گرفتند و بیماری‌شان هم طول کشید. در مدت بیماری، مرحوم امام به عیادت‌شان می‌آمدند. پدرم می‌گفتند: هر کتابی را که از آقای خمینی به امانت می‌خواستم، به هر تعداد که بود، می‌داد. حتی اگر خودش هم لازم داشت، فوری می‌داد. به هنگام مسافرت تابستان یا ماه رمضان، که کتاب‌ها را بر می‌گرداندم، گاهی یک گاری می‌شد! به خصوص سال اولی که آمده بودم، چون کتاب‌هایم در نجف مانده بود....»

■ **ما می‌توانیم وجوه شرعیه را برای کشتن شاه صرف کنیم**

آیت‌الله‌العظمی محمدتقی بهجت با تاریخ ایران معاصر آشنایی فراوان داشت و جریانات سیاسی را نیز به نیکی درک می‌کرد. هم از این روی از آغاز نهضت اسلامی تا تبعید امام‌خمینی به ترکیه، در زمره یکی از مشاورین امین رهبر انقلاب به شمار می‌رفت. فرزند آن مرجع فقید، در این فقره معتقد است:

«مرحوم والد، در سیاست کاملاً صاحب نظر بودند و مطالب را روشن می‌کردند، ولی برای اهلش. در اوایل انقلاب با مرحوم امام جلساتی داشتند. در ایام مبارزه، مرتباً با هم رفت‌وآمد می‌کردند. مرحوم پدر، پیشنهادهایی هم برای مبارزه می‌دادند. می‌گفتند: مرتبه دوم پیروزی با ایشان است، ولی دعا می‌کنیم برای بعدش مشکلی پیش نیاید... حدود سال ۴۲ - شاید در آخرین ملاقات پیش از تبعید مرحوم امام - به ایشان گفتند: حداقل باید ۴۰ نفر متخصص مهذب به همراه داشته باشید تا در مواقع لازم حاضر باشند. شما باید اینها را تربیت کنید و داشته باشید. این هم نمی‌شود، مگر اینکه یک فرجه‌ای برای اینها باشد و این فرجه هم محقق نمی‌شود، مگر اینکه آن کسی که الان چکمه ظلم خود را به مذهب و مردم گذاشته، با چندین نحو افشایش کنیم و هم با چندین طریق مختلف برنامه‌ریزی داشته باشیم که او را از میان ببریم و حتی وجوهات را برای کشتن شاه مصرف کنیم. اگر او خودش حذف شود، یکی دیگر را سر کار می‌آورند که در ابتدای کار ضعیف است و نمی‌تواند فشار بیاورد. فشار بر روحانیت کاهش می‌یابد و ما خواهیم توانست، کار اصلی خودمان را انجام دهیم... حضرت امام کاملاً گوش دادند و بعد سرشان را بلند کردند و در حالی که با دست چهار انگشت خود را نشان می‌دادند، گفتند: چهار نفر هم ندارم!...»

■ **باید نشریه‌ای منتشر شود و جنایت گذشته و حال رژیم را منعکس کند**

در آغاز نهضت اسلامی، پیشنهادات آیت‌الله بهجت به امام‌خمینی، بس ابداعی و سازنده بود. با عنایت به محدودیت‌های تبلیغی این حرکت نوآغاز وی به رهبر انقلاب پیشنهاد انتشار یک نشریه داد! امری که بعدها با انتشار نشریات «بعثت» و «انتقام» - که برخی پدید آورندگان آن از شاگردان آن مرجع فقید بودند- تحقق یافت. فرزند آیت‌الله در خاطرات خویش این مهم را از نظر دور نداشته است:

«پس از رحلت آیت‌الله العظمی بروجردی، مرحوم امام مکرر با مرحوم ابوی رفت و آمد داشتند. پدرم مطالبی را درباره نهضت به مرحوم امام پیشنهاد می‌کردند. برای مثال پدرم به ایشان می‌گفتند: خوب است نشریه‌ای باشد و جنایات گذشته و حال رژیم را با هم منعکس کند تا جنایات گذشته از یاد مردم نرود... پس از آن نشریه‌ای منتشر شد و چنین کارهایی را می‌کرد. این گونه مطالب را فقط با خود امام درمیان می‌گذاشتند و کمتر پیش می‌آمد که به وسیله دیگران انتقال دهند. بعد از انقلاب هم با امام رفت و آمد داشتند و اگر چیزی در نظرشان بود، یادداشت می‌فرستادند. البته پس از انقلاب دیدارهای عادی ایشان، مثل سابق ممکن نبود و بیشتر با هم مکاتبه می‌کردند، یا پیغام می‌دادند. هر چند که ارتباط از راه‌های غیرعادی هم داشتند. در سال‌های پس از انقلاب، برخی از علمای بزرگ که از اشخاص سرشناس کشور بودند، خدمت حضرت امام رسیده و از ایشان تقاضای درس اخلاق کرده بودند. ایشان فرموده بودند: نزد آقای بهجت بروید و تقاضا کنید که درس اخلاقی برای شما بگذارند. گفته بودند: ایشان نمی‌پذیرد. فرموده بودند: اصرار کنید تا بپذیرد!... آقای مشکینی، آقای آذری قمی و آقای میانجی، مرتب می‌آمدند و موضوع را مطرح می‌کردند، ولی آقا نمی‌پذیرفتند....»

> **رهبر معظم انقلاب اسلامی، همواره مکانت عرفانی و سلوکی آیت‌الله العظمی بهجت را بزرگ می‌داشتند و در بسا موقعیت‌ها، مراوده با آن پیر معرفت را مغتنم و مؤثر می‌شمردند. از سوی دیگر آن دردانه دوران نیز با احترام کامل برای رهبری، در دیدار با ایشان از عوالم و حقایقی سخن به میان می‌آوردند که در دیدار با دیگر افراد از ذکر آنها خودداری می‌کردند. این امر برای مخالفان نظام اسلامی البته دشوار و گران می‌آمد**

■ **در دور دوم نهضت، آقای خمینی پیروز می‌شود**

از آن روی که عارفان پدیده‌ها را با «نور خدا» می‌بینند و برای تشخیص حقایق «فرقان» دارند، آیت‌الله بهجت مدت‌ها پیش از پیروزی انقلاب اسلامی و در عین تردید بسا نخبگان، توفیق این حرکت عظیم را وعده داد. امری که حجت‌الاسلام علی بهجت در مقام بیان یادمان‌های خویش اینگونه بدان اشارت برده است:

«در سال‌های پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، ظهرها از روبه‌رو وضوی آقا را تماشا می‌کردم. حال عجیبی داشتند. نیم ساعت قبل از ظهر که وضو را شروع می‌کردند، بنده هم همان ساعت از مدرسه برمی‌گشتم. گاهی که می‌خواستم مطلبی را به ایشان بگویم در مقابل ایشان قرار می‌گرفتم و متوجه صورت‌شان می‌شدم. می‌دیدم که اصلاً در این عالم نیستند! حتی من را که مقابل‌شان هستم، نمی‌بینند و سخت در عوالم خودشان هستند. در طول زمان به این درک رسیدم که در این مواقع مزاحم حال ایشان نشوم. بعضی از مطالب مهم را که در حالت عادی نمی‌شد از ایشان پرسید و جواب گرفت، در این مواقع پاسخ می‌دادند. بنابراین گاهی برخی مسائل را در آن زمان با ترفندی خاص با ایشان مطرح می‌کردم. پیش از پیروزی انقلاب یکی از دوستان دانشجویم - که اکنون فیزیوتراپ است و به پدرم معتقد بود- در زمانی که اعتراض‌ها داشت شکل می‌گرفت و بیشتر مردم درگیر مبارزه بودند، به بنده گفت: از آقا بپرس، آقای خمینی پیروز می‌شود یا شاه؟ چون سیاسیون نظر می‌دادند که شاه با یک مقاله در روزنامه اطلاعات، آب را گل آلود کرده تا مخالفان مخفی را شناسایی کند و با یک کودتای نظامی، همه را قلع و قمع کرده و با خیال راحت بر تخت حکومت بنشیند. پدرم این سؤالات را اصلاً در حالت عادی جواب نمی‌دادند. برای جواب اثنای وضو را در نظر گرفتم. هنگام شستن صورت، در این عالم نبودند. بسیار بشاش بودند. اینگونه شادی را خیلی کم در ایشان دیده بودم. فکر کردم الان وقت پرسیدن است. مرتبه اول که سؤال کردم، نشنیدند! خیلی سریع سؤالم را تکرار کردم. فرمودند: بله، آن آقا هم همین نظر را داشت که در بار دوم آقای خمینی پیروز می‌شود....»

■ **خداحافظی غیرحضوری با امام چند روز پیش از رحلت بنیانگذار جمهوری اسلامی**

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، رابطه آیت‌الله بهجت با امام‌خمینی تداوم یافت، اما این بار علاوه بر راه‌های عادی و متعارف، از شیوه‌های معنوی نیز در برقراری آن استفاده می‌شد. راوی در بخشی از منقولات خود در این‌باره نیز به وقایعی اشاره دارد:

«شبی در خانه را زدند. ایشان در حال مطالعه بودند. اصرار داشتند که خودشان در را باز کنند. وقتی رفتند و زود برگشتند، دیدم ناراحتند و مشغول قدم زدن و فکر کردن هستند. پرسیدم چه کسی بود؟ و چه شده؟ فرمودند: ایشان را بردند! منظورشان حضرت امام بود. به ایشان گفتم: شاید شایعه است و کسی همین طوری به دم در آمده و یک چیزی گفته است، مگر کسی جرأت دارد؟ فرمودند: از اطرافیان آقای خمینی بود و آمده بود و می‌گفت: حال آقا بد است، او را به تهران می‌بریم. پیغام داده‌اند: الان در راهیم. ایشان خواسته‌اند که دعا کنید. فردای آن روز که ایشان از حرم برگشتند، دیگر حال ناراحتی دیشب را نداشتند و می‌فرمودند: خدا خیلی رحم کرد و ۱۰ سال بر این مردم منت گذاشت! بعداً فهمیدیم وقتی امام را به تهران برده‌اند، حال‌شان دوباره بد شده است، به طوری که فکر می‌کنند از دنیا رفته‌اند، ولی دوباره حال‌شان خوب می‌شود. اواخر زندگی حضرت امام برخی از افراد به مرحوم پدرم اصرار می‌کردند که ملاقاتی با حضرت امام داشته باشند. من هم بر این مطلب بافشاری می‌کردم. یک روز به من فرمودند: تو چه میدانی که ما همین دیشب ما با هم صحبت کردیم و چه مطالبی رد و بدل شد؟ در حالی که حتی با تلفن هم صحبت نکرده بودند! مرحوم والد در اواخر عمرشان فرمودند: آقای خمینی قبل از وفات‌شان با من خداحافظی کردند، در چه حالی و چه جمالی! من پنج شنبه در مسجد نشسته بودم و مشغول تعقیبات نماز صبح بودم که ایشان با صورت خندان آمد و از جلوی من رد شد! چقدر زیبا و با جمال و... بود. معلوم بود از اعمال خودش راضی است و پیش خدا مشکلی ندارد....»

■ **ارتباط پدر با آیت‌الله خامنه‌ای دیرپا بود**

حمایت‌های معنوی آیت‌الله العظمی بهجت از رهبری انقلاب اسلامی، در دوران زعامت حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای نیز تداوم یافت. فرزند آن مرجع راحل، در باب پیشینه این ارتباط و علل توسعه آن توضیحاتی به قرار ذیل دارد:

«مرحوم پدر، معمولاً وقتی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب (دام ظله) در پست و مسئولیتی قرار می‌گرفتند، نامه‌ای به ایشان می‌دادند. در همان موقع که ایشان به رهبری رسیدند هم نامه‌ای را خودشان در صندوق پستی سر کوچه انداخته بودند! از قضا این صندوق پستی، مدتی بررسی نشده بود! بنابراین نامه پدر، کمی دیر به دست ایشان رسیده بود. متن نامه‌های ایشان، معمولاً دعا و موعظه بود. مقام معظم رهبری (دام ظله) هم نزد پدرم می‌آمدند و از ایشان درخواست دعا و مشورت داشتند. ایشان در این رابطه می‌فرمایند: مرحوم آقای بهجت (رضوان‌الله تعالی علیه) می‌فرمودند: این دعا را زیاد بخوانید: یا اللهُ، یَا رَحْمَانُ، یَا رَحِیمُ، یَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ، ثَبِّتْ قَلْبِی عَلَی دِینِک. ممکن بود یک اشکال مقدری وجود داشته باشد، ایشان به آن هم جواب می‌داد. ممکن بود کسی بگوید وقتی می‌گوییم ثبت قلبی علی دینک ما که دین‌مان درست است، منطقی است، مستحکم است، این برای آن طبقات پایین است. ایشان می‌فرمود: در هر طبقه‌ای که دل انسان و ایمان انسان و دینداری انسان هست، تنزل از آن طبقه برگشت است، ثبت قلبی علی دینک... یعنی دین را در همان طبقه عالی نگه دار و تثبیت کن!

به هرحال، این روابط طی این سال‌ها، بدون سروصدا ادامه داشت. مرحوم پدرم هرگاه احساس خطر می‌کردند، به ایشان پیغام می‌دادند. با رهبر انقلاب بسیار صمیمی بودند و مراقب ایشان بودند. در ابتدای رهبری ایشان فرموده بودند: من متعهدم که اگر به موازینی که نسبت به آن مستحضرید، عمل کنید، شما را تنها نگذارند. یعنی تعهد معنوی کرده بودند و دائماً هم مراقبت می‌کردند... ایشان بسیار مراقبت می‌کردند که قصور یا تقصیری پیش نیاید، چون هر چه می‌شد، آثارش برای کشور بود. ما هم این را حس می‌کردیم. شدت اضطراب ایشان از خطراتی که ممکن بود پیش بیاید، مشهود بود. هرگاه احساس خطری می‌کردند، متوسل می‌شدند و گاهی هم پیغام می‌دادند. از جریان‌های پس از انقلاب بسیار خائف بودند. برای مقام معظم رهبری هم، مطالب و نکاتی را بیان می‌کردند. مدتی پیش از رحلت، برای مقام معظم رهبری (دام ظله) پیام دادند: خطری بسیار مهم و جدی در پیش است، ما هر چه توانستیم انجام دادیم که اتفاقی نیفتد، بقیه‌اش دیگر با شماست... یادم هست یکی پرسید: آیا منظورتان امریکاست؟ پدرم فرمودند: بالاتر از اینهاست!...»

■ **رهبر انقلاب یکی از دونفری است که حقیقتاً به آیت‌الله بهجت محبت داشتند**

و سرانجام رهبر معظم انقلاب اسلامی، همواره مکانت عرفانی و سلوکی آیت‌الله‌العظمی بهجت را بزرگ می‌داشتند و در بسا موقعیت‌ها، مراوده با آن پیر معرفت را مغتنم و مؤثر می‌شمردند. از سوی دیگر آن دردانه دوران نیز با احترام کامل برای رهبری، در دیدار با ایشان از عوالم و حقایقی سخن به میان می‌آوردند که در دیدار با دیگر افراد از ذکر آنها خودداری می‌کردند! این امر برای مخالفان نظام اسلامی، البته دشوار و گران می‌آمد. حجت‌الاسلام والمسلمین علی بهجت در این‌خصوص خاطرنشان ساخته است:

«مقام معظم رهبری (دام ظله) هم خودشان خیلی به ارتباط با آقا عنایت داشتند. ایشان، بسیار متواضع هستند. یک دفعه کمی زود به دیدن مرحوم ابوی آمدند. آقا پس از نماز مغرب و عشا عبادتی داشتند. ما قرار گذاشته بودیم که پس از پایان این عبادت، با ابوی ملاقات کنند. تقریباً ۱۰ دقیقه مانده بود. به بنده فرمودند: شما همین جا بنشین و برای ما صحبت کن، با آقا کاری نداشته باش تا کارشان تمام شود. مراقب بودند که ابوی اذیت نشوند. حتی آقازاده‌های مقام معظم رهبری هم مراقب بودند. آنها هم مرتب پیش حاج آقا می‌آمدند و طالب تذکرهای ایشان بودند. پدر هم احترام می‌کردند. الحمدلله آقازاده‌های ایشان هم، در زی طلبگی ممتازند. شاید تنها دو نفر بودند که به طور حقیقی به پدرم محبت داشتند و نسبت به ایشان حسادت نمی‌ورزیدند. یکی از آنها مقام معظم رهبری (دام ظله) بود. کسان دیگری نیز بودند که به ظاهر اظهار تواضع می‌کردند، ولی در باطن بزرگ‌ترین خنجرها را با کلام و رفتارشان به قلب ایشان می‌زدند! در یکی از دیدارهایی که با مقام معظم رهبری داشتم، وقتی از کرامت‌های مرحوم پدر با ایشان صحبت می‌کردم، ایشان فرمودند: بله، ایشان بالاتر از این حرف‌ها بود، اگر کسی مقداری مراقبه داشته باشد، به این کرامت‌ها می‌رسد، ولی ایشان بالاتر از این حرف‌ها بود... همچنین فرمودند: من هر شب، به خواندن سوره یاسین برای ایشان مشغولم و از خدا خواسته‌ام، تا آخر عمر ایشان را فراموش نکنم و ایشان هم مرا فراموش نکند... مرحوم پدر هم، احترام خاصی برای مقام معظم رهبری قائل بودند. خیلی از مسائل و سؤال‌هایی را که پنهان می‌کردند و به کسی پاسخ نمی‌دادند، اگر از سوی ایشان مطرح می‌شد، پاسخ می‌دادند....»

دهه ۷۰، آیت‌الله العظمی محمدتقی بهجت در حال حرکت به سوی مسجد فاطمیه (س) قم

> **حجت‌الاسلام والمسلمین علی بهجت: «مرحوم والد مدتی پیش از رحلت، برای مقام معظم رهبری پیام دادند: خطری بسیار مهم و جدی در پیش است، ما هر چه توانستیم انجام دادیم که اتفاقی نیفتد، بقیه‌اش دیگر با شماست!... یادم است هنگامی که این را برای نزدیکان نقل کردند، یکی پرسید: آیا منظورتان امریکاست؟ پدرم فرمودند: بالاتر از اینهاست!...»**

سینمای مستند

شائبه‌های اخلاقی و مستند «متهمین دایره بیستم»

محمد حیدری‌پور

دو هفته پیش در یک پنج‌شنبه اردیبهشتی، عابرانی که از مقابل ساختمان شهروند در بلوار اصلی شهر لواسان می‌گذشتند، با اتفاقی خاص روبه‌رو شدند؛ جوانی که راننده کوییک بود، با صورتی خون‌آلود، از ماشین پیاده شده بود و در پیاده‌رو فریاد می‌زد. چند ثانیه قبل تصادفی رخ داده و شیشه ماشین خرد شده بود. سر مرد جوان ضربه دیده بود و به نظر می‌رسید آسیب جدی است، او فریاد می‌زد: «همه زندگیم رو پای این ماشین گذاشتم، بدبخت شدم.» عابران بهت زده، به او زل زده بودند و آنچنان تحت تأثیر قرار گرفته بودند که هیچ کس، گوشی همراهش را درنیاورده و به سنت این سال‌ها تصویر نمی‌گرفت. فریادهای مرد جوان، جانسوز بود. از صورتش خون روی پیاده‌رو می‌ریخت و او فریاد می‌زد.

این بخشی از واقعیت جاری زندگی اغلب مردم جامعه است که دچار بحران‌های جدی مالی هستند؛ آنها که غیرمستقیم و مستقیم در دایره‌ای از شوربختی گرفتار می‌شوند. حسام اسلامی در مستند «متهمین دایره بیستم» سرنوشت چند دزد خرده‌پا را روایت کرده است، تا اینجا مشکلی وجود ندارد، نکته جالب و دریغ‌برانگیز این است که فیلمساز چند بار روی دوستی و حس همدلی‌اش با این دزدان تأکید می‌کند. فیلم «متهمین دایره بیستم» یکی از عجیب‌ترین مستندهایی است که در ایران (و شاید جهان) ساخته شده، نمایش دزدان و خلافکاران در یک مستند، مرسوم و پذیرفتنی است، اما امر اخلاقی این است که آیا مستندساز می‌تواند با دزدانی که هرگز از عمل سوء خود، شرمنده نیستند، همراه شود؟ آیا می‌تواند نسبت به تضییع حقوق دیگر شهروندان ساکت بماند؟ تنها با این منطق که فیلم بسازد؟ چرا فیلمساز سراغ هیچ مالباخته‌ای نمی‌رود؟ چرا بحران سرقت را از یک سوی دیگر نمی‌بیند، پدری که تمام دارایی‌اش را از دست می‌دهد، خانواده‌ای که با سرقت دچار گرفتاری می‌شود؟

«متهمین دایره بیستم» دقیقاً با چه هدف و رویکرد تربیتی و آموزشی ساخته شده؟ هیچ سکانسی از فیلم، نشان‌دهنده همدلی فیلمساز با مردم، مردم مورد تاراج قرار گرفته نیست. او هیجان زده از کشف یک گروه گنگستر خرده‌پای جنوب شهری، می‌کوشد کنارشان، ناظر و ثبت‌کننده باشد. احتمالاً حسام اسلامی گمان می‌کند، واقعیت را ثبت کرده، اما آیا به تأثیر این واقعیت توجه داشته است؟ در روز روشن، در خیابان، در شهر تهران (پایتخت و مهم‌ترین شهر ایران) چند جوان، بدون اینکه آموزش دیده باشند، به سادگی دست به سرقت اتومبیل می‌زنند و شب‌ها دور هم می‌رقصند، شادخواری کرده و حتی در یک پلان از فیلم احساس عذاب وجدان و رنج ندارند. آقای کارگردان که با آثاری چون «پروژه ازدواج» داعیه نزدیک شدن به انسان و مسائل روحی و روانی او را دارد، از تأثیر تصویر بر مخاطب آگاه است، فیلم او چه هدفی دارد؟ ترویج دزدی؟ توجه به اینکه دزدان کم‌سن و جوان ایران، چگونه مست از پول‌های بادآورده، شب‌ها دور هم جمع می‌شوند و به ریش هموطنان مالباخته‌شان می‌خندند؟

تماشای «متهمین دایره بیستم» دردآور است، باور اینکه یک ایده بتواند، فیلمسازی خلاق را چنین درگیر مناسبات غیراخلاقی کند، دشوار است. حسام اسلامی، حتی مانند کارگردان‌های فیلم‌های داستانی، نتوانسته است چند پلان از ضدقهرمان‌های فیلمش ضبط کند که اشاره‌ای به گذشته پررنج یا بحران‌های زندگی آنها باشد تا تماشاگر باور کند، این عصیان و طغیان، محصول زندگی خانوادگی نامناسب یا بحران‌های دوران کودکی است، تنها در یک سکانس، پسری که مادرش را از دست داده با گریه و خشم، فقدان مادر را بهانه‌ای برای ادامه خلافکاری در آینده می‌داند.

این مجسمه‌های فساد و تباهی که فیلم درباره آنهاست، مشمئزکننده‌اند و همدلی برنمی‌انگیزند، قساوت آنها نسبت به زندگی هموطنان‌شان، نفرت‌برانگیز است و اینکه فیلمساز، کنار آنها ایستاده به نفع فیلم نیست. اگر در «رؤیاباف و قاضی» حسام اسلامی با گنج‌یابان طرح دوستی می‌ریخت و در سرقت میراث آبا و اجدادی با آنها شریک می‌شد، فیلم را می‌شد این طور تفسیر کرد که آرزوبافی در سرزمینی که رنج دیده و شکست خورده در آن فراوان است، منطقی است و ریشه تاریخی دارد، اما آیا در فرهنگ ایرانی، سرقت، کلاهبرداری و افتخار به آن ستودنی است؟ در یکی از سکانس‌ها، یکی از شخصیت‌ها با صراحت می‌گوید دزدی را رها نمی‌کند، چون روزی ۲۰۰ هزار تومان درآمد دارد، در حالی که شغل‌های دیگر، ماهانه ۲۰۰ هزار تومان درآمد دارد. این منطق دزدان جوان فیلم است و فیلمساز در هیچ یک از نریشن‌هایش، هیچ موضعی نسبت به این نگاه ندارد. تنها با انتخاب یکی از چند شخصیت فیلم که ناگهان تصمیم به ترک دزدی گرفته و ازدواج کرده، می‌کوشد فیلم را از خطر ممیزی نجات بدهد. با توجه به مقدمه فراوان فیلم درباره سرقت و هیجان و لذتش، تحول پسر جوان چنگی به دل نمی‌زند و باورپذیر نیست. متن‌های پایان فیلم درباره سرنوشت شخصیت‌ها، هم شبیه تحول خلافکاران در فیلمفارسی‌ها نچسب و شعاری است.

«متهمین دایره بیستم» محصول نگاه اشتباه به امر اخلاقی است. فعالان سینمای مستند معمولاً بر این باورند که سینمای داستانی، غیرواقعی، تجاری و سطح پایین است، اما ابتذال را نه گونه سینمایی که نگاه سازنده اثر تعریف و تعیین می‌کند. در سینمای داستانی نمونه‌هایی وجود دارد که خلافکار خرده‌پا، برخی ارزش‌های اخلاقی را رعایت کرده و به آدابی وفادار است که او را دوست‌داشتنی کرده است، «قیصر» (مسعود کیمیایی) مهم‌ترین و شناخته‌شده‌ترین‌شان است و «طوقی» (علی حاتمی)، یکی دیگر از این فیلم‌ها که شمایل ضدقهرمان چند وجهی را به نمایش می‌گذارد.

ممکن است کارگردان «متهمین دایره بیستم» معتقد باشد فیلمش در مذمت سرقت است، اما نشانه‌ها این موضوع را نشان نمی‌دهد، او می‌تواند تأثیر فیلمش را روی نوجوانان و جوانان انکار کند، می‌تواند نسبت به بازتاب و انعکاس فیلمش روی تماشاگر غفلت کند و با خیال راحت، به فیلمسازی ادامه دهد اما به نظر نمی‌رسد هیچ فیلمسازی در سینمای جهان به این سادگی می‌توانست در ستایش خلافکاران خرده‌پا و سرقت در روز روشن فیلم بسازد.

مروری بر نقاط قوت و ضعف سی‌وششمین نمایشگاه کتاب تهران

بهار دل‌انگیز کتاب دوستان چگونه سپری شد

زینب رازدشت

سی‌وششمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، با شور و هیجان وصف‌ناپذیری، پرده از رویدادی فرهنگی باشکوه برداشت. از میان غرفه‌های رنگارنگ و پر از کتاب، بوی کاغذ و جوهر تازه به مشام می‌رسید. فضای نمایشگاه، مملو از مخاطبان مشتاق، نویسندگان و ناشران فعال بود.

محمدمهدی صافی | جوان

از کودکان با کتاب‌های رنگارنگ و داستان‌های جذاب گرفته تا بزرگسالان با آثار پژوهشی و رمان‌های پرماجرا، همه در این فضا به جست‌وجوی کتاب‌هایی جدید و سرشار از دانش و تجربه بودند. با هر قدمی که برمی‌داشتید، دنیایی جدید از داستان‌ها، ایده‌ها و اندیشه‌ها در برابر چشمان‌تان پدیدار می‌شد.

حضور نویسندگان و ناشران داخلی و خارجی به نمایشگاه رونقی وصف‌ناپذیر بخشیده بود. گفت‌وگوها و نشست‌های تخصصی، فرصتی برای تبادل نظر و آشنایی با دیدگاه‌های نوین و ایده‌های جدید در حوزه کتاب و ادبیات فراهم می‌کرد. از تجربیات ارزشمند نویسندگان پیشکسوت تا ارائه آثار نوآوران جوان، همه در این فضا، فرصت رشد و پیشرفت را برای مخاطبان خود به ارمغان آورده بود.

این رویداد، به عنوان پلی میان نویسندگان و خوانندگان، به درک و فهم عمیق‌تری از فرهنگ و ادبیات کمک کرد و در نهایت، تجربه‌ای فراموش‌نشدنی را برای همه میهمانان رقم زد.

راضی‌ها و ناراضی‌های نمایشگاه چه گفتند؟

در حالی که برخی ناشران و غرفه‌داران از نمایشگاه امسال ابراز رضایت کردند و از حجم بازدیدکنندگان و تعاملات مثبت با مخاطبان خبر دادند، گروه دیگری از شرکت‌کنندگان از وضعیت نمایشگاه راضی نبودند.

نبودن فضای کافی برای ارائه محصولات جدید، مشکلات در تسهیلات نمایشگاهی و همچنین نرخ پایین‌تر از حد انتظار فروش، از جمله دلایل نارضایتی برخی غرفه‌داران بود. مشکلات مربوط به دسترسی به فضای مناسب یا عدم‌هماهنگی در برنامه‌ریزی‌های پیش از نمایشگاه نیز به عنوان عوامل منفی در تجربه این دسته از شرکت‌کنندگان مطرح شد. از سوی دیگر، تعدادی از ناشران و غرفه‌داران از نمایشگاه امسال به دلیل کیفیت بالای بازدیدکنندگان، ارتباط مؤثر با مخاطبان هدف و همچنین افزایش فروش، ابراز رضایت کردند.

محیط نمایشگاهی جذاب و برنامه‌ریزی منظم‌تر برای معرفی محصولات جدید، از جمله عواملی بود که موجب رضایت این گروه از شرکت‌کنندگان شده بود. همچنین بازخوردهای مثبت مشتریان و افزایش تقاضا برای محصولات جدید، به عنوان نقاط قوت نمایشگاه امسال مورد توجه قرار گرفت.

۲۷ بعثت، ستارگان درخشان، ستاره‌ها، پلاک عشق و چشم و چراغ از جمله ناشرانی بودند که ارزیابی مثبتی از سی‌وششمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران ارائه دادند.

آنها ضمن اشاره به حضور پرشور مخاطبان و تعاملات مثبت با بازدیدکنندگان، تأکید کردند که وضعیت نمایشگاه نسبت به سال گذشته تغییری محسوس نداشته است. این ناشران از فروش و استقبال مخاطبان رضایت نسبی داشتند و نمایشگاه را فرصتی مناسب برای معرفی محصولات و ارتباط با مخاطبان خود ارزیابی کردند.

در مقابل، نشر شالگردن از جمله ناشرانی بود که از جانمایی غرفه خود در نمایشگاه ابراز نارضایتی کرد. به گفته نیما معماریان، مدیر این انتشارات فضای اختصاص داده شده به آنها در مقایسه با سال گذشته به طور قابل توجهی کاهش یافته بود و این امر مانع ارائه تمامی آثار جدیدشان به مخاطبان شده بود.

کمبود فضا، محدودیت‌هایی را در نمایش و معرفی کامل محصولات جدید این انتشارات ایجاد کرده بود و به نظر می‌رسد این موضوع بر میزان فروش و تعامل با مخاطبان نیز تأثیر گذاشته باشد.

واقعاً چرا نیامدید؟

برخی ناشران، با ثبت‌نام و پرداخت هزینه غرفه در نمایشگاه حضور نیافتند. این غرفه‌های خالی، زشتی و نقصی در فضای نمایشگاه ایجاد و حس بی‌نظمی و بی‌اعتمادی را به مخاطبان القا می‌کند.

این حضور نیافتن، به‌ویژه در کنار حضور پرشور و آماده‌سازی سایر ناشران، به نمایشگاه لطمه می‌زند و تجربه خوبی برای بازدیدکنندگان به‌وجود نمی‌آورد. این موضوع، به‌طور ضمنی به اعتبار و نظم نمایشگاه نیز خدشه وارد می‌کند.

متأسفانه این رویه عدم‌حضور ناشران پس از ثبت‌نام و پرداخت هزینه به‌طور قابل توجهی، حقوق دیگر ناشران حاضر در نمایشگاه را نیز نادیده می‌گیرد.

این ناشران با صرف زمان و هزینه تلاش کرده‌اند حضور موفق و مؤثری در نمایشگاه داشته باشند و این بی‌توجهی و عدم‌حضور برخی دیگر، به نوعی به این تلاش‌ها بی‌احترامی می‌کند.

فضای نمایشگاه به دلیل این غرفه‌های خالی، از نظم و هماهنگی لازم برخوردار نیست و تجربه کلی نمایشگاه را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد.

مطابق قوانین نمایشگاه، ناشرانی که ثبت‌نام کرده و غرفه اجاره می‌کنند اما در نمایشگاه حضور پیدا نمی‌کنند، با مجازات‌هایی مواجه می‌شوند.

این مجازات‌ها که شامل عدم‌امکان حضور در نمایشگاه در سال‌های آینده است، نشان‌دهنده اهمیت نظم و انضباط در نمایشگاه است، با این حال این اتفاق، از دیدگاه منفی آن به‌طور غیرمستقیم، به نمایشگاه آسیب می‌رساند و ضررهایی برای سایر ناشران و بازدیدکنندگان ایجاد می‌کند.

این تفاوت در نظرات نشان می‌دهد عوامل مختلفی در رضایتمندی ناشران از نمایشگاه مؤثر هستند. عوامل کلیدی مانند جانمایی غرفه‌ها، دسترسی به تسهیلات مناسب، تبلیغات و اطلاع‌رسانی و همچنین حجم بازدیدکنندگان می‌توانند در میزان موفقیت ناشران در نمایشگاه نقش تعیین‌کننده داشته باشند.

بررسی این عوامل و ارائه راه‌حل‌های مناسب می‌تواند به بهبود تجربه شرکت‌کنندگان در دوره‌های بعدی نمایشگاه کمک شایانی کند.

در این میان دو جوان، با شور و شوقی وصف‌ناشدنی در میان غرفه‌های نمایشگاه قدم می‌زدند. کتاب‌ها با طرح‌ها و رنگ‌های متنوع، چشم‌نواز بودند و به نظر می‌رسید هر کدام داستانی را در دل خود پنهان کرده‌اند.

امان از گرانی کتاب!

اما نکته‌ای که بارها تکرار می‌شد، گران بودن کتاب‌ها بود؛ قیمت‌هایی که در گوشه و کنار، به‌نوعی، حس تردید و اندکی ناامیدی را در دل این دو دوست جوان ایجاد می‌کرد، با وجود این از کل نمایشگاه، از تنوع آثار و از فضای پرشور حاکم بر آن به‌شدت راضی بودند.

یک مادر، همراه فرزند جوانش، از انسجام غرفه‌ها و چیدمان آنها لذت می‌برد. دستگاه‌های اطلاع‌رسانی و راهنمایی که در سراسر شبستان اصلی پراکنده بودند، به‌عنوان یک اتفاق مثبت و راهگشا، توجه او را جلب کرده بودند. فرزندش با هیجان و کنجکاوی، اطلاعاتی را از این دستگاه‌ها دریافت می‌کرد و مادر از این امر، به‌شدت راضی بود. برای او این نمایشگاه، تجربه‌ای مثبت و مفید بود.

اما خانواده‌ای چهارنفره، تجربه‌ای متفاوتی از نمایشگاه داشتند. گرمای شدید شبستان به‌عنوان یک عامل آزاردهنده بر تجربه آنها سایه انداخته بود، علاوه بر این افزایش قیمت کتاب‌ها و همچنین کیفیت نه‌چندان مطلوب برخی ترجمه‌ها که به‌نظر می‌رسید ناشی از کتاب‌سازی باشد، دغدغه‌هایی را برای آنها به وجود آورده بود. این خانواده با وجود تمام تلاش‌های‌شان برای یافتن کتاب‌های مورد علاقه، با این مشکلات مواجه شدند. در این فضا که عطر کتاب و شور آشنایی با اندیشه‌ها در آن پیچیده بود، هر خواننده‌ای، هر نویسنده‌ای، هر ناشری، به شکلی جدیدتر و عمیق‌تر با دنیای ادبیات پیوند می‌یافت. لحظات ناب و پر از انرژی، در میان قفسه‌های پر از کتاب‌های رنگارنگ و در گفت‌وگوهای گرم و پرشور به یادگار می‌ماند؛ یادگاری از سی‌وششمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران؛ نمایشگاهی که در دل خود، آینده‌ای روشن و پر از داستان را پنهان کرده بود.

و در نهایت، این نمایشگاه باشکوه، با صدای خروشان کتاب‌ها و شور مخاطبان مشتاق، پرده از رویدادی فراموش‌نشدنی در تاریخ ادبیات ایران برداشت؛ نمایشگاهی که پیوند نویسندگان، ناشران و خوانندگان را در فضایی پر از امید و آرزوهای نوین، به نمایش گذاشت و در دل هر کتاب، آغازی جدید را به همراه آورده بود.

close ups
نمای نزدیک

در فضای نمایشگاه هر خواننده‌ای، هر نویسنده‌ای، هر ناشری، به شکلی جدیدتر و عمیق‌تر با دنیای ادبیات پیوند می‌یافت. لحظات ناب و پر از انرژی، در میان قفسه‌های پر از کتاب‌های رنگارنگ و در گفت‌وگوهای گرم و پرشور به یادگار می‌ماند؛ یادگاری از سی‌وششمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران؛ نمایشگاهی که در دل خود، آینده‌ای روشن و پر از داستان را پنهان کرده بود

حاشیه

فیلمسازان در نمایشگاه کتاب از اقتباس در سینما گفتند

اقتباس کاملاً وفادارانه از ادبیات در سینما نتیجه مناسبی به همراه ندارد

کارگردانان مطرح سینمای ایران با حضور در سی‌وششمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران صحبت‌هایی درباره اهمیت ادبیات و اقتباس انجام دادند.

کیانوش عیاری که مراسم روز تولدش در نمایشگاه کتاب برگزار شد، درباره اقتباس در سینما گفت: عیاری در پاسخ به پرسش دانش درباره اقتباس ادبی گفت، در میان آثار من، دو قسمت از مجموعه «هزاران چشم» از داستان‌های ریموند کارور اقتباس شده‌اند؛ نویسنده‌ای که او را در حد و اندازه‌های چخوف می‌دانم.

وی ادامه داد: هنگام ساخت «آبادانی‌ها» نمی‌دانستم «دزد دوچرخه» اثری اقتباسی است تا اینکه دوستی نسخه اصلی کتاب را به من داد و من شبانه آن را خواندم، هرچند برخی جنبه‌های فیلم دسیکا در «آبادانی‌ها» دیده می‌شود، اما تأثیر اصلی را از رمان گرفتم. عیاری بیان کرد: پایان تلخ فیلم دسیکا برایم بسیار آزاردهنده بود. شخصیت پسربچه در آبادانی‌ها برگرفته از زندگی شخصی من است. تلاش می‌کنم سختی‌های زندگی را بپذیرم اما با المان‌های کوچک به دنبال روزنه‌ای از امید باشم، همان‌طور که این موضوع در فیلم «بیدارشو آرزو» نیز به چشم می‌خورد.

فرزاد مؤتمن که با فیلم «شب‌های روشن» در ذهن سینمادوستان مانده است، درباره اقتباس در سینما بیان کرد: به نظر من یک اقتباس کاملاً وفادارانه از ادبیات در سینما نتیجه مناسبی به همراه ندارد. اگر به اقتباس‌های مهم دنیا نگاه کنیم، متوجه می‌شویم که نتیجه نهایی آنها بیش از سینما به فوتورمان شبیه هستند، در نتیجه بهتر است شرایط و قصه زندگی خودمان را وارد جهان فیلم کنیم. مؤتمن در ادامه به اقتباس‌های مختلف از «شب‌های روشن» از سوی جیمز گری و سینمای هند اشاره کرد و افزود: در تهران امروز ساخت فیلم ژانر دشوار است، چون این شهر در دهه‌های گذشته هویت خود را به صورت کامل از دست داده است. در «شب‌های روشن» تلاش کردیم شهری را بازنمایی کنیم که هویت آن در حال نابودی است.

مؤتمن نیز در خصوص مشکلات پیش روی سینمای ایران در امر اقتباس‌های خلاقانه بیان داشت: ادبیات ایران چندان صورتی تخیلی ندارد و شاید تنها بتوان به منطق‌الطیر عطار و شاهنامه فردوسی اشاره کرد. در سال‌های اخیر امکان اقتباس برای همه فیلمسازان وجود ندارد، همینطور تیراژ بسیاری از کتاب‌ها به ۳۰۰ جلد رسیده و این معضل مهمی است.

سینمای مستند

«آشتی‌کنان» الگوی همبستگی و همدلی را برجسته می‌کند

زندگی به سبک ایرانی یک زندگی اجتماعی و رابطه‌محور است، درست برخلاف سبک زندگی در غرب که تنهایی و دوری از خانواده و جامعه را تبلیغ و ترویج می‌کند.

زندگی ایرانی هم این روزها به لطف توسعه شهرنشینی و تغییرات کالبدی در فضای زندگی و رابطه آدم‌ها دستخوش تغییرات اساسی شده است. یکی از همین تغییرات، نوع رابطه اجتماعی و ارتباط با آدم‌های پیرامون محل زندگی است که دیگر شباهتی به گذشته ندارد. ظاهراً ضرب‌المثل «چهاردیواری اختیاری» بدجوری تأثیر خودش را گذاشته و ما را از حال و احوال یکدیگر بی‌خبر کرده است. مستند «آشتی‌کنان» در چنین فضایی سراغ سوژه‌ای خوب و جذاب رفته است. زندگی گروهی از زنان در محله سبلان تهران که با ایجاد یک شبکه اجتماعی کوچک اما مؤثر، به حمایت از خانم‌های باردار یا تازه‌زایمان کرده مشغول هستند، سوژه اصلی این مستند به کارگردانی تینا صفاهیه شده است.

قبل از هر چیز انتخاب چنین سوژه‌ای را که روایتگر آسیبی اجتماعی در شهر شلوغ و پرهیاهوی تهران است، باید ستود؛ جایی که بسیاری از افراد در آن به دلیل سبک زندگی مدرن با احساس تنهایی و جدایی از دیگران دست‌وپنجه نرم می‌کنند. «آشتی‌کنان» قصد دارد با معرفی گروهی زنانه به عنوان الگویی از همبستگی و همدلی جمعی، نشان دهد می‌توان با ایده‌ها و ابتکاری ساده و البته کمی همدلی و ازخودگذشتگی بر شیوه زیست مادران و کودکان این شهر اثر گذاشت. نمایش تصویری این همدلی می‌تواند حتی به عنوان الگویی ساده برای دیگر شهرها نیز به کار آید.

مستند «آشتی‌کنان» روایتی صمیمی و تأثیرگذار از شکل‌گیری گروهی تحت عنوان «مادر یار» است؛ گروهی متشکل از مادران دغدغه‌مند با هدف حمایت از زنان باردار؛ مادرانی که به‌تازگی صاحب فرزند شده‌اند، همچنین بانوانی که در زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی نیاز به همیاری دارند. قصه «آشتی‌کنان» درست مثل کوچه‌های آشتی‌کنان در معماری ایران ساختاری ساده و دور از پیچیدگی دارد؛ روایتی ساده در فرم اما با نگاهی عمیق به فعالیت‌های داوطلبانه و انسان‌دوستانه گروهی زنانه که قرار است توانایی و نقش مؤثرشان را در جامعه ایفا کنند.

کارگردان مستند «آشتی‌کنان» با توجه به سابقه پژوهشگری در فضای شهری بزرگ مثل تهران سراغ زنانی رفته که به تلاش‌های داوطلبانه و نوع‌دوستانه می‌پردازند و هدف‌شان بهبود وضعیت اجتماعی و بهبود کیفیت زندگی زنان محله سبلان تهران است. این مستند نمونه‌ای ملموس از همبستگی زنانه در جامعه امروز ایران را به نمایش می‌گذارد.

یکی از چالش‌های اصلی کارگردان در مستند «آشتی‌کنان» مانند اغلب مستندهای اجتماعی، راضی کردن سوژه‌های اصلی برای قرارگرفتن در مقابل دوربین و روایت داستان است. راویان این اثر، اغلب خانم‌هایی مذهبی و طبعاً با ملاحظات خاص خود بوده‌اند اما کارگردان توانسته است این زنان دغدغه‌مند را جلوی دوربین خودش قرار دهد و از طریق آنها حرف‌هایی مهم درباره اهمیت روابط آدم‌ها منتقل کند.

روایت ساده و دور از ریاکاری بانوان از همان دقایق ابتدایی، توجه مخاطب را جلب می‌کند؛ جایی که این زنان در حالی که مشغول فعالیت‌های روزمره در خانه یا فعالیت در گروه مادریاری هستند، از شروع، انگیزه و چالش‌های فعالیت‌های داوطلبانه‌شان سخن می‌گویند.

این فرم روایی مستند حتی اگر بر گروه اندکی از مخاطب هم تأثیرگذار باشد، به هدف و رسالت اصلی خودش که بازگویی و روایتگری حقیقی از آنچه در گوشه‌ای از شهر شلوغ تهران اما در جمعی آرام و صمیمی می‌گذرد، رسیده است. یکی از نکات قابل توجه در مستند «آشتی‌کنان» حضور بچه‌هاست؛ بچه‌هایی که اتفاقاً گروه مادریاری بخشی از هویت خود را مرهون حضور آنان است. در مستند هم بچه‌ها به شکلی واقعی (درحال بازی کردن و بهانه‌گیری) حضور دارند تا جایی که گاهی مخاطب حس می‌کند دوربین کارگردان در حال ضبط تصاویری به شکل مخفی است. اتفاقاً همین نکته بر جذابیت‌های بصری مستند افزوده است. مستند «آشتی‌کنان» از پیشینه پژوهشی مناسبی برخوردار و کارگردان بر موضوع اشراف داشته است، بنابراین از لحاظ محتوایی با دست پر تولید شده، هرچند ممکن است از لحاظ فرم در فضای نقد حرفه‌ای کاستی‌هایی داشته باشد.

مستند آشتی‌کنان از سوی خانه مستند تهیه و تولید شده است. مستند «آشتی‌کنان» به کارگردانی تینا صفاهیه و تهیه‌کنندگی محمدجواد امیرانی محصول سازمان هنری رسانه‌ای اوج است که در خانه مستند تهیه و تولید شده است. این اثر ابتدا سه‌شنبه ۱۶ اردیبهشت‌ماه از شبکه ۲ سیما پخش شد و از طریق تلویبون در دسترس است.

قاب هنر

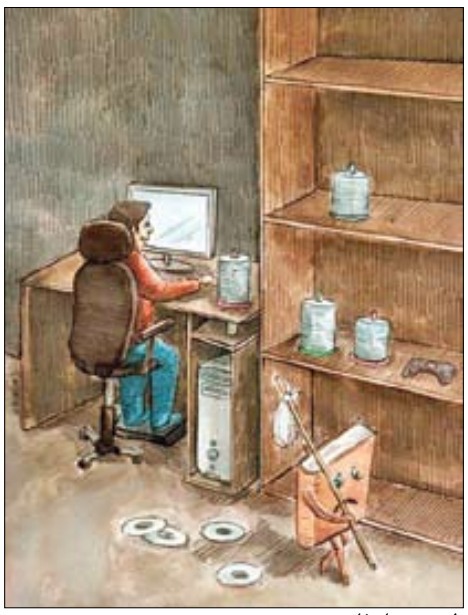

طرح: محمدعلی خلجی

خبر

بهره‌برداری از ۴۷۰ هکتار گلخانه جدید در هرمزگان

هرمزگان

در راستای کاهش مصرف آب ۴۷۰هکتار گلخانه جدید در استان هرمزگان به زودی به بهره برداری می‌رسد.

مدیر امور باغبانی سازمان جهادکشاورزی هرمزگان گفت: ۴۷۰ هکتار گلخانه جدید با پیشرفت فیزیکی ۱۰ تا ۹۰ درصد در این استان در دست ساخت است و تا پایان سالجاری به بهره‌برداری می‌رسد. محمدرضا شیخ‌زاده افزود: سال گذشته ۴۰۰ هکتار کشت گلخانه‌ای جدید در قالب برنامه توسعه در سطح استان هرمزگان برنامه‌ریزی شد. وی بهره‌وری در بخش کشاورزی و توسعه کشت‌های گلخانه‌ای را یکی از مهم‌ترین اولویت‌های وزارت جهاد کشاورزی عنوان کرد و ادامه داد: کشت‌های جدید گلخانه‌ای در مناطق مختلف استان همچون رودان، حاجی آباد، میناب و بندرعباس در حال ساخت است. این مسئول تصریح کرد: وسعت گلخانه‌های هرمزگان هم‌اکنون ۹۷۱ هکتار است که با بهره‌برداری از گلخانه‌های جدید تا پایان امسال به بیش از هزار هکتار می‌رسد. شیخ‌زاده افزود: سطح زیر کشت محصولات گلخانه‌ای در هرمزگان حدود هزار هکتار است که در هر هکتار ۱۰ نفر و در هزار هکتار ۱۰ هزار نفر مشغول به فعالیت هستند. وی با اشاره به رشد تولیدات، صادرات و میزان اشتغال در گلخانه‌های استان طی یک‌سال اخیر اعلام کرد: میزان تولیدات محصولات گلخانه‌های این استان از ۱۹۷ هزار تن در سال ۱۴۰۲ به ۲۰۸ هزار تن تا پایان سال ۱۴۰۳ رسیده است. مدیر امور باغبانی سازمان جهادکشاورزی هرمزگان ادامه داد: ۷۰ درصد از تولیدات گلخانه‌های هرمزگان به کشورهای اوراسیا، روسیه، کشورهای حاشیه خلیج‌فارس و به‌ویژه امارات و آسیای میانه صادر و ۳۰ درصد نیز به مصرف داخلی کشور رسیده و بیشتر به استان‌های اصفهان، تهران و تبریز ارسال شده است. شیخ‌زاده گفت: ۵۰۰ هکتار از کشت‌های گلخانه‌ای هرمزگان به فلفل‌های رنگی، ۴۰۰ هکتار گوجه‌فرنگی و مابقی به خیار سبز، بادمجان و سایر محصولات از جمله گل و گیاهان دارویی اختصاص دارد. وی با بیان اینکه شهرستان‌های حاجی‌آباد، میناب، رودان، بندرعباس، بستک و پارسیان از مناطق مهم تولید محصولات گلخانه‌ای هرمزگان هستند، افزود: این محصولات شامل انواع فلفل دلمه‌ای رنگی، گوجه فرنگی، خیارسبز و بادمجان است که فلفل دلمه‌ای رنگی بیشتر در شهرستان رودان و میناب (در شرق) و گوجه‌فرنگی حاجی‌آباد (در شمال) استان به عمل می‌آید.

نجات ۱۷۰ جنین به همت انجمن نفس اصفهان

اصفهان

در راستای اجرای طرح جوانی جمعیت در استان اصفهان ۱۷۰ جنین در معرض خطر سقط به همت «انجمن نفس اصفهان» نجات پیدا کردند.

مسئول «انجمن‌سفیران مردمی نفس اصفهان» گفت: این انجمن از آغاز فعالیتش تاکنون به ۱۷۰ زوج مصمم به سقط جنین خدمات مشاوره‌ای داده است که از این تعداد تاکنون ۱۰۰ جنین به دنیا آمده‌اند و بقیه نیز فرایند بارداری را طی می‌کنند. ریحانه سادات جزایری با بیان اینکه حمایت‌های مختلف انجمن از آنها تا دو سالگی ادامه می‌یابد، تأکید کرد: وضعیت سقط جنین در کشور و استان نگران‌کننده است و در این میان، سقط عمدی جنین، آمار بالاتری نسبت به نوع خودبه خودی و قانونی آن دارد. وی ادامه داد: سقط جنین در کنار کاهش محسوس جمعیت، یک بحران عمیق ایجاد کرده که مدیریت آن نیازمند اقدامات پیشگیرانه و ارائه مشاوره‌های فقهی و روانی است. این مسئول با بیان اینکه آسیب‌های روانی، جسمی و اجتماعی سقط جنین ابتدا برای مادران و متوجه نهاد خانواده و سپس جامعه است، گفت: این مجموعه می‌کوشد با شناسایی مادرانی که به هر دلیلی در آستانه اقدام به سقط جنین خود هستند، حمایت‌های مشاوره‌ای، قانونی، فرهنگی و معیشتی ارائه کند تا آنها را از این تصمیم منصرف شوند. جزایری افزود: گروه‌های مختلف مردمی به ویژه پزشکان زنان و زایمان می‌توانند در شناسایی و تسهیل ارتباط با این گروه از مادران، انجمن نفس را یاری کنند.

وی ادامه داد: گسترش فعالیت‌های این مجموعه برای انصراف مادران از سقط جنین، نیازمند همراهی نهادهای مرتبط از جمله بهداشت و درمان، بهزیستی، بسیج، کمیته امداد و دادگستری است. مسئول انجمن مردمی نفس اصفهان با بیان اینکه رسانه‌ها نیز نقش مهمی در پیشگیری از سقط جنین دارند و این ظرفیت باید بیش از پیش به‌کار گرفته شود، افزود: سقط عمدی جنین در اسلام حرام و این کار امری ناپسند و مذموم شمرده شده است، از طرفی اقدام مادران به این کار پیامدهای جدی جسمی و روانی برای آنها به‌دنبال خواهد داشت.

۱۸ پروژه ورزشی عمرانی قم در آستانه بهره‌برداری

قم

اداره‌کل ورزش و جوانان قم اجرای ۱۸ پروژه فعال عمرانی و بهره‌برداری را در دستور کار قرار داده که به زودی به بهره برداری کامل می‌رسد.

معاون توسعه منابع و پشتیبانی اداره‌کل ورزش و جوانان قم، با تشریح آخرین وضعیت پروژه‌های سرمایه‌گذاری ورزشی استان گفت: در حال حاضر ۱۸ پروژه ورزشی فعال از طریق دو ظرفیت قانونی ماده ۲۷ و ۲۱ در حال اجراست که به زودی به بهره‌برداری می‌رسد. محمد ملاعسگری افزود: در قالب ماده ۲۷، قرارداد سرمایه‌گذاری برای هفت پروژه عمرانی جدید با مشارکت بخش خصوصی منعقد شده و همزمان، ۱۱ مکان ورزشی نیمه‌فعال یا غیرفعال در قالب ماده ۲۱ به بهره‌بردار واگذار شده است. وی تأکید کرد: مالکیت اماکن کاملاً دولتی باقی می‌ماند و در عین حال با نظارت دقیق و قراردادهای مشخص، زمینه نگهداری بهتر و بهره‌برداری هدفمندتر از امکانات فراهم شده است. این مسئول تصریح کرد: این مدل دوگانه همزمان با ایجاد ظرفیت‌های مالی جدید، باعث چرخش منطقی امکانات به سمت خدمت‌رسانی مداوم به ورزشکاران شده است. به گفته ملاعسگری، قراردادهای ماده ۲۷ عمدتاً در حوزه ساخت سالن، چمن مصنوعی و زمین‌های چندمنظوره هستند و ماده ۲۱ نیز بر احیای فضاهای بلااستفاده یا کم‌فعال تمرکز دارد.

افتتاح ۴ پروژه مهم زیربنایی در کرمانشاه

کرمانشاه

در جریان سفر رئیس‌جمهور به کرمانشاه چهار پروژه شاخص در حوزه‌های صنعت، انرژی، کشاورزی و پزشکی افتتاح شد.

در جریان نشست رئیس‌جمهور با فعالان اقتصادی استان کرمانشاه، چهار پروژه شاخص در حوزه‌های صنعت، انرژی، کشاورزی و پزشکی با حضور وزرای صمت، نیرو و جهاد کشاورزی به‌صورت همزمان و ویدئوکنفرانسی افتتاح شد، طرح‌هایی که علاوه بر اشتغالزایی، نقش مؤثری در توسعه زیرساخت‌های منطقه و مردمی‌سازی اقتصاد ایفا می‌کنند. نخستین پروژه، کارخانه «دانش بافت البرز» است که با مشارکت ۴۰ درصدی سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران (ایدرو) و ۶۰ درصدی بخش خصوصی راه‌اندازی شد. این واحد پیشرفته با تولید ایمپلنت‌های زیستی در شاخه‌های استخوانی، قلبی - عروقی و تاندون - لیگامانی، یکی از نوآورانه‌ترین واحدهای صنعت پزشکی کشور محسوب می‌شود و ضمن ایجاد بانک بافت ملی، زمینه اشتغال تخصصی برای ۱۰۰ نفر را فراهم کرده است. پروژه دوم، زیست‌پالایشگاه بیواتانول سوختی شرکت «گسترش سوخت سبز زاگرس» در شهرک صنعتی بیستون بود که با سرمایه‌گذاری بیش از ۶ هزار میلیارد تومان و با مشارکت مردمی از طریق بازار سرمایه به بهره‌برداری رسید. این واحد روزانه ۲۰۰ هزار لیتر بیواتانول و ۶۶ هزار تن کنجاله دام تولید می‌کند و ضمن کاهش وابستگی به سوخت‌های فسیلی، الگویی از تحقق اقتصاد مردمی به‌شمار می‌آید. این پروژه برای ۲۳۰ نفر اشتغال مستقیم ایجاد کرده است. در بخش زیرساختی، پست ۴۰۰ کیلوولت شهدای بازی‌دراز سرپل ذهاب و توسعه دو خط فیدر ۲۳۰ کیلوولت که با سرمایه‌گذاری هزار و ۵۴۰ میلیارد تومان در کمتر از یک‌سال اجرایی شده است به بهره‌برداری رسید. هدف از اجرای این پروژه، تقویت پایداری شبکه انتقال برق، تأمین برق مطمئن برای مناطق گرمسیری و ارتقای زیرساخت‌های خدمات‌رسانی به زائران اربعین عنوان شده است. چهارمین پروژه، فاز دوم بزرگ‌ترین باغ سایبان کشور با مساحت ۴۰ هکتار در شهرستان کرمانشاه بود که با سرمایه‌گذاری ۷۰ میلیارد تومانی و تجهیز به سامانه‌های هوشمند، ظرفیت تولید سالانه ۲ هزار تن محصول باغی را داراست. این طرح با کاهش ۳۰ درصدی مصرف آب و افزایش بهره‌وری سه تا پنج برابری، گامی در راستای کشاورزی پایدار و صادرات‌محور تلقی می‌شود.

خدمات رایگان دامپزشکی به روستاهای منطقه اشکورات

مازندران

۱۱ روستای منطقه‌اشکورات استان مازندران از خدمات رایگان دامپزشکی سپاه کربلا برخوردار شدند.

مدیرکل دامپزشکی مازندران گفت: طی اقدامی مشترک فی‌مابین اداره کل دامپزشکی این استان و قرارگاه محرومیت‌زدایی پیشرفت و آبادانی سپاه کربلایی با همکاری فرمانداری شهرستان رامسر رزمایش جهاد دامپزشکی در این شهرستان برگزار شد که طی آن خدمات رایگانی همچون ویزیت و درمان رایگان دام و سم‌پاشی جایگاه‌های نگهداری دام، واکسیناسیون و آموزش در دستور کار قرار گرفت. دکتر حمزه آقاپور کاظمی افزود: در این رزمایش بالغ بر ۲ هزار ۲۰۰ رأس دام سنگین واکسن لمپی اسکین و ۴ هزار رأس گوسفند و بز واکسن تب برفکی دریافت کردند. وی با اشاره به گزارش‌های دریافتی از وضعیت منطقه در خصوص لزوم سم‌پاشی ادامه داد: در این رزمایش با حمایت قرارگاه پیشرفت و آبادانی بیش از ۱۰ هزار رأس دام سم پاشی و ۲ هزار متر مربع جایگاه دلم سم پاشی شد، همچنین با آموزش سم پاشی به دامداران ۷۴ لیتر سم سایپرمترین در بین آنها توزیع شد. مسئول کارگروه معیشت و اقتصاد روستایی قرارگاه محرومیت‌زدایی پیشرفت و آبادانی گفت: رزمایش سراسری دامپزشکی با هدف واکسیناسیون تمامی دام‌های موجود در مناطق بالادست استان، ویزیت دام و سم پاشی جایگاه‌های نگهداری دام در سال جاری آغاز شد. محمدعلی امامی کیاسری افزود: رزمایش‌های سراسری دامپزشکی در مناطق بالادست استان همچون سال گذشته با اقدام مشترک اداره کل دامپزشکی استان و قرارگاه در سال جاری نیز در مناطق بالادست استان برگزار می‌شود. وی با قدردانی از همه دست‌اندرکارانی که در منطقه اشکورات در برگزاری این رزمایش همکاری داشتند، تصریح کرد: این رزمایش‌ها به طور مستمر با همکاری دستگاه‌های ذی‌ربط با هدف رفع مشکلات مردم در مناطق محروم ادامه خواهد داشت. این مسئول اعلام کرد: رزمایش دامپزشکی با حضور تیم‌های تخصصی متشکل از اداره کل دامپزشکی استان مازندران، اداره دامپزشکی شهرستان‌های نوشهر، چالوس، تنکابن و رامسر برگزار شد. امامی کیاسری گفت: مازندران یکی از نقاطی است که مردم آن از دیرباز در حرفه دامداری و دامپروری مشغول به فعالیت هستند.

ساخت دستگاه تعمیر خطوط زیردریایی در قزوین

قزوین

با هدف تعمیر خطوط زیردریایی، یک محصول استراتژیک در قزوین ساخته شد و به بهره‌برداری رسید.

مدیرعامل یک شرکت دانش‌بنیان در قزوین با اشاره به رونمایی از یک محصول استراتژیک با کاربرد در صنایع دریایی در نمایشگاه بین‌المللی نفت، گاز، پالایش و پتروشیمی گفت: محصولی که رونمایی شد، با هدف تعمیر خطوط لوله زیردریایی طراحی و تولید شده و از حدود سه سال پیش وارد فاز عملیاتی شده است. علی شقاقی افزود: مزیت این محصول در مقایسه با روش‌های سنتی، کاهش چشمگیر هزینه‌های تعمیر و جلوگیری از خسارات ناشی از عدم‌النفع است. این فناوری هم‌اکنون روی بسیاری از خطوط انتقال حامل‌های انرژی در بستر دریا، به‌ویژه خلیج فارس استفاده می‌شود. وی تأکید کرد: سرمایه اصلی ما در تولید این محصول، فکر، دانش و مهارت نیروهای متخصص داخلی بوده است. گرچه در بعد سخت‌افزاری نیز فعال بوده‌ایم، اما این محصول به‌معنای واقعی، ثمره تفکر دانش‌بنیان است. قزوین با بیش از ۲۵۰ شرکت دانش‌بنیان ثبت‌شده، سهم قابل توجهی در تولید علم و فناوری کشور دارد و حضور مؤثر شرکت‌ها، نشان‌دهنده توان فنی و خلاقیت متخصصان این استان در صنایع پیشرفته است.

آموزش صنایع‌دستی به هزار و ۶۰۰ هنرجو در همدان

همدان

هزار و ۶۰۰ نفر از هنرجویان استان همدان در راستای ایجاد اشتغال تحت آموزش صنایع‌دستی قرار گرفتند.

معاون صنایع‌دستی اداره‌کل میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی همدان گفت: سال گذشته هزار و ۶۰۰ هنرجو در استان آموزش صنایع‌دستی در رشته‌های مختلف را فرا گرفتند. محمدرضا خلجی افزود: در راستای توسعه و حمایت از هنرهای صنایع‌دستی استان سال گذشته هزار و ۳۲۰ مجوز در بخش‌های مختلف صنایع‌دستی صادر و ۷۰۰ مجوز تمدید شده است. وی ادامه داد: ۴۹۰ میلیارد ریال تسهیلات کم‌بهره در سال گذشته به ۲۳۵ طرح هنرمندان صنایع‌دستی استان پرداخت شد که از این میزان ۳۵۰ میلیارد ریال در قالب تسهیلات مشاغل خانگی از سوی بنیاد علوی در مناطق کم برخوردار پرداخت شده است. این مسئول با اشاره به صادرات بیش از ۴۰ میلیون دلاری صنایع‌دستی همدان گفت: صادرات صنایع‌دستی استان به صورت غیر رسمی و چمدانی در سال جاری ۵۰ میلیون دلار پیش بینی می‌شود. خلجی با بیان اینکه لالجین و استان همدان بیش از پنج دوره صادر کننده برتر کشور در حوزه صنایع‌دستی انتخاب شدند، ادامه داد: این استان با دو زنجیره ارزش سفال و مبل و منبت در نمایشگاه اکسپو شرکت کرد.

یزد ۳۸ نیروگاه خورشیدی با ۱۴۰ مگاوات ظرفیت می‌سازد

یزد

به گفته مدیر بازار برق شرکت توزیع نیروی برق یزد ۳۸ نیروگاه خورشیدی با ظرفیت مجموع ۱۴۰ مگاوات در این استان در حال اجراست.

مدیر بازار برق شرکت توزیع نیروی برق یزد در ارتباط با نیروگاه‌های خورشیدی استان گفت: تاکنون ۱۲ نیروگاه خورشیدی در سطح توزیع استان به بهره‌برداری رسیده است. محمدمهدی میرجلیلی افزود: مجموع ظرفیت خورشیدی در سطح توزیع برق استان ۵۴ مگاوات اعلام شده که در راستای سیاست‌های توسعه پایدار و افزایش سهم انرژی‌های تجدیدپذیر به مرحله اجرا درآمده‌اند. وی تصریح کرد: هم‌اکنون عملیات احداث ۳۸ نیروگاه خورشیدی دیگر با ظرفیت مجموع ۱۴۰ مگاوات در حال اجراست که این اقدام، گام مهمی در مسیر ارتقا امنیت انرژی، کاهش وابستگی به سوخت‌های فسیلی و حفاظت از محیط‌زیست محسوب می‌شود. این مسئول ادامه داد: برنامه‌ریزی‌ها نشان می‌دهد که با بهره‌برداری از نیروگاه‌های در دست ساخت، ظرفیت تولید برق خورشیدی در استان به طور چشمگیری افزایش خواهد یافت.

افتتاح پارک ۳ هکتاری تنگک‌های بوشهر در هفته دولت

بوشهر

پروژه احداث پارک سه هکتاری تنگک‌های شهرستان بوشهر در مراحل پایانی قرار دارد و تا هفته دولت به بهره‌برداری می‌رسد.

شهردار بوشهر از روند مطلوب اجرای پروژه‌های عمرانی در محله تنگک‌ها خبر داد و گفت: پروژه احداث پارک سه هکتاری تنگک‌ها در مراحل پایانی قرار دارد و امیدواریم تا هفته دولت به بهره‌برداری برسد. حسین حیدری با اشاره به جزئیات پیشرفت این پروژه افزود: کاشت زمین چمن مصنوعی برای زمین‌های مینی‌فوتبال، ساخت سکوی اجرای برنامه‌های فرهنگی و اجتماعی، سنگفرش مسیرهای داخلی و عملیات کاشت فضای سبز پارک همگی در حال اجرا هستند و هم‌اکنون تیم‌های اجرایی در تلاشند تا کار در موعد مقرر به پایان برسد.

وی همچنین از پیشرفت مناسب پروژه گذر ۲۴ متری غرب تنگک‌ها خبر داد و گفت: این مسیر با سرعت مناسبی در حال اجراست و نقش مؤثری در بهبود دسترسی و ارتقای زیرساخت‌های منطقه خواهد داشت.

ایجاد ۷۸ فرصت شغلی در اردبیل

اردبیل

در راستای ایجاد اشتغال و رونق اقتصادی ۷۸ فرصت اقتصادی در استان اردبیل ایجاد شد.

مدیرکل امور اقتصادی و دارایی استان اردبیل از ایجاد ۷۸ فرصت سرمایه‌گذاری در این استان خبر داد و گفت: از این تعداد تاکنون برای ۵۸ مورد مجوز سرمایه‌گذاری صادر شده است. یعقوب نژاد محمد افزود: امسال ۹ برنامه در مرکز خدمات سرمایه‌گذاری در اولویت رصد و پیگیری است تا تسهیل‌گری ویژه‌ای را در حوزه صدور مجوزها و همچنین سرمایه گذاری‌های قانونی شاهد باشیم. وی درگاه ملی صدور مجوزها را بستر مناسب در تسهیل‌گری فرآیند سرمایه‌گذاری و کمک به فعالان اقتصادی اعلام کرد و ادامه داد: در قالب درگاه ملی ارائه مشاوره قبل از درخواست برای سرمایه‌گذاری در حال انجام است و تلاش می‌کنیم در این مشاوره‌ها که در سال جاری نیز برای ۹ سرمایه‌گذار انجام شده، ابهامات و ایرادات احتمالی را رفع و راهنمایی‌های لازم را انجام دهیم. این مسئول تصریح کرد: امسال واحدهای راکد یا نیمه تعطیل احیا می‌شوند.

عرضه ۶۶ قلم داروی ناباروری از سوی بیمه سلامت در خراسان جنوبی

خراسان جنوبی

در راستای اجرای سیاست‌های حمایتی از خانواده و جوانی جمعیت، بیمه سلامت خراسان جنوبی ۶۶ قلم داروی ناباروری به بیماران ارائه می‌کند.

مدیرکل بیمه سلامت خراسان جنوبی از ارائه گسترده خدمات بیمه‌ای رایگان به جمعیت استان خبر داد و افزود: در راستای اجرای سیاست‌های حمایتی از خانواده و جوانی جمعیت، بیمه سلامت اقدامات مؤثری را در دستور کار قرار داده است که می‌توان به ارائه ۶۶ قلم داروی ناباروری با پوشش ۹۰ درصدی بیمه ناباروری اشاره کرد. علی اربابی با اشاره به پوشش بیمه‌ای در استان ادامه داد: از مجموع جمعیت استان، حدود ۴۹۰ هزار نفر تحت پوشش بیمه سلامت قرار دارند که ۶۴ درصد کل جمعیت را شامل می‌شود. وی تصریح کرد: ۵۲ هزار نفر نیز از بیمه همگانی بهره‌مند هستند و در مجموع با احتساب افراد تحت پوشش بیمه رایگان همگانی و روستایی، ۸۰ درصد از بیمه‌شدگان استان به‌صورت

رایگان بیمه شده‌اند. این مسئول در خصوص پرداخت‌های بیمه‌ای هم توضیح داد: سال گذشته ۲ میلیارد و ۸۲۶ میلیون ریال در قالب بیمه ایرانیان پرداخت و همچنین شرایط پرداخت حق بیمه برای ایرانیان در قالب چهار قسط مهیا شده است. اربابی تصریح کرد: مادران باردار تا پایان دوره شیردهی براساس دهک درآمدی تحت پوشش بیمه سلامت قرار می‌گیرند و حتی امکان بیمه شدن در زمان بستری در بیمارستان نیز فراهم و برای دهک‌های یک تا پنج خدمات زایمان طبیعی کاملاً رایگان است. به گفته وی، هزینه‌های بستری درمانی کودکان زیر هفت سال نیز به‌صورت رایگان پوشش داده می‌شود. مدیرکل بیمه سلامت استان خراسان جنوبی همچنین درخصوص خدمات ناباروری گفت: در خراسان جنوبی یک مرکز ناباروری سطح سه فعال است و در شهرستان‌های فردوس و طبس نیز بخشی از این خدمات ارائه می‌شود. این خدمات تا سه بار در سال قابل تکرار بوده و ۹۰ درصد هزینه‌های دولتی از سوی بیمه پرداخت می‌شود. اربابی افزود: سال گذشته برای ۱۵۹ بیمار از مجموع ۲۱۵ پرونده ناباروری تشکیل‌شده، حدود ۸ میلیارد ریال برای انجام خدمات و اعمال جراحی مرتبط پرداخت شده است. وی با اشاره به نظارت جدی بر کار بیمه سلامت تصریح کرد: بیمه‌شدگان در صورت مشاهده تخلفات می‌توانند گزارش‌های خود را از طریق سامانه شکایات بیمه سلامت ثبت کنند.

۲ هزار و ۵۰۰ خدمت پزشکی به همت بسیج در بروجرد

لرستان

نود و پنجمین اردوی جهادی یادبود شهدای خدمت با ارائه ۲ هزار و ۵۰۰ خدمت پزشکی در مناطق محروم بروجرد برگزار شد.

جانشین فرمانده ناحیه مقاومت سپاه بروجرد در حاشیه برگزاری اردوی جهادی در درمانگاه دندانپزشکی دانشگاه آزاد اسلامی این شهرستان گفت: ۴۰ پزشک به مردم مناطق کمتر برخوردار این شهرستان خدمات رایگان پزشکی و دندانپزشکی ارائه می‌دهند. سرهنگ نورالدین نیازی پور با بیان اینکه این اردوی جهادی به مدت سه روز به همت حوزه بسیج شهید سلیمانی بروجرد برگزار می‌شود، افزود: همچنین ۱۵۰ عینک طبی رایگان به افراد دارای مشکل بینایی اهدا می‌شود. وی با بیان اینکه اردوهای جهادی پزشکی و دندانپزشکی، علاوه بر تأمین سلامت افراد، گامی مؤثر در جهت کاهش محرومیت و ترویج فرهنگ نوع‌دوستی در جامعه است، یادآور شد: امیدواریم که این اقدامات خداپسندانه با حمایت بیشتر مسئولان و خیران استمرار یابد و افراد بیشتری در مناطق محروم از این خدمات رایگان بهره‌مند شوند. این مسئول ادامه داد: برنامه اردوی جهادی پزشکی با حضور پزشکان متخصص به مردم خدمات رایگان ارائه می‌دهد.

خبر

پل عنافچه باوی به زودی افتتاح می‌شود

خوزستان

پل عنافچه شهرستان باوی استان خوزستان با بیش از ۸۸ درصد پیشرفت فیزیکی در حال تکمیل شدن است.

معاون مهندسی و ساخت اداره کل راه و شهرسازی خوزستان با بیان اینکه پل عنافچه روی رودخانه کارون در شهرستان باوی بیش از ۸۸ درصد پیشرفت فیزیکی دارد، افزود: احداث این پل با هدف اتصال منطقه عنافچه به ملاثانی، آرزوی دیرینه مردم منطقه بوده است. رسول کریمی‌نژاد تصریح کرد: شهرستان عنافچه با بیش از ۲۰ هزار نفر جمعیت در سمت غرب رودخانه کارون واقع شده است و مردم منطقه به‌صورت روزانه با مرکز شهرستان باوی ارتباط دارند. وی ادامه داد: در سال‌های اخیر ارتباط اهالی روستاهای این منطقه از طریق یک پل شناور برقرار می‌شد که معمولاً خطرات بسیار زیادی زمان طغیان رودخانه برای این شهروندان به دنبال داشت. این مسئول گفت: این پل به جهت رفع معضل ارتباطی مردم این منطقه با منطقه ملاثانی طراحی شده و حدوداً ۴۱۶ متر طول دارد و دارای شش دهانه با عرشه فلزی سنگین است. وزن عرشه این پل فلزی تقریباً ۲ هزار تن است و عملیات احداث آن در ماه‌های اخیر شتاب بیشتری گرفته است. کریمی‌نژاد افزود: بعد از مصوبات دولت که شرکت ملی نفت را موظف به همکاری در راستای تسریع این طرح کرد، شرکت ملی نفت هم ارتباط بسیار خوبی با ما داشت و از زمانی که اعتبارات نفت به پروژه تزریق شده، پروژه پیشرفت خوبی داشته است. وی به میزان پیشرفت فیزیکی این پروژه اشاره کرد و گفت: شاه‌تیرهای پل کامل ساخته و تا ۸۰ درصد عرشه نصب شده است. همزمان با عملیات اجرایی احداث پل در حال نصب رمپ‌های ورودی و خروجی پل هستیم که به زودی به اتمام می‌رسد.

گذری بر استان‌ها

■ **مازندران:** مدیرکل حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع‌مقدس و مقاومت استان مازندران گفت: موزه دفاع‌مقدس مازندران بزرگ‌ترین مرکز فرهنگی و موزه دفاع‌مقدس و مقاومت کشور از نظر مساحت و همچنین از جنبه‌های آبی و خاکی به شمار می‌رود. سرهنگ محمدحسن سلامی با بیان اینکه امسال قصد داریم طرح منطقه فاو را آغاز کنیم که طراحی آن در حال انجام است. افزود: تاکنون این پروژه ۶۰ درصد پیشرفت فیزیکی داشته و امید داریم که طراحی نهایی آن را در سال جاری به اتمام برسانیم. وی با اشاره به دستاوردهای اداره کل حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع‌مقدس مازندران تصریح کرد: تاکنون شاهد ثبت ۹۰ عقد و ازدواج و بازدید سالانه بیش از ۱۰۰ هزار نفر در موزه دفاع مقدس و مقاومت استان بوده‌ایم.

■ **همدان:** فرماندار شهرستان رزن با اشاره به اینکه استان همدان حدود ۵ درصد اراضی کشاورزی کشور و تولید محصولات کشاورزی کشور را به خود اختصاص داده است، گفت: در حال حاضر ۸۰ درصد شهرستان رزن نیز در شغل کشاورزی و دامداری دارای فعالیت هستند. فرهاد جهانیان با اشاره به سودآوری گلخانه و ضرورت توسعه گلخانه‌ای تصریح کرد: سال گذشته هر هکتار گلخانه در استان همدان به صورت میانگین ۱۲ میلیارد تومان فروش داشته که حداقل هفت تا هشت میلیارد تومان این عدد سود خالص بوده است.

■ **مرکزی:** مدیرعامل شرکت توزیع نیروی برق استان مرکزی با بیان اینکه با تغییر ساعات اداری بین ۱۰ تا ۱۵ مگاوات در مصرف برق اداره‌ها صرفه‌جویی شده است، افزود: تمام اداره‌های استان باید تا سه سال آینده به انرژی خورشیدی مجهز شوند محمود محمودی افزود: ۱۴ مگاپروژه در استان مرکزی جهت کاهش ناترازی انرژی در تابستان جاری در حال اجراست.

■ **کهگیلویه و بویراحمد:** مدیرعامل شرکت توزیع نیروی برق کهگیلویه و بویراحمد گفت: تا پایان سال ۱۴۰۴، با تعویض کنتور مشترکین تجاری و خانگی پرمصرف باقیمانده، تعداد کنتورهای هوشمند استان به ۲۵ هزار دستگاه می‌رسد. رسول روستایی با اشاره به نقش ارزنده مبانی هوشمندسازی در کنترل‌پذیری شبکه افزود: پیش‌بینی می‌شود با اعمال راهکارهای هوشمندسازی جهت کنترل پذیری بار شبکه، امکان پیک‌سایی تا ۸۹ مگاوات فراهم شود. تاکنون ۱۲ هزار و ۶۲۳ کنتور هوشمند در استان نصب شده است.

■ **کرمان:** مدیرکل تعاون، کار و رفاه اجتماعی کرمان گفت: در حال حاضر ۲۲ شرکت تعاونی مسکن کارگری استان در حال اجرای پروژه‌هایی هستند که مجموعاً ۷ هزار واحد مسکونی را شامل می‌شود. علیرضا ابراهیمی، با اشاره به ظرفیت مشاغل خانگی در این استان افزود: تاکنون بیش از ۱۶ هزار فرصت شغلی در قالب مجوزهای صادر شده برای مشاغل خانگی در استان ایجاد شده است.

■ **قزوین:** معاون صنایع‌دستی و هنرهای‌سنتی قزوین از اجرای طرح آموزش صنایع‌دستی در مدارس استان به‌منظور آشناسازی نسل جدید با مهارت‌های این هنرصنعت خبر داد. سیدمیثم حصاری افزود: این طرح با همکاری آموزش و پرورش و هنرمندان فعال در بازارچه دائمی صنایع‌دستی ایراندخت در راستای معرفی و آشناسازی نوجوانان با مهارت‌های صنایع‌دستی در مدارس قزوین آغاز شده است.

■ **فارس:** سرپرست اداره کل میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی فارس گفت: تاکنون ۳ هزار و ۲۳۳ اثر تاریخی‌فرهنگی استان فارس در فهرست آثار ملی قرار گرفته و واجد ارزش تاریخی - فرهنگی شناخته شده است. محسن ضیایی افزود: از این تعداد آثار ثبت شده، ۳ هزار و ۱۷۳ اثر شماره آنها ابلاغ شده و حدود ۶۰ اثر نیز در انتظار در یافت شماره ثبت هستند. وی ادامه داد: خانه کشاورز مطلق شیرازی، قلعه آسمان لو، غارهای دستکند و تأسیسات آبی گردنه دشتک، حمام حکیم، حمام دشتک، کتیبه تنگ بلاغی، کتیبه مرفرنغ، کتیبه مردان دینگ از جمله مهم‌ترین آثاری هستند که در این استان به فهرست آثار ملی کشور پیوستند.

شناسه آگهی: ۱۹۲۹۱۰۵

شرکت ملی گاز ایران
شرکت گاز استان خوزستان

((آگهی فراخوان مناقصه عمومی همزمان با ارزیابی کیفی (یکپارچه) (۱۴۰۴/۰۰۱۵)) - ((یک مرحله ای - نوبت دوم))

شرکت گاز استان خوزستان در نظر دارد انجام خدمات ذیل را بر اساس مشخصات مندرج در جدول و از طریق برگزاری مناقصه عمومی به شرکت واجد شرایط واگذار نماید.

نام و نشانی مناقصه گزار	شرکت گاز استان خوزستان - اهواز - میدان شهید بندر - ابتدای بزرگراه بندر امام خمینی(ره) کدپستی: ۹۹۷۵-۶۱۷۴۷
موضوع و شماره فراخوان در سامانه ستاد	تجدید احداث ساختمان عملیات - امداد بهبهان - ۲۰۰۴۰۹۳۳۷۷۰۰۰۰۳۱
مراحل توزیع و خرید اسناد	مراجعه به سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به نشانی WWW.SETADIRAN.IR
تاریخ انتشار فراخوان در سامانه ستاد	۱۴۰۴/۰۲/۲۱
مهلت دریافت اسناد استعلام ارزیابی کیفی	۱۴۰۴/۰۲/۲۵
گشایش پاکات ارزیابی کیفی	۱۴۰۴/۰۳/۱۰
هزینه خرید اسناد مناقصه و اطلاعات مالی	مبلغ ۲,۰۰۰,۰۰۰ ریال غیر قابل استرداد جهت خرید اسناد مناقصه به شماره حساب شبا: IR۲۳۰۱۰۰۰۰۴۰۰۱۱۲۳۳۰۴۰۲۲۴۰۴ و شناسه واریز ۳۵۱۱۲۳۳۵۷۲۹۲۶۹۰۸۴۰۰۰۰۰۰۰۰۰۲۰۰۷ بنام خزانه بانک مرکزی شرکت گاز استان خوزستان در سامانه ستاد ایران واریز گردد.
مکان و زمان گشایش پاکات مناقصه	سالن کنفرانس ساختمان مدیریت - در سامانه ستاد اعلام خواهد شد
مبلغ برآورد اولیه	۵۷۷,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال (پانصد و هفتاد و هفت میلیارد) ریال
مبلغ و نوع تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار	۲۴,۱۴۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال (بیست و چهار میلیارد و صد و چهل میلیون ریال) ضمانتنامه معتبر بانکی - فیش نقدی (مطابق آئین نامه تضمین معاملات دولتی به شماره ۱۲۳۴۰۲/ت۵۰۶۵۹ه مورخ ۹۴/۰۹/۲۲ و اصلاحات بعد از آن در خصوص کارهای پیمانکاری) ضمانتنامه یا فیش بانکی را حداکثر یک روز قبل از انجام گشایش پاکات تحویل دبیر کمیسیون مناقصات واقع در طبقه همکف ساختمان مدیریت نمایید.
موارد الزامی (عدم ارائه هر کدام از اسناد، باعث حذف مناقصه‌گر از لیست شرکت‌کنندگان در مناقصه خواهد شد)	[illegible]

■ کلیه مراحل برگزاری مناقصه، از مرحله فراخوان، دریافت اسناد ارزیابی کیفی، مستندسازی تا ارسال دعوتنامه جهت کلیه شرکت‌ها/پیمانکاران واجد شرایط جهت اعلام آمادگی و شرکت در مناقصه از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به آدرس WWW.SETADIRAN.IR انجام می‌شود.

روابط عمومی شرکت گاز استان خوزستان

گفت‌وگو
وحید عظیم‌نیا

گفت‌وگوی تفصیلی «جوان» با داوود منظور رئیس سازمان برنامه و بودجه دولت سیزدهم

سازمان برنامه باید کوچک‌سازی دولت را طراحی کند

بعضاً مشاهده می‌شود بودجه‌ریزی تبدیل به یک چانه‌زنی سیاسی شده است نه یک فرایند علمی. دستگاه‌ها برای گرفتن سهم بیشتر، فشار می‌آورند

«مسئله ما فقط منابع نیست؛ مسئله، نداشتن نقشه جامع است.» این جمله رئیس سازمان برنامه و بودجه دولت سیزدهم شاید بهترین در ورود به بحثی باشد که او در این گفت‌وگوی بی‌پرده با روزنامه «جوان» گشود. گفت‌وگویی که از تعریف فلسفه وجودی سازمان برنامه آغاز شد، به نقد ساختار حکمرانی رسید و از آنجا به قلب آسیب‌شناسی توسعه‌نیافتگی در دولت‌ها راه یافت. منظور که سابقه سال‌ها حضور در دستگاه‌های اقتصادی و اجرایی را دارد، معتقد است سازمان برنامه باید به مغز متفکر دولت بدل شود؛ مغزی که نه تنها اندیشه‌ورزی کند، بلکه سیاستگذاری، اولویت‌بندی، نظارت و تصمیم‌سازی را با الگویی مبتنی بر انقلاب اسلامی دنبال کند. او ضمن تأکید بر لزوم کوچک‌سازی دولت و مقابله با اتلاف منابع به تشریح کمبودهای نظام برنامه‌ریزی، تناقضات در بودجه‌ریزی، نبود مدل بومی پیشرفت و وابستگی خطرناک اقتصاد ایران‌مان به نفت پرداخت. متن پیش‌رو، حاصل گفت‌وگو با داوود منظور است؛ گفت‌وگویی که می‌کوشد پاسخی بیابد برای این پرسش اساسی: «چرا با وجود ۴۰ سال برنامه‌نویسی، هنوز عقبیم؟»

بحث را از بنیادی‌ترین سؤال آغاز می‌کنیم؛ سازمان برنامه دقیقاً چه جایگاهی در نظام حکمرانی کشورمان دارد؟

سازمان برنامه مغز نظام حکمرانی است. برنامه‌ریزی، سیاستگذاری، اولویت‌بندی، ارزیابی، هدایت و کنترل، همه از اینجا شروع می‌شود. ما اگر بخواهیم بپرسیم چه نهادی مسئول توسعه کشور است، جواب دقیقش همین سازمان برنامه و بودجه است. این سازمان رسماً از سال ۱۳۴۳ با همین عنوان فعلی کارش را شروع کرد، اما پیش از آن هم هسته‌هایی از آن در وزارت اقتصاد فعال بود. ما عملاً از سال ۱۳۲۷ وارد فاز برنامه‌ریزی توسعه شدیم. قبل از انقلاب پنج برنامه توسعه داشتیم، بعد از انقلاب هم شش برنامه داشتیم که البته برخی نیمه‌کاره ماندند یا با تأخیر اجرا شدند، اما سؤال مهم این است که این نهاد، با آن پیشینه، چرا امروز به این نقطه رسیده است؟ چرا هنوز نتوانسته‌ایم یک مسیر پایدار و منسجم توسعه را طی کنیم؟

خب چرا؟ ایراد از کجاست؟

پاسخ دقیق این است که ما هنوز الگوی بومی جامع برای توسعه نداریم. انقلاب اسلامی آمد تا نگاه ما به توسعه را تغییر دهد، اما ساختار سازمان برنامه تغییر نکرد. ما به جای بازتعریف مأموریت این نهاد بر اساس ارزش‌های انقلاب، همان مسیر قبلی را ادامه دادیم. به همین دلیل مثلاً در برنامه چهارم توسعه می‌بینید که مبانی نظری‌اش کاملاً مبتنی بر اقتصاد لیبرالی غربی است. این یعنی یک گسست عمیق میان آنچه قانون اساسی می‌گوید و آنچه در سازمان برنامه اجرا می‌شود.

یعنی سازمان برنامه نتوانست خودش را با انقلاب تطبیق دهد؟

با وجود برخی اقدامات ارزنده و اصولی، اما در عمل همین‌طور است و با تراز انقلاب فاصله داریم. ما در قانون اساسی مفاهیم بلندی مانند عدالت، فقرزدایی، استقلال اقتصادی، آموزش و بهداشت رایگان داریم، اما آیا سازمان برنامه توانسته است برای این مفاهیم مدل اجرایی طراحی کند؟ خیر. ما همچنان با مدل‌های وارداتی برنامه می‌نویسیم. به همین دلیل است که توسعه ما، اگر نگوییم ناموفق، دست‌کم ناپایدار و ناموزون بوده است.

این سؤال اساسی مطرح می‌شود چطور می‌توان این نهاد را به تراز انقلاب اسلامی رساند؟

اول از همه باید بپذیریم که نیازمند یک بازمهندسی کامل در سازمان برنامه هستیم. این بازمهندسی هم فکری است، هم ساختاری و هم نهادی. باید نگاه ما به برنامه‌ریزی تغییر کند. باید بدانیم که توسعه، صرفاً رشد اقتصادی نیست. توسعه یعنی رشد فرهنگی، اجتماعی، دفاعی، اخلاقی و اقتصادی همه با هم. سازمان برنامه باید برای همه این ابعاد سیاستگذاری کند، نه فقط برای رشد تولید ناخالص داخلی.

پس اینکه برخی معتقدند سازمان برنامه باید «ستاد اندیشه‌ورزی» دولت باشد، نه صرفاً ستاد بودجه‌ریزی، درست است؟

کاملاً درست است. نگاه صرف حسابداری به سازمان برنامه، این نهاد را از کارکرد اصلی‌اش دور می‌کند. سازمان برنامه باید تفکر راهبردی تولید کند. باید سیاست را تبدیل به برنامه کند. باید نقش میانجی بین فکر و اجرا باشد. اگر فقط به بودجه‌ریزی بسنده کنیم، عملاً مغز حکمرانی را تبدیل به یک دفترداری می‌کنیم.

بارها به این موضوع اشاره کرده‌اید، با توجه به تجربه شما در مدیریت سازمان برنامه و بودجه در دولت سیزدهم می‌توان امیدوار بود که شاهد چنین تغییری باشیم؟

من سابقه فعالیت به‌عنوان معاون برنامه‌ریزی در سازمان را در دولت‌های پیشین هم داشته‌ام. در دوره دولت نهم و دهم، بخشی از مسئولیت‌هایم مربوط به سیاستگذاری کلان بود. همچنین در وزارت نیرو و اقتصاد نیز در تعامل مستمر با سازمان برنامه بودم. به همین دلیل با ساختار، چالش‌ها و ظرفیت‌های این نهاد به‌خوبی آشنا هستم. معتقدم این سازمان، اگر به‌درستی بازتعریف و تجهیز شود، می‌تواند موتور پیشرفت و توسعه کشور باشد.

به سؤالم برمی‌گردم، به نظر شما می‌توان با حفظ ساختار فعلی، این تحول را رقم زد؟

روراست بگویم خیلی بعید به نظر می‌رسد. ما باید هم در سطح منابع انسانی، هم فرایندها و هم ساختارهای تصمیم‌سازی، تغییراتی بنیادین ایجاد کنیم. در مجموع اگر بدنه‌ای گرفتار مشکلات عدیده باشد و به روزمرگی خو بگیرد، دیگر نمی‌تواند موتور جهش باشد. ما باید ترکیبی از تجربه و جوانی، دانش و تعهد، تخصص و ایمان را در این نهاد که دارای ظرفیت‌های بسیار بالایی است، احیا کنیم.

یکی از چالش‌های همیشگی کشور، وابستگی به درآمدهای نفتی است. آیا سازمان برنامه توانسته است راهکاری برای برون‌رفت از این بحران ارائه دهد؟

وابستگی به نفت، مزمن‌ترین بیماری اقتصاد کشورمان است. متأسفانه سازمان برنامه هم در بسیاری از سال‌ها بیشتر به «پنهان کردن» این وابستگی پرداخته تا «درمان» آن. ما اقتصادی داریم که اگر صادرات نفت دچار اختلال شود، بلافاصله دچار بحران ارزی، تورم، کسری بودجه و تزلزل در سیاستگذاری می‌شود. این یعنی آسیب‌پذیری شدید ساختاری.

در این شرایط، نظام مالی دولت چه واکنشی نشان می‌دهد؟

نظام مالی ما طوری شکل گرفته که به باور بسیاری از کارشناسان، بدون نفت قادر به بستن بودجه نیست. مثلاً در سال ۱۳۹۷، با تحریم صادرات نفت، کشور بلافاصله دچار شوک ارزی شد. نرخ ارز بالا رفت، تورم شدید شد و نظام بودجه‌ای ما فروپاشید. چون ما همچنان نفت را نه به‌عنوان سرمایه ملی، بلکه به‌عنوان «پول دم دستی» دولت می‌بینیم.

این یعنی بودجه ما واقع‌بینانه نیست؟

دقیقاً همین‌طور است. بعضاً در دوره‌های مختلف ملاحظه می‌کنیم ما بودجه‌ای می‌نویسیم که منابعش موهوم است. انگار اعدادی را می‌نویسیم تا خوش‌مان بیاید، نه اینکه بتوانیم آن را اجرا کنیم. حدود ۷۰ درصد بودجه کشور صرف هزینه‌های جاری می‌شود. برای طرح‌های عمرانی عملاً چیزی نمی‌ماند. در نتیجه، دولت به سمت فروش اوراق، بدهی‌سازی یا استقراض از بانک مرکزی می‌رود که خودش منشأ تورم بعدی می‌شود.

جایگزین واقعی برای نفت در نظام مالی کشور طراحی شده است؟ واقعی از این جهت که بشود روی آن حساب کرد بدون آنکه به مردم فشار وارد شود؟

تلاش‌هایی صورت گرفته است، اما هنوز به یک مدل جامع نرسیده‌ایم. اصلاح ساختار مالیاتی، مولدسازی دارایی‌های دولت، درآمدهای پایدار، همه اینها مطرح شده‌اند، اما پراکنده، مقطعی و غیرسیستمی اجرا شده‌اند. سازمان برنامه باید یک «نقشه جامع درآمدزایی غیرنفتی» طراحی کند. بدون چنین نقشه‌ای، هر سال گرفتار بحران خواهیم بود. بزرگ‌ترین آسیب این است که بودجه‌ریزی تبدیل به یک چانه‌زنی سیاسی شود، نه یک فرایند علمی. بعضاً ملاحظه می‌شود که دستگاه‌ها برای گرفتن سهم بیشتر، فشار می‌آورند. در چنین حالتی بودجه‌ها بر اساس منطق نیاز و کارآمدی بسته نشده و طبیعی است که قدرت لابی و نفوذ سیاسی مداخله کند و وقوع این وضعیت یعنی تخصیص غیربهینه منابع، یعنی بی‌عدالتی در توسعه، یعنی اتلاف سرمایه‌های عمومی.

اصلاحات اینچنینی که لازم است ولی مهم‌تر این است که از کجا باید شروع شود؟

از منظر کارشناسی نیاز به یک دگردیسی در فهم بودجه داریم. باید بودجه را نه به‌عنوان یک سند حسابداری، بلکه به‌عنوان یک سند جامع حکمرانی ببینیم. یعنی باید در بودجه، سیاستگذاری اولویت‌بندی، نتایج اجتماعی و اقتصادی لحاظ شود. برنامه‌ریزی عملیاتی، بودجه‌ریزی مبتنی بر عملکرد، تخصیص مبتنی بر اثربخشی، اینها ابزارهایی هستند که در دنیا جواب داده‌اند.

بودجه‌های فعلی ما چقدر با سیاست‌های کلی منطبق‌اند؟

متأسفانه بسیار کم. در عمل سیاست‌های کلی نظام از جمله سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی یا در بودجه‌ها دیده نمی‌شوند یا صوری گنجانده می‌شوند. ما نیازمند سازوکار نظارت پیشینی هستیم، یعنی قبل از تدوین لایحه بودجه باید بررسی شود که چقدر با سیاست‌های کلان سازگار است. این کار، از وظایف ذاتی سازمان برنامه است.

> **در حالی که عدالت در متن قانون اساسی آمده است و رهبر انقلاب هم بارها تأکید کرده‌اند، شکاف‌های طبقاتی، نابرابری‌های منطقه‌ای، تبعیض در توزیع امکانات و فرصت‌ها همچنان پابرجاست. دلیل اصلی هم این است که ما در سازمان برنامه، هنوز یک مدل عملیاتی جامع برای تحقق عدالت نداریم**

این گزاره را قبول دارید که اصلاح ساختار بودجه‌ریزی، فراتر از یک اصلاح اداری نوعی اصلاح حکمرانی است؟

کاملاً درست است. اگر بخواهیم حکمرانی را به‌معنای توانایی در تخصیص منابع بدانیم، قلب این حکمرانی، برنامه و بودجه است. اگر قلب کار نکند، کل سیستم فلج می‌شود. باید بدانیم بودجه، ابزار سیاستگذاری است، نه صرفاً دفتر دخل‌وخرج. اصلاح بودجه یعنی بازتعریف نقش دولت، بازطراحی اولویت‌ها و بازسازی رابطه دولت و ملت.

آن‌وقت نقش مردم در فرایند بودجه‌ریزی چیست؟

شفاف‌سازی بودجه، امکان نظارت عمومی، انتشار برنامه‌ها و شاخص‌های هزینه‌کرد، همه اینها از ارکان حکمرانی خوب هستند. برای مثال اگر مردم بدانند مالیاتشان کجا خرج می‌شود، اگر بتوانند عملکرد دستگاه‌ها را ارزیابی کنند، هم مشارکت افزایش می‌یابد و هم اعتماد عمومی ترمیم می‌شود. این نقطه شروع توسعه پایدار است. در این صورت می‌توان انتظار داشت که مشارکت بخش‌های خصوصی و نقش مردم نیز بالنده شود.

یکی از اصول بنیادین انقلاب اسلامی، عدالت اجتماعی است. چرا با گذشت چهار دهه، هنوز این هدف تحقق نیافته است؟

دلیل این ناکامی ریشه در برنامه‌ریزی دارد، در حالی که عدالت در متن قانون اساسی آمده است و رهبر معظم انقلاب هم بارها تأکید کرده‌اند، شکاف‌های طبقاتی، نابرابری‌های منطقه‌ای، تبعیض در توزیع امکانات و فرصت‌ها همچنان پابرجاست. دلیل اصلی هم این است که ما در سازمان برنامه، هنوز یک مدل عملیاتی جامع برای تحقق عدالت نداریم.

یعنی نظام برنامه‌ریزی ما، عدالت را به‌عنوان هدف لحاظ نمی‌کند؟

در اسناد بالادستی بله، اما در اجرا خیر. عدالت محوری جزء اصول بنیادی است، ولی ما عدالت را به‌صورت شعاری در برنامه‌ها می‌نویسیم، اما در بودجه‌بندی، در تخصیص منابع، در اولویت‌گذاری پروژه‌ها و در سنجش اثرات سیاست‌ها، اثر قابل قبولی از عدالت نمی‌بینیم. ما حتی یک سامانه جامع برای تحلیل نابرابری نداریم. همین باعث می‌شود تا تصمیم‌ها بعضاً تحت تاثیر نفوذ سیاسی گرفته شوند، نه بر اساس نیاز واقعی مردم.

نقش سازمان برنامه در این میان چیست؟

سازمان برنامه باید موتور تولید سیاست‌های عدالت‌محور باشد، یعنی بودجه‌ها را با نگاه به مناطق محروم و طبقات آسیب‌پذیر تنظیم کند. باید شاخص‌های فقر، بیکاری، برخورداری از زیرساخت و خدمات را مبنا قرار دهد. عدالت یعنی «برخورد متفاوت با وضعیت‌های متفاوت»، یعنی کسی که در چابهار است یا با محرومیت‌های مختلفی در ایلام روبه‌روست، با کسی که در شمال تهران زندگی می‌کند، شرایط برابری ندارد. سیاستگذاری ما باید این تفاوت‌ها را ببیند.

قانونگذار مگر ابزارهایی برای تحقق این هدف در اختیار سازمان برنامه و بودجه قرار نداده است؟

قرار داده است اما ابزارها زیادند و اراده جدی برای استفاده کامل از آنها چندان نیست. ما می‌توانیم با نقشه‌برداری فقر، شاخص‌های رفاه استانی، بودجه‌ریزی منطقه‌ای و تخصیص بر اساس عملکرد، فاصله‌ها را کم کنیم. باید «سیاستگذاری مبتنی بر شواهد» را جایگزین تصمیم‌گیری‌های ذهنی و چانه‌زنی کنیم. سامانه اطلاعات رفاه خانوار باید کامل، به‌روز و در دسترس سیاستگذار باشد.

در حوزه آموزش و بهداشت چطور؟ عدالت اینجا چقدر محقق شده است؟

در آموزش، پیشرفت‌های خوبی داشته‌ایم، ولی همچنان مشکل داریم. عدالت آموزشی یعنی دسترسی برابر به معلم، باکیفیت، زیرساخت مناسب و امکانات نوین. در برخی مناطق، چنین چیزی وجود ندارد. در بهداشت هم وضع مطلوب نیست. توزیع پزشک، امکانات درمانی و کیفیت خدمات، در شهرهای مختلف یکسان نیست. این شکاف‌ها، ناشی از نبود نگاه جامع و منطقه‌محور در برنامه‌ریزی است.

> **نیاز به یک دگردیسی در فهم بودجه داریم. باید بودجه را نه‌به‌عنوان یک سند حسابداری، بلکه به‌عنوان یک سند جامع حکمرانی ببینیم. یعنی باید در بودجه، سیاستگذاری، اولویت‌بندی، نتایج اجتماعی و اقتصادی لحاظ شود. برنامه‌ریزی عملیاتی، بودجه‌ریزی مبتنی بر عملکرد و تخصیص مبتنی بر اثربخشی اینها ابزارهایی هستند که در دنیا جواب داده‌اند**

> **سیاست‌های کلی نظام، از جمله سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی یا در بودجه‌ها دیده نمی‌شوند یا صوری گنجانده می‌شوند. ما نیازمند سازوکار نظارت پیشینی هستیم، یعنی قبل از تدوین لایحه بودجه باید بررسی شود که چقدر با سیاست‌های کلان سازگار است. این کار از وظایف ذاتی سازمان برنامه است**

حالا یک سؤال مطرح می‌شود اینکه آیا نگاه عدالت‌محور می‌تواند با رشد اقتصادی تعارض داشته باشد؟

از دیدگاه ما نه تنها تعارض ندارد، بلکه مکمل آن است. توسعه اگر عادلانه نباشد، ناپایدار می‌شود. رشد اقتصادی بدون توزیع عادلانه، منجر به نارضایتی، مهاجرت، اعتراض و بی‌ثباتی می‌شود. اقتصاد سالم، اقتصادی است که هم تولید داشته باشد و هم توزیع عادلانه. وظیفه سازمان برنامه این است که با برنامه‌ریزی جامع این تعادل را برقرار کند.

آیا نمونه موفقی در این زمینه داریم؟

بله، برخی کشورها مثل مالزی، کره جنوبی و حتی چین توانسته‌اند در برنامه‌ریزی‌های منطقه‌ای، عدالت را لحاظ کنند. آنها با ابزارهایی مانند «نقشه محرومیت» و «تخصیص بر مبنای شکاف توسعه» توانسته‌اند توازن منطقه‌ای ایجاد کنند. ما هم می‌توانیم به‌شرط اینکه بخواهیم و با اراده جدی از شعار عبور کنیم.

یکی از معضلات کشورمان، تمرکزگرایی است. چقدر این موضوع در ناکامی در تحقق عدالت نقش دارد؟

در برخی حوزه‌ها بسیار زیاد. ما کشوری با تنوع اقلیمی، فرهنگی، اقتصادی و جمعیتی بالا هستیم، ولی با ساختاری کاملاً متمرکز: اغلب تصمیم‌ها در تهران گرفته می‌شود، آن هم با داده‌های ناقص. باید به استان‌ها اختیار بدهیم، به آنها بودجه اختصاصی و متناسب با اولویت‌هایشان بدهیم. سازمان برنامه باید بازوی حمایت فکری و مالی استانداران باشد، نه مانع و بوروکراسی اضافی.

پس لازمه عدالت، تمرکززدایی است؟

بله. تمرکززدایی، نه به‌معنای بی‌نظمی، بلکه به‌معنای تفویض تصمیم‌گیری بجایی است که واقعیت را بهتر می‌شناسد. اگر ما توسعه را در کف میدان طراحی کنیم، دقیق‌تر، کم‌هزینه‌تر و عادلانه‌تر خواهد بود.

یکی از معضلات نظام اجرایی ما، بزرگی و ناکارآمدی دولت است. چرا کوچک‌سازی دولت، با وجود همه تأکیدها، هنوز محقق نشده است؟

چون کوچک‌سازی دولت به دلیل برخی پیامدهای کوتاه مدت فقط در حد یک شعار مانده است، نه یک پروژه جدی با نقشه راه روشن. دولت در کشورمان نه‌فقط از نظر تعداد کارکنان، بلکه از نظر شیوه حکمرانی، سبک اجرا، ساختار سازمانی و تمرکز تصمیم‌گیری بسیار بزرگ و ناکارآمد است. چنین دولت سنگینی هم خودش حرکت نمی‌کند و هم جلوی حرکت بخش خصوصی و مردم را می‌گیرد.

بزرگی دولت چه تبعات اقتصادی دارد؟

بزرگ‌ترین پیامد آن اتلاف منابع است. امروز بیش از ۷۰ درصد از بودجه کشور صرف هزینه‌های جاری می‌شود، یعنی حقوق، مزایا، اجاره، خودرو، سوخت و هزار هزینه دیگر برای حفظ همین بدنه عظیم. با این حساب چیزی برای توسعه نمی‌ماند. حتی وقتی منابع داریم، بخش عمده آن صرف پرداخت به بدنه‌ای می‌شود که بهره‌وری پایینی دارد.

پس چرا این بدنه چابک نمی‌شود؟ مانع کجاست؟

چند مانع وجود دارد؛ اول، مقاومت ساختاری. بدنه دولت عادت به ثبات و امنیت شغلی بدون ارزیابی عملکرد کرده است. البته این ارزیابی شامل نظام تشویق کارآمد هم می‌شود. دوم، نبود اراده جدی سیاسی برای تغییر. کوچک‌سازی دولت یعنی برخورد با منافع، با تعارض‌ها، با سنت‌های غلط. سوم، ضعف نظام داده و اطلاعات برای سنجش بهره‌وری و عملکرد واقعی دستگاه‌ها.

باز برمی‌گردیم به نقش سازمان برنامه در این اصلاح!

سازمان برنامه باید نقشه کوچک‌سازی دولت را طراحی کند، یعنی اول از همه شناسایی کند که چه دستگاه‌هایی کارکرد موازی دارند. کدام نهادها اصلاً ضرورتی برای بقایشان نیست و باید تغییر شکل دهند. بعد وظایف زائد را حذف کند، خدمات عمومی قابل واگذاری را به مردم، بخش خصوصی یا نهادهای غیردولتی بدهد و آنها را هدایت و تشویق کند. دولت نباید نان بپزد، دارو توزیع کند، مدرسه بسازد، همه‌چیز را خودش بخواهد انجام دهد. این مسئله علاوه بر اینکه هزینه‌های آن را بالا می‌برد، بازدهی را نیز کاهش می‌دهد.

آیا اصل ۴۴ قانون اساسی همین را نمی‌گوید؟

دقیقاً. سیاست‌های کلی اصل ۴۴ که از سوی مقام معظم رهبری ابلاغ شد، نقشه‌ای روشن برای مردمی‌سازی اقتصاد بود، اما متأسفانه اجرا ناقص بود. بخشی از آن به خصوصی‌سازی رانتی انجامید، بخشی دیگر به واگذاری‌های صوری. آنچه باید اتفاق می‌افتاد، آزادسازی اقتصاد، رقابتی شدن بازارها و خروج دولت از تصدی‌گری بود. در حال تدوین «سند اصلاح ساختار دولت» هستیم. این سند، چارچوبی برای چابک‌سازی نظام اداری، ادغام و حذف نهادهای غیرضرور، ارتقای بهره‌وری و واگذاری وظایف غیرحاکمیتی است. تمرکز ما بر عملکرد است، نه صرفاً ساختار. یعنی هر دستگاهی باید نشان دهد با چه هزینه‌ای، چه خروجی‌ای دارد.

آیا این اصلاحات در دولت قابل تحقق است؟

امیدوارم. اراده اولیه وجود دارد. دولت بارها بر مردمی‌سازی، مبارزه با فساد، چابک‌سازی دولت و واگذاری امور به مردم تأکید کرده است، اما برای تحقق این اهداف، باید ساختارهای اجرایی هماهنگ شوند. مقاومت‌ها زیاد است، اما چاره‌ای نیست. با دولت سنگین و پرهزینه، توسعه ممکن نیست.

یعنی دولت می‌تواند بدون از دست دادن کیفیت خدمات، کوچک شود؟

بله، اگر کوچک‌سازی هوشمندانه باشد. یعنی ما وظایف را حذف نمی‌کنیم، بلکه شیوه اجرا را تغییر می‌دهیم. خدمات را به مردم، تعاونی‌ها، شرکت‌های دانش‌بنیان و نهادهای مردمی واگذار می‌کنیم. در بسیاری از کشورهای دنیا، بخش عمده خدمات عمومی را نهادهای غیردولتی انجام می‌دهند، با کیفیت بهتر و هزینه کمتر.

ارتباط این موضوع با عدالت چیست؟

ارتباط خیلی زیاد است، چون دولت بزرگ، منابع را می‌بلعد و برای مناطق محروم چیزی باقی نمی‌گذارد. شما نگاه کنید، عمده دستگاه‌های اداری در تهران و شهرهای بزرگ متمرکزند. اگر ما بخواهیم عدالت منطقه‌ای را محقق کنیم، باید تمرکز منابع و اختیارات را بشکنیم. برای کمک به تحقق عدالت، دولت باید توانمند شود، نه فربه.

یکی از انتقادهای جدی به نظام برنامه‌ریزی ما، نبود الگوی بومی و منطبق با ارزش‌های انقلاب است. چرا هنوز پس از ۴۰ سال، چنین الگویی نداریم؟

همانطور که ابتدا توضیح دادم این دقیقاً یکی از خلأهای بنیادین ماست. ما در کشور، برنامه‌ریزی زیاد داشته‌ایم، اما بیشتر آنها یا برگرفته از مدل‌های غربی یا تلفیقی نامنسجم از آموزه‌های بیرونی با شعارهای داخلی بوده است. نتیجه این شده که توسعه ما سردرگم است، نه توسعه‌گرای مدرن هستیم، نه متعهد به یک الگوی بومی. ما به یک چارچوب فکری و مدل جامع و منسجم نیاز داریم که ریشه در فرهنگ، تاریخ، مذهب و آرمان‌های انقلاب داشته باشد.

یعنی برنامه‌های توسعه‌ای قبلی ما فاقد پشتوانه نظری بومی بودند؟

بله، تجربیات گذشته این موضوع را نشان می‌دهد. شما برنامه چهارم توسعه را نگاه کنید. در بخش مبانی نظری‌اش، مفاهیم توسعه غربی مثل بازار آزاد، دولت حداقلی، رشد به‌هر قیمت، اولویت سرمایه‌گذاری خارجی و... دیده می‌شود. آیا اینها با آموزه‌های انقلاب اسلامی هماهنگ است؟ خیر. نتیجه هم همین شده که برنامه‌ها از واقعیت‌های فرهنگی و اجتماعی ما فاصله گرفته‌اند.

پس مرکز الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت کجای کار قرار داشت؟!

تشکیل این مرکز، گامی بسیار مهم و راهبردی بود. قرار بود این مرکز، یک الگوی جامع و منسجم برای پیشرفت کشور در همه ابعاد طراحی کند؛ الگویی که هم نظری باشد و هم عملیاتی، اما متأسفانه، هنوز این الگو به مرحله اجرا و نهادینه‌سازی نرسیده است. دلایلش هم متعدد است: از ضعف در پیوند با دستگاه‌ها گرفته تا کم‌توجهی بدنه اجرایی به این پروژه ملی. بخشی از مشکل، عدم اعتقاد نخبگان به این الگوست. هنوز در بخشی از بدنه کارشناسی، مدل‌های توسعه غربی جذاب‌ترند. بخشی هم به نبود الزامات حقوقی و اداری بازمی‌گردد. سازمان برنامه و دیگر نهادها، هنوز عملاً خود را ملزم به تبعیت از این الگو نمی‌دانند. اگر سیاستگذاری کلان مبتنی بر این مدل نشود، در واقعیت اتفاقی نمی‌افتد.

تفاوت این الگو با مدل‌های مرسوم توسعه چیست؟

اولاً در نگاه به انسان در الگوی اسلامی - ایرانی، انسان فقط یک موجود مصرف‌کننده نیست، بلکه موجودی با کرامت، مسئول و هدفدار است. دوماً در اهداف در این الگو، هدف صرفاً رشد اقتصادی نیست، بلکه عدالت، استقلال، معنویت، اخلاق و هویت ملی نیز در کنار آن تعریف می‌شود. سوماً در ابزارها در این مدل، مشارکت مردم، اخلاق اسلامی، ظرفیت‌های بومی و اقتصاد مقاومتی نقش محوری دارند.

این الگو واقعاً قابلیت اجرا هم دارد یا فقط نظری است؟

اتفاقاً اگر درست طراحی شود، قابلیت اجرایی بالایی دارد. باید اهداف بلندمدت در قالب شاخص‌های کمی و قابل سنجش تعریف شوند. بعد به افق‌های پنج‌ساله، سه‌ساله و یک‌ساله تبدیل شوند. دستگاه‌ها هم برنامه‌هایشان را بر اساس این افق‌ها تنظیم کنند. نقش سازمان برنامه دقیقاً همین جاست: تبدیل اندیشه به اقدام.

فکر می‌کنید در دولت اراده‌ای برای اجرایی‌سازی این الگو وجود دارد؟

بله، این اراده وجود دارد. ما در سازمان برنامه تلاش کردیم برخی مفاهیم این الگو را در سیاستگذاری‌های خود وارد کنیم؛ مثلاً عدالت‌محوری، استقلال اقتصادی، حمایت از تولید داخلی، مردمی‌سازی اقتصاد، اما این کافی نیست. باید یک بازنگری کامل در اسناد بالادستی و ساختار اجرایی انجام شود تا این الگو، چارچوب همه تصمیم‌گیری‌ها شود.

دیگر کشورها چنین تجربه‌ای داشتند؟

بله، چین یک مدل توسعه بومی با محوریت «سوسیالیسم با ویژگی‌های چینی» طراحی و با آن کشورش را متحول کرده است. کره جنوبی هم در دهه ۷۰ میلادی، مدل توسعه‌اش را کاملاً متناسب با فرهنگ، منابع و ظرفیت‌هایش نوشته است. این کشورها موفق شدند، چون اول «نقشه راه» نوشتند، بعد برنامه. ما هنوز نقشه راه جامع نداریم.

و راه‌حل؟

ما باید شجاعت بازاندیشی داشته باشیم. بپذیریم که مدل‌های فعلی کارایی لازم را ندارند. سپس با اجماع نخبگان، بازنویسی الگو را آغاز کنیم. سازمان برنامه باید به مرکز هماهنگی این فرایند تبدیل شود. اگر الگو نوشته شود اما دستگاه‌ها اجرایش نکنند، بی‌فایده است. باید الزام قانونی، نظارت مردمی، روزآمدی در پایش و ارزیابی و اراده سیاسی جدی پشت آن باشد.

چرا با وجود این همه اسناد بالادستی و سیاست‌های کلی نظام، در عمل دچار آشفتگی در تصمیم‌سازی هستیم؟

چون بین اندیشه و اجرا، یک شکاف عمیق وجود دارد. ما از نظر نوشتن سند، یکی از کشورهای پیشرو دنیا هستیم. سند چشم‌انداز داریم، سیاست‌های کلی ابلاغی داریم، برنامه‌های پنج‌ساله داریم، بودجه‌های سالانه داریم، اما در عمل، اجرای این اسناد یا به‌درستی صورت نمی‌گیرد یا اصلاً جدی گرفته نمی‌شود. این یعنی بحران در اجرایی‌سازی برنامه‌ها و چالش حکمرانی.

ریشه این بحران کجاست؟

حکمرانی، یعنی تبدیل فکر به اقدام. ما در ایران، این زنجیره را ناقص داریم، یعنی از ایده تا اجرا یا مسیر مشخصی وجود ندارد یا نهادها در این مسیر هماهنگ نیستند. نظارت و ارزیابی نیز به صورت مؤثرتری باید اعمال شود. مثلاً سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی سال ۱۳۹۲ ابلاغ شد، اما هنوز بخش زیادی از آنها روی زمین مانده است. دلیلش هم روشن است: نبود سازوکار نظارت پیشینی و پسینی مؤثر.

هیئت عالی نظارت مجمع تشخیص مصلحت نظام چه جایگاهی در این مسیر دارد؟

این یک گام بسیار مهم است. اگر این هیئت بتواند به‌موقع و با قدرت، نسبت به کاستی‌ها و انحراف‌ها تذکر بدهد و جلوی تصویب قوانین مغایر را بگیرد، می‌تواند به انسجام در سیاستگذاری کمک کند، اما برای آنکه مؤثر باشد، باید نظارتش جدی، فنی و فراگیر باشد. فقط نباید یک ابزار صوری باشد.

و باز هم نقش سازمان برنامه و بودجه؟

سازمان برنامه باید حلقه واسط بین سیاستگذاری کلان و اقدام اجرایی باشد. یعنی خودش را محدود به نوشتن بودجه نکند. باید ابتدا سیاست‌های کلی را به اهداف کمی ترجمه کند، بعد این اهداف را به برنامه‌ها و پروژه‌ها تبدیل کند و در پایان، نحوه اجرا را رصد و ارزیابی کند. این یعنی حکمرانی مبتنی بر برنامه.

و در پایان، اگر بخواهید فقط یک توصیه راهبردی برای آینده حکمرانی داشته باشید، آن چیست؟

به‌نظرم ما در آستانه یک انتخاب تاریخی هستیم. یا مسیر آزمون‌وخطا، ناکارآمدی، بی‌برنامگی و موازی‌کاری را طی کنیم و نهایتاً موجب عقب‌گرد و چالش‌های متعدد در نظام اداری می‌شویم یا اینکه یک تصمیم شجاعانه می‌گیریم و به‌سمت بازمهندسی نظام حکمرانی، برنامه‌ریزی و مدیریت کشور می‌رویم. شرط اول آن بازتعریف سازمان برنامه و بودجه است. این نهاد باید با بهره‌گیری از شیوه‌های کارآمد و نگاه جامع به «ستاد ملی تفکر، اقدام و پیشرفت» تبدیل شود، نه صرفاً یک مرکز بودجه‌نویسی.

خبر

دنیا حیدری

تغییر مسیر بانوان فوتسال ایران در جام‌ملت‌ها

اولی آسیا پرید

شاگردان فروزان سلیمانی رفته بودند برای کسب سومین جام، اما ژاپن به فرمانروایی فوتسال زنان ایران پایان داد تا پای بانوان فوتسال ایران به فینال جام ملت‌های آسیا نرسد. تیم‌ملی فوتسال بانوان ایران که با کسب ۱۳ برد در ۱۴ بازی به جمع چهار تیم برتر جام ملت‌های آسیا رسیده بود، درست در شرایطی که تنها دو گام تا بالا بردن جام قهرمانی برای سومین مرتبه فاصله داشت، با شکست ۲ بر صفر مقابل سامورایی‌ها تغییر مسیر داد و امروز در رده‌بندی برابر چین قرار می‌گیرد تا شاید با ایستادن بر سکوی سوم آسیا به مدال برنز این مسابقات دست یابد.

بانوان ایران اگرچه چین‌تایپه را به سختی پشت سر گذاشتند، اما با عملکرد قابل قبول خود، کنفدراسیون فوتبال آسیا را به تمجید واداشتند و ای‌اف‌سی در پی این بازی بود که از فرزانه توسلی به عقاب آسیا نام برد. عقابی که اما نتوانست با محافظت از دروازه ایران در مصاف با سامورایی‌ها، مسیر رسیدن به فینال را مهیا کند و سرنوشت بانوان ایران در مصاف با ژاپن متفاوت از آن چیزی شد که انتظار می‌رفت. سوگا، سرمربی تیم فوتسال بانوان ژاپن قبل از بازی نیمه‌نهایی، ایران را سخت‌ترین رقیب تیمش در آسیا خوانده بود: «ما چیزی را تغییر نمی‌دهیم، چون به خودمان ایمان داریم و سبک خود را بازی خواهیم کرد. ما باید مؤثر بازی کنیم و عزم‌مان جزم است. تنها در این صورت است که می‌توانیم از سد ایران عبور کنیم. ایران، یکی از سخت‌ترین حریفان ما در این مسابقات است، اما می‌خواهیم نشان دهیم که در هفت سال گذشته چقدر رشد کرده‌ایم.» شاید آنچه در پایان نبرد دختران ایران با ژاپن به تصویر کشیده شد، رشد هفت ساله سامورایی‌ها بود. رشدی که فوتسال بانوان ایران بعد از کسب دو عنوان قهرمانی از آن غافل شد! بی‌شک نمی‌توان منکر توانایی‌های تیم فوتسال بانوان ایران شد، تیمی با دو عنوان قهرمانی در آسیا که تک‌تک نفراتش یک وزنه محسوب می‌شوند، اما بعد از کسب عنوان‌های افتخارآمیز از مقوله‌ای غافل شد که ژاپن با توجه به آن توانست چنان به فرمانروایی بانوان ایران در آسیا پایان دهد که تیمی که تا قبل از نیمه‌نهایی مدعی بود به دنبال کسب سومین جام است، حالا در اندیشه شکست چین در رده‌بندی است تا حداقل با ایستادن بر سکوی سوم آسیا به کار خود در این دوره از رقابت‌های جام ملت‌های آسیا پایان دهد. عنوانی که اما برای قهرمان دو دوره آسیا موفقیت محسوب نمی‌شود و بی‌شک شکست و ناکامی مطلق است.

فوتبال اروپا

شمیم رضوان

تکرار تاریخ در دربی کاتالونیا

قهرمانی بدون جشن بارسا

تاریخ بار دیگر برای بارسا تکرار شد و برتری در دربی کاتالونیا، جام قهرمانی را تقدیم آبی‌واناری‌ها کرد، البته با این تفاوت که این‌بار برخلاف دو سال قبل پیروزی مقابل اسپانیول با کتک کاری تماشاگران میزبان همراه نبود، اما به‌رغم تمام وعده‌های داده شده، شرایط به‌گونه‌ای پیش رفت که بارسا جشن قهرمانی را در رختکن گرفت، چراکه آپیاش‌های داخل زمین اجازه کوچک‌ترین شادی را به فلیک و یارانش نداد.

فلیک خوب می‌دانست کار دشواری در استادیوم خانگی اسپانیول دارد. میزبان هم درست مانند صدرنشین لیگ دنبال هرسه امتیاز بازی بود، اما نه برای بالا بردن جام قهرمانی که برای حفظ بقا در لالیگا. اما آبی‌واناری‌ها آمده بودند برای تمام کردن کار و قصد نداشتند داستان قهرمانی را به هفته‌های آتی موکول کنند. دربی کاتالونیا همیشه یک بازی خاص است، اما این‌بار حساسیت و جذابیتی دوچندان داشت، چراکه علاوه بر داستان قهرمانی بارسا و تلاش اسپانیول برای بقا، بحث آقای گلی لیگ هم در میان بود. رابرت لواندوفسکی که برای آقای گلی رقابت تنگاتنگی با امباپه داشت، خوان گارسیا را مقابل خود می‌دید. گلری با ثبت بیشترین مهار در لالیگا، اما برخلاف بارسا که با کسب بیست و هفتمین برد این فصل هم در دوئل با اسپانیول برنده شد و هم در دوئل قهرمانی با رئال، لواندوفسکی به دلیل مصدومیت نه تنها بازی هفته سی‌وششم را به انتها نرساند که دو هفته پایانی را هم از دست داد تا شانس آقای گلی این فصل را دودستی تقدیم ستاره فرانسوی رئال کند.

برتری ۲ بر صفر مقابل اسپانیول، تکلیف قهرمان این فصل لالیگا را روشن کرد، آن‌هم در شرایطی که این تیم به راستی همانطور که دکو، مدیر ورزشی آبی‌واناری‌ها نیز بدان تأکید دارد، برای کسب این قهرمانی، مسیر دشواری را طی کرد: «فوتبال در بارسلونا بسیار دشوار است. ژاوی دو سال پیش قهرمان لیگ شد و برای تاریخ باشگاه شخصیتی مهم بود، اما تغییرات در فوتبال طبیعی است. ما می‌دانستیم که فلیک می‌تواند چیزهای متفاوتی ارائه دهد. در باشگاهی مثل بارسا باید به آینده فکر کرد و چیزی ماندگار به‌جا گذاشت. بزرگ‌ترین چالش بارسا، عبور از نسل مسی، ژاوی و اینیستا و ساختن جایگزین آنها و تیمی جدید بود که با موفقیت از آن عبور کردیم و حالا وقت لذت بردن از آن است.»

خوشحال‌ترین فرد زمین، اما بی‌تردید فلیک بود. مردی که در پایان بازی با اسپانیول نتیجه زحماتش را با تمام وجود لمس کرد، شاید چون در باور او بارسلوها همیشه باید قهرمان شود و همین باور توانست او را برنده رقابت با رئال و صاحب جام کند: «این یک قهرمانی بزرگ است، اما ما می‌توانیم افتخارات بیشتری به دست بیاوریم و می‌خواهیم افتخاراتمان را بیشتر کنیم. اسپانیول خیلی خطرناک بود و خوب دفاع کرد، اما ما فلسفه‌ای در بارسا داریم که می‌گوید این تیم همیشه باید قهرمان باشد. اینکه از لحاظ ذهنی قوی باشید، نکته‌ای بسیار مثبت است. این چیزها بود که به ما کمک کرد تا جام قهرمانی را از آن خود کنیم.»

گزارش

شیوا نوروزی

استقلال کمک‌حال سپاهان شد، حسرت آسیا به دل پرسپولیس ماند

پرواز جام تا «سر ایران»

پرونده یکی از عجیب‌ترین و پرحاشیه‌ترین فصل‌های لیگ برتر ایران بسته شد و در هفته آخر مسابقات و در حالی که تکلیف قهرمان و تیم‌های سقوط کرده معلوم بود، ثبت دهمین باخت استقلال، سپاهان را به پلی‌آف لیگ نخبگان آسیا فرستاد و پرسپولیسی‌ها نیز در حسرت کسب سهمیه ماندند.

لیگ بیست و چهارم با جشن قهرمانی دور از خانه تراکتور، آن هم پس از برتری ۳ بر یک مقابل استقلال خوزستان در اهواز به پایان رسید. خوشحالی همزمان هواداران سپاهان و استقلال از پیروزی ۳ بر یک طلایی‌پوشان از نکات بسیار عجیب آخرین هفته بود؛ سپاهانی‌ها بابت نایب‌قهرمانی لیگ و گرفتن سهمیه پلی‌آف خوشحالی می‌کردند و استقلالی‌ها هم که به باخت عادت کرده‌اند از ناکامی پرسپولیس در رسیدن به آسیا شادمان شدند. در این بین برد خانگی ۲ بر صفر پرسپولیس مقابل هوادار اصلاً به‌دردشان نخورد و هواداران این تیم با سر دادن شعار علیه مدیرعامل فصل را به پایان رساندند.

نساجی دیگر تیم سقوط کرده به دسته پایین نیز در آخرین بازی خود برابر ذوب‌آهن ترک عادت نکرد و با قبول باخت ۳ بر صفر با ۲۲ امتیاز با لیگ برتر وداع گفت.

■ جام در اهواز، جشن در تبریز

قهرمان لیگ در حالی در ورزشگاه خالی جام را بالای سر برد که روز گذشته در تبریز و در حضور پرشورها جشن اصلی را برپا کرد. تراکتور در آخرین بازی و مقابل استقلال خوزستان هم دست از برد پرگل برنداشت و با پیروزی ۳ بر یک، فصل را با ۶۸ امتیاز به پایان رساند. تیم اسکوچیچ با عملکردی درخشان توانست بهترین نتیجه تاریخ تراکتور را به ثبت برساند و در ترین‌های لیگ حضوری پررنگ داشته باشد؛ بهترین خط حمله (۵۷ گل زده)، بهترین گلزن لیگ (امیرحسین حسین‌زاده با ۱۴ گل)، بهترین گل‌سازان (مهدی ترابی با ۹ و مهدی هاشم‌نژاد با هشت پاس گل)، بیشترین کلین‌شیت (علیرضا بیرانوند ۱۶ کلین‌شیت)، بیشترین برد (۲۱ برد) و کمترین تساوی (پنج بازی)، آماری است که شاگردان اسکوچیچ از خود به‌جا گذاشتند. ضمن اینکه بعد از سپاهان با دو باخت، تراکتور با چهار شکست در رده دوم بهترین‌ها قرار دارد و بعد از گل‌گهر نیز تراکتور با ۱۹ گل خورده دومین خط دفاع مستحکم لیگ را در اختیار داشت.

سرمربی کروات که باشگاه روی ادامه همکاری با او تأکید دارد، نقش هواداران در این قهرمانی را پررنگ خواند و قول سختکوشی برای فصل آینده را داد: «فرازونشیبی نداشتیم. امسال بهترین فوتبال را نشان دادیم و روندمان را در تمام فصل حفظ کردیم. همیشه هواداران کنار ما بودند و کمک کردند. قرار نیست قولی برای فصل آینده بدهم. قولی که می‌دهم این است که سختکوشی‌ام را حفظ کنم. برای من بردن لیگ مهم نبود، اینکه به چه شکلی این کار را به سرانجام برسانیم، مهم بود. بدون اینکه کمک و حمایتی شود، این کار را انجام دادیم. همچنان فکر می‌کنم بهترین تیم امسال، تیم ما بود.»

■ پایان خوش

طلایی‌پوشان دیار زاینده‌رود اگرچه در کورس قهرمانی جا ماندند و نتوانستند به رقابت با تراکتور ادامه دهند، ولی در نهایت نایب‌قهرمانی لیگ و سهمیه پلی‌آف را از چنگ پرسپولیس درآوردند. نتیجه بازی با استقلال در اصفهان مستقیماً روی سرنوشت سرخپوشان تهران تأثیر گذاشت و در نهایت با ۶۰ امتیاز و به‌خاطر برتری در بازی رودررو با پرسپولیس، مقام دومی به نام سپاهان خورد. پاتریس کارترون با تأکید بر اینکه باید برای فصل بعد مشکلات را حل کنیم، گفت: «به بازیکنانم قبل از بازی گفتم ما باید به این مسابقات برگردیم و توانستیم رده دوم جدول و نایب‌قهرمانی را در پایان فصل حفظ کنیم. این خیلی بد است که تیم قهرمان تعداد باخت بیشتری نسبت به ما داشته باشد. ما قطعاً برای فصل بعد باید مشکلات را برطرف کنیم.» سپاهان کاترون با ۴۸ گل زده دومین خط حمله برتر لیگ را در اختیار داشت.

■ بازنده بزرگ

پرسپولیس فصل بیست و چهارم را با ناکامی محض به پایان رساند. سرخپوشان نه در لیگ برتر قهرمان شدند و نه در جام‌حذفی و نه در سوپرجام. پرسپولیس حتی نتوانست سهمیه آسیا بگیرد. در این شرایط که هواداران منتظر برکناری مدیرعامل باشگاه هستند، درویش با تیوی بیفوما مهاجم استقلال خوزستان به‌عنوان اولین خرید قرارداد بست! درویش که خطر برکناری را احساس کرده در یک استوری مسئولیت ناکامی پرسپولیس را پذیرفته است: «مسئولیت این فصل را بی‌کم‌وکاست می‌پذیرم و از صمیم قلب بابت رنج‌هایی که کشیدید، پوزش می‌طلبم. پرسپولیس اما نامی نیست که در طوفان‌ها گم شود.» البته پرسپولیسی‌ها معتقدند آبی‌ها در مصاف با سپاهان آنطور که باید و شاید بازی نکردند! اسماعیل کارتال از اینکه تیمش نایب‌قهرمان نشده ابراز ناراحتی کرد: «می‌توانستیم لیگ را با عنوان دومی به پایان برسانیم، ولی با توجه به پیروزی سپاهان، هرچند به امتیازات برابری دست یافتیم، اما سوم شدیم.»

■ پیش به سوی جام‌حذفی

آبی‌ها از اینکه لیگ تمام شده و سقوط نکرده‌اند خوشحالند. شکست استقلال مقابل سپاهان شاید از نظر تیم رقیب عجیب و مشکوک به نظر می‌رسد، ولی کادرفنی استقلال و بازیکنان تیم این شرایط کاملاً برایشان عادی بود. حالا جام‌حذفی تنها امید باقیمانده استقلال است. مجتبی جباری به این موضوع اشاره داشت: «بازیکنانمان تمام بضاعتی را که برای این بازی داشتیم در زمین گذاشتند. برخی از بازیکنان سرماخورده بودند که می‌توانستند در کنارمان باشند و به ما کمک کنند. طبیعی بود در انتهای بازی نیازی به ریسک کردن نداشته باشیم، چراکه بازی‌های سختی در جام‌حذفی پیش‌رو داریم و احتمال مصدومیت برای بازیکنان وجود داشت. از عملکرد تیمم راضی هستم، اما نتیجه راضی‌کننده نبود و بازی می‌توانست مساوی تمام شود.»

نایب‌قهرمانی تیم کوچک بهداد در آسیا

۳ وزنه بردار و ۸ مدال

وزنه‌برداری

دنیا حیدری

تیم ملی وزنه‌برداری ایران با کسب عنوان نایب‌قهرمانی به کار خود در مسابقات قهرمانی آسیا پایان داد. مسابقات قهرمانی آسیا در حالی از ۱۹ تا ۲۵ اردیبهشت‌ماه به میزبانی جاینانگ شان چین برگزار شد که ایران تنها سه نماینده در این رقابت‌ها داشت.

با توجه به اینکه نیمی از وزنه‌برداران هفته گذشته در قالب تیم جوانان عازم مسابقات جهانی پرو شده بودند، دست کادرفنی برای قهرمانی آسیا بسته بود، همین مسئله باعث شد بهداد سلیمی تنها با سه وزنه‌بردار راهی چین شود. این در حالی بود که کره‌جنوبی با ترکیب کامل (۱۰ نفر) در این مسابقات شرکت کرده بود، اما با کسب سه طلا، دو نقره و هفت برنز، در رده‌بندی مدالی پایین‌تر از ایرانی قرار گرفت که با سه وزنه‌بردار موفق به کسب عنوان قهرمانی در اوزان ۹۶ و ۱۰۹+ کیلوگرم و با کسب پنج طلا، دو نقره و یک برنز بعد از چین در رده‌بندی مدالی دوم و نایب‌قهرمان شد.

در دسته ۹۶ کیلوگرم، ایران سه طلا، یک نقره و یک برنز به دست آورد. عالی‌پور در این دسته در یک‌ضرب نقره و در دوضرب طلا گرفت و در مجموع قهرمان شد. علیرضا معینی در یک‌ضرب طلا گرفت و در دوضرب پنجم شد و در مجموع سوم آسیا. در دسته فوق‌سنگین نیز آیت شریفی موفق به کسب یک طلا و یک نقره برای ایران شد. شریفی در این مسابقات در یک‌ضرب به نقره آسیا دست یافت و در دوضرب و مجموع نیز گردن‌آویز طلا را از آن خود کرد تا شاگردان بهداد سلیمی (سه وزنه‌بردار) با کسب هشت مدال به کار خود در قهرمانی آسیا پایان دهند، اما موفقیت تیم بهداد به همین‌جا ختم نشد و آیت شریفی، وزنه‌بردار دسته ۱۰۹+ ایران در قهرمانی آسیا که با رکورد ۱۹۵ کیلوگرم نقره یک‌ضرب و با رکورد ۲۲۷ کیلوگرم، طلای دوضرب و با رکورد ۴۲۲ کیلوگرم نیز طلای مجموع را از آن خود کرد به عنوان قوی‌ترین مرد آسیا دست یافت تا تیم کوچک وزنه‌برداری ایران در مسابقات قهرمانی آسیا با دست پر و کسب عنوان نایب‌قهرمانی آسیا چین را به مقصد ایران ترک کند. موفقیتی که بی‌شک می‌تواند تأثیر بسزایی در روحیه و انگیزه شاگردان بهداد سلیمی برای مسابقات پیش‌رو داشته باشد، چراکه تیم‌ملی وزنه‌برداری ایران که طی روزهای گذشته دوتکه شده بود تا یک تیم در جهانی پرو روی تخته برود و تیم دیگر در قهرمانی آسیا چین، مسابقات جهانی نروژ که گزینشی المپیک نیز محسوب می‌شود و همچنین بازی‌های کشورهای اسلامی را پیش‌رو دارد و باید خود را مهیای حضور این دو رویداد مهم کند، به همین دلیل بهداد سلیمی بدون فوت وقت با دعوت از ۱۴ وزنه‌بردار، اردوهای تیم‌ملی را از سر گرفت.

شکست تیم هندبال ساحلی در مسقط

نایب‌قهرمانی قاره کهن به ایران رسید

هندبال ساحلی

اشرف رامین

شکست برابر عمان، جام قهرمانی آسیا را از تیم‌ملی هندبال ساحلی ایران گرفت. فینال دهمین دوره مسابقات قهرمانی هندبال ساحلی مردان آسیا با قهرمانی تیم میزبان در شهر مسقط به پایان رسید و ملی‌پوشان کشورمان ضمن کسب سهمیه حضور در مسابقات جهانی ۲۰۲۶، به نایب‌قهرمانی قاره کهن بسنده کردند. شاگردان مهدی قشقایی‌راد که برای رسیدن به فینال تلاش زیادی کرده بودند در گام آخر مقابل عمان کم آوردند و با قبول باخت ۲ بر صفر روی سکوی دومی قاره ایستادند. ایران در فینال رقابت‌ها در وقت اول ۲۱ بر ۱۸ و ۱۴ بر ۱۰ مغلوب عمان شد و از رسیدن به دومین جام قهرمانی آسیا بازماند. تیم کشورمان در مرحله گروهی پاکستان، هند، اردن و فیلیپین را برده بود و در یک‌چهارم و نیمه‌نهایی نیز از سد مالدیو و پاکستان گذشت. با این حال و به‌رغم شایستگی و جنگندگی زیاد، هندبالیست‌های ساحلی ایران موفق به تصاحب جام نشدند. در دیدار رده‌بندی هم پاکستان، اردن را شکست داد و به مدال برنز رسید. رئیس فدراسیون هندبال در گفت‌وگو با تسنیم ضمن انتقاد از داوری دیدار فینال، عملکرد ملی‌پوشان را مطلوب توصیف کرد: «عملکرد تیم هندبال ساحلی در این مسابقات خوب بود، در این رشته کشورهای زیادی سرمایه‌گذاری کردند و روز به روز خود را به سطح اول آسیا نزدیک می‌کنند. هدف ما قهرمانی در آسیا بود، اما در کنار آن گرفتن سهمیه جهانی از اهمیت بالایی برخوردار بود و اولویت محسوب می‌شد. نباید فراموش کنیم که تنها دو تیم از قاره آسیا سهمیه حضور در مسابقات جهانی را کسب می‌کردند که خوشبختانه ما یکی از این دو سهمیه را به دست آوردیم. معتقدم اگر بچه‌ها خودشان بودند و اشتباهات کمتری در فینال داشتند، رسیدن به قهرمانی دور از دسترس نبود. نمی‌خواهم وارد فضای داوری شوم، اما انتظار داشتیم در بازی فینال سطح داوری بهتر باشد. در اندونزی هم در نیمه‌نهایی مقابل عمان همین داورها برای ما سوت زدند و به نظرم از داوری توقع بیشتری می‌رفت.» علیرضا پاکدل با اشاره به کمبودهای موجود در هندبال ساحلی گفت: «اکثر بازیکنان ساحلی و سالنی یکی هستند و متأسفانه به دلیل عدم سرمایه‌گذاری باشگاه‌ها در رشته‌های ساحلی به‌خصوص هندبال، بازیکنان برای کسب درآمد همزمان مجبور به حضور در هندبال سالنی هستند. لیگ سالنی ما تا اسفندماه ادامه داشت و زمان کافی برای هماهنگی تیم ساحلی وجود نداشت، اما از عملکرد تیم راضی هستم. بازی‌های تدارکاتی و حضور در تورنمنت‌های مختلف برای این تیم یک نیاز است و در تلاشیم بتوانیم چند تورنمنت خوب داخلی داشته باشیم و زمانی که تاریخ دقیق مسابقات جهانی مشخص شود، در خصوص برنامه‌های تدارکاتی با کادرفنی جلسه خواهیم داشت. سعی کردیم نگاه دیگری به هندبال ساحلی داشته باشیم و نگاه‌ها را نیز به این رشته تغییر دادیم.»

قاب

همکاری ویژه ایمیدرو با کمیته ملی المپیک

سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران (ایمیدرو) در راستای ارتقای ورزش و سلامت در صنعت و معدن کشور با کمیته ملی المپیک تفاهمنامه امضا کرد. این تفاهمنامه با حضور محمود خسروی‌وفا رئیس و مهدی علی‌نژاد دبیرکل کمیته و همچنین محمد آقاجانلو معاون وزیر صمت و رئیس هیئت‌عامل ایمیدرو به امضا رسید. همکاری در جهت توسعه اعتلای ورزش قهرمانی، کمک به حمایت از کمیته المپیک و تیم‌های ملی در راستای مسئولیت اجتماعی با ایجاد کارگروه مشترک ورزشی، کمک و حمایت از نمایندگان ملی و ورزشی ایران در سطح بین‌المللی، توسعه ورزش در ابعاد کارگری و قهرمانی و همچنین توسعه سرمایه‌گذاری در تأسیسات و امکانات ورزشی از جمله مفاد این تفاهمنامه است.

یادداشت

فریدون حسن

آخیش لیگ تمام شد

تمام شد؛ ۳۰ هفته فحش، ۳۰ هفته حاشیه، ۳۰ هفته خیمه‌شب‌بازی تمام شد. چه خوب که تمام شد، حالا حداقل می‌توان یک نفس راحت کشید.

پنج‌شنبه شب خیمه‌شب‌بازی لیگ برتر با نمایش‌های مسخره همیشگی آن به اسم فوتبال تمام شد و درست ساعاتی بعد می‌توانستی از تماشای بازی بارسلونا و اسپانیول لذت ببری. شاگردان فلیک تمام آنچه پرسپولیس، استقلال، سپاهان و بقیه به اسم فوتبال به خوردمان داده بودند را شستند و بردند. ولی این سؤال همچنان باقیست که چرا با وجود در دسترس بودن تماشای فوتبال باکیفیت، ما مجبور به دیدن توپ‌بازی عده‌ای هستیم که خودشان را فوتبالیست نامیده‌اند؟ عده‌ای که متأسفانه خودمان آنها را گنده کردیم. حکایت ما با این جماعت مثلاً فوتبالیست حکایت پدری است که اسم پسرش را رستم گذاشت و بعد می‌ترسید صدایش کند. ما این جماعت را بزرگ کردیم و حالا از دیدن فوتبالشان فقط زجر می‌کشیم!

لیگ تمام شد؛ لیگی که هیچ بار فنی ندارد. لیگی که حتی از کشورهای درجه چندم آسیایی هم عقب‌تر است، لیگی که حتماً فحش‌ها و ادبیاتش برای فصل بعد رکیک‌تر از این هم خواهد بود. لیگی که تیم‌های مثلاً بزرگش ابزاری شده‌اند برای تاراج بیت‌المال. لیگی که پرونده‌های فسادش هر روز بیشتر از قبل می‌شود، بدون اینکه قبلی‌ها به سرانجام رسیده باشد.

امانه هنوز تمام نشده، هنوز جام حذفی هست و فرصت برای پنجه کشیدن به روح ورزش باقیست. لیگ تمام شد، ولی افسوس که جماعت سیری‌ناپذیر فوتبال از همین حالا برای فصل بعد آماده می‌شوند. از همین حالا مشغول نشان دادن چنگ و دندان به هم هستند و از همین حالا در حال خرج کردن از جیب مردم. کاش یکی این بنای فساد گرفته را خراب می‌کرد و از نو می‌ساخت. کاش یکی ما را از دست فوتبال نجات می‌داد. لیگ تمام شد، چه خوب که تمام شد و صدحیف که دوباره با همین روند شروع می‌شود.

یک نکته بسیار مهم در مورد لیگ ایران این است که امروز به طور وحشتناکی از بازیکن تهی شده است. لیگ امروز برخلاف لیگ دهه‌های ۵۰ و ۶۰ بازیکن‌ساز نیست. این را ما نمی‌گوییم این نظر تمامی کارشناسانی است که به‌دور از تعصبات رنگی لیگ را تماشا می‌کنند، لیگی که تقریباً تمام تیم‌هایش بازیکن‌سازی را فراموش کرده‌اند و فقط مصرف‌کننده هستند، لیگی که دلال‌ها برایش تعیین تکلیف می‌کنند و حتی بازیکن خارجی باکیفیت به آن راه نمی‌یابد.

در دو دهه‌ای که عنوان شد فوتبال هرچند ساده، ولی سرشار از زیبایی و استعداد و جنب و جوش بود و مثل امروز خبری از این همه پول فسادآور نبود. فوتبال ایرانی بود، فوتبالی که پشتوانه آن فوتبال خیابانی و زمین خاکی‌های جنوب شهرها بود، نه پول بانک‌ها و هلدینگ‌ها و نه بنگاه‌های اقتصادی که تمام سوءمدیریت‌هایشان را پشت فوتبال و تیم‌های بزرگ و کوچک آن پنهان می‌کنند.

و باز هم کاش یکی پیدا می‌شد و ما را از این فوتبال نجات می‌داد. کاش یکی پیدا می‌شد و ما را به همان فوتبال خودمان برمی‌گرداند. کاش فوتبال همان اندازه ساده و ایرانی می‌شد، مثل دهه‌های ۵۰ و ۶۰. کاش می‌شد؛ چقدر خوب که لیگ تمام شد و چقدر بد که دارند برای شروع دوباره‌اش لشکرکشی می‌کنند. کاش یکی نجاتمان می‌داد.

والیبال

باپیاتزا پیش به سوی المپیک ۲۰۲۸

سرمربی ایتالیایی تیم‌ملی والیبال بالاخره به تهران آمد. روبرتو پیاتزا و توماس توتولو پنج‌شنبه شب با استقبال امیر خوش‌خبر و رضا تندروان وارد ایران شدند تا تمرینات تیم‌ملی کشورمان شکل جدی‌تری به خود بگیرد. لیگ ملت‌های ۲۰۲۵ از ۲۱ خردادماه آغاز خواهد شد و والیبالیست‌های کشورمان باید در اولین گام ۲۲ خردادماه به مصاف برزیل بروند. پیاتزا در بدو ورود به ایران برنامه‌های اصلی‌اش را تشریح کرد: «می‌خواهم پروژه جدیدی را با ایران شروع کنم که به رؤیای جدید، یعنی لس‌آنجلس ۲۰۲۸ برسیم. برای دومین بار در طول زندگی‌ام در اینجا هستم؛ بار اول زمانی بود که مراسم معارفه‌ام برگزار شد و حالا هم زمانی است که باید کارم را به صورت جدی آغاز کنم. احساس خیلی خوبی دارم و خیلی خوشحال هستم، چون از قبل می‌خواستم که اینجا باشم و در نهایت به هدفم رسیدم. می‌خواهم با تمام بازیکنان صحبت کنم. جلسه کوچکی داریم تا برخی موارد را درست کنیم و به رؤیای جدید یعنی لس‌آنجلس برسیم.» روبرتو پیاتزا فهرست اولیه و ۳۰ نفره تیم‌ملی را برای حضور در این رقابت‌ها اعلام کرده که براساس مقررات مسابقات هر تیم می‌تواند ۱۸ بازیکن از ۳۰ نفر معرفی شده را هر هفته برای شرکت در این مسابقات انتخاب کند و پیش از آغاز هر مسابقه ۱۴ بازیکن از سوی سرپرست تیم و با سیستم آنلاین مسابقات به کمیته کنترل معرفی می‌شوند. نام جواد کریمی، عرشیا به‌نژاد، علی رمضانی، عمران کوک‌جیلی، ایلشن داوودی‌پور، امین اسماعیل‌نژاد، علی حاجی‌پور، پویا آریاخواه، بردیا سعادت، امیرمحمد گلزاده، پوریا حسین‌خانزاده، مرتضی شریفی، امیرحسین ساداتی، امیرحسین اسفندیار، احسان دانش‌دوست، علی حق‌پرست، امیر پژومان، مبین نصری، علیرضا عبدالحمید، محمد ولی‌زاده، شایان مهرابی، یوسف کاظمی، سیدعیسی ناصری، آرمین قلیچ نیازی، علیرضا مصلح‌آبادی‌فراهانی، متین احمدی، امیرحسن ملاعباسی، آرمان صالحی، محمدرضا حضرت‌پور و مهران توانا در این لیست به چشم می‌خورد.

اقدام به قتل همسر سابق برای گرفتن سرپرستی فرزند

■ آرمین بینا

مردی پس از جدایی از همسرش برای گرفتن سرپرستی فرزندش، طفل را بیهوش کرد و همسر سابقش را با ضربات گلدان تا پای مرگ کشاند، اما پس از نجات معجزه‌آسای آنها دستش رو شد.

چندی قبل ساکنان ساختمانی مسکونی در یکی از خیابان‌های شرقی تهران به مأموران پلیس تلفنی خبر دادند مادر و پسری در حادثه‌ای مرموز به شدت زخمی و در یک قدمی مرگ قرار دارند.

■ **معمای خونین**

با اعلام این خبر، تیمی از مأموران به سرعت به محل حادثه رفتند و داخل حمام یکی از طبقات ساختمان مسکونی با پیکر نیمه‌جان زن جوان و پسر خردسالش روبه‌رو شدند که بیهوش بودند. مأموران در نخستین گام پیکر خونین زن جوان را که با اصابت ضربات جسم سختی به سرش در پرتگاه مرگ قرار گرفته بود همراه پیکر نیمه‌جان فرزندش به بیمارستان منتقل کردند.

بررسی‌ها نشان داد زن جوان مدتی قبل از همسرش جدا شده و همراه فرزند خردسالش در این خانه زندگی می‌کند تا اینکه لحظاتی قبل همسایه‌ها متوجه می‌شوند در خانه همسایه باز و وسایل داخل خانه به‌هم ریخته است. آنها وقتی وارد خانه می‌شوند با صحنه خونینی روبه‌رو می‌شوند و به پلیس خبر می‌دهند. مأموران پلیس در تحقیقات محل حادثه دریافتند گوشی گرانقیمت زن جوان به سرقت رفته است. بنابراین اولین فرضیه‌ای که برای مأموران در این حادثه خونین قوت گرفت سرقت بود، اما در بررسی‌های بعدی مأموران متوجه شدند اموال قیمتی زن جوان و طلاهای او سرقت نشده است، به همین دلیل مأموران به دستور بازپرس شعبه دهم دادسرای ویژه سرقت برای حل معمای حادثه دست به تحقیقات فنی زدند.

■ **نجات معجزه‌آسا**

همزمان با ادامه تحقیقات، زن جوان و پسر خردسالش که در کما به سر می‌بردند پس از گذشت دو هفته از حادثه با تلاش تیم پزشکی به طرز معجزه‌آسایی از مرگ نجات پیدا کردند. زن جوان در توضیح ماجرا گفت: «روز حادثه فرزندم داخل پذیرایی با اسباب‌بازی‌هایش بازی می‌کرد و من هم در اتاق دیگری بودم. احساس کردم در خانه باز و کسی وارد خانه‌ام شد، وقتی از اتاق بیرون آمدم، پسرم بیهوش روی زمین افتاده بود که در همین لحظه ناگهان فردی با گلدان ضربه محکمی به سرم زد، به‌طوری که سرم گیج شد و دیگر چیزی نفهمیدم تا اینکه بعد از دو هفته در بیمارستان به هوش آمدم. الان متوجه شدم مردی وارد خانه‌ام شده و پس از اینکه فرزندم و مرا بیهوش کرده، تلفن همراهم را سرقت کرده است. سارق بعد از خروج در خانه را نمی‌بندد و همین موضوع باعث می‌شود همسایه‌ها وارد خانه‌ام شوند و من و پسرم را از مرگ حتمی نجات دهند.»

■ **دوربین‌های مداربسته**

مأموران پلیس در ادامه بررسی‌ها، فیلم دوربین‌های مداربسته را مورد بازبینی قرار دادند. دوربین‌ها چهره مرد جوانی را ثبت کرده بودند که نقاب به صورت داشت و وارد ساختمان مسکونی می‌شود. مرد نقابدار دقایقی بعد وحشت‌زده از ساختمان بیرون می‌آید و به سرعت فرار می‌کند. چهره به دست آمده از دوربین مداربسته را مأموران در اختیار شاکی و ساکنان ساختمان قرار دادند، اما شاکی و همسایه‌ها نمی‌توانند سارق بی‌رحم را شناسایی کنند. تنها ردی که سارق از خودش بجا گذاشته بود سرقت تلفن همراه شاکی بود که مأموران تحقیقات خود را روی ردیابی تلفن همراه سرقتی متمرکز کردند. تحقیقات برای شناسایی متهم ادامه داشت تا اینکه چند روز قبل مأموران متوجه شدند تلفن همراه سرقتی در دست مرد اتباعی روشن شده است.

مرد اتباع پس از اینکه بازداشت شد در بازجویی‌ها اعلام کرد تلفن همراه را از مردی ایرانی خریده است. مأموران چهره فرضی متهم را بازسازی کردند و مشخص شد سارق بی‌رحم کسی نیست جز شوهر سابق شاکی به نام منصور.

■ **گریم برای قتل**

با شناسایی متهم، مأموران منصور را بازداشت و به اداره پلیس منتقل کردند. سارق در بازجویی‌ها با تناقض‌گویی تلاش کرد مأموران را فریب دهد، اما وقتی با مدارک و دلایل روبه‌رو شد به جرم خود اقرار کرد.

وی گفت: «مدتی قبل با زنی از بستگان نزدیکمان ارتباط دوستانه برقرار کردم و تصمیم گرفتم با او ازدواج کنم، اما همسرم متوجه شد و با هم اختلاف پیدا کردیم. از آن روز به بعد همسرم تصمیم گرفت از من جدا شود و تلاش‌های من برای ادامه زندگی نتیجه‌ای نداد و در نهایت همسرم از من جدا شد. از آنجایی که فرزندم خردسال بود دادگاه حضانت پسرم را به او داد و من هم قبول کردم. اما مدتی بعد پشیمان شدم و تصمیم گرفتم به هر طریقی شده پسرم را پیش خودم بیاورم. من فکر کردم چون حضانت پسرم را به همسرم داده‌ام از نظر قانون دیگر حقی نسبت به فرزندم ندارم. پس از این سعی کردم همسر سابقم را راضی کنم که حضانت پسرم را به من بدهد، اما او قبول نمی‌کرد و می‌گفت من طبق نظر دادگاه صلاحیت نگهداری از فرزندم را ندارم. وقتی تلاش‌هایم نتیجه‌ای نداد نقشه سرقت خونین را طراحی کردم. می‌خواستم همسر سابقم را به قتل برسانم و با صحنه‌سازی سرقت، مأموران را فریب بدهم تا پس از فوت همسر سابقم حضانت فرزندم به من برسد. طبق نقشه ابتدا از روی کلید خانه همسر سابقم کلید یدکی ساختم. روز حادثه برای اینکه شناسایی نشوم گریم کردم و وارد خانه او شدم. پسرم در حال بازی بود که با پارچه‌ای آغشته به مواد بیهوشی او را بیهوش کردم. در گوشه‌ای از اتاق کمین کردم و به محض اینکه همسر سابقم را دیدم با گلدان ضربه‌ای محکم به سرش زدم به امید اینکه به قتل برسد. در ادامه پیکرهای نیمه‌جان آنها را به حمام بردم و گوشی همسر سابقم را سرقت کردم و با صحنه‌سازی سرقت از آنجا فرار کردم. سپس گوشی او را به قیمت ۵ میلیون تومان به مردی افغان فروختم که دستم رو شد. البته فکر نمی‌کردم همسرم جان سالم از این حادثه به‌در ببرد.»

متهم پس از اعتراف برای تحقیقات بیشتر در اختیار مأموران پلیس قرار گرفت.

ناخدای قلابی دختران پولدار را شکار می‌کرد

■ غلامرضا مسکنی

مجرم سابقه‌دار که پس از شناسایی دختران پولدار در اینستاگرام، خودش را ناخدای تیم کشتی معرفی می‌کرد و آنها را با وعده ازدواج فریب می‌داد و از آنها اخاذی می‌کرد پس از گروگان گرفتن یکی از قربانیانش بازداشت شد.

چند روز قبل مرد میانسالی در یکی از خیابان‌های شمالی تهران سراسیمه به اداره پلیس رفت و از ربودن دختر جوانش به نام ملینا و سرقت میلیاردی از خانه‌اش شکایت کرد.

وی در توضیح ماجرا گفت: «امشب خانه یکی از دوستانمان شام دعوت بودیم. من و همسرم و یکی از فرزندانم به میهمانی رفتیم، اما دخترم ملینا گفت درس دارد و در خانه ماند. لحظاتی قبل وقتی پس از چند ساعت از میهمانی برگشتیم با صحنه‌ای عجیب روبه‌رو شدیم؛ وسایل خانه به‌هم ریخته بود و خبری هم از ملینا نبود. هر چقدر دخترم را صدا زدیم، جوابی نشنیدیم تا اینکه فیلم دوربین مداربسته ساختمان را تماشا کردیم و دیدیم مرد جوان نقابداری وارد خانه ما شده و پس از سرقت ۵میلیارد تومان اموال ما، دخترم را به زور ربوده و سوار خودروی پژویی کرده و از محل فرار کرده است.»

■ **ناخدای قلابی**

مأموران در بررسی‌های فنی دریافتند مرد آدم‌ربا برای اینکه شناسایی نشود نقاب به چهره زده و پلاک خودرویش را هم مخدوش کرده است. در بررسی‌های بعدی مشخص شد دختر ربوده شده از مدتی قبل با مرد جوانی که خودش را کاپیتان کشتی معرفی کرده، ارتباط دوستانه داشته و خانواده وی هم از این رابطه باخبر بودند و قرار بود کاپیتان کشتی همراه خانواده‌اش به خواستگاری دخترشان بیاید.

در ادامه تحقیقات، مأموران پلیس متوجه شدند مرد جوانی که خودش را به ملینا کاپیتان کشتی معرفی کرده مجرم سابقه‌داری به نام فرزین است که بارها دستگیر و راهی زندان شده است. از سوی دیگر مأموران در بررسی عکس و فیلم دوربین‌های مداربسته فهمیدند مرد آدم‌ربا از نظر قیافه و هیکل شباهت زیادی با کاپیتان قلابی دارد. بنابراین فرضیه آدم‌ربایی و سرقت ۵ میلیاردی از سوی خواستگار قلابی برای مأموران قوت و فرزین تحت تعقیب قرار گرفت.

■ **پایان آدم‌ربایی ۳ روزه**

با به دست آمدن این اطلاعات، پاتوق و محل‌های رفت و آمد مجرم سابقه‌دار تحت نظر قرار گرفت و مأموران در نهایت سه روز بعد از حادثه، خواستگار شیاد را هنگام فروش اموال سرقتی به دام انداختند. متهم دستگیر شده وقتی به اداره پلیس منتقل شد به جرم سرقت و آدم‌ربایی اعتراف کرد و محل نگهداری دختر ۱۹ساله را در یکی از باغ‌های اطراف تهران به مأموران پلیس نشان داد و مأموران هم دختر ربوده شده را پس از سه روز از مخفیگاه آدم‌ربا نجات دادند. سارق آدم‌ربا در ادامه برای تحقیقات بیشتر و بررسی سرقت‌های احتمالی به دستور بازپرس جنایی در اختیار کارآگاهان پلیس آگاهی قرار گرفت.

گفت‌وگو با متهم

شگرد جدید

فرزین سارق سابقه‌داری است که قبل از این چند باری دستگیر و زندانی شده، اما این‌بار پس از آزادی تصمیم می‌گیرد با شگردی جدید از خانه دختران پولدار سرقت کند.

فرزین قبل از این به چه جرم‌هایی زندان رفته‌ای؟

جرم‌های من سرقت است و همه نوع سرقت انجام داده‌ام، اما شگرد اصلی‌ام سرقت از منازل است و دو، سه باری هم دستگیر شده و به زندان افتاده‌ام.

اما این‌بار علاوه بر سرقت، گروگانگیری هم کردی؟

بله. ملینا دختر مورد علاقه‌ام بود و او را دوست داشتم. می‌خواستم فریبش بدهم و به‌خاطر اینکه پدرش وضع مالی خوبی داشت با او ازدواج کنم، اما وقتی دستم رو شد تصمیم گرفتم از خانه‌شان سرقت کنم که حین سرقت هم مجبور شدم برای اینکه دستم رو نشود او را گروگان بگیرم.

با چه شیوه‌ای می‌خواستی او را فریب بدهی و چه شد که دستت رو شد؟

ما در اینستاگرام با هم آشنا شدیم و وقتی فهمیدم دختر پولداری است خودم را ناخدای کشتی معرفی کردم. تعدادی عکس که با لباس کاپیتانی روی کشتی گرفته بودم برای او فرستادم و ملینا هم فکر کرد من واقعاً کاپیتان هستم و همیشه سفرهای خارجی می‌روم و وضع مالی خوبی دارم. یک سالی ارتباط دوستانه ما ادامه پیدا کرد و در حال فراهم آوردن مقدمات خواستگاری بودم که به صورت اتفاقی از خانه یکی از دوستانش سرقت کردم. ملینا وقتی فیلم دوربین‌های مداربسته خانه دوستش را دیده بود، مرا شناخته بود و بعد با من تماس گرفت و گفت می‌خواهم رابطه‌ام را قطع کنم. او به من گفت دستم رو شده و مرا تهدید کرد اموال دوستش را برگردانم، وگرنه همه چیز را به پلیس می‌گوید.

به‌خاطر همین او را گروگان گرفتی؟

وقتی دیدم دستم رو شده و او دیگر با من ازدواج نمی‌کند، تصمیم گرفتم حداقل از خانه‌شان سرقت کنم. من قبلاً به صورت پنهانی دسته کلید او را برداشته بودم و از روی آن یدک ساخته بودم. با ملینا قرار ملاقات گذاشتم، اما او گفت همراه خانواده‌اش به مسافرت رفته و من هم به خیال اینکه کسی در خانه‌شان نیست برای سرقت وارد خانه آنها و با ملینا روبه‌رو شدم. پس از سرقت به ناچار او را ربودم و گروگان گرفتم. می‌خواستم او را بترسانم و پس از فروش اموال سرقتی از ایران خارج شوم و بعد محل نگهداری ملینا را به خانواده‌اش خبر بدهم.

پس شیوه جدیدت، فریب دختران پولدار بود؟

بله، از این شیوه پول بیشتری گیرم می‌آمد. من در فضای مجازی با دختران پولدار آشنا می‌شدم و خودم را کاپیتان کشتی یا مهندس معرفی می‌کردم و بعد به بهانه ازدواج با آنها ارتباط می‌گرفتم و در فرصتی مناسب کلید خانه‌شان را به دست می‌آوردم و نقشه سرقتم را اجرا می‌کردم.

معتادی؟

بله، گل و شیشه مصرف می‌کنم.

فکر می‌کردی دستگیر شوی؟

نه به این زودی، چون نقاب به صورت داشتم و سعی می‌کردم هیچ سرنخی از خودم به‌جا نگذارم.

حادثه مرگبار برای عکاس ورزشی در پیست اتومبیلرانی

خروج یکی از خودروهای مسابقه‌ای در مسابقه سرعت ایران در پیست آزادی به قیمت جان یکی از عکاسان مطبوعات تمام شد.

عکاس مطبوعاتی که حمیدرضا درجاتی نام داشت روز گذشته در پیست اتومبیلرانی مستقر شد و در حال عکاسی بود که حادثه مرگبار اتفاق افتاد. در جریان حادثه، خودروی پژو ۲۰۶ از مسیر منحرف و تصادف رقم خورد.

کوروش صبوریان، سرپرست فدراسیون موتورسواری و اتومبیلرانی به ایسنا گفت: این عکاس با بی‌احتیاطی کنار پیست رفت و فکرش را هم نمی‌کرد در همان خط استارت، یک خودرو به چپ منحرف و موجب آسیب‌دیدگی شدید این عکاس شود که وی به بیمارستان منتقل شد. وی درباره اینکه چرا موارد ایمنی برای استقرار این عکاس رعایت نشده بود، گفت: عکاسان خبرگزاری‌ها در جای مخصوص خود مستقرند، اما این عکاس از عوامل برگزاری مسابقات بوده و مرتکب این بی‌احتیاطی شده است. او احتمالاً برای اینکه بتواند تصاویر بهتری بگیرد در کنار پیست مستقر شده تا دید بهتری داشته باشد. البته فکر این را هم نمی‌کرده که در همان خط استارت این خودرو منحرف شود. وی افزود: یکی از اتفاقات نادر را در این زمینه شاهد بودیم، چراکه این اتومبیل بلافاصله پس از شروع مسابقه به علت برخورد با یکی دیگر از خودروها به سمت چپ منحرف شد و این حادثه تلخ رخ داد.

همزمان با انتقال این عکاس به بیمارستان تلاش برای نجات جان وی به جریان افتاد و آنگونه که سارا طالبی‌زاده، همسر وی به رسانه‌ها اعلام کرده شدت ضربه به حدی بود که حمیدرضا دچار خونریزی داخلی شد، دنده‌هایش شکست، پاهایش خرد شد، گردنش آسیب دید و ضربه شدیدی به سرش وارد شد. ضمن اینکه ضربان قلبش چندین بار پایین آمد و وضعیتش ناپایدار بود، به‌گونه‌ای که او را مرتب احیا کردند. همزمان از بیمارستان خبر رسید که این عکاس به دلیل شدت جراحت روی تخت بیمارستان فوت شده است.

قتل بر سر اختلاف ملکی

مردی که از یک ماه قبل به اتهام تیراندازی مرگبار تحت تعقیب پلیس شهرستان رودبار قرار داشت، بازداشت شد.

سرهنگ علیرضا حدادی، رئیس پلیس آگاهی گیلان گفت: یک ماه قبل بود که حادثه تیراندازی در یکی از محله‌های شهرستان رودبار اتفاق افتاد. بررسی‌های پلیس در این باره نشان داد مرد ۶۷ ساله با شلیک گلوله اسلحه شکاری هدف قرار گرفته و به دلیل شدت جراحت جانش را از دست داده است. با انتقال جسد به پزشکی قانونی، تحقیقات پلیس به جریان افتاد و معلوم شد حادثه از سوی مردی آشنا رقم خورده است. وقتی مأموران برای بازداشت مرد ۵۰ساله وارد عمل شدند، فهمیدند او از خانه‌اش متواری شده است که مأموران بعد از یک ماه مخفیگاه متهم را در ییلاق شناسایی کردند. دو روز قبل وقتی مأموران برای بازداشت او در محل حاضر شدند، متهم شروع به تیراندازی به سمت پلیس کرد که مأموران او را از ناحیه پا هدف اصابت گلوله قرار دادند و بازداشت کردند و در بازرسی از محل یک قبضه اسلحه شکاری کشف شد. متهم در بازجویی‌ها به قتل اعتراف کرد و گفت به‌خاطر اختلاف ملکی که با مقتول داشته دست به اسلحه برده و حادثه خونین را رقم زده است.

ضارب پرستار گرمساری بازداشت شد

فرمانده انتظامی شهرستان گرمسار گفت: فردی که اقدام به ضرب و جرح یکی از پرستاران بخش آی‌سی‌یو بیمارستان معتمدی گرمسار کرده بود، دستگیر شد.

سرهنگ داود آقازاده گفت: همزمان با ضرب و جرح یکی از پرستاران بخش آی‌سی‌یو بیمارستان معتمدی گرمسار، شناسایی و دستگیری ضارب در دستور کار پلیس قرار گرفت. وی افزود: پلیس با بررسی‌های تخصصی ساعتی بعد از حادثه متهم را شناسایی و دستگیر کرد.

فوت یک روحانی در عملیات نجات کارگران مصدوم

یکی از روحانیون شهرستان رامشیر هنگام نجات کارگرانی که هنگام لایروبی چاه فاضلاب دچار گازگرفتگی شده بودند، فوت شد. در جریان این حادثه، چهار نفر هم مصدوم شدند.

بامداد روز گذشته، سه کارگر شهرداری شهرستان رامشیر استان خوزستان برای لایروبی وارد چاه فاضلاب در مرکز شهر شدند، اما دچار حادثه گازگرفتگی می‌شوند. همزمان با وقوع حادثه، امدادگران در محل حاضر شدند و عملیات امداد برای نجات کارگران به جریان افتاد. موسی سویطی رئیس شورای هیأت مذهبی و حجت‌الاسلام منصوری رئیس اداره تبلیغات اسلامی رامشیر هم که در جریان عملیات امداد حضور داشتند همگی مصدوم و به مرکز درمانی منتقل شدند. تلاش تیم امداد برای درمان مصدومان به جریان افتاد که از بیمارستان خبر رسید سویطی به دلیل شدت مصدومیت فوت شده است.

تصادف آتشین ۲ کامیون در آزادراه قزوین - زنجان

کشنده رنو به دلیل خستگی و خواب‌آلودگی راننده در تصادف با کشنده هوو در آتش سوخت.

سرهنگ محمدحسن خلجی، رئیس پلیس‌راه فرماندهی انتظامی استان زنجان گفت: بامداد پنج‌شنبه ۲۵ اردیبهشت‌ماه، مأموران پلیس‌راه از حادثه رانندگی در آزادراه قزوین - زنجان، محدوده شهرستان خرمدره به فروه باخبر و در محل حاضر شدند. بررسی‌ها نشان داد کشنده رنو در تصادف با کشنده هوو به همراه بار کاملاً در آتش سوخته است. همزمان با حضور امدادگران و مهار آتش، راننده که دچار سوختگی شده بود از محل خارج و به بیمارستان الغدیر ابهر منتقل شد. علت حادثه خواب‌آلودگی راننده کشنده رنو و عدم توجه به جلو گزارش شده است. در این سانحه، کامیون هوو دچار خسارات جانبی شد و کشنده رنو به دلیل شدت سوختگی، بیش از ۶۰ درصد آسیب دید و از رده خارج شد.

اعتراف به قتل پسر دایی

مردی که به اتهام قتل پسردایی‌اش در شهرستان میامی استان سمنان تحت تعقیب قرار داشت، بازداشت شد.

سردار سیدموسی حسینی، فرمانده انتظامی استان سمنان گفت: شامگاه پنج‌شنبه، مأموران پلیس از درگیری خونین در یکی از روستاهای شهرستان میامی باخبر و در محل حاضر شدند. بررسی‌ها نشان داد مردی ۲۵ ساله که با چاقو هدف قرار گرفته و برای درمان به بیمارستان منتقل شده، به دلیل شدت جراحت در بیمارستان فوت کرده است. همچنین مشخص شد عامل قتل پسرعمه ۲۸ ساله مقتول است که تحت تعقیب قرار گرفت و ساعتی بعد بازداشت شد. متهم در بازجویی‌ها به قتل اعتراف کرد و گفت به‌خاطر مشاجره‌ای که بین‌شان اتفاق افتاده دست به چاقو برده و حادثه خونین را رقم زده است. بررسی‌های بیشتر در این باره جریان دارد.

بازداشت سارق با شلیک پلیس

سارق سابقه‌دار هنگام فرار از دست پلیس تهران با شلیک گلوله بازداشت شد.

به گزارش «جوان»، سرهنگ کیانوش نظری، سرکلانتر دهم پلیس پیشگیری پایتخت گفت: دو روز قبل مأموران کلانتری ۱۵۲ خانی‌آباد نو هنگام گشت‌زنی به یک دستگاه خودروی پراید مظنون شدند و راننده را تحت نظر گرفتند. راننده که متوجه حضور پلیس شده بود با فشار روی پدال گاز به سرعت از محل متواری شد و عملیات تعقیب و گریز به جریان افتاد. مأموران در جریان عملیات با شلیک گلوله موفق شدند خودرو را متوقف کنند، اما متهم این‌بار با پای پیاده به فرار ادامه داد که مأموران او را بازداشت کردند. مأموران در بازرسی از خودروی متهم، مقدار زیادی لوازم سرقت شده کشف کردند. بررسی سوابق متهم نیز نشان داد وی از مجرمان سابقه‌دار است که سوابق سرقت و فروش موادمخدر در پرونده‌اش ثبت شده است. تحقیقات برای کشف جرائم متهم جریان دارد.

آگهی فقدان سند مالکیت

آقای مجتبی سقل به موجب شماره درخواست ۱۴۰۳۶۲۶۵۶۱۴۰۰۰۰۶۳ دفتر خانه ۱۰۷ چمستان با ارائه دو برگ استشهادیه که به گواهی دفترخانه اسناد رسمی شماره ۱۰۷- چمستان رسیده اعلام نمود: مستند چاپی - ۹۷۱۳۱۹ سری ه - ۱۴۰۰- به میزان ۴۸۵/۳۲ سهم مشاع از ۶۴۱/۳۲ سهم ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۶۴۱/۳۲ متر مربع تحت پلاک ثبتی ۱۳۳- فرعی از ۲ اصلی بخش ۱۱ ثبت چمستان واقع در روستای کراتکنی به مالکیت مجتبی سقل دارای سابقه ثبت بوده ، اینک سند به شماره چاپی مذکور به علت جابجایی مفقود شده است ، از این رو تقاضای صدور سند المثنی را نمود لذا در اجرای ماده ۱۲۰ اصلاحی آیین نامه قانون ثبت مراتب در یک نوبت آگهی تا چنانچه اشخاصی مدعی انجام معامله می باشند، ظرف ۱۰ روز از تاریخ انتشار آگهی اعتراض خود را همراه اصل سند مالکیت یا سند معامله به اداره ثبت محل ارائه و رسید دریافت نمایند، چنانچه پس از اتمام مدت مقرر اعتراض ارائه نگردد، یا در صورت اعتراض اصل سند مالکیت یا سند معامله ارائه نشود این اداره مطابق مقررات اقدام به صدور سند مالکیت المثنی به نام مالک خواهد نمود.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۲/۲۷
شناسه آگهی: ۱۹۳۱۲۴۷
عین اله تیموری – رییس اداره ثبت اسناد و املاک چمستان

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۰۹/۲۰ و برابر رای ۱۴۰۳۶۰۳۱۰۰۱۳۰۳۲۸۸۸ مورخ ۱۴۰۳/۱۱/۰۵ هیات قانون تعیین تکلیف موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی .....چمستان.. تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضی آقای / خانم بهرام جبه دار ماهر نژاد فرزند جمال نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین با کاربری زراعی به مساحت ۱۳۸/۰۴ متر مربع که مقدار ۹۶ سیر مشاع عرصه وقف می باشد، به شماره پلاک ۳۴ فرعی از ۱۷ اصلی واقع در قریه شاهزاده بخش ۱۱ خریداری شده از آقای و خانم ولی دهقان محرز گردیده است ،لذا به موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ آئین نامه مربوطه این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق این روزنامه و محلی / سراسری در شهرها منتشر و در روستاها رای هیات الصاق تا در صورتیکه اشخاص ذینفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند ،باید از تاریخ انتشار اولین آگهی و در روستاها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند. معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تحویل دهد که در این صورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است و در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض ، گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل را ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت مینماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۲/۱۳
تاریخ انتشار نوبت دوم ۱۴۰۴/۰۲/۲۷
شناسه آگهی: ۱۹۲۳۰۱۲
عین اله تیموری – رییس اداره ثبت اسناد و املاک چمستان

گزارش یک

پینگ‌پنگ پیشنهادها بین تهران و واشینگتن

غریب‌آبادی: توقف در غنی‌سازی پذیرفته نمی‌شود

امریکایی‌ها تأکید دارند که در جریان مذاکرات با ایران، پیشنهادی مکتوب ارائه داده‌اند و با اشاره به این موضوع، تا جایی پیش رفته‌اند که در سطح رسانه‌ها به جزئیات روند تسلیم این پیشنهاد و اقدامات طرف ایرانی پرداخته‌اند. در مقابل، رئیس تیم مذاکره‌کننده ایرانی با اعلام اینکه تهران ایده‌های خود را به صورت مکتوب ارائه داده، تصریح کرد که از طرف مقابل، پیشنهاد مکتوبی دریافت نکرده است. در این بین، معاون حقوقی و بین‌المللی وزیر امور خارجه ایران در واکنش به گزارش گاردین درباره توقف سه‌ساله غنی‌سازی تأکید کرد که غنی‌سازی خط قرمز است و متوقف نخواهد شد.

پس از اعلام آغاز مذاکرات غیرمستقیم میان تهران-واشینگتن، یک پرسش نه در سطوح دیپلماتیک بلکه در اذهان عمومی مطرح بود که در ادامه، نه فقط در رسانه‌ها بلکه در واکنش‌های مقامات رسمی هم نمود پیدا کرد و آن‌هم چیزی نبود غیر از اینکه آیا طرفین پیشنهادی هم برای ارائه به طرف مقابل دارند یا خیر و اگر بله، آیا این پیشنهاد تاکنون به دیگری تسلیم شده است؟ وبگاه آکسیوس به نقل از یک مقام امریکایی که نامش را فاش نکرد، مدعی شد که کشورش در دور چهارم مذاکرات و برای نخستین بار، به ایران پیشنهادی کتبی ارائه کرده است. اطلاعات بیشتر به نقل از این مقام امریکایی و دو منبع دیگر در آکسیوس این‌طور بیان شده که استیو ویتکاف، نماینده ویژه رئیس‌جمهور امریکا در مذاکرات، روز یک‌شنبه در عمان، این پیشنهاد را به ایرانی‌ها داد. آکسیوس در ادامه این را هم اضافه کرد که سید عباس عراقچی، وزیر خارجه و رئیس تیم مذاکره‌کننده ایران، در دور اول مذاکرات، یک سند کتبی حاوی چندین پیشنهاد ایران به ویتکاف داده است. این رسانه امریکایی به نقل از منابع خود اضافه کرد که ویتکاف در دور اول مذاکرات به عراقچی گفته که هنوز برای این کار خیلی زود است و او می‌خواهد ابتدا رابطه‌ای ایجاد کند. با این حال، عراقچی در دور سوم مذاکرات، سندی به‌روز شده را به ویتکاف ارائه داد که دربرگیرنده ایده‌های ایران برای توافق بود. در گزارش آکسیوس آمده است: «تیمی از کارشناسان امریکایی پس از بررسی این سند، فهرستی از پرسش‌ها و درخواست‌ها برای شفاف‌سازی را برای ایرانی‌ها ارسال کردند. دو منبع گفتند که ایرانی‌ها پاسخ دادند و سؤالات خودشان را اضافه کردند.» این رسانه امریکایی با اعلام اینکه ویتکاف و دیگر مقامات [امریکایی] پاسخ‌های متناقضی در مورد اینکه آیا و تا چه حد ایران می‌تواند تحت یک توافق اورانیوم غنی‌سازی کند یا اینکه اصلاً می‌تواند غنی‌سازی کند، داده‌اند. بنابراین مهم است که تیم او موضع ایالات متحده را به صورت کتبی بیان کرده باشد.» نشریه آتلانتیک هم به این موضوع پرداخت و با طرح نقل قولی از ویتکاف درباره ابراز اطمینان از موفقیت‌های امریکا در سوریه، لیبی و حل موضوع آذربایجان و ارمنستان، تصریح کرد: «در نهایت ما به راه‌حلی برای ایران و راه‌حلی برای روسیه و اوکراین می‌رسیم.» عراقچی، روز پنج‌شنبه در حاشیه نمایشگاه کتاب تهران در این مورد موضع‌گیری کرد: «ما در طول مذاکرات ایده‌هایمان را به صورت مکتوب ارائه کردیم. آنها هم گفته‌اند که ارائه خواهند کرد ولی ما هنوز چیزی را به صورت مکتوب دریافت نکردیم.»

■ مواضع متعدد ترامپ درباره ایران

انبوهی از اظهارات درباره تبادل پیشنهاد بین طرف ایرانی و امریکایی در شرایطی مطرح می‌شود که دونالد ترامپ رئیس‌جمهور امریکا هم یک جنگ روانی تمام‌عیار علیه ایران به راه انداخت و از هر فرصتی در جریان سفر به منطقه برای نیل به این مقصود استفاده کرد تا از نتایج آن برای بهره‌برداری در میز مذاکرات استفاده کند. او در جریان برنامه صبحانه کاری با مدیران شرکت‌های بزرگ در دوحه قطر مدعی شد که تهران «به‌نوعی» با اصول توافق موافقت کرده است. خبرگزاری فرانسه نیز به نقل از ترامپ نوشت: «ما در حال انجام مذاکراتی بسیار جدی با ایران درباره صلح بلندمدت هستیم.» رئیس‌جمهور امریکا گفت: «دو رویکرد داریم که یکی بسیار خوب و دیگری خشونت‌آمیز است. من نمی‌خواهم رویکرد دوم را انجام دهم.» ترامپ چهارشنبه شب نیز در ضیافت شامی در کاخ لوسیل قطر با تکرار ادعاهای خود درباره مذاکرات با ایران، توپ را بار دیگر در زمین تهران انداخت و خواستار سرعت بخشیدن به مذاکرات شد و گفت: «آنها باید حرکت کنند.» وی بار دیگر تأکید کرد که هرگز اجازه نخواهد داد ایران به سلاح هسته‌ای دست یابد، در حالی که مقامات جمهوری اسلامی ایران همواره داشتن چنین قصدی را رد کرده‌اند. ترامپ با فاکس‌نیوز هم گفت‌وگویی داشت و گفت که نظام ایران برای تجارت و همکاری با او اعلام آمادگی کرده است و او نیز از روابط تجاری برای برقراری صلح و توافق بهره خواهد برد. نظام ایران با این توافق، بسیار شادمان خواهد شد.

■ غنی‌سازی، وجه‌المصالحه نیست

علی شمخانی در گفت‌وگویی با شبکه خبری ان‌بی‌سی، به این شبکه امریکایی گفت که ایران آماده است با رعایت برخی شرایط، توافق هسته‌ای را با ترامپ امضا کند به شرط آنکه تحریم‌های اقتصادی فوراً لغو شوند. او با طرح این شرط، گفت که ایران متعهد خواهد شد هرگز به‌دنبال ساخت سلاح هسته‌ای نباشد، ذخایر اورانیوم با غنای بالا (که قابلیت تبدیل به سلاح را دارد) را از بین ببرد، تنها اورانیوم را در سطح پایین و برای مصارف غیرنظامی غنی‌سازی کند، و اجازه دهد بازرسان بین‌المللی بر این فرآیند نظارت کنند. در خلال این موضع‌گیری و اظهارات ترامپ، روزنامه گاردین در گزارشی مدعی شد که از ایران خواسته شده تا سه سال غنی‌سازی را کلاً متوقف کند و بعد دوباره غنی‌سازی در حد برجام داشته باشد. کاظم غریب‌آبادی، معاون حقوقی و بین‌المللی وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در شبکه اجتماعی ایکس در پاسخ به پرسشی درباره امکان پذیرش تعلیق غنی‌سازی نوشت: «طرف‌های مذاکره ما به‌خوبی می‌دانند جمهوری اسلامی ایران هیچ‌گاه دستاوردی را که با خون شهدا و هزینه‌های بسیار به دست آورده است، وجه‌المصالحه قرار نخواهد داد! حق غنی‌سازی خط قرمز قطعی ماست! توقفی هم در غنی‌سازی پذیرفته نمی‌شود.»

غریب‌آبادی همچنین، با اشاره به برگزاری نشست ایران و مدیران سیاسی سه کشور اروپایی «فرانسه، آلمان و انگلیس» در محل کنسولگری ایران در استانبول هم نوشت: «دکتر تخت‌روانچی و من میزبان مدیران سیاسی سه کشور اروپایی در استانبول بودیم. ما به تبادل‌نظر و بحث در مورد آخرین وضعیت مذاکرات غیرمستقیم هسته‌ای و لغو تحریم‌ها پرداختیم.» غریب‌آبادی تأکید کرد: ایران و سه کشور اروپایی مصمم به حفظ و استفاده بهینه از دیپلماسی هستند. در صورت لزوم، دوباره برای ادامه گفت‌وگوها دیدار خواهیم کرد.» مدیر سیاسی وزارت خارجه انگلیس هم در تأیید اینکه مدیران سیاسی سه کشور اروپایی روز جمعه در استانبول با معاونان وزیر امور خارجه ایران دیدار کردند، گفت: «ما تعهد خود را به گفت‌وگو درمیان گذاشتیم، از مذاکرات جاری امریکا و ایران استقبال کردیم و با توجه به فوریت موضوع، توافق کردیم که دوباره با هم دیدار کنیم.»

چالش

تردیدهای جدی درباره لغو تحریم

ترامپ تحریم‌های سوریه را برداشت، ساختمان تحریم‌ها پابرجاست

تصمیم دونالد ترامپ برای لغو تحریم‌های سوریه، در حالی با پایکوبی طرفداران ابومحمد الجولانی در دمشق روبه‌رو شده که تردیدها در این باره زیاد است، به‌خصوص که اسرائیلی‌ها نگاه چندان خوش‌بینانه‌ای به آن ندارند. رئیس پیشین ستاد مشترک ارتش رژیم صهیونیستی گفته که دیدار رئیس‌جمهور امریکا با رئیس دولت موقت سوریه، نشانه بدی برای اسرائیل است.

به گزارش «جوان»، دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده، چهارشنبه شب قبل با همتای سوری خود، احمد الشرع، در ریاض دیدار کرد؛ اولین دیدار بین رؤسای دو کشور در ۲۵ سال گذشته که ترامپ به طور غیرمنتظره‌ای اعلام کرد که تمام تحریم‌ها علیه این کشور جنگ‌زده را لغو خواهد کرد و حتی به دنبال عادی‌سازی روابط خواهد بود. بعد از علنی شدن این تصمیم ترامپ، حامیان محمد الجولانی رئیس موقت دولت سوریه برای جشن و پایکوبی شبانه به خیابان‌ها رفتند و بیلبوردهایی با تشکر از ترامپ و ولیعهد عربستان نصب شد. همچنین سخنگوی وزارت خارجه امریکا اعلام کرد که وزرای خارجه امریکا و سوریه پس از «دیدار تاریخی» رهبران دو کشور، در ترکیه با یکدیگر دیدار و گفت‌وگو کردند. بروس افزود: وزیر امور خارجه امریکا بر حمایت واشینگتن از رفع تحریم‌ها برای ایجاد ثبات در سوریه تأکید کرد. سخنگوی وزارت خارجه امریکا اضافه کرد: «روبیو از درخواست‌های دولت سوریه برای صلح با اسرائیل، تلاش‌ها برای پایان دادن به نفوذ ایران در سوریه، تعهد به تعیین سرنوشت شهروندان امریکایی مفقود یا کشته شده در سوریه و نابودی تمام سلاح‌های شیمیایی استقبال کرد.» کاخ سفید در بیانیه‌ای که بعد از اعلام ترامپ منتشر کرده، گفته که لغو تحریم‌ها «یک خیابان یک‌طرفه نیست» و تأکید کرده که ترامپ از الشرع خواسته است در عوض گام‌هایی بردارد، از جمله همکاری در مبارزه با تروریسم و خلاص شدن از شر همه جنگجویان خارجی در سوریه و موافقت با روابط با اسرائیل، موضوعاتی که نشان می‌دهد به رغم اعلام ترامپ، لغو تحریم های سوریه فرایندی دشوار است که حتی امریکا خود، نگاهی محتاطانه به آن دارد. مارکو روبیو، وزیر خارجه امریکا با آگاهی از همین محدودیت‌ها پس از نشست آنتالیا به خبرنگاران گفت: «برای شروع، ترامپ قصد دارد به دنبال معافیت ۱۸۰ روزه از تحریم‌های اعمال شده توسط کنگره باشد و هدف بلندمدت‌تر آن، لغو کامل این محدودیت‌ها است.» روبیو گفت: «در نهایت، اگر به اندازه کافی پیشرفت کنیم، دوست داریم شاهد لغو این قانون باشیم. ما هنوز به آنجا نرسیده‌ایم. این زود است. ما می‌خواهیم با معافیت اولیه شروع کنیم که به شرکای خارجی که می‌خواستند کمک‌های خود را به سوریه سرازیر کنند، اجازه می‌دهد بدون خطر تحریم، این کار را انجام دهند.» کارولین رز، متخصص سوریه و مدیر تحقیقات در مؤسسه نیو لاینز مستقر در واشینگتن به بلومبرگ گفته که ترامپ می‌تواند تحریم‌های صادر شده توسط فرمان اجرایی را لغو کند، اما برخی از آنها، مانند قانون قیصر، برای لغو نیاز به رأی‌گیری در کنگره دارند. او می‌گوید: «مسیر پیش رو با لغو تحریم‌ها طولانی و پیچیده خواهد بود. هنوز تردیدهای زیادی در مورد عادی‌سازی روابط با سوریه و لغو تحریم‌ها وجود دارد، به ویژه در میان اعضای حزب جمهورخواه.» مجد عبار، مدیر اجرایی فناوری اطلاعات سوری-امریکایی مستقر در دبی، که برای لغو تحریم‌ها با مقامات واشینگتن لابی و چندین بار با الشرع دیدار کرده است، می‌گوید: «نگرانی اصلی در جامعه تجاری این بوده است که ما نمی‌خواهیم با دولتی که توسط غرب به عنوان یک دولت تروریستی شناخته شده است، همکاری کنیم.» او تأکید می‌کند: «اکنون که این تحریم‌ها برداشته می‌شوند، همه برای سرمایه‌گذاری در سوریه به میدان می‌آیند. این عملاً یک بوم سفید است، هیچ چیز آنجا نیست.»

مسئله مهم‌تر، روابط متشنج سوریه با اسرائیل است. سوریه از نظر تکنیکی هنوز در جنگ با اسرائیل است. همچنین اسرائیل پس از سرنگونی اسد به سرعت در سوریه مداخله نظامی کرد و مجموعه‌ای از حملات هوایی را به انبارهای اسلحه انجام داد و سرزمین‌های اشغالی خود را در جنوب غربی سوریه گسترش داد. پیش از اعلام ترامپ، بسیاری از اعضای دولت او مانند سباستین گورکا، به شدت با لغو تحریم‌ها یا نحوه برخورد با الجولانی مخالف بودند و او را یک جهادگر متعهد می‌دانستند که نیات واقعی خود را پنهان می‌کند. «گادی آیزنکوت» رئیس پیشین ستاد مشترک ارتش رژیم صهیونیستی گفته است: «دیدار ترامپ با جولانی نشانه بدی برای اسرائیل است، امروز در سوریه رئیسی است که تروریست تلقی می‌شود، یکی از اهداف ما این بود که از موضع قدرت و بهره‌برداری از جایگاه امریکا در منطقه تلاش کنیم. وی در خصوص حماس نیز گفت: پافشاری نتانیاهو برای امضای توافق جزئی با حماس اشتباه بزرگی است که از انگیزه‌های سیاسی نشئت می‌گیرد؛ درگیری با حماس هرگز در نسل کنونی پایان نخواهد یافت و برای مدت طولانی ادامه خواهد داشت و پیروزی کامل، شعاری غیر واقعی است.

گزارش ۲

پهپاد ایرانی ام آرزوست!

ترامپ در همان روز که صدها میلیارد دلار اسلحه به حاشیه‌نشین‌های خلیج فارس فروخت گفت به یک شرکت امریکایی گفتم باید پهپادهای زیادی تولید کند، مثل ایران که آنها پهپادهای خوبی با ۳۵ هزار دلار می‌سازند. آن شرکت دو هفته بعد سراغم آمد و پهپادی آورد که هزینه‌اش ۴۱ میلیون دلار [۱۲۰۰برابر پهپاد ایرانی!] است. به آنها گفتم منظورم این نبود، منظورم پهپادی بود که فوقش ۳۵ هزار دلار باشد، مثل پهپادهای ایران خیلی خوب، سریع، مرگبار و وحشتناک!

به رغم قرارداد تسلیحاتی چندصدمیلیارد دلاری امریکا با اعراب، ترامپ در اظهاراتی کم‌سابقه، به قدرت و دقت بالای پهپادهای ایرانی اذعان کرد و با اشاره به هزینه پایین تولید این پهپادها، آنها را ابزارهایی کارآمد در میدان نبرد خواند؛ اعترافی که ناخواسته کارآمدی فناوری نظامی ایران را در برابر تجهیزات گران‌قیمت غربی برجسته می‌کند.

سفر دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور امریکا به کشورهای عربی خلیج فارس نقطه عطفی در روابط دوجانبه واشینگتن با شیخ‌نشین‌ها بود که ماحصل آن امضای قراردادهای چندتریلیون دلاری بود که سبب شد ترامپ با دست پر منطقه را ترک کند. مهم‌ترین دستاورد این سفر، امضای یک بسته همکاری اقتصادی و نظامی تاریخی بین امریکا و عربستان سعودی بود که به گفته کاخ سفید، ارزش این بسته بیش از ۶۰۰ میلیارد دلار است. امضای قرارداد تسلیحاتی به ارزش ۱۴۲ میلیارد دلار میان دو کشور بخش قابل توجه این توافقات بود که به‌عنوان بزرگ‌ترین قرارداد نظامی تاریخ شناخته می‌شود. برای تجهیز عربستان به فناوری پیشرفته نظامی با سرمایه‌گذاری چندمیلیارد دلاری سعودی‌ها در مراکز داده، هوافضا، مراقبت‌های درمانی و معادن در خاک امریکا همراه شده است. به گزارش الجزیره، این قرارداد پنج حوزه کلیدی را پوشش می‌دهد؛ تقویت توانایی‌های هوایی و فضایی عربستان، سامانه‌های دفاع موشکی، امنیت دریایی و ساحلی، نوسازی نیروهای زمینی و مرزبانی، بهبود سامانه‌های اطلاعاتی و ارتباطی. همچنین این بسته شامل برنامه‌های آموزشی و کمک فنی برای افزایش ظرفیت عملیاتی ارتش سعودی است، از جمله توسعه آکادمی‌های پزشکی نظامی و خدمات درمانی. ترامپ در سخنرانی پس از این اعلامیه گفت: «من هرگز در استفاده از قدرت امریکا برای دفاع از ایالات متحده یا کمک به دفاع از متحدان‌مان تردید نخواهم کرد.» دنیل دپتریس، تحلیلگر سیاست خارجی به بی‌بی‌سی موندو گفت که این توافق چندمیلیارد دلاری جایگاه عربستان را به عنوان یک قدرت نظامی منطقه‌ای تقویت می‌کند.

از سوی دیگر، رئیس‌جمهور امریکا در سخنرانی روز پنج‌شنبه خود در قطر درباره امضای توافقات امنیتی با این کشور نیز گفت: «ما یک قرارداد ۴۲میلیارد دلاری برای تجهیز نیروهای قطر به هواپیما و تجهیزات نظامی، امضا کردیم، ما طی ۱۰ سال آینده ۱۰ تریلیون دلار برای نیروهای مسلح هزینه خواهیم کرد، ما می‌خواهیم یک گنبد طلایی برای حمایت از حریم هوایی خود بسازیم و به زودی هواپیمای جنگی نسل ششم را خواهیم ساخت.» ترامپ دیروز در آخرین ایستگاه سفر منطقه‌ای خود به امارات رفت و در دیدار با مقامات ابوظبی گفت که امارات و ایالات متحده توافق کرده‌اند مسیری را برای این کشور عربی ایجاد کنند تا برخی از پیشرفته‌ترین نیمه هادی‌های اطلاعات هوش مصنوعی را از شرکت‌های امریکایی خریداری کنند. ترامپ همچنین گفت: «ما برای ۱/۴ تریلیون دلار که امارات اعلام کرده است که قصد دارد در ایالات متحده سرمایه‌گذاری کند، اقدامات زیادی انجام می‌دهیم.»

■ پهپادهای ایرانی آرزوی ترامپ

با وجود اینکه امریکا به‌عنوان بزرگ‌ترین قدرت نظامی جهان شناخته می‌شود و قراردادهای کلانی برای فروش تسلیحات پیشرفته با کشورهای عربی امضا کرده اما ترامپ، به قدرت و کارآمدی سلاح‌های ایرانی اذعان کرد. ترامپ در سخنرانی خود در قطر گفت: «به یکی از شرکت‌ها (ی امریکایی) گفتم که پهپادهای زیادی می‌خواهم. در ایران آنها پهپادهای خوبی می‌سازند. آن شرکت دو هفته بعد سراغم آمد و پهپادی آورد که هزینه‌اش ۴۱میلیون دلار است. به آنها گفتم منظورم این نبود، منظورم پهپادی بود که نهایت ۳۵ هزار تا ۴۰هزار دلار باشد، این پهپادها خیلی خوب، سریع، مرگبار و وحشتناک هستند.» این سخنان درحالی بیان شد که واشینگتن همواره تلاش کرده فناوری‌های نظامی ایران را کم‌اهمیت جلوه دهد یا آنها را محصول کپی‌برداری معرفی کند. پهپادهای ایرانی در سال‌های اخیر توانسته‌اند با هزینه‌ای پایین، اما کارایی بالا در جبهه‌های مختلف در منطقه نقش‌آفرینی کنند. کارشناسان نظامی اذعان دارند که ایران با بهره‌گیری از مهندسی معکوس و تولید بومی، به یکی از بازیگران مهم در عرصه پهپادهای تهاجمی و شناسایی تبدیل شده است. این اعتراف نشان می‌دهد که سلاح‌های بومی ایران، به‌ویژه پهپادها، به‌عنوان یکی از مؤثرترین ابزارهای جنگی توانسته‌اند جایگاه خود را حتی در نگاه قدرت‌های بزرگ نظامی تثبیت کنند. اظهارات ترامپ را می‌توان بازتابی از تحولات جدید در عرصه نظامی دانست، جایی که فناوری‌های غیرمتعارف و جنگ ترکیبی، اهمیت بیشتری نسبت به صرفاً خرید تجهیزات گران‌قیمت کلاسیک پیدا کرده‌اند.

چالش

امریکا: مذاکرات روسیه و اوکراین به بن‌بست رسیده است

وزیر خارجه امریکا اعلام کرد که مذاکرات صلح روسیه و اوکراین به بن بست رسیده و تنها راه‌حل عبور از این بن بست، مذاکرات مستقیم بین رؤسای جمهور روسیه و امریکا است.

مذاکرات میان روسیه و اوکراین که با میانجیگری ترکیه در استانبول برگزار شد، تاکنون نتایج ملموسی به همراه نداشته است. با وجود ابراز امیدواری اولیه برخی مقامات، روند مذاکرات به دلیل اختلافات اساسی بر سر موضوعات کلیدی نظیر وضعیت مناطق شرقی اوکراین و امنیت مرزها، به بن‌بست رسیده است. مقامات امریکایی نیز این وضعیت را تأیید کرده و از نبود پیشرفت معنادار در گفت‌وگوها سخن می‌گویند. مارکو روبیو، وزیر خارجه امریکا روز پنج‌شنبه در استانبول پس از آنکه مسکو یک تیم درجه ۲ را برای مذاکرات در ترکیه فرستاد گفت که تنها راه دستیابی به راه‌حل پایان جنگ روسیه در اوکراین از طریق مذاکرات مستقیم بین دونالد ترامپ رئیس‌جمهور امریکا و ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهور روسیه خواهد بود. به گزارش رویترز، روبیو با اینکه روز جمعه برای دیدار با هاکان فیدان، وزیر خارجه ترکیه و یک هیئت اوکراینی به استانبول سفر کرد، اما گفت که انتظارات زیادی از این مذاکرات ندارد. این مقام ارشد امریکایی، وضعیت کنونی مذاکرات برای پایان دادن به جنگ را بن‌بست توصیف و ادعا کرد ترامپ تنها کسی است که می‌تواند آن را بشکند. روبیو در پاسخ به این سؤال که آیا تلاش‌هایی برای دیدار ترامپ و پوتین در جریان است، گفت که ترامپ قرار است پس از پایان سفرش به خاورمیانه تصمیماتی بگیرد. وی در این خصوص گفت: منتظر خواهیم ماند تا سفر او تمام شود و ببینیم فردا چه اتفاقی می‌افتد و سپس این تصمیمات در مورد یک جدول زمانی گرفته خواهد شد. از سوی دیگر، ولودیمیر زلنسکی رئیس‌جمهور اوکراین پس از پیشنهاد پوتین برای مذاکرات به ترکیه سفر کرده بود، اما رئیس‌جمهور روسیه تصمیم گرفت که شخصاً به استانبول سفر نکند. پوتین در عوض یک تیم درجه ۲ از دستیاران و معاونان وزیر را به استانبول اعزام کرد. روبیو در این خصوص گفت که سطح مقامات اعزامی روسیه نشان دهنده پیشرفت نیست، اما گفت که ترامپ مایل است تا زمانی که برای دستیابی به صلح لازم است، به مذاکرات ادامه دهد.

واکنش

تشدید فشارهای بین‌المللی بر رژیم صهیونیستی

نخست‌وزیر اسپانیا: اسرائیل حکومتی نسل‌کش است

وزیر خارجه دست‌راستی ترامپ ادعا کرده که واشینگتن از وضعیت بشردوستانه غزه نگران است، نخست‌وزیر اسپانیا در جلسه پارلمان این کشور اسرائیل را یک حکومت نسل‌کش خوانده و وزیر خارجه فرانسه هم از نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی خواسته که به فراخوان‌های جامعه جهانی درباره اوضاع غزه گوش دهد، ولی نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی با تکرار ادعاهای خود برای تحقق «پیروزی مطلق» علیه حماس در غزه اعلام کرد: وضعیتی وجود نخواهد داشت که در آن جنگ متوقف شود.

مارکو روبیو، وزیر خارجه امریکا روز پنج‌شنبه به خبرنگاران در آنتالیای ترکیه گفت که «امریکا نسبت به رنج مردم غزه بی‌تفاوت نیست» و ادامه داد که «واشینگتن از وضعیت انسانی در غزه نگران است.» این یکی از معدود اظهارنظرهای انتقادی روبیو درباره اوضاع غزه است. منابع پزشکی در نوار غزه می‌گویند که طی ۴۸ ساعت منتهی به دیروز، ۲۵۰ نفر در غزه شهید شده‌اند. مدیر بیمارستان‌های میدانی غزه نیز اعلام کرد که در نتیجه تجاوزهای امروز رژیم صهیونیستی ۱۲۰نفر در غزه مفقود شدند. وی می‌گوید که اوضاع بهداشتی در غزه بسیار دشوار است و اکنون ۶۰درصد از داروها و ۸۰درصد از تجهیزات پزشکی بیمارستان‌های غزه از بین رفته است. تحت چنین اوضاعی، پدرو سانچز، نخست‌وزیر اسپانیا در جلسه پارلمان این کشور در اظهاراتی گفت که اسرائیل یک حکومت نسل‌کش است و ما حق داریم با چنین رژیمی رابطه تجاری نداشته باشیم. به دنبال این اظهارات سانچز، وزارت خارجه رژیم صهیونیستی «آنا سالومون» سفیر اسپانیا را احضار کرده است. پیش از این، امانوئل ماکرون، رئیس‌جمهور فرانسه نیز شامگاه سه‌شنبه به دلیل تداوم جنگ غزه از اسرائیل انتقاد کرده و گفته بود: «آنچه در غزه اتفاق می‌افتد یک فاجعه انسانی غیرقابل قبول و وحشتناک است که باید متوقف شود.» به گزارش خبرگزاری فرانسه، وی تأکید کرده بود «باید به اسرائیل فشار وارد شود و صحبت از بازنگری در توافقنامه‌های مشارکت بین آن و اتحادیه اروپا منطقی است.» همچنین ژان نوئل بارو، وزیر خارجه فرانسه روز جمعه در انتقادی صریح از نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی اظهار داشت: بنیامین نتانیاهو باید به فراخوان‌های جامعه بین‌المللی در خصوص اوضاع غزه گوش فرا دهد. وی تأکید کرد: ما در حال تلاش برای یافتن راه‌حل درباره بحران انسانی در غزه هستیم. این در حالی است که نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی، اعلام کرد: مأموریت ما تمام نشده است و ما به اقدامات خود با قاطعیت و قدرت هرچه تمام‌تر ادامه می‌دهیم تا تمامی اسیران به خانه‌های‌شان بازگردند. وی با تکرار ادعاهای خود مبنی بر امکان شکست حماس از طریق قدرت نظامی، افزود: ما طی روزهای آتی با قدرت هرچه تمام‌تر به منظور تکمیل شکست حماس وارد غزه خواهیم شد.

اخبار کوتاه

■ یمن: فرودگاه بن‌گوریون را هدف قرار دادیم

سخنگوی نیروهای مسلح یمن از هدف قرار دادن فرودگاه بن‌گوریون رژیم صهیونیستی خبر داد. به گزارش المسیره، سرتیپ «یحیی سریع» اعلام کرد که نیروهای مسلح یمن یک عملیات نظامی را علیه فرودگاه «اللد» که در سرزمین‌های اشغالی فلسطین با نام «بن‌گوریون» شناخته می‌شود، انجام داد. وی افزود: این عملیات با یک موشک بالستیک مافوق صوت علیه فرودگاه یاد شده در منطقه «یافا» انجام شد که به لطف خدا با موفقیت به هدف اصابت کرد. سخنگوی نیروهای مسلح یمن گفت: «این عملیات باعث فرار میلیون‌ها صهیونیست اشغالگر به پناهگاه‌ها و توقف پروازهای فرودگاه بن‌گوریون در حدود یک ساعت شد.» وی با بیان اینکه «با توجه به تحولات و محاصره طاقت‌فرسای غزه، همراه با همه آزادگان امت اسلام مسئولیت دینی، اخلاقی و انسانی بزرگی داریم»، افزود: «ما با هدف توقف تجاوز رژیم صهیونیستی و لغو محاصره غزه برای تقویت و گسترش اقدامات نظامی تلاش می‌کنیم.» یحیی سریع گفت: «عملیات نیروهای مسلح یمن برای اعمال منطقه پرواز ممنوع بر فراز فرودگاه اللد (بن‌گوریون) و ممنوعیت تردد کشتی‌های رژیم صهیونیستی تا زمان تحقق هدف ادامه خواهد یافت.»

■ ۲ مقام امریکایی: خلیج فارس، «عربی» نمی‌شود

«خلیج فارس در نقشه‌های ایالات متحده، خلیج فارس باقی خواهد ماند.» این را یک مقام ارشد کاخ سفید و یک منبع آگاه امریکایی به شبکه ان‌بی‌سی‌نیوز گفتند. به گفته آنها، کاخ سفید دیگر در حال بررسی تغییر نام خلیج فارس نیست. منبع آگاه امریکایی خبر داد که ایده تغییر نام برای تطابق آن با نام مورد استفاده چندین کشور عربی حوزه خلیج فارس و نام مورد استفاده پنتاگون مورد بحث قرار گرفته بود، اما «هرگز به طور جدی مطرح نشد.» ان‌بی‌سی‌نیوز در گزارش خود به حساسیت بالای مردم ایران درباره خلیج فارس اشاره کرد و نوشت: «بحث تغییر نام و سپس کنار گذاشتن آن، در بحبوحه تلاش‌های حساس برای پیشبرد مذاکرات هسته‌ای با ایران مطرح می‌شود.» رسانه امریکایی افزود: «وقتی گزارش‌هایی منتشر شد مبنی بر اینکه ایالات متحده در حال بررسی عبور از نام خلیج فارس است، رهبران ایران مخالفت خود را با صدای بلند علنی کردند.»

■ بازداشت یک صهیونیست به ادعای همکاری با ایران

رژیم صهیونیستی روز جمعه از بازداشت یک فرد به اتهام همکاری با جمهوری اسلامی ایران خبر داد. به گزارش ایسنا، سرویس امنیت داخلی رژیم صهیونیستی (شاباک) مدعی شد که یک صهیونیست را به دلیل همکاری با ایران بازداشت کرده است. طبق این گزارش، فرد بازداشت‌شده متهم است اقداماتی را به نفع ایران انجام داده و اطلاعاتی را که ممکن است امنیت رژیم صهیونیستی را به خطر بیندازد، منتقل کرده است.

■ جزئیات اجرایی شدن توافقنامه تجارت آزاد ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا

وزیر تجارت کمیسیون اقتصادی اوراسیا در گفت‌وگویی با ارائه جزئیاتی از اجرایی شدن توافقنامه تجارت آزاد میان ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا خبر داد. به گزارش آرمن‌پرس، کمیسیون اقتصادی اوراسیا اعلام کرد که توافقنامه تجارت آزاد بین اتحادیه اقتصادی اوراسیا و ایران به اجرا درآمده است. این توافق مسیر افزایش تجارت در بخش‌های مختلف را هموار می‌کند. اتحادیه اقتصادی اوراسیا شامل کشورهای ارمنستان، بلاروس، روسیه، قزاقستان و قرقیزستان است. آندری اسلپنف، وزیر تجارت کمیسیون اقتصادی اوراسیا به این رسانه گفت: «در چارچوب اجرای کامل این توافقنامه، طرفین اکنون کار سازماندهی اولین نشست کمیته مشترک را آغاز کرده‌اند که قرار است در نیمه دوم سال ۲۰۲۵ برگزار شود.» این توافقنامه جامع جایگزین توافق موقتی شده است که از سال ۲۰۱۹ تاکنون اجرا می‌شد.

■ روبیو: کشورهای ناتو با اختصاص ۵درصد هزینه دفاعی موافقت خواهند کرد

وزیر امور خارجه امریکا گفت که تا اجلاس ناتو در ماه ژوئن ۲۰۲۵، همه کشورهای عضو این ائتلاف نظامی بر سر هدف اختصاص معادل ۵ درصد از تولید ناخالص داخلی به امور دفاعی در طول دهه آینده به توافق خواهند رسید. مارکو روبیو در گفت‌وگو با شبکه فاکس نیوز گفت: ما شش هفته دیگر به اجلاسی خواهیم رفت که در آن تقریباً هر عضو ناتو ۲درصد هزینه دفاعی یا بالاتر از آن خواهند داشت، اما مهم‌تر از آن، بسیاری از آنها به بیش از ۴درصد هزینه نظامی خواهند رسید و همه بر سر هدف ۸ درصد هزینه در طول دهه آینده توافق خواهند کرد.

روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران

صاحب امتیاز: پیام‌آوران نشر روز
مدیر مسئول: محمدجواد اخوان
سردبیر: غلامرضا صادقیان
آدرس: تهران، خیابان بیهقی
کوچه شهید اکبر زجاجی (چهاردهم غربی)، پلاک ۱۲
سازمان آگهی‌ها: ۸۸۵۴۵۴۸۸
روابط عمومی: ۸۸۵۲۳۰۶۰- فکس: ۸۸۴۹۸۴۶۶
توزیع: مؤسسه نشرگستر امروز نوین ۸۸۷۳۰۹۴۲
چاپ: همشهری
Public@JavanOnline.ir

| روزنامه جوان | شماره ۷۳۰۶ | شنبه ۲۷ اردیبهشت ۱۴۰۴ | ۱۹ ذی‌القعده ۱۴۴۶ | اذان ظهر: ۱۲:۰۱ |
غروب آفتاب: ۱۹:۰۴ | اذان مغرب: ۱۹:۲۴ | نیمه‌شب شرعی: ۲۳:۱۱ | اذان صبح فردا: ۰۳:۱۸ | طلوع آفتاب فردا: ۰۴:۵۷ |

دیده‌بان

مستند «ابراهیم» روایتی متفاوت از ۳ سال مسئولیت شهید رئیسی

به مناسبت نخستین سالگرد شهادت آیت‌الله سید ابراهیم رئیسی، شبکه ۲ سیما مستند تلویزیونی ویژه‌ای با عنوان «ابراهیم» را روانه آنتن می‌کند.

به گزارش جوان از روابط عمومی شبکه ۲، مجموعه مستند «ابراهیم» که شنبه ۲۷ اردیبهشت حوالی ساعت ۲۱ از شبکه ۲ پخش می‌شود، روایتی متفاوت و کمتر شنیده‌شده از سه سال مسئولیت و خدمت آیت‌الله شهید رئیسی در جایگاه ریاست‌جمهوری است. در این برنامه، پنج مقطع کلیدی و تأثیرگذار از دوران مسئولیت ایشان با حضور وزرا، اعضای هیئت دولت و معاونان رئیس‌جمهور بازخوانی می‌شود. روایت‌هایی از نزدیک‌ترین افراد به وی که جزئیاتی نو و ناشنیده از شخصیت، تصمیم‌ها و عملکرد وی را به تصویر می‌کشد. مستند «ابراهیم» تلاشی است برای بازتاب وجوهی کمتر دیده‌شده از مردی که در کسوت ریاست‌جمهوری، بر مسیر تحول‌خواهی و عدالت‌محوری پای فشرد و تا واپسین لحظه‌های حیات، در خدمت مردم ماند. مستند «ابراهیم» در جایگاه اثری متفاوت و تأثیرگذار، تلاش دارد با نگاهی از درون دولت، ابعاد ناگفته‌ای از اندیشه و منش مدیریتی آیت‌الله رئیسی را به تصویر بکشد.

حسن اسدی:

غالب کارهای کمدی هجو و هزل است

بازیگر سینما، تئاتر و تلویزیون معتقد است که غالب کارهای سینمایی که با عنوان کمدی ساخته می‌شود، هجو و هزل است.

حسن اسدی بازیگر سینما، تئاتر و تلویزیون اظهار داشت: تولید یک کار کمدی که بخواهد کاری باشد که بشود با همه اعضای خانواده دید؛ یعنی با همه سنین مختلف بتوانی کار را ببینی، کار پیچیده‌ای است اما در دسترس‌ترین کارها همین طنزهایی است که وجود دارد و بسیار طنز سطح پایین و دم‌دستی است. او ادامه داد: تولید کمدی خوب، کار دشوار و سختی است. اما یکسری از کارهای کمدی که ساخته می‌شود غالبا کارهای هجو و هزل است. اسدی درباره نقش فیلمنامه در کارهای کمدی هم گفت: فیلمنامه بدون شک حرف اول را می‌زند. باید پایه درست باشد و بعد بر اساس یک پایه درست، شما نمای کار را به اشکال مختلف بتوانید بچینید. درست است که بداهه‌پردازی در کار طنز اهمیت دارد اما همه چیز باید در چارچوب ساختمان کلی که برای آن طراحی شده، انجام شود. وی درباره نقش بازیگر در ارائه یک کار خوب در صورتی که پرداخت خوبی ندارد نیز گفت: این تاثیرگذاری بسیار زیاد است. برخی از بازیگران، اساسا طنازِ هستند. شما ممکن است یک دیالوگ را به پنج بازیگر بدهید و به پنج شکل مختلف اجرا کنند اما در این میان فقط یکی است که خیلی طناز و بانمک است.

تخفیف بازدید از «موزه‌های دفینه» در هفته میراث فرهنگی

مدیرعامل گروه موزه‌های دفینه، برنامه‌های این گروه موزه‌ای را در هفته موزه و میراث فرهنگی اعلام کرد و گفت: بازدید از تمامی این موزه‌ها در روز ۲۸ اردیبهشت با ۵۰ درصد تخفیف انجام می‌گیرد.

به گزارش جوان از موزه‌های دفینه، حمیدرضا سلیمانی در این باره گفت: هر ساله این گروه موزه‌ای برنامه‌های متعددی را طی هفته موزه و میراث فرهنگی برگزار می‌کند. در کنار برگزاری این برنامه‌ها، بلیت بازدید از موزه‌های این گروه در روز موزه و میراث فرهنگی نیم بها خواهد بود. سلیمانی جدول رویدادهای این گروه موزه‌ای را بدین شرح اعلام کرد: اثری از هنر فردیناند بول روز شنبه ۲۷ اردیبهشت ماه از ساعت ۲۱ تا ۲۳ رونمایی خواهد شد که در این برنامه رضا افهمی دانشیار پژوهش هنر دانشگاه تربیت مدرس یک نشست علمی نیز برگزار می‌کند. در روز یک‌شنبه ۲۸ اردیبهشت نیز از ساعت ۱۰ تا ۱۸ در گالری پردیس موزه‌ای دفینه کارگاه‌های نگارگری ایرانی، خوشنویسی و کتابت، هنرهای صناعی و مرمت سفال توسط غلامرضا راهپیما، محمد مهدی شیرینکار، شهرزاد سلطانیان، ندا سالور و رها علییور برگزار می‌شود. در تقویم رویدادهای هفته موزه و میراث فرهنگی موزه هنر ایران (کاخ مرمر) هم برنامه‌های متعددی را گنجانده است. نشست شاهنامه خوانی با سخنرانی فریدون جنیدی در روز ۳۰ اردیبهشت ماه از ساعت ۱۱ تا ۱۳ برگزار می‌شود که در آن داستان رستم و اسفندیار در نگاره موجود در تالار نگارین موزه هنر ایران بررسی خواهد شد.

موسیقی

امروز پرونده سی و ششمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب بسته می‌شود

از افتتاح نخستین فلوشیپ نشر تهران تا حضور سفرای کشورهای خارجی

رضا دهشیری | جوان

احمد جوان

سی و ششمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران از روز چهارشنبه ۱۷ اردیبهشت در حالی کار خود را آغاز کرد که میهمان ویژه‌ای از کشور عراق داشت و طی ۱۱ روز فعالیت میزبان شخصیت‌های برجسته‌ای مختلف بود.

روز گذشته مسعود پزشکیان رئیس‌جمهور به نمایشگاه کتاب آمد و از غرفه‌های مختلف ناشران بازدید کرد و با آنها به گفت‌وگو پرداخت. در جریان این بازدید، او وعده‌هایی برای حل مشکل کمبود کاغذ در صنعت نشر ارائه داد.

دکتر پزشکیان ضمن ورق زدن برخی از کتاب‌های تاریخی، دینی، دیوان اشعار، غزلیات، زندگی‌نامه فرماندهان دفاع مقدس، شاهنامه، رمان، آثار حوزه علوم انسانی و کتاب‌های فلسفی، با ابراز خرسندی نسبت به تنوع محتوایی آثار عرضه شده، بر اهمیت به‌روز بودن محتوای کتاب‌ها تأکید کرد.

رئیس‌جمهور با اشاره به اینکه کتاب‌ها باید بر اساس مسائل و نیاز روز جامعه نوشته شوند، تصریح کرد: تنها در این صورت است که می‌توان از کتاب به‌عنوان ابزاری مؤثر برای ارتقا و بهبود وضعیت فرهنگی و اجتماعی بهره برد.

روز پنج‌شنبه نیز محمدرضا عارف معاون اول رئیس‌جمهور به نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران آمد و بر اهتمام دولت برای تسهیل واردات کاغذ، تأکید کرد. عارف ضمن حضور در نمایشگاه کتاب با ناشران نیز به گفت‌وگو پرداخت.

معاون اول رئیس‌جمهور درباره گفت‌وگو با ناشران بیان کرد: متأسفانه بعضی از مشکلات مسائل از جمله قیمت (بالای) کاغذ هنوز پابرجاست، سؤالی که از غرفه‌ها داشتم نشان می‌داد که این موضوع امکان خرید را مقداری برای جوانان و دانشجویان کمتر کرده است. لازم است که برای این مسئله چاره‌اندیشی شود.

عارف ادامه داد: در مجموع گزارشی که ارائه شده این را نشان می‌دهد که استقبال و روند خرید هم خوب بوده ولی باید روند بهتر شود. بخشی از این موضوع متوجه مسئولان است. ما سعی کنیم امکانات بیشتری را برای خرید نخبگان و دانشجویان و دانشگاهیان فراهم کنیم. بخشی هم متوجه اساتید و محققان و بزرگان است که آثار جدید خودشان را عرضه کنند.

مهم‌ترین اتفاق این دوره به افتتاح نخستین فلوشیپ نشر تهران برمی‌گردد. این رویداد با حضور ۳۱ میهمان خارجی از ۲۰ کشور، در رواق غربی مصلای تهران افتتاح شد

حضور سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه، نیز یکی از اتفاقات مهم نمایشگاه کتاب بود. تقویت بخش بین‌الملل نمایشگاه کتاب، یکی از دغدغه‌های رسانه‌ها به حساب می‌آید. عراقچی با ابراز خرسندی از اینکه در نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، به بعد بین‌المللی آن توجه شده و از ناشران خارجی نیز دعوت می‌شود، افزود: امیدوار هستم، سال آینده این بعد بیشتر تقویت شود.

وزیر امور خارجه در ادامه بیان کرد: کتاب در تبادل فرهنگی می‌تواند نقش مهمی را ایفا و به شناخت بیشتر کشورها از یکدیگر کمک کند. اگر وظیفه اصلی دیپلماسی فرهنگی این باشد که کشورها از طریق فرهنگ، به تفاهم و شناخت بهتری از هم برسند که به کاهش تنش‌ها و درگیری‌ها کمک کند، ابزار متعددی در این زمینه مانند کتاب، فیلم، سینما و موسیقی نقش دارند اما کتاب، نقش مهم‌تری دارد و راحت‌تر ارزش‌های فرهنگی را منتقل می‌کند.

افتتاح فلوشیپ نشر تهران

در سی و ششمین نمایشگاه کتاب تهران، اتفاقات مهمی رقم خورد که بر صنعت نشر کشور تاثیر خواهد گذاشت. مهم‌ترین اتفاق این دوره به افتتاح نخستین فلوشیپ نشر تهران برمی‌گردد. این رویداد با حضور ۳۱ میهمان خارجی از ۲۰ کشور افتتاح شد.

رئیس سی‌وششمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران با ابراز امیدواری از اینکه تجربه‌های انباشته با هم و در کنار هم به ترجمه آثار بینجامد، افزود: انتخاب حوزه کودک برای نخستین فلوشیپ هوشمندانه است، زیرا کودکان اگر با کتاب آشنا شوند، تعامل در ذهن آنها جای می‌گیرد.

علیرضا نورزی‌زاده مدیر کل دفتر مجامع و تشکل‌های فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی گفت: قراردادهای فلوشیپ تا این لحظه به ۱۴۸ قرارداد رسیده و این تعداد همچنان رو به افزایش است.

حضور مهمانان خارجی

امسال نمایشگاه کتاب میهمان‌های زیادی از حوزه‌های مختلف را به خود دید. سفیر عربستان، عبدالله بن سعود العنزی، یکی از میهمانان نمایشگاه سی‌وششم بود. سفیر عربستان در دیدار با جوادی با ابراز امیدواری گفت که در نمایشگاه آینده، عربستان بتواند به عنوان میهمان ویژه در این نمایشگاه کتاب تهران حضور داشته باشد. همچنین سفیر عربستان در غرفه مرکز ساماندهی ترجمه و نشر معارف اسلامی و علوم انسانی بر تمرکز این سازمان بر تقویت روابط فرهنگی بین دو کشور تأکید کرد.

سفیر عربستان درباره نمایشگاه کتاب تهران چنین گفت: بسیار خوشحالم که در این رویداد فرهنگی مهم حضور یافتم و از نزدیک با فعالیت‌های گسترده فرهنگی ایران آشنا شدم. سال گذشته نیز از نمایشگاه بازدید کردم و علاقه مردم ایران به کتاب و مطالعه برای من تحسین‌برانگیز بود.

وی با اشاره به لزوم دوری از اختلافات و تأکید بر مشترکات به‌ویژه در عرصه فرهنگی، گفت: روابط میان دو کشور در مسیر مثبتی قرار دارد و امیدواریم همکاری‌های فرهنگی میان وزارت فرهنگ عربستان و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ایران روزبه‌روز توسعه یابد.

سعد عبدالله سعد آل محمود الشریف، سفیر قطر نیز یکی از میهمانان ویژه نمایشگاه کتاب امسال بود. سفیر قطر در جریان بازدیدش از نمایشگاه کتاب به ظرفیت بالای ایران در برگزاری نمایشگاه کتاب و چاپ و تولید آثار فرهنگی به‌ویژه چاپ و نشر اشاره کرد و گفت: ما تمایل داریم که در عرصه چاپ و نشر آثار با ایران همکاری ویژه‌ای داشته باشیم. بیش از ۳۰۰ هزار کتاب آماده چاپ با همکاری ایران و ناشران این کشور وجود دارد که ظرفیت خوبی برای همکاری است. ما از دیرباز روابط فرهنگی و سیاسی خوبی با ایران داریم، اما روابط بین دو کشور نباید محدود به مسائل سیاسی و ارتباطات محدود باشد، بلکه باید به همکاری گسترده در این زمینه برسیم.

سفیر قطر در ادامه تأکید کرد: نمایشگاه کتاب دوحه هم از نمایشگاه‌های خوب در حوزه کتاب و چاپ است که نمایندگان ایران هم در آن شرکت می‌کنند. البته انتظار داریم حضور ناشران و نویسندگان ایرانی در این نمایشگاه بیشتر شود. همچنین دفتر امور ایثارگران وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در این دوره از نمایشگاه کتاب تهران با برپایی غرفه خانه فرهنگ ایثار و مهربانی، حضوری فعال و الهام بخش داشت. این حضور با هدف احیای فرهنگ ایثارگری متناسب با نیازهای امروز جامعه و با تأکید بر ترویج گفتمان مهربانی، همدلی و مسئولیت پذیری اجتماعی طراحی و اجرا شد.

حکمت

امیرالمؤمنین امام علی علیه‌السلام:

هیچ یک از شما جز به پروردگار خود امید نبندد و جز از گناه خود نترسد.

نهج البلاغه: ح ۸۲، ص ۱۱۲۳

نما | حسین کشتکار

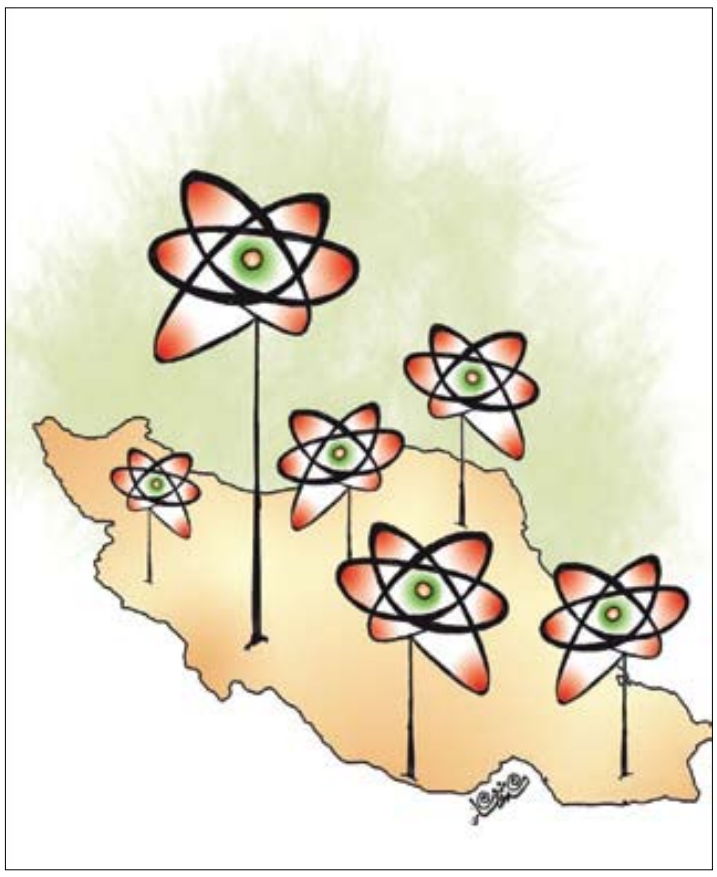

دریچه

عوامل سریال «سووشون» کارت پستال امضا کردند!

حمله منتقدان به آبیار و طباطبایی و انتشارات خوارزمی بر مبنای پوستری صورت گرفت که روی آن عنوان «جشن امضای کتاب» درج شده بود اما کتابی در کار نبود!

برگزاری نشستی با موضوع اقتباس ادبی با حضور عوامل سریال «سووشون» در غرفه انتشارات خوارزمی در نمایشگاه کتاب با انتقادات تندی همراه شد، بررسی ویدئوهای منتشر شده نشان می‌دهد که در این مراسم صرفاً تعدادی کارت پستال و نه کتاب سیمین دانشور امضا شده است.

به گزارش جوان، برخی به اشتباه مدعی شدند که عوامل سریال سووشون در غرفه انتشارات خوارزمی این کتاب نوشته سیمین دانشور را امضا زده و این اقدام را سوءاستفاده ناشر کتاب و عوامل سریال از شهرت و اعتبار سیمین دانشور دانستند. آنها معتقد بودند کسی جز سیمین دانشور که صاحب اثر است حق ندارد بر این کتاب امضا بزند. اما واقعیت ماجرا این بود که نرگس آبیار و بهنوش طباطبایی صرفاً تعدادی کارت پستال از پیش طراحی‌شده را امضا کردند و مراسمی با عنوان «جشن امضای کتاب» در کار نبود.

نشست «ادبیات در قاب تصویر» روز پنج‌شنبه ۲۵ اردیبهشت به انگیزه ساخت سریال سووشون اثر نرگس آبیار با اقتباس از رمان سووشون اثر سیمین دانشور در سرای اهل قلم سی‌وششمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب برگزار شد، در این نشست نرگس آبیار، کارگردان سریال سووشون، بهنوش طباطبایی بازیگر نقش «زری»، شیوا مقانلو و علی‌اصغر عزتی پاک، نویسنده و محمدرضا مقدسیان، منتقد حضور داشتند. در ادامه مراسم دیگری نیز داخل غرفه انتشارات خوارزمی برگزار شد.

اسدالله امرایی، مترجم و روزنامه‌نگار مطرح در واکنش به مراسم برگزار شده این متن را در صفحه مجازی خود منتشر کرد: «روزی حکیم انوری در بازار بلخ می‌گذشت. هنگامه‌ای دید، پیش رفت و سری در میان کرد. مردی دید که ایستاده و قصاید انوری به نام خود می‌خواند و مردم او را تحسین می‌کردند. انوری پیش رفت و گفت: «ای مرد! این اشعار کیست که می‌خوانی؟» گفت: «اشعار انوری.» گفت: «تو انوری را می‌شناسی؟» گفت: «چه می‌گویی؟ انوری منم.» انوری بخندید و گفت: «شعر دزد شنیده بودم، اما شاعر دزد ندیده بودم. فقط حیف که سیمین دانشور نیست این هنگامه را ببیند. حیف سیمین دانشور، حیف انتشارات خوارزمی»

بر خلاف ادعای اسدالله امرایی ویدئوهایی منتشر شده در فضای مجازی نشان می‌دهد که نرگس آبیار و بهنوش طباطبایی مشغول امضای چند کارت پستال هستند. در انتهای کتاب پاکتی قرار گرفته و تعدادی کارت پستال از تصویر بازیگران نقش‌های مهم سریال در کتاب تعبیه شده است. حتی چندین نفر درخواست امضای خود کتاب را دارند که کارگردان و بازیگر سریال حاضر به امضا نمی‌شوند.

در واقع حضور عوامل سریال در غرفه انتشارات خوارزمی نه به عنوان مؤلف یا صاحب امضای کتاب، بلکه به عنوان بخشی از یک تلاش هنری برای گرامیداشت ادبی زنده‌یاد سیمین دانشور بوده است.

همچنین گفته شد که طرح جلد کتاب تغییر کرده است. ولی آنچه تغییر کرده نوار دور جلد کتاب است. نوار دور جلدی که الهام گرفته از تصاویر سریال است و با این طراحی کتاب سووشون لباس تازه‌ای به تن کرده است.

حمله منتقدان به آبیار و طباطبایی و انتشارات خوارزمی بر مبنای پوستری صورت گرفت که روی آن عنوان «جشن امضای کتاب» درج شده بود. حالا مشخص شده که آن پوستر از سمت ناشر منتشر نشده و ناشی از بدسلیقگی تعدادی از عوامل سریال بوده. پوستری که پس از تذکر ناشر از صفحات مجازی حذف شد.

آبیار در اقتباسی از رمان سووشون نوشته سیمین دانشور روایتگر زندگی گروهی از افراد است که گرفتار جهل، خیانت، حمله بیگانه و فقر هستند. این سریال اقتباسی آزاد از رمان سووشون است که داستان زندگی زری را به تصویر می‌کشد و داستان از جایی آغاز می‌شود که همسر زری به دست انگلیسی‌ها کشته می‌شود و حالا او به دنبال پیدا کردن قاتل و رسوا کردن آن است.

سینما

مدیرکل دفتر موسیقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی خبر داد

تشکیل کارگروه تخصصی موسیقی کودک در وزارت فرهنگ

مدیرکل دفتر موسیقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با اشاره به وضعیت تولیدات فرهنگی کودک در کشور گفت: این حوزه فقیر است و توجه کافی به آن نمی‌شود، دفتر موسیقی در نظر دارد کارگروهی تخصصی در این حوزه تشکیل دهد و باید عقب‌ماندگی‌های موجود تا حدی جبران شود.

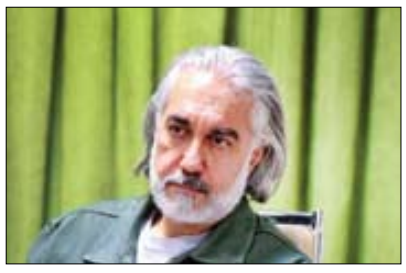

به گزارش جوان از روابط عمومی نمایشگاه موسیقی کودک و نوجوان، بابک رضایی در جریان بازدید از این نمایشگاه اظهار داشت: نخستین نمایشگاه موسیقی و آثار شنیداری تهران سال ۱۳۸۶ از سوی انجمن موسیقی و با حمایت دفتر موسیقی در مرکز آفرینش‌های فرهنگی، هنری کانون پرورش فکری کودکان برگزار شد. وی گفت: در آن سال، ظرفیت‌های حوزه موسیقی برای نخستین بار به نمایش گذاشته شد و در سال‌های بعد نیز تلاش‌هایی از سوی دیگر فعالان صورت گرفت، نمایشگاه موسیقی کودک و نوجوان در حال حاضر بار دیگر فرصتی مهم برای تمرکز بر این ظرفیت بزرگ فراهم کرده است. رضایی افزود: صنعت موسیقی باید موقعیت و شرایط خود را در جامعه به نمایش بگذارد و به گونه‌ای عمل کند که سرمایه‌گذاران و بنگاه‌های اقتصادی متوجه شوند در دل این صنعت چه گردش مالی عظیمی می‌تواند شکل گیرد.

مدیرکل دفتر موسیقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بیان کرد: قطعاً حمایت بخش خصوصی و سرمایه‌گذاران می‌توانند باعث رونق صنعت موسیقی در کشور شوند و این موضوع از جمله برنامه‌هایی است که از آغاز مسئولیت خود در دفتر موسیقی به آن فکر کرده‌ام.

وی با ابراز خرسندی از اینکه امروز شاهد برگزاری این رویداد با حضور بخش خصوصی و صنف موسیقی است، گفت: امیدوارم در برگزاری دومین نمایشگاه موسیقی و آثار شنیداری تهران، بتوان حمایت‌های گسترده‌تری را با برنامه‌ریزی علمی و تکنیکی جلب کرد.

رضایی افزود: تلاش خواهد شد تا نمایشگاه بعدی گسترده‌تر برگزار شود و همه ابعاد موسیقی را با هماهنگی سایر نهادها و در زمانی مناسب دربرگیرد تا بار دیگر ظرفیت غنی و پویای موسیقی ایران به نمایش گذاشته شود. این ظرفیت می‌تواند با توجه بیشتر، رونق اقتصادی برای فعالان صنف و حوزه موسیقی به همراه داشته باشد. مدیرکل دفتر موسیقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با اشاره به وضعیت تولیدات فرهنگی کودک در کشور اظهار داشت: این حوزه واقعاً فقیر است و توجه کافی به آن نمی‌شود، دفتر موسیقی در نظر دارد کارگروهی تخصصی تشکیل دهد تا به همه ابعاد این مسئله، چه در نمایشگاه آینده و چه در سایر برنامه‌ریزی‌های پیش رو برای موسیقی کودک توجه شود. وظیفه دفتر موسیقی توجه جدی و علمی به این عرصه است و باید عقب‌ماندگی‌های موجود تا حدی جبران شود.

رضایی تأکید کرد: ظرفیت بسیار زیاد است، امکانات نیز فراهم است و اگر این هم‌افزایی با یک مدیریت هدفمند همراه شود، می‌توان به خروجی و تولیداتی رسید که کودکان و نوجوانان کشور از آن بهره‌مند شوند.

سومین نشست پژوهشی نمایشگاه موسیقی کودک و نوجوان نیز با حضور امیر احمد جوادی آهنگساز و کارشناس موسیقی کودک و مدرس دانشگاه برگزار شد. جوادی در این نشست با اشاره به تجربیات خود در عرصه موسیقی کودک گفت: سال‌هاست که در حوزه کودک با رویکردی میان‌رشته‌ای فعالیت می‌کنم و تلاش دارم میان موسیقی، هنر و خلاقیت پیوند برقرار کنم. وی با بیان اینکه صرفاً نواختن‌سازی مانند بلز یا فلوت کافی نیست، چراکه موسیقی فقط تکنیک نیست، توضیح داد: در آغاز این مسیر خانواده‌ها باید آگاه شوند و همزمان به تربیت مربیان متخصص کودک توجه شود، حوزه‌ای که در آن با کمبود مواجه هستیم.

جوادی افزود: فردی که قرار است موسیقی کودک تدریس کند، باید تحصیلات دانشگاهی مرتبط داشته باشد و در کنار آن تجربه عملی نیز کسب کند. اکنون در خیلی از آموزشگاه‌ها، اجراها صرفاً به بازی‌های ریتمیک محدود می‌شوند، بدون آنکه مربی شناخت درستی از ریتم، ویژگی‌های شنیداری و درک موسیقایی داشته باشد. چنین فردی نمی‌تواند انتقال‌دهنده خوبی باشد. آموزش مستقیم در موسیقی کودک نباید در اولویت باشد بلکه باید فرآیند آموزش غیرمستقیم و مبتنی بر تجربه باشد. لازم است در این حوزه زنجیره‌ای منسجم ایجاد شود تا فعالیت‌ها پراکنده نباشند.

این آهنگساز خاطر نشان کرد: نخستین قدم، پرورش مربیان زبده کودک است، به نظرم باید رشته‌ای دانشگاهی با سرفصل‌های مشخص برای این موضوع تعریف شود، چراکه کلاس‌های کوتاه‌مدت کنونی کفایت نمی‌کنند و معلوم نیست مربیان تا چه حد در حوزه کودک تجربه دارند.

نشان عالی «خورشید» در دستان محمد تهامی‌نژاد

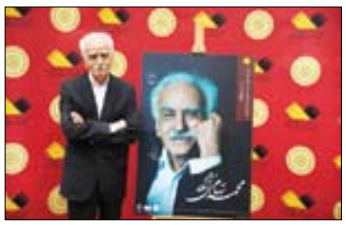

نشان عالی «خورشید» به محمد تهامی‌نژاد مستندساز و پژوهشگر با سابقه اهدا شد.

به گزارش جوان، پنجمین دوره مراسم اهدای نشان عالی خورشید در موزه سینما برگزار شد. در ابتدای این مراسم مرتضی رزاق کریمی رئیس هیئت امنای نشان عالی خورشید در سخنانی گفت: امروز در بزرگداشت مردی گرد هم آمده‌ایم که نه‌تنها از پیشگامان و بزرگان سینمای مستند است، بلکه از نظریه‌پردازان ژرف‌اندیش و شریف‌ترین چهره‌هایی است که سینمای ایران تاکنون به خود دیده است. وی یادآور شد: انجمن صنفی تهیه‌کنندگان سینمای مستند ایران، برای یادآوری گوهر مستندسازی و ستایش پیشگامان این مسیر، نشان عالی خورشید را بنیان نهاده است تا با اهدای آن، اهمیت تابش نور بر زوایای پنهان اسناد زیستن را یادآور شود. رزاق کریمی افزود: محمد تهامی‌نژاد، بیش از نیم‌قرن از عمر خود را بی‌وقفه صرف مستندسازی، پژوهش و آموزش کرده است؛ مسیری پرفرازونشیب، اما همواره استوار، مستقل و متعهد. تلاش‌های خستگی‌ناپذیر او در ثبت، حفظ و بازخوانی حافظه تاریخی این سرزمین، نه‌فقط میراثی برای امروز، بلکه چراغ راهی برای نسل‌های آینده فیلم‌سازان و پژوهشگران است. او به‌عنوان پژوهشگر و نویسنده، آثاری مرجع را نگاشته و ترجمه کرده که بی‌اغراق، بخشی مهم از بنیان دانش نظری سینمای مستند ایران را شکل داده‌اند؛ منابعی که همچنان دستمایه آموزش، پژوهش و الهام‌بخش نسل‌های تازه‌اند. رئیس هیئت امنای نشان عالی خورشید با بیان اینکه نگاه انتقادی، وفاداری به حقیقت و روحیه معلمی در سراسر آثار و کنش‌های حرفه‌ای وی جاری است، تأکید کرد: تهامی‌نژاد فقط یک مستندساز یا نظریه‌پرداز نیست. وی نماد اخلاق حرفه‌ای و شرافت انسانی است. در تمام سال‌های همکاری فرهنگی و صنفی، استاد تهامی‌نژاد نمونه روشن این شرافت در عمل بوده است؛ بی‌دروغ، بی‌تزویر، بی‌خودنمایی. استاد عزیز، شما تجسم شریف بودن، معلم بودن و انسان بودن هستید. به ما آموختید که مستند، نه‌فقط دوربین، بلکه وجدان است؛ نه‌فقط روایت، بلکه حافظه است. در ادامه این مراسم تهامی نژاد نیز روی صحنه آمد و در سخنانی گفت: احساس می‌کنم شباهتی بین سینما و زمان هست، هر دو مثل یک طومار باز می‌شوند اما برای من، از دیشب این طومار انگار منجمد شده بود. هیچ حرکتی نمی‌کرد. انگار در یک زمان متوقف شده بودم. نمی‌دانستم امروز چه می‌شود. آیا به امروز می‌رسم؟ نمی‌دانستم. ولی به هر صورت، این زمان متوقف است، مثل همان زمان سینما، که در طومار خودش چرخید و چرخید و چرخید تا به بالا رسید. این مراسم، درست در شصتمین سال ورود من به مدرسه عالی روزنامه‌نگاری و پنجاه‌وهشتمین سال پس از نخستین پژوهش من درباره سینمای ایران برگزار می‌شود.